

نشریه

# تدارک حزب انقلابی



شماره

فروردین ۱۳۹۶

نشانی تارنما:

<http://nashriye.com/>

تماس:

[Pishnahad1393@gmail.com](mailto:Pishnahad1393@gmail.com)

فهرست مطالب

شماره عنوان صفحه

پیام ها و بیانیه ها

۵	جمع قدم اول	پیام نورزوی	۱
۶	کمیته حمایت از شاهرخ زمانی	از مبارزات کارگران و مردم ترکیه دفاع کنیم.	۲
۸	سندیکای نقاشان البرز	ما کارگران خواهان ۴۱۵۰۰۰۰ تومان و دستمزد ماهانه هستیم	۳
۱۱	دانشجویان	بیانیه مشترک شورای صنفی دانشجویان کشور بمناسبت ...	۴
۱۳	کمیته حمایت از شاهرخ زمانی	کمیته حمایت از شاهرخ زمانی همراه مردم اهواز است	۵
۱۴	کمیته حمایت از شاهرخ زمانی	دستگیری سعید یوزی فعال کارگری	۶
۱۵	جعفر ابراهیمی	حداقل دستمزد حلقه اتحاد نیروهای کار	۷
۱۷	گزارش	اعتصاب غذایی حمید رحمتی در حمایت از اسماعیل عبدی	۸
۱۸	جمعی از زندانیان	فراخوان فعالین کارگری در بند بمناسبت روز کارگر	۹
۲۲	جمعی از تشکل ها	پیام به رفقای کارگر شرکت ملی نفت	۱۰
۲۴	گزارش	اعتصاب خودروهای زیاله بر تبریز و ...	۱۱
۲۵	محمود صالحی	کارگران، تشکلهای کارگری ، ...	۱۲
۲۷	سعید شیر زاد	سعید شیر زاد اصغر فرهادی را اخته سیاسی هنری خواند	۱۳
۲۸	تشکل ها	بیانیه مشترک کارگران خباز سنندج و مریوان	۱۴
۳۰	اتحادیه آزاد	بیانیه اتحادیه آزاد کارگری ایران ...	۱۵

اعتراضات

۳۳	گزارش	اعتراض کارگران کاشی نیلو ادامه دارد.	۱۶
۳۵	گزارش	اعتصاب کارگران آلومینیوم المهدی هرمزآل	۱۷
۳۶	گزارش	اعتراض کارگران پارسیلون	۱۸
۳۸	گزارش	اعتراض کارگران جایگاه های سوخت	۱۹
۳۹	گزارش	باز هم اعتراضات کارگران پارسیلون ...	۲۰
۴۰	گزارش	و اما هپکو	۲۱

شماره	عنوان	صفحه
۲۲	کارگران پتروشیمی - ایرانخودرو - مخابرات	۴۳
۲۳	تجمع باز نشستگان فرهنگی	۴۴
۲۴	کارگران پالایشگاه ستاره - جاده رامیان	۴۶
۲۵	کارگران سیمان خاکستری نی ریز - پست های فشار قوی	۴۷
۲۶	کارگران سراب بافت	۵۰
۲۷	کارگران معدن البرز شرقی	۵۱
۲۸	فهرستی از اعتراضات یک روز	۵۲
۲۹	اتحادیه های کارگری در غیاب نمایندگان واقعی	۵۳
۳۰	مرگ ۴ کارگر - روغن نباتی قو - نیشکر میان آب	۵۶
۳۱	کارگران چوفا - کارگران شرکتی مخابرات	۵۷
۳۲	کارگران شرکت واحد	۵۸
۳۳	ما با تک کارت فرهنگیان مخالفیم	۶۰
۳۴	خانواده مصطفی کریم بیگی سکوت را شکستند	۶۱
۳۵	گزارشی از اهواز	۶۲

## نمونه های از جنایات جمهوری اسلامی

۳۶	گزارش تکان دهنده	۶۳
۳۷	برخی اشکال بی خانمانی در ایران	۶۴
۳۸	سند دیگری از فامیل بازی و تخلفات باند قالیباف	۶۷
۳۹	سهم مساجد و حوزه های علمیه از بودجه تهران	۶۹
۴۰	بودجه اختصاصی به ورودی های راهیان نور	۷۱
۴۱	یکی دیگر از کلاهبرداری های حکومت اسلامی	۷۳
۴۲	نشانی از تصمیم برای تغییر حقوق فرهنگیان نیست	۷۴
۴۳	طرح عجیب اصلاح طلبان	۷۵
۴۴	موضع گیری ریا کارانه دکتر حسینعلی شهبازی	۷۶
۴۵	پاسخی به یک فراخوان	۷۷
۴۶	نگاه مصور به حکومت جنایت کار جمهوری اسلامی	۷۹

## سازمان یابی و سازماندهی

۴۷	از ساخته شدن فدیوراسری کارگری حمایت کنیم	۸۶
۴۸	پیش نویس برنامه عملی ایجاد شورای موسس ...	۹۲
۴۹	در شرایط مبارزات سیاسی	۹۷

شماره	عنوان	صفحه
۵۰	کمونیسم به زبان ساده	۱۰۱
۵۱	وظایف کمونیست ها در جنبش کارگری (تراب ثالث)	۱۰۴

## بحث و تبادل نظر تئوریک

۵۲	دین داری رو بزوال است	۱۱۰
۵۳	باز کردن کلاف سر در گم به دست کارگران آگاه	۱۱۱
۵۴	امپریالیسم به آخر خط نزدیک می شود	۱۱۴
۵۵	بر خورد عرفانی یا دیالکتیک ماتریالیستی	۱۲۰
۵۶	ماهیت انقلاب ۵۷ سوسیالیستی بود!!!	۱۲۳

## خاطرات مستند

۵۷	نه به کالایی و تجاری شدن آموزش	۱۳۰
۵۸	من از خیاطی بدم میاد	۱۳۱
۵۹	ما مرز نشینان بیکار داغ دیده ایم	۱۳۳
۶۰	جای خالی پدر	۱۳۶
۶۱	پول حلال	۱۳۷

## شعر

۶۲	نامشان کولبر است	۱۳۸
۶۳	دو قطعه شعر	۱۳۹
۶۴	ای درد بی درمان ما	۱۳۹
۶۵	در نقشه ایران	۱۴۰
۶۶	اول می، روز، رزم است.	۱۴۱
۶۷	در ستایش کمونیزم	۱۴۳

# پیام ها و بیانیه ها

## نوروزتان پیروز نوروزتان پیروز

مردم شریف ایران، کارگران و زحمتکشان

با امید به آینده ای درخشان و طراوت بهاران در اندیشه ورزم، خجسته نوروز را به شما عزیزان تبریک می گوئیم و امید آن داریم همچون طبیعت، هر آنچه پژمرده و کهنه است را به دور ریخته و برای برپائی مناسبات انسانی عاری از هرگونه ستم و استثمار، چالش فراگیرتری را همسو با مبارزات خستگی ناپذیر شما که در صحنه اصلی می باشید جهت سرنگونی نظام سرمایه داری حاکم به پیش بریم.

سالی که گذشت نمونه دیگری از مقاومت و مبارزه توده های کار و زحمت علیه ظلم و جور نظام سرمایه داری بود. در مقابل شقاوت قرون وسطایی و حيله و تزویرمذهبی دولت «تدبیر و امید» جمهوری اسلامی که سرآمد آن ایجاد یا عدم کنترل گرانی و تورم، دزدی و اختلاس و رشوه خواری و رانتخواری سران و آقازاده ها و حقوق و پاداش های نجومی مدیران که روند فقیر تر شدن اکثریت عظیم و ثروتمند شدن مشتی کوچک سرمایه دار را فزونی بخشید؛ اعتراضات اوج بیشتری گرفت و مبارزات بی امان زنان، جوانان، پرستاران، معلمین و در رأس آنان کارگران بی هراس از مرگ، شکنجه و زندان ادامه یافت.

تغییر وضعیت کنونی با وجود حاکمیتی که اینبار «مقام معظم رهبری» اش برای سال نو با شعار «اقتصاد مقاومتی» جهت «رفع بیکاری، مقابله با رکود و گرانی» میدان آمده و بدین اعتبار علیرغم تأیید و تعیین سبد هزینه که بیش از دوبرابر حقوق و دستمزدهای جاری است، استثمارشوندگان را به «اقدام و عمل» در پیام نوروزی خود دعوت می کند، ممکن نیست. حاکمیتی که با وقاحت تمام هم چنان به سفره های خالی کارگران و زحمتکشان هجوم برده و در دو اقدام آخرین خود با تصویب ۲۴میلیون تومان دستمزد مدیران و تعیین ۹۳۰ هزار تومان دستمزد برای کارگران به مبارزات کارگران، معلمان، بازنشستگان و ... که امید آن میرفت با مبارزات متشکل تر و متحد تر نظام استبدادی حاکم را به عقب راند دهن کجی می کند و با حيله ای جدید مبنی بر «تهدیدات دشمنان و دشمنی آنها» با «برجام» که گویا قرار بود تغییری جهت بهبود وضع معیشتی مردم باشد (حال آنکه منافع گروهبندی های دولتی را در مد نظر داشته و نه منافع اکثریت زحمتکش را) و لذا ناکامی آن، با ایجاد ترس و وحشت مردم را به ادامه ریاضت کشی «برای جلوگیری از آسیب پذیری» فرا خوانده و زنان دلیر و مبارز را به «تبعیت و پیرو و مطیع رهبر» دعوت می نماید تا بدین سان «همدلی و همزبانی ملت و دولت» فراهم آید.

رهایی از بی عدالتی های ناشی از نظام سرمایه داری حاکم و حامیان امپریالیستی آن در گرو نابودی نظام مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و مبادله و استثمار انسان از انسان می باشد که جایی برای حقه های اندرزگونه با وعده و پاداشهای بهشتی و یا مجازات دوزخی باقی نمی گذارد. از این رو سالی سخت تر و پُر مبارزه ای را در پیش رو داریم.

از آنجا که قدرت ما در تشکل یابی و وحدت در مبارزه ای سراسری علیه استثمارگران می باشد، راهی جز تشدید بازهم بیشتر مبارزات برای متشکل شدن با سمت و سوی همبستگی طبقاتی نیست. ما در جمع قدم اول با سرمشق قرار دادن آموزش های زنده یاد شاهرخ زمانی و الهام از روحیه عالی فعالین کارگری در زندان های جمهوری اسلامی چون بهنام ابراهیم زاده: «من بهای وفاداری به مردم و کارگران را با زندگی ام خواهم داد.... مردم عزیز از شما می خواهم ایمان داشت باشید که آینده از آن ماست» در تحقق ایجاد حزب انقلابی کارگری - کمونیستی، ایجاد فدراسیون سراسری کارگران و اتحاد وسیع کلیه ستمدیدگان جامعه کنونی ایران که حاضرند تحت رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی پیشرو آن در انقلاب شرکت کنند به سهم خود می کوشیم این پرچم راستین را برافراشته تر سازیم. با آرزوی سلامتی و موفقیت های پُرشکوه مبارزاتی در سال نو، نوروز را تبریک گفته و دستهای دردمند شما را به گرمی می فشاریم.

جمع قدم اول ( تدارک حزب انقلابی طبقه کارگر)

۳۰ اسفند ۱۳۹۵

از مبارزه کارگران و مردم ترکیه دفاع کنیم!!!



کارگران، انقلابیون و مردم مبارز ایران:

همان گونه که اطلاع دارید سرمایه داری ترکیه در پیوند جدید خود با ارتجاع اسلامی به نمایندگی اردوغان بخشی از سرمایه داری متحد شده با صف ارتجاعی اسلامی در منطقه که سالهاست در کنار جناحی از سرمایه داری جهانی و بخشی از امپریالیست ها در مقابل جناح دیگر از سرمایه داری و بخش های دیگری از امپریالیست منطقه را در آتش و خون قرار داده و هر روز به کشتار و استثمار طبقه کارگر و مردم و تخریب های بیشتر شهر ها و کشور و تخریب های بیشتر زیر ساخت های زندگی انسان دامن می زند. در جهت افزایش شدت استثمار و سرکوب و حاکمیت هر چه بیشتر ارتجاعی سرمایه داری اسلامی در ترکیه و به دنبال آن شدت بخشیدن به حزکت های ارتجاعی در منطقه حکومت اردوغان در صدد است روز 16 آپریل 2017 رفراندم ارتجاعی که شباهت بسیار زیادی به رفراندم 12 فروردین 1358 جمهوری اسلامی ایران دارد، برگزار کند. امروز همه ما وظیفه داریم هر چقدر که می توانیم به رفقا و مردم مبارز ترکیه که در مقابل سرمایه داری ارتجاعی اسلامی ترکیه به نمایندگی اردوغان ایستاده و نه می گویند کمک کنیم و از این طریق ضمن برقراری پیوند بیشتر با انقلابیون ترکیه به حمایت از صف مبارزان انقلابی منطقه بر خیزم. ما در کمیته حمایت از شاهرخ زمانی ضمن محکوم کردن حرکت های سرکوبگرانه و رفراندم ارتجاعی در ترکیه همراه با رفقا و مردم مبارز ترکیه به ترفند ها و نقشه های ارتجاعی و سرکوبگرانه اردوغان «نه» «hayir» می گوئیم. و در این راستا از تشکلهای، فعالین داخل و احزاب، سازمانها و محافل انقلابی می خواهیم قبل از 16 آپریل 2017 به جهت مخالفت با ارتجاع در منطقه و ترکیه دست به فعالیت های اعتراضی مانند تظاهرات های خیابانی، نشست های نقد و بررسی و آگاهی رسانی ... و در صورت امکان تجمع های اعتراضی در مقابل سفارت خانه های ترکیه به جهت حمایت و دفاع و اعلام همبستگی با انقلابیون ترکیه سازماندهی نمایند.

ما هم به اردوغان و تمامی مرتجعین می گوئیم hayir

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

1396/1/9

,Dear comrades

As you already know Turkey is having a hard time in terms of political oppression. After the Erdoğan has been pushing for a reactionary change of the ,۲۰۱۶ July ۱۵ military coup attempt in whole political system. Along with mounting state repression, with thousands of people imprisoned, hundreds of thousands fired, mass demonstrations banned, etc., he seeks to establish a presidential .political system in place of the existing parliamentary one

The proposed (“imposed” would be more appropriate) constitutional amendment brings a presidential system with enormous executive powers granted to the president, with practically no checks and balances. This would be a totalitarian one-man regime. Erdoğan managed to get the parliament pass the bill for a referendum for this constitutional amendment. The date of referendum April and all opposition forces, despite heavy repression, work for a NO vote. We are fighting ۱۶ is .for that among workers too

Public polls so far show that the number of yes and no votes are roughly equal. This is very disturbing for Erdogan and his clique. So they stage every kind of plots, in an effort especially to trigger a nationalist hysteria. State forces and thugs organised by the government party AKP (sided by the traditional fascist party, MHP, so-called “grey-wolves”) attack meetings hold by opposition .forces

In our work we raise the issue of referendum in factories and working class neighbourhoods wherever we are able to do that under existing repression. We also organise meetings with workers in our local offices in an effort to raise consciousness of workers about the dangers of such a regime change. As part of our work we produced a song about this issue. As we put the song on the internet it is quickly embraced and shared by a large audience. This is very encouraging for us. And we thought it would be useful to let you know about the song and its video. We translated the lyrics of it and made a version addressed to foreign audience, though the translation is a bit rough with inevitably reduced poetical taste compared to its original language. In any case, it gives quite files/hayir-klip.mp۳/a good sense of the lyrics. Here is the link:<http://uidder.org/sites/uid۶>

We hope you will enjoy it and let fellow workers and other people around you know it. One of the possibilities could be to share and distribute it through social media channels. (UID-DER's (facebook address: [facebook.com/uidder.org](https://www.facebook.com/uidder.org)

t&۲=type?/۱۰۰۹۹۴۱۳۹۲۴۷۲۸۰۶/۶۱۲۹۶۳۳۹۸۸۳۷۲۷۶.<https://www.facebook.com/uidder.org/videos/vbheater>

بیانیه سندیکای نقاشان استان البرز

## ما کارگران خواهان ۴۱۵۰۰۰۰ تومان دستمزد ماهانه هستیم!!!

روز سوم اسفند، نخستین جلسه شورای عالی کار جمهوری اسلامی با موضوع بررسی مزد ۹۶ برگزار شد. تعیین مزد را به آخرین روزهای سال موکول کردند که کارگران را تا تعطیلات در انتظار بگذارند و پروسه تعطیلات نوروزی را سپری، در مقابل اعتراضات قرار دهند. این تصمیم شورای عالی کار نشان می دهد که مانند سال های قبل می خواهند مبلغ ناچیزی را به ۸۱۲ هزار تومان بیافزایند، اما چون امسال زمینه اعتراضات کارگری و همچنین اعتراضات عملی کارگران، معلمان، پرستاران و بازنشستگان بیشتر از سالهای گذشته شده است و همچنین به دلیل شرایط اعتراضی عموم مردم، مانند مردم خوزستان و سیل زدگان و ... و شرایط جهانی برای کارفرمایان و دولتشان حساس تر از همیشه است، کارفرمایان و دولت مردان جمهوری اسلامی به شورای عالی کار دستور دادند، اعلام دستمزد ها را به پایان سال موکول کند و شورای عالی کار با موکول کردن اعلام مبلغ مشخص شده به پایان سال مجبور شده است نقاب از چهره بر دارد و واضح و شفاف نشان بدهد که نماینده دولت و کارفرمایان و دشمن کارگران است. با توجه به عملکرد گذشته این شورا و ترفند موکول کردن اعلام دستمزد های ۹۶ به پایان سال، امید وار بودن به این شورا و کشاندن کارگران به دنبال آن خواسته یا نا خواسته به بیراهه کشاندن و فریب کارگران است. ما کارگران نباید فریب بخوریم و امید به این عوامل وابسته به کارفرمایان داشته باشیم، ما کارگران هر چه بیشتر متحدانه دست به اعتراض بزنیم، بیشتر می توانیم به مطالبات خود مانند افزایش دستمزد ها، دست بیابیم.

آمار سازی دروغین در رابطه با نرخ تورم توسط نهاد های کارفرمایی دولت و تعیین دستمزد های بسیار پایین تر از تورم واقعی توسط شورای عالی کار، و همچنین تحمیل قوانین و طرح های سه جانبه گرایی که در واقع صد در صد یک جانبه گرایی است (یک جانب آن نماینده کارفرما هست، جانب دیگر نماینده دولت که خود دولت نماینده کارفرماها است و جانب سوم نماینده دست نشانده از طرف دولت به عنوان نماینده کارگران که هر سه نماینده کارفرمایان محسوب می گردند.) و تغییر مداوم قانون کار به زیان کارگران، همگی اعمال سیاسی (مانند موکول کردن اعلام دستمزد ۹۶ به پایان سال) و در جهت افزایش سود کارفرمایان و کاهش هر چه بیشتر ارزش دستمزد کارگران و زحمتکشان است، برای مقابله با چنین ترفند و فریب های سیاسی اولاً «ن باید دنباله رو شورای عالی کار باشیم، دوماً باید سه جانبه گرایی را رد کنیم، سو ما» به شکل متحدانه اعتراضات را برنامه ریزی کرده و هر روز افزایش بدهیم، چهارماً» به فکر تحمیل قانون کار مورد نظر کارگران که توسط نمایندگان واقعی کارگران و تشکل های مستقل کارگری نوشته شده باشد، به کار فرمایان باشیم، تنها در این صورت می توانیم کارفرمایان را مجبور کنیم تن به افزایش دستمزد ها به میزان مورد نیاز ما بدهند. کارگران، معلمان و زحمتکشان و فعالین و تشکل های کارگری باید هشیار باشیم، تشکل های دست ساز کارفرمایان که سالهاست در نقش شوراها ی اسلامی کار، خانه کارگر و عواملی از این دست مشغول سرکوب کارگران به اشکال مختلف بودند، امروزها به دلیل فشار های زیاد داخلی و خارجی به کارفرمایان و دولتشان تلاش می کنند برای کنترل اعتراضات خود را بیشتر کارگری و حتی تغییر یافته در صف مخالف کارفرمایان نشان بدهند. ما خواهان افزایش دستمزد ها طبق قوانین جمهوری اسلامی به مبلغ ۴۱۵۰۰۰۰ تومان برای سال ۱۳۹۶ هستیم، با توجه به اینکه قانون





حق داریم که خودمان در مورد میزان حداقل دستمزدمان تصمیم بگیریم و شورای عالی کار ما کارگران را نمایندگی نمیکنند. حرف ما اینست که دستمزدمان باید حداقل برابر همان رقم سبد هزینه اعلام شده یعنی ۴۱۵۰۰۰۰ تومان باشد. در عین حال بیمه درمانی و تحصیل رایگان حق همه ما مردم است. ما داشتن یک زندگی انسانی را حق مسلم خود میدانیم. چرا باید عوامل و مدیران عالیرتبه دولتی از حقوقی ها و پاداش های نجومی برخوردار باشند و ما چنین در بی تامینی مطلق بسر بریم. ما کارگران این را نمی پذیریم.

کارگران و زحمتکشان فراموش نکنیم: تمامی معظلات اجتماعی مانند، اعتیاد، کارتون خوابی، گور خوابی، حاشیه نشینی، کودک خیابانی، کودک کار، فحشا، فروش اعضای بدن، فروش کودکان، خشکاندن رودخانه ها، جاری شدن سیل، هوای آلوده و سمی، کولبری و یخ زدن کولبران زیر برف، بیکاری میلیونی، به تعطیلی کشاندن مراکز تولیدی (طبق آمارهای دولتی طی سه سال اخیر ۱۲ هزار موسسه تولید تعطیل شده است)، افزایش بزه کاری، افزایش خودکشی و خودسوزی، که عموم مردم، بخصوص زحمتکشان در چنگال آنها گرفتار شده اند همگی حاصل فقر و فلاکتی است که کارفرمایان و دولتشان (جمهوری اسلامی) در کشمکش مبارزه طبقاتی علیه زحمتکشان از طریق تحمیل دستمزد های چهار برابر زیر خط فقر، دزدی، اختلاس و رشوه خواری، دستمزدها و پاداشهای نجومی مدیران، رئیس ها، بر ملت ایران تحمیل کرده اند، و اولین گام نجات از فقر و فلاکت و معضلات بیان شده، افزایش دستمزدها به بالای خط فقر است، تنها کارگران و زحمتکشان هستند که می توانند با سازماندهی تشکل های مستقل و مبارزات منظم و متحدانه و هدایت همه جنبش های اجتماعی، خود و کلیه مردم را از این فقر و فلاکت و معضلات، نجات دهند. سندیکای نقاشان استان البرز، همگام با تشکلهای مستقل کارگری، همگام با همه کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران برای خواستههای اعلام شده فوق، مبارزه میکند و پیگیری این مطالبات را که زندگی و معیشت میلیونها کارگر و خانواده هایشان را رقم میزند، حق مسلم خود میدانیم.

برای دست یابی به دستمزد متناسب متحدانه مبارزه کنیم!!!

سندیکای نقاشان استان البرز

۱۳۹۵/۱۲/۸



## بیانیه دانشجویی

### «بیانیه مشترک شوراهای صنفی دانشجویان کشور به مناسبت پایان سال»

نظام آموزشی کشور تحت فشار سیاست‌گذاری‌هایی ناعادلانه و محروم‌کننده قرار دارد. متأسفانه شاهدیم هر سال بر حجم چنین سیاست‌هایی افزوده می‌شود و گروه‌های محروم، زنان و ساکنین شهرهای پیرامونی هر روز بیشتر امکان ورود خود به دانشگاه‌ها و رشته‌های موردعلاقه شان را از دست می‌دهند. دانشگاه‌ها با سرعت به سمت تشدید و تعمیق پولی‌سازی در حرکتند؛ در توضیح این وضعیت همین بس که بدانیم فقط در حدود هفت درصد دانشجویان کنونی در کل کشور از آموزش ( و نه امکانات رفاهی) رایگان برخوردارند.

نگاهی به چندی از سیاست‌های اخیر وضعیت را روشن‌تر می‌سازد: از تشدید بومی‌گزینی، افزایش صندلی‌های پولی و کاهش ظرفیت رایگان دانشگاه‌ها، اعمال محدودیت‌ها و حذف برخی رشته‌ها در جهت همگام‌سازی دانشگاه‌ها با بازار، واگذاری و اجاره‌ی فضاهای دانشگاهی (به بخش خصوصی) و در نتیجه کاهش حق استفاده‌ی دانشجو از فضاها (مسکونی، ورزشی، تفریحی و غیره)، افزایش انفجارآمیز هزینه‌های رفاهی (برای مثال از سال ۸۸ تا سال ۹۵ هزینه‌ی هر پرس غذای دانشجویی حدوداً ۱۳ برابر شده است)، و طرح هدایت تحصیلی که تبعیض بیش از پیش علیه زنان را نیز شامل می‌شود و همچنین پولی‌کردن خدمات مختلف دانشگاهی (قواعد طنزآمیزی مانند اجبار به پرداخت پول به ازای هر واحد درسی افتاده) تا مصوبه‌هایی همچون «حذف یارانه از غذای دانشجویی»، «کیف پول الکترونیک دانشجو» (مکانیسمی برای پولی‌سازی کل امکانات خرد و کلان دانشگاه) و سایر سیاست‌های خرد و کلانی چون این موارد. بارها تأکید کرده‌ایم که مبرهن است تثبیت این سیاست‌ها جز به معنای انحلال تام و تمام دانشگاه در بازار و محروم‌سازی اقشار فرودست و تبعیض علیه زنان در آموزش نیست. ما و تمام دانشجویان و اقشار آگاه، در تمام این سال‌ها درمقابل این همه‌ها مقاومت کرده‌ایم؛ صدای خود را در دفاع از ساحت آموزش و دانشگاه با ابزارهای مختلف به گوش مسئولین امر رسانده‌ایم: نشریات، نامه‌ها بیانیه‌ها، تجمعات علیه تبعیض‌های جنسیتی، قوانین سنوات و ....

آنچه واضح است متولیان آموزش، پاسخی منطقی برای مطالبات و اعتراضات به‌حق ما نداشته و ندارند؛ چرا که بهتر از هر کس می‌دانند سیاست‌هایشان خلاف قانون اساسی کشور و ضد گروه‌های حاشیه‌ای و محروم جامعه است و قابلیت دفاع ندارد. اما مسأله بدین جا ختم نمی‌شود. آنان گویی نه تنها نمی‌خواهند این مطالبات را بشنوند بلکه به زعم خود با مدد گرفتن از نهادهای امنیتی داخل و بیرون دانشگاه می‌توانند خدشه‌ای در مقاومت دانشجویان علیه این سیاست شوم ایجاد کنند.

در آخرین نمونه‌ی فشارهای امنیتی و انضباطی می‌توان به احضار و برخورد گسترده فعالین صنفی در دانشگاه‌های تهران، صنعتی شریف، علم و صنعت، صنعتی نوشیروانی، تحصیلات تکمیلی کرمان، علامه طباطبایی، شهید بهشتی و تشدید فضای امنیتی در دانشگاه‌ها اشاره کرد. هر چند در مورد دیگر دانشگاه‌ها و تشکل‌های دانشجویی نیز اخبار ضد و نقیضی به گوش می‌رسد.

اکنون قاطعانه اعلام می‌داریم همانگونه که تاکنون اجازه موج سواری جناحی بر مقاومت‌های دانشجویان در برابر

این سیاست‌ها را نداده‌ایم، اکنون نیز در آستانه انتخابات ریاست جمهوری اجازه چنین سوء استفاده‌ای را نخواهیم داد؛ اما به آنان که باید بشنوند هشدار می‌دهیم: به بهانه‌ی انتخابات ریاست جمهوری، نیروهای امنیتی و انضباطی را به میدان مطالبه‌خواهی دانشجویان وارد نکنید؛ ما صراحتاً اعلام می‌داریم مطالبات ما مربوط به یک دولت و مجلس خاص نیست که بخواهد در چنین بزنگاه‌هایی بروز کند، بلکه ما مصرانه و در مقابل هر دولتی، خواهان الغای کلیه قوانین تبعیض‌آمیز و توقف بازاری‌سازی و پولی‌سازی ساختار آموزشی کشور هستیم. سیاست‌گذاران باید خود متوجه باشند که با برخوردهای امنیتی، فضا را ملتهب نکنند. به‌هر روی ما از مطالبه‌ی خود در دفاع از ساحت آموزش کوتاه نمی‌آییم و در مقابل دخالت‌های بی‌جای نهادهای امنیتی و انضباطی که بناست برای پیشبرد ساده‌ی سیاست‌های غلط سیاست‌گذاران فضا ایجاد کند، سکوت نمی‌کنیم و چنانچه چنین برخوردهای امنیتی و انضباطی ادامه یابد و متولیان آن عقب‌نشینند، پاسخی جدی برای آن خواهیم داشت.



## کمیته حمایت از شاهرخ زمانی همراه مردم اهواز است.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی با توجه به شرایط زندگی غیرانسانی و مشکلات مردم اهواز از جمله ریزگردهای پراکنده در هوا، قطع برق، در نتیجه نیامدن آب از لوله به علت فشار کم، نبود آب آشامیدنی، قطعی تلفن و انتقال آب رودخانه ها که باعث خشکی تالاب ها و رودخانه ها شده که نتیجه آن پیدایش ریزگردها شده است.

صد البته عامل تمامی مشکلات مردم خوزستان و دیگر مناطق کشور عبارتند از:

وجود جمهوری اسلامی و دزدی ها و اختلاس ها و رشوه خواری های هزاران میلیاردی دولت مردان اسلامی، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه اسلامی دزد پرور، برادران بسیجی و سپاهی دزد و قاچاقچی، بنیادهای مختلف مربوط به حکومت مانند بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد خمینی، بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی و ... و شهرداران و شورا های شهری که همگی بلا استثنا در اختلاس ها و دزدی ها شریک هستند. چنین عواملی مردم اهواز را با مشکل روبرو کرده اند و مردم اهوازی برای کسب حق خود دست به اعتراضات گسترده زده اند. ما در کمیته حمایت از شاهرخ زمانی ضمن حمایت از این حرکت مردمی خوزستان و اعلام اینکه تمامی مشکلات مردم اهواز و دیگر مناطق مانند سیل زده ها، مدرسی که خراب شدند، کولبرانی که زیر برف یخ زدند، انسان های بی خانمانی که در گور ها می خوابند، کودکانی که در خیابانها آواره اند یا به جای مدرسه مجبورند کار کنند و میلیونها کارگری که بیکار شدند و یا هر روز بیکار می شوند، دانشجویان و جوانانی که آینده ای ندارند یا باز نشستگانی که در فقر به چه کنم چه کنم گرفتار شدند، شاغلینی که مجبورند با دستمزد چهار برابر زیر خط فقر کار کنند، زنان خیابانی که هر روز به تعدادشان افزوده می شود و ... مسبب اصلی همه این مشکلات را جمهوری اسلامی سرمایه داری می دانیم، و در همین جهت از تمامی مردم شهرهای دیگر می خواهیم که با پیوستن به این اعتراضات اخیر در شهرهای خود در حمایت از مردم اهواز دست به تجمع و اعتراض بزنند، چرا که اگر ساکت بمانیم فردا نوبت ما خواهد بود پس بیاییم متحدانه و یکپارچه از حقوق مردم اهواز و خودمان دفاع کنیم.

هم چنین از مردم اهواز بخصوص کارگران می خواهیم اجازه ندهند بین آنها به بهانه ملیت های مختلف یا داشتن زبان های متفاوت اختلاف ایجاد کنند ما از همه جوانان و کارگران و مردم شهر های خوزستان بخصوص شهر مبارز اهواز می خواهیم، بدون توجه به تفاوت های ملیتی و زبانی متحدانه دست در دست و بازو به بازو در اعتراضات شرکت نمایند، آگاه باشیم که اگر امروز ملیت های مختلف ساکن ایران به همدیگر کمک نکنند، هیچ کدام به تنهایی نمی توانند جمهوری اسلامی جنایت کار را سرنگون کنند، برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای کسب مطالبات خود همه ملیت ها به کمک و همکاری با یکدیگر نیاز دارند. امروز این وظیفه ایجاد اتحاد و مقابله با تفرقه انداز های شوونیست میان خلق ها برای مبارزه با جمهوری اسلامی به عهده کارگران، دانشجویان و دانش آموزان و جوانان انقلابی است.

### پیش بسوی اعتراضات متحدانه

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۱۳۹۵/۱۲/۳

## «دستگیری سعید یوزی فعال کارگری»

۲۶ اسفند ماه سعید یوزی فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری در شهر کامیاران توسط لباس شخصی ها دستگیر شده و تا به حال از وضعیتش خبری نیست متأسفانه حکومت جمهوری اسلامی از موقعیت عید نوروز سو استفاده کرده فعال کارگری و عضو مبارز کمیته پیگیری را دستگیر کرده و وضعیت فعالین بخاطر موضوع عید باعث شده این مورد به موقع گزارش نشود. ما از تمامی تشکل ها و فعالین و احزاب و سازمانها می خواهیم برای روشن شدن وضعیت سعید یوزی و آزادی او دست به اقدامات حمایتی عملی و دفاعی بزنند. اخبار در مورد سعید متاقبا» به اطلاع رسانده خواهد شد.

## کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۱۳۹۶/۱/۶



## حداقل دستمزد حلقه اتحاد نیروهای کار

کارگران و نیروی کار در بخش‌های مختلف، اکثریت جامعه را تشکیل می‌دهند آن‌ها چرخ زندگی و جامعه را به حرکت درمی‌آورند اما اقلیت برخوردار از ثروت و قدرت به مدد قانون و راهکارهای فراقانونی حق زحمتکششان و مزدبگیران را نمی‌دهند و هرروز شکل جدیدی از محرومیت را به آن‌ها تحمیل می‌کنند. یکی از این شیوه‌ها سرکوب دستمزد و حقوق زحمتکششان است که به اشکال مختلف صورت می‌گیرد اما یکی از جنبه‌های آشکار و قانونی این سرکوب‌گریان، صدور دستورالعمل‌های افزایش حقوق برای نیروهای کار بخش‌های دولتی مانند نیروی آموزشی، بهداشتی و خدماتی است که همراه و همسو با سیاست‌ها و برنامه‌های منتهی به تعیین حداقل دستمزد برای کارگران و زحمتکششان در بخش خصوصی است. در اصل یک همخوانی و همسویی بین دولت و بخش خصوصی در جهت سرکوب دستمزد و حق برخورداری از درآمد عادلانه برای کلیه سطوح نیروی کار و کارگران بخش‌های مختلف در گذشته و حال دیده می‌شود. هنگامی که دستگاه‌های دولتی مانند وزارت آموزش و پرورش حداقل میزان افزایش حقوق در سال بعد را اعلام می‌کنند در اصل برای نیروی کار آموزشی مشخص می‌کنند که دایره زیست و حیات معیشتی و اجتماعی خود را باید بر مبنای یک درآمد نا عادلانه برنامه‌ریزی نماید چراکه مرور تجربه سال‌ها و دولت‌های قبل نشان می‌دهد هرگز این افزایش درآمد موجب بالا رفتن وضعیت معلمان و سایر نیروی‌های آموزشی به بالاتر از خط فقر نمی‌گردد چراکه روند رشد نرخ تورم همواره از میزان رشد دستمزد کمتر است و از همه مهم‌تر میزان حداقل حقوق پایه چون در گذشته پایین‌تر از شاخص خط فقر است و حتی اگر در موردی افزایش حقوق بیشتر از نرخ تورم باشد (که تاکنون نبوده است) این امر موجب نمی‌گردد که درآمد نیروی کار بخش آموزشی به بالاتر از خط فقر راه پیدا کند. این قانونمندی نه در مورد معلمان بلکه مشمول تمام نیروی کاری است که افزایش حقوق آن‌ها مبتنی بر برنامه‌های سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و برنامه بودجه سالانه است به عبارتی تمام کسانی که دولت کارفرمای آن‌هاست مشمول این منطق رشد حقوق و دستمزد هستند که بخش اعظمی از نیروی کار آموزشی و بهداشتی یعنی معلمان و پرستاران را شامل می‌گردد. اما تعیین میزان حقوق و افزایش دستمزد کلیه نیروی کار که مشمول قانون کار در بخش دولتی و خصوصی هستند از کارگران بخش‌های مختلف در صنایع و کارخانجات دولتی و بخش خصوصی تا نیروی کار آموزشی، خدماتی، بهداشتی و ... تحت تأثیر مکانیسم و نحوه تعیین حداقل دستمزد هستند این مکانیسم تحت تأثیر نوعی از توافق برای تعیین حداقل دستمزد است که به «سه‌جانبه‌گرایی» معروف است. وزارت کار در این رویکرد نقش اصلی را دارد و به‌عنوان یکی از رؤس مثلث تعیین دستمزد به‌عنوان نماینده دولت عمل می‌کند رأس دیگر نماینده کارفرمایان است که بهتر است از آن به‌عنوان سرمایه‌دار و نماینده بخش خصوصی یاد کنیم و در رأس دیگر باید نماینده کارگران و نیروی کار باشد که در ایران عملاً این نمایندگی به تشکلهای برآمده از جناح سیاسی در هر دوره سپرده می‌شود و عملاً اکثریت میلیونی نیروی کار این موازنه قوا برای بقا و حیات زیستی و معیشتی فاقد نماینده واقعی هستند همین موضوع باعث شده است که در سال‌های گذشته باوجود اعلام رسمی نرخ تورم و خط فقر، نمایندگان به‌اصطلاح کارگران به امضای توافق تعیین دستمزد به میزان یک‌سوم خط فقر تن دهند و به نظر می‌رسد امسال نیز در غیاب تشکلهای مستقل این روند ادامه یابد چراکه دولت‌ها در سال‌های پیش نشان داده‌اند که در تعیین دستمزد بجای آنکه یک رأس مستقل باشند در جانب کارفرما قرار دارند گواه روشن در این مورد در مورد دولت روحانی لایحه اصلاحیه قانون کار است که

با پیشروی جنبش کارگری و حمایت زحمتکشان فعلاً مسکوت مانده است.

اما سؤال اینجاست که چه ارتباطی میان دستمزد نیروی کار در بخش خصوصی و دولتی وجود دارد؟ چرا برای معلمان شاغل در بخش دولتی بحث حداقل دستمزد باید مهم تلقی گردد؟ بخصوص وقتی از یک شیوه مکانیسم تعیین مزد برای دو گروه استفاده نمی‌گردد. برای پاسخ به این سؤال باید به اعداد رجوع نمود به‌عنوان مثال حداقل حقوق یک معلم تازه استخدام در سال گذشته یعنی مجموع حق شغل و حق شاغل را اگر در هر سال محاسبه نماییم با میزان حداقل دستمزد مصوب وزارت کار در آن سال تفاوت چندانی ندارد. برای نمونه مراجعه به حکم کارگزینی یک معلم استخدام سال ۹۵ و مقایسه حقوق پایه با ۸۱۲ هزار تومان حداقل دستمزد سال ۹۵، نشان می‌دهد که مسئله حقوق و دستمزد تمام مزدبگیران و زحمتکشان در یک هم سرنوشتی به سر می‌برد.

از سویی بسیاری از مریبان و معلمان در بخش خصوصی اگر موفق به عقد قرارداد شوند مکانیسم تعیین حقوق و دستمزد آن‌ها توسط صاحبان مراکز آموزش خصوصی مشمول قانون تعیین حداقل دستمزد است که با توجه به روند رو به رشد بخش خصوصی در حوزه آموزش عمومی بایستی به مسئله زیست و معیشت این دست از معلمان توجه نمود.

از یک جنبه اجتماعی و انسانی دیگر، اکثریت دانش آموزان ما از خانواده‌هایی می‌آیند که پدر یا مادر آن‌ها بخشی از نیروی کار این جامعه را تشکیل می‌دهند و حداقل دستمزد والدین آن‌ها بر زندگی و تحصیل آن‌ها تأثیر مستقیم دارد. پدیده دانش آموزان کارگر یا کارگر دانش آموز که امروز در جامعه ما در کنار کودکان طردشده از چرخه تحصیل بروز و ظهور یافته است و بر روند پیشرفت تربیتی و آموزشی کودکان تأثیر منفی گذاشته است مستقل از نقدهای ساختاری به نظام آموزشی، ناشی از بینواسازی گسترده کارگران و زحمتکشان تحت سیاست‌های غلط اقتصادی دولت‌ها است و یک انسان مسئول اگر معلم باشد نمی‌تواند این مسائل را نادیده بگیرد.

در روزهای آتی مجلس و وزارت کار مهم‌ترین جایی هستند که در آن مسئله دستمزد و حقوق بخش اعظمی از نیروی کار تعیین تکلیف می‌گردد. مجلس مشغول بررسی لایحه بودجه پیشنهادی دولت است که در آن سهم آموزش و پرورش عملاً نادیده گرفته شده است. قانون صنفی معلمان تهران در یک بیانیه تحلیلی نشان داده است که این بودجه پاسخگوی نیازهای آموزش و پرورش از دستمزد معلمان تا کیفیت آموزشی نیست و جمعی از معلمان برای عادلانه کردن بودجه به سود آموزش و پرورش و افزایش حقوق پایه به میزان سه میلیون تومان، در کارزاری به لایحه پیشنهادی دولت اعتراض کرده‌اند اما نباید از تعیین حداقل دستمزد در وزارت کار غافل شد. مستقل از اینکه کارزار معلمان چقدر نتیجه‌بخش باشد این حرکت صنفی و آموزشی یک گام عملی برای یک مطالبه عینی و همگانی است.

اگر نیروی کاری که از حقوق و دستمزد برخوردار است بتواند برای نیل به یک دستمزد مناسب برای زندگی شرافتمندانه متحد و پیگیر عمل کند بی‌شک قادر است بر روند تعیین حقوق و دستمزد تأثیرگذار باشد. این مسئله بدون تشکل یابی مستقل و اتحاد حول مطالبات مشترک و عینی ممکن نیست برای رسیدن به اتحاد باید کار و منافع جمعی را در اولویت قرار داد و از حاشیه‌ها و رفتارهای مبتنی بر منافع فردی پرهیز نمود. در کنار این مسئله باید به‌صورت مسئله آن بخش از نیروی کار پرداخت که صدایی ندارد. آن بخش از نیروی کار است که تحت هیچ‌یک از قوانین نیست و میزان بهره‌کشی و نرخ استثمارش چند برابر سایر نیروهای دیگر است؛ مانند کودکان کار، مریبان و معلمان و کارگران فاقد قرارداد در بخش‌های مختلف، زنان کارگر و دست‌فروشان و ... آری در هر حالت باید صدای بی‌صدایان بود.

منبع: کانون صنفی معلمان

حداقل دستمزد حلقه اتحاد نیروهای کار

تاریخ انتشار: ۲۹ بهمن ۱۳۹۵

جعفر ابراهیمی - معلم



## گزارش اعتصاب غذای حمید رحمتی در حمایت از اسماعیل عبدی

حمیدرحمتی از اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی در اعتراض به احکام قضایی علیه اسماعیل عبدی در جلوی ساختمان آپ شهرضا به مدت ۲۴ ساعت به اعتصاب غذا دست زده است حمید رحمتی از اعضای شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی کشور و هیات مدیره ی کانون شهرضای اصفهان در اعتراض به حکم غیر منصفانه ی اسماعیل عبدی از صبح امروز جلوی اداره ی آموزش و پرورش شهرضا با در دست گرفتن بنری اعتصاب غذا کرده است.

حمیدرحمتی از خوشنامان و فعالین صادق صنف معلمان در اواسط دهه ی ۸۰ به جهت فعالیت های صنفی به شمال کشور تبعید شد و در همان ایام و هنگام مراجعه به تبعیدگاه خود در سانحه ی تصادف به شدت مصدوم شد و مدت ها در وضعیت بغرنج جسمانی با مرگ دست و پنجه نرم کرد.ایشان از فعالین عملگرایی است که همواره در جنبش اعتراضی صنف معلمان حضور موثری داشته است. رحمتی در سال گذشته نیز طی چند مرحله در اعتراض به احکام قضایی صادر شده علیه جنابان بهشتی و عبدی اقدام به اعتصاب غذا کرد و همزمان با اعتصاب غذای سوم بهشتی سخنگوی کانون صنفی به اعتصاب غذای نامحدود دست زد و تا زمان آزادی بهشتی اعتصاب خود را ادامه داد.

ایشان از قبل اعلام کرده بود که از روز چهاردهم فروردین ماه در مرحله ی اول به مدت ۲۴ ساعت در جلوی اداره اعتصاب غذا خواهند کرد.و در ادامه بنابه بازخورد اعتراض تصمیمات بعدی را اخذ خواهند کرد.

در تماسی تلفنی با جناب رحمتی ایشان وضعیت خود را مطلوب اعلام کرده و بر ادامه ی اعتصاب مَصْر بوده اند. ایشان عنوان کرد صبح امروز به محض رسیدن به محل قبل از باز کردن بنر توسط نیروی انتظامی بازداشت شده و دوساعتی از ایشان بازجویی شده است، نیروی انتظامی با نظر دادستانی از آقای رحمتی میخواهد که تعهدنامه‌ای مبنی بر بازگشت به منزل و صرفنظر از اعتصاب را امضا کند که ایشان امتناع می کند با گذشت دوساعت از بازداشت با توصیه به صرفنظر از اعتصاب آزاد شده‌اند، لیکن بلافاصله بعد از آزادی به اداره آموزش و پرورش شهرضا بازگشته و اعتصاب را از سر می گیرد.

معلمین و فعالین صنفی شهرضا و دیگر شهرهای اصفهان با مراجعه به محل اعتصاب رحمتی تقاضای همراهی با ایشان را مطرح کرده‌اند که ایشان نپذیرفته‌اند همچنین شنیده شده، صدها معلم از سراسر کشور در تماس تلفنی یا مسج با رحمتی پشتیبانی خود را اعلام کرده اند و از ایشان دعوت شده که با توجه به وضعیت جسمی از ادامه ی اعتصاب صرفنظر کنند که با مخالفت ایشان مواجه شده‌است. با گذشت ۱۲ ساعت از شروع اعتصاب رحمتی هم اکنون جلوی اداره آموزش و پرورش شهرضا اعتصاب خود را ادامه می دهد و طبق قرار قبلی برای بار اول اعتصاب ۲۴ طول خواهد کشید.

همزمان دوستان و همکاران در تلاش هستند نظر به وضعیت جسمانی ایشان را متقاعد کنند که اعتصاب غذای پایان دهند.



## فراخوان فعالین کارگری در بند به مناسبت روز جهانی کارگر



برای نبرد آگاهانه و سازمان یافته علیه ستم و نابرابری در اتحادیه و حزب سراسری کارگری متشکل شوید. هم زنجیران سلام و دورد های آتشین ما کارگران و فعالین زندانی را از زندانهای جهنمی جمهوری اسلامی بپذیرید. در شرایطی به روز رزم و اتحاد جهانی کارگران علیه بهره کشی و استبداد سرمایه داری و روز لغو استثمار و ایجاد حاکمیت شورایی و دمکراتیک کارگران و زحمتکشان نزدیک می شویم که تحت حاکمیت نظام سرمایه داری ایران به عنوان مباشر و شریک شرکت های چند ملیتی به بهای تشدید مناسبات بهره کشی از کارگران و ستم دیدگان در پیاده کردن سیاست های ضد بشری آنها مخصوصاً « برنامه های صندوق بین المللی پول ( صندوق نزول خواری و پول فروشی) هستیم، اهم این برنامه ها و سیاست ها عبارتند از :

- ۱- تصویب مجدد دستمزدهای یک چهارم زیر خط فقر،
- ۲- بردگی ۹۳ در صدی کارگران از طریق اجرایی قراردادهای سفید امضا و موقت،
- ۳- برداشتن گمرکات مرزی و واردات کالاهای بنجل و غیر ضروری مانند از سنگ قبر و کالاهای لوکس گرفته تا شکر و قطعات به جای کالاهای مورد نیاز اولیه زندگی انسانها و نابودی ۸۰ در صدی تولید و بیکار سازی میلیونی کارگران،
- ۴- تصاحب و خودی مانی سازی تولید، معدن، خدمات، با اسم رمز خصوصی سازی،
- ۵- برداشتن یارانه ها و تبدیل تمام عرصه های نیاز حیاتی مردم مانند آب، برق، سوخت، نان، تحصیل و درمان به حیاط خلوت سرمایه داری در بهره کشی چندگانه از مردم،

- ۶- دزدی، اختلاس و غارت هزاران میلیاردی ثروتها و منابع عمومی مانند ۲۲۰ هزار میلیارد پول بانکها که توسط جناح های حکومتی اصول گرا و اصلاح طلب به صورت وام های رانتی گرفته شده و با گردن کلفتی پس داده نمی شود و ... و در نتیجه، با فروپاشی مناسبات اقتصادی - اجتماعی و با بالاترین آمار تورم، گرانی، بیکاری، بی مسکنی، اعتیاد، طلاق، افسردگی و خود کشی در میان ۸۰ در صد مردم زیر خط فقر طبق آمارهای جهانی، یکی از ثروت مندترین و

غنی ترین کشورهای جهان با رتبه دهم معدن و دیگر ثروت ها را به جهنم فقر و گرسنگی، تباهی و بی آیدنگی لگدمال شدگان و بهشت برین مولتی میلیاردرها تبدیل کرده اند، تحت شرایط فوق و با افزایش فاصله و تضاد طبقاتی و همچنین تبعیض و نا برابری تنفر، نارضایتی، اعتراضات و اعتصابات کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان، زنان، جوانان و ملل تحت ستم به اوج خود رسیده است، جمهوری اسلامی برای بقای تسلط و ادامه روند استثمار و چپاول ثروت های عمومی و مقابله با مبارزات هر دم افزاینده ستمکشان و جلو گیری از همبستگی طبقاتی - سراسری کارگران و مزدبگیران هر گونه فعالیت آگاهانه و تشکل های مستقل مبارزاتی کارگری و مردمی را به شدت سرکوب می کند، همبستگی طبقاتی - سراسری کارگران و مزدبگیران و فعالیت آگاهانه و تشکل های مستقل مبارزاتی کارگری و مردمی بعنوان اهرم سازمان یابی آگاهانه و با برنامه در بدست آوردن مطالبات اساسی شان مورد سرکوب، دستگیری و زندان قرار می گیرد، همچنین جمهوری اسلامی با استفاده از انواع سرکوبها در مقابله با مبارزات جاری، از حکومت نظامی در کارخانجات و مؤسسات بزرگ با استفاده از حراست و بسیج مسلح و با استفاده از تشکل های زرد مافیای خانه کارگر به خواسته های کارگران و مردم جواب می دهد، نمونه هایی از اعمال سرکوب گرانه ای جاری را که می توان مثال زد، عبارتند از :

سرکوب اعتصابات، در زندان نگهداشتن رهبران و فعالین کارگری، معلمان، دانشجویان، زنان و فعالین هویت طلب و دستگیری گسترده فعالین و پیشروان کارگری و مردمی، تهدید به اجرای حکم تعلیقی ده ساله آقای عبدی دبیر کانون صنفی معلمان توسط سربازان گمنام مولتی میلیاردر های حاکم، دادن حکم شش و نیم ساله حبس به جعفر عظیم زاده، سه و نیم ساله حبس برای جمیل محمدی، دادن حکم زندان و شلاق به ۵ کارگر از رهبران کارگران چادرملو، دادن حکم دوباره نه و نیم ساله به بهنام ابراهیم زاده عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری، بلا تکلیفی ده ماهه شیر زاد از فعالین کارگری، و دستگیری گسترده فعالین کارگری در کردستان از جمله کوروش بخشنده، یوسف آخربات، محمد مولائی، واحد سیده، نظام صادقی و ... نمونه مشتی از خروار از اعمال ضد مردمی و ضد کارگری دولت سرمایه داری اسلامی به عنوان نوکر و جیره خوار طبقه سرمایه دار ایران و جهان می باشد.

اما همه ای این خفقان و سرکوبهای وحشیانه نتوانسته جلو اعتراضات و اعتصابات کارگران، معلمین و دیگر ستم دیدگان را سد کرده و از دامنه آنها بکاهد. مبارزات معلمین و کارگران مخصوصاً اعتصابات معلمان در اسفند سال قبل و فروردین امسال و کارگران ایران خودرو در اسفند ماه سال گذشته و ... نشان از آمادگی و پتانسیل مبارزاتی بالای کارگران و زحمتکشان می باشد و لیکن به دلیل نبود تشکل های سراسری از جمله اتحادیه های سراسری این مبارزات نتوانسته به صورت ملی و سراسری در برابر سیاست های یکپارچه و برنامه ریزی شده سرکوب مادی دولت سرمایه داری ارتقا یابد و از بی برنامهگی، خود به خودیسم و پراکندگی رنج می برد و نمی تواند دشمن طبقاتی را در سطح ملی به عقب نشینی وارد نماید، و با کمال تأسف شنیده ایم تشکل های مستقل موجود حتی برای امضا کردن بیانیه مشترک اول ماه می به سه طیف تقسیم شده اند، دشمن هر روز بیشتر از قبل یک پارچه می شود حتی تا آن حدی که از ترس خطر انقلاب ضمن رقابت شدید با هم و فحش نا سزا گفتن به یک دیگر برای افزایش آتش در منطقه در جهت جلو گیری از انقلاب به شدت همکاری می کنند، ولی مدعیون رهبری کارگری دچار انحرافات مختلف و ... شده نه تنها اقدام به ایجاد همبستگی میان کارگران نمی کنند بلکه با صد افسوس تبدیل به مانع می گردند، شرایط کنونی جامع و نوع نگرش جهان به منطقه و به حرکت های مبارزاتی مردم ایران مانند حرکت های اعتراضی معلمان و کارگران و پرستاران و ... نشان دهنده این است که اعتراضات با شدت رو بگسترش در آینده نزدیک هستند، برای اینکه دشمن نتواند ایران را به منطقه در حال آتش تبدیل کند تنها راه، همبستگی طبقاتی زحمتکشان است و این تنها از طریق قبول همکاری میان تشکل های مستقل موجود ممکن خواهد شد، بر این مبنا ما از تمامی تشکل های موجود مانند سندیکا ها، کمیته ها و اتحادیه ها و ... به عنوان هشدار جهت جواب دادن به ضرورت تاریخی می خواهیم در رابطه با مطالبات روز مره و اولیه کارگران و معلمان و ... خود را گرفتار خرده کاری نکنند و دست به اقدامات مشترک بزنند و البته اقدام مشترک در زمان کنونی بدون شک با امضاء بیانیه برای روز جهانی کارگر می تواند نشان بدهد چه کسی

و چه کسانی واقعا» در جهت منافع کارگران قدم بر می دارند، بدون شک این میدان مبارزه است که ادعاها را ثابت یا رد خواهد کرد، اما وقتی پراکندگی را از بین نبریم و در نقطه عطف مبارزات طبقاتی شکست بخوریم، دیگر هیچ توجیهی نمی تواند احمال و کوتاهی، فرقه گرایی، خود به خودیسم، کیش شخصیتی، عدم استفاده از تجربیات دهه سی و دوران انقلاب ۵۷ و ... را پنهان کند، ما از شما می خواهیم به سر نوشت طبقه کارگر که به همبستگی طبقاتی و تشکل یابی سراسری صنفی - سیاسی بستگی دارد در حد توان خود جواب عملی بدهید.

همچنین باید توجه داشته باشیم در رابطه با پیش برد سرکوب عریان و برای حفظ غارتگران بخشی از سربازان، نظامیان و نیروهای امنیتی که خود هیچ سهمی در غارت و بهره کشی مردم ندارند و با شعارهای مختلف حکومت اسلامی فریب مافیای ثروت و قدرت را خورده اند، باید بدانند، مبارزات حق طلبانه و آزادی و برابری خواهانه کارگران، معلمان، پرستاران بعنوان تأمین کنندگان اصلی تولید، آموزش و درمان کل جامعه و از جمله خانواده و خود همین فریب خوردگان که آنها نیز بدون اینکه بدانند دچار و گرفتار و تحت فشار ظلم و ستم و تبعیض و بهره کشی و نابرابری چپاولگران حاکم هستند، هر گونه پیش روی در این مبارزه از جمله کسب آموزش، درمان، مسکن رایگان و دیگر تأمینات اجتماعی به نفع آنان نیز خواهد بود، در مقابل عدم مؤفقیت کارگران و مردم، جمهوری اسلامی بیشتر جنایات خود را ادامه و گسترش خواهد داد که شما نیز از یاد نبرید و به خود آئید که حاکمان زر و زور و تزویر در شکل حکومت اسلامی پس از ۳۶ سال غارت و چپاول با شعار های اسلامی از شما در سرکوب توده ها سوء استفاده کرده اند، تا حاکمیت ضد انسانی و سرمایه دارانه خود را حفظ کنند، در ظاهر با شعار های پر طمطراق ولی در واقع نوکری رذیلانه سرمایه داری جهانی را برای خود دست و پا کرده و به عنوان شریک و مباشر اقتصادی و سیاسی شرکت های چند ملیتی و سرمایه جهانی عمل کردند و هر گاه لازم دیدند نیروهای خدمت گذار خود را حتی آنهایی که در چپاول شریک بودند را نیز سر به نیست کردند، شما هم بدانید پس از استفاده ابزاری از شما، با شما نیز همانگونه که با سعید امامی ها که او را کشته و به زنش تجاوز کرده ویا به ذلت و خواری انداخته و در مقابل دید میلیون ها مردم با افراد مهمی مانند قاضی حداد و قاضی مرتضوی به عنوان مهره سوخته رفتار کردند، با شما بد تر از آن رفتار و به خانواده و زنانتان تجاوز خواهند کرد، این رفتار پایه ای و نهایی جمهوری اسلامی سرمایه داری با مهره ها و ابزارهای حاکمیت خود است، که در هر دوره ای نسیب بخشی از مأمورانش می گردد، همه این حرکت های جمهوری اسلامی سرمایه داری از ترس حرکت های اعتراضی مردم است، پس بدانید و آگاه و هشیار باشید که در مقابل اراده ۸۰ میلیونی مردم هیچ کسی را یارای مقاومت نیست .

طبقه ۱۴ میلیونی کارگران ایران با بیش از ۵۰ میلیون خانوار به عنوان گردانی از ارتش چند میلیاردی کارگران جهان، بعنوان نیروی اصلی تولید و تغییر انقلابی جهان است که همراه، همگام و همسو با دیگر زحمتکشانشان برای عبور از بحران هویت و بی برنامهگی، پراکندگی، خودبه خودیسم و با تکیه به آگاهی، تجربه و تشکل انقلابی در رسیدن به نان و آزادی و تعیین و ایجاد شوراهای دموکراتیک سرنوشت اجتماعی و اقتصادی، سیاسی جامعه را رقم می زند، همچنین برای دست یابی به خواست های فوری مانند حق ایجاد تشکل مستقل، حق اعتصاب و اعتراض، اشتغال دائم، دستمزد های متناسب با تورم، آزادی بیان، قلم، مطبوعات، احزاب و تدوین قانون کار پیشرو و تضمین کننده مطالبات بیان شده توسط نمایندگان واقعی کارگران و مزدبگیران نیاز به تشکل های صنفی - سیاسی مستقل طبقاتی خود (یعنی اتحادیه های سراسری متشکل از تمامی بخشهای کارگری از جمله صنعت، معدن، ساختمان، کشاورزی و خدمات، نفت و بیکاران که باید متحد و یکپارچه شوند) دارند، فقط در چنین صورتی می توانند به مقاومت و مقابله با تشدید سرکوب و بهره کشی بیشتر و سازمان یافته و برنامه ریزی شده دولت و کارفرمایان بر خیزند.

طبقه ۵۰ میلیونی کارگران !!!

۱۱ اردیبهشت را به روز اتحاد و اعتصاب سراسری برای تحقق شعار حق تشکل، حق اعتصاب به عنوان اساسی ترین ابزار مبارزه برنامه ریزی شده و سازمان یافته با اخراج و گرسنگی و تشدید استثمار تبدیل کنیم، تنها چاره ما در مقابل قدرت و اتحاد طبقات حاکم و ظالم و ستمگر وحدت و تشکیلات یعنی متشکل شدن در اتحادیه ها و حزب سیاسی

سراسری کارگری می باشد.

فعالین، تشکل ها و پیشروان کارگری :

با ایجاد شورای مؤسس فدراسیون سراسری مرکب از تمامی تشکل های موجود و با ایجاد هیئت های مؤسس در محل کار کارگران و صنوف و با ایجاد صندوق های اعتصاب و کمیته های برگزاری هر چه با شکوهرت مراسم اول ماه مه و با ایجاد محافل آگاه گرانه و ارایه آگاهی طبقاتی در میان کارگران به وظیفه و رسالت تاریخی - انسانی بخصوص وظیفه طبقاتی خود عمل کنید.

فعالین، کمیته ها، سندیکا های کارگری، کانون های صنفی معلمان و نمایندگان پرستاران و بازنشستگان !!! نیاز های وحدت عمل، عمل مشترک برای برگزاری مشترک روز کارگر و روز ملی معلم ( روز شهادت ابوالحسن خانعلی) علیه تبعیض و ستم و نا برابری و برای کار، نان، مسکن و آزادی با ایجاد کمیته مشترک برگزاری، از قبل با برنامه ریزی به برگزاری با شکوه، سازمان یافته و سراسری و تاثیر گذار به این روز های تاریخی کمک کنیم .

زنده باد اول ماه می روز پیکار جهانی کارگران علیه نظام سرمایه داری.

زنده باد اتحاد و مبارزه آگاهانه و متشکل کارگران، معلمان، دانشجویان علیه بهره کشی و استبداد.

زنده باد آزادی، زنده باد حاکمیت شورایی دمکراتیک کارگران و ستمدیدگان

۱- سعید شیرزاد

۲- محمد جراحی

۳- علی امیر قلی

۴- شاهرخ زمانی

۵- مهدی فراخی شاندیز

۶- افشین حیرتیان

۱۳۹۶/۱/۲۳

توضیح لازم : (روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ معلمان در میدان بهارستان دست به اعتصاب و تحصن زدند، دکتر ابوالحسن خانعلی در آن تحصن با شلیک تیری توسط پلیس به شهادت رسید و در ۱۸ اردیبهشت همان سال در اجتماع دیگری، معلمان طی قطنامه ای روز ۱۲ اردیبهشت را به خاطر شهادت خانعلی روز معلم نام گذاری کردند .)



## پیام به رفقای کارگرِ شرکت ملی نفت

اخبار اعتراضات کارگران در بخش های مختلف مراکز کارگری گویای اوضاع متلاطم جامعه کارگری است. بخش های بزرگی از کارگران شاغل در مراکز کارگری به دلیل عدم پرداخت مزد و همچنین پایین بودن سطح مزدهایشان در رنج و گرفتاری بسر می برند. در روزهای اخیر کارگران بیش از ۲۳ فاز از پروژه های پارس جنوبی در عسلویه، نخل تقی، طاهری و کنگان در اعتراض و اعتصاب برای دریافت مزد عقب افتاده اشان به سر می برند. این کارگران یا بومی هستند و یا از شهرهای دور و نزدیک برای یافتن کار به منطقه اقتصادی پارس جنوبی آمده اند، بسیاری از آنها ماه ها دور از خانه و خانواده خود، برای تأمین مخارج روزانه و نان بخور و نمیر، شرایط سخت غربت و قانون تبعیض آمیز ۱۲ ساعت کار روزانه، فضای آلوده محیط کار و خواب گاه های تنگ و تحقیر آمیز کارگری را تحمل می کنند. این کارگران بویژه در روزهای پایانی سال به امید گرفتن مزد کارشان، همه این سختی ها را به جان خریده اند که آرزوهای کوچک زن و فرزندانشان که خوراک و پوشاک و شیرینی شب عید است را برآورده کنند. اما دریغ، کارگرانی که چندین ماه است هیچ حقوقی دریافت نکرده اند، آرزوهایشان را نیز برباد رفته می دانند با این اوضاع مشقت بار «حول حالنا الی احسن الحال» چیزی جز طنز تلخی بیش نخواهد بود. تحول در حال و احوال کارگران و زحمتکشانشان نه از طریق دست به دعا برداشتن بلکه از مسیر مبارزه میسر خواهد شد. شرایط تعویق مزدها و مبارزه برای گرفتن حقوق خود تقریباً بر همه کارخانه ها، کارگاه ها و شرکت های بزرگ و کوچک حاکم است. کارفرمایان، سرمایه داران و دولت هیچ پاسخی به پرداخت مزدهای عقب افتاده کارگران نمی دهند و اصولاً هیچ مسئولیتی برای پاسخ گویی به خواست کارگران احساس نمی کنند. پرداخت نشدن مزد تنها بخشی از دشواری های زندگی کارگران است. بخش دیگر تعطیلی کارخانه ها و شرکت ها و بیکار شدن کارگران می باشد که هر روز بر آمار آنها افزوده می گردد. علیرغم هر وعده ای که از سوی مسئولان حکومتی مبنی بر سامان دهی وضع آشفته و نابسامان اقتصادی و اجتماعی داده می شود تصمیم و اراده ای برای بهبود شرایط زندگی کارگران و زحمتکشانشان از طرف حکومت دیده نمی شود.

دوستان کارگر

آیا از آغاز روی کار آمدن جمهوری اسلامی، حتی یک بار دیده اید یا شنیده اید که چیزی به نفع طبقه کارگر تغییر پیدا کرده باشد؟ آیا یک بار دیده اید که سال جدید بیاید و فقر کمتر شود؟ آیا شنیده اید که بیکاری کاهش یابد و نیروهای بیکار برای یافتن کار مناسب برای مخارج زندگی شان دچار مشکل نباشند؟ آیا شنیده اید که کارگران و یا کارکنان کارخانه ها و شرکت ها پس از ماه ها کار بتوانند بدون دردسر به حقوق ماهیانه شان برسند؟ آیا شنیده اید کارگر، معلم، دانشجو، پرستار و یا انسان های دیگری که با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند، آزاد باشند خواست ها و مطالبات خود را بیان کنند و سرکوب نگردند؟ روند عمومی وقایع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در جامعه حکایت از این دارد که فقر، بیکاری و بی حقوقی مردم همواره سیر صعودی داشته است. بر هیچ کس پوشیده نیست که آزادی های سیاسی و دمکراتیک نیز همواره به خشن ترین شکلی سرکوب شده است. هیچ نشانه ای از بهبود اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور قابل تصور نیست. نه فقر و گرانی و بیکاری کاهش می یابد و نه نیروهای مزدبگیر جامعه امیدی به حفظ کار و شغل خویش دارند. در واقع هیچ کارگر و زحمت کشی از گزند بحران سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه داری در امان نیست. فقر و بیکاری و بی حقوقی در شرایط حاکمیت سرمایه داران و زمین داران «شتری است که در خانه همه کارگران خوابیده است».

کارگران شرکت نفت و شرکت گاز و پتروشیمی

ها بهترین مصداق این روند نزولی شرایط نامناسب اقتصادی و سیاسی هستند. همه شاهدند که چگونه وزارت نفت جمهوری اسلامی با سیاست تعدیل نیرو و کسر مزایای شغلی کارگران تحت پوشش این وزارت خانه، دست آورد سال ها مبارزه کارگران را از آنها ربوده است. کارگران شرکت نفت در مناسبات میان کارگر و کارفرما از جایگاه ویژه ای برخوردارند. کارگران شرکت نفت به دلیل اهمیت و نقش تعیین کننده شان در اقتصاد کشور و همچنین به دلیل تجربه مبارزاتی شان از وزنه ای قابل اتکا برای سایر کارگران در بخش های مختلف اقتصادی برخوردارند. با این ویژگی است که کارگران شرکت نفت، گاز، پتروشیمی، صنایع فولاد، خودروسازی ها و غیره در جنبش کارگری از رسالت و نقش تعیین کننده برخوردارند. این بخش از کارگران به دلیل نقش پیشروی که در جنبش طبقه کارگر دارند بدون شک می توانند نقش رهبری کننده و یا حداقل تأثیر گذار بر سایر بخش های طبقه کارگر داشته باشند. این بخش از طبقه کارگر باید از اهمیت و جایگاه خود در جنبش کارگری واقف باشد و آگاهانه سایر بخش های طبقه کارگر را مورد حمایت قرار دهد. حمایت کارگران شرکت نفت از سایر بخش های طبقه کارگر، تجلی همبستگی طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی است. علاوه بر این ضرورت تحزب و انسجام طبقه کارگر حکم می کند که این بخش پیشرو طبقه کارگر وظیفه سترا اتحاد و ایجاد تشکل های طبقاتی و سازمان یابی حزبی را خود بیاموزد و به سایر بخش های طبقه کارگر نیز آن را آموزش دهد. طبقه کارگر در مبارزه به ضد نظام سرمایه داری و مبارزه برای مطالبات خود باید از تشکل های طبقاتی برای مبارزه اقتصادی و سیاسی برخوردار باشد و به عبارت دیگر به سندیکاها و حزب سیاسی خود نیاز دارد.

کارگران پروژه های پارس جنوبی

جمعی از کارگران پتروشیمی های منطقه ماهشهر و بندر امام

فعالان کارگری جنوب

فعالان کارگری شوش و اندیمشک

جمعی از کارگران محور تهران - کرج

اسفند ۱۳۹۵

kargaran.parsjonobi@gmail.com



## اعتصاب خودروهای زباله بر تبریز و یک مساله ی زیست محیطی

اعتراض در بخش های مختلف شهرداری ها، در روزهای اخیر به ماشین های زباله بر تبریز رسید. زباله های سطح شهر به صورت عمده در یک مکان مشخص جمع آوری و توسط این خودروهای سنگین به محل دفن منتقل میشوند. اما این خودروها فعلا حاضر به ادامه ی همکاری با شهرداری نیستند. معوقات هفت ماهه ی آن ها طبق رویه ی معمول برای کارگران پیمانی، در دور باطل شهرداری- کارفرما افتاده است. شهرداری مدعی است آنها باید پولشان را از شرکت طرف قراردادشان بگیرند و شرکت هم ادعا میکند چکی که از شهرداری دریافت کرده است، بی محل بوده است. از روز بیست و هشتم بهمن ماه خودروهای زباله بر دست از کار کشیده اند و مدعی هستند حتی برای خرید سوخت خودروهایشان پولی ندارند. ظاهراً یکی از نمایندگان شورای شهر به محل اعتراضات سرکی کشیده است. اما جز این، اعتراضات هیچ پاسخی نگرفته اند.

شهرداری و شورای شهر تبریز پس از رسوایی های مالی اخیر و دستگیری حدود پنجاه نفر از کارکنان، معاونان و شهرداران مناطق و اعضای شورای شهر، در رفع و حل مسائل مالی اش به مشکل برخورد کرده است و طبق معمول، مشکل به ضعیف ترین قشر همکار شهرداری، یعنی رفته گران زحمتکش منتقل میشود و آنها هم از عدم دریافت حقوق معوق دو الی سه ماهه اشان، در روزهای پرهزینه ی منتهی به عید صحبت میکنند.

اما در مورد خودروهای زباله بر و عدم انتقال زباله ها، مساله ی معوقات مزدی تنها بخشی از ماجراست. محل جمع آوری زباله های جمع شده از سطح شهر، طبق ادعاهای شهرداری ده کیلومتر با تبریز فاصله دارد. اما آن ها مشخص نمیکنند که ده کیلومتر با کدام تبریز؟ تعریف آن ها از تبریز، اگر خانه های لوکسشان در مناطق بالاشهر تبریز باشد که حرفی نیست و ادعایشان معقول و مقبول است. اما درست در نزدیکی محل جمع شدن زباله ها، روستای آنا خاتون قرار دارد که به جبر زباله ها دیگر روستا نیست. کشاورزی در منطقه ی آناخاتون در مدت کمی، با توجه با آسیب شیرابه ی زباله های جمع شده به خاک، عملاً نابود شد. انواع بیماری های پوستی و ریوی در منطقه ی آناخاتون با سه هزار نفر جمعیت بیداد میکند. منطقه ای سه هزار نفره با ساختمان هایی که تعداد زیادی از آن ها از دید شهرداری، چون پول عوارض نداده اند غیر قانونی هستند و مرتب تهدید به تخریب میشوند. آلودگی زیست محیطی آناخاتون به آلودگی هوا و خاک و آب ناشی از زباله محدود نمیشود. آنا خاتون در نزدیکی پایگاه نیروی هوایی ارتش قرار دارد و صدای شاخ و شانه کشیدن های نظامی هوایی، آلودگی صوتی را هم به زیست آلودگی های منطقه اضافه میکند. البته بی توجهی دولت به مساله ی آلودگی اتفاق جدید و منحصر به فردی نیست. تمام شمالغرب در حال تنفس نمک ارومیه است. اعتراضات اخیر مردم خوزستان نسبت به وضعیت پیش آمده برای هوا و آب خوزستان که با گلوله و باتوم پاسخ گرفت، خشک شدن زاینده رود و هامون، هوای سمی اراک و تبریز و تهران و لشکرکشی لودرها برای نابودی جنگل های زاگرس و شمال نشان میدهد که حمله ی همه جانبه به محیط زیست در دستور کار دولت در سرتاسر ایران قرار دارد!



## کارگران ؛ تشکلهای کارگری؛ حقوقدانان وانسانهای آزادیخواه

جهت اطلاع، قبلاً» در شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج در سال ۱۳۹۴ به ۹ سال زندان تعزیری محکوم شده ام؛ در فرجه قانونی به احکام صادره اعتراض کردم. روز دوشنبه مورخ ۹۵/۱۲/۱۶ در شعبه چهارم دادگاه تجدید نظر استان کردستان مجدداً محاکمه شدم و رئیس شعبه در این محاکمه یک اتهام جدید به شرح زیر مطرح نمود.

قاضی: آقای صالحی این گفته شماست؟

محمود صالحی: چه چیزی گفته من است جناب قاضی؟

قاضی: شما سال ۱۳۶۷ یعنی ۲۹ سال پیش در زندان بودید. وقتی مسئولان می خواستند به مناسبت ۲۲ بهمن جمعی از زندانیان را آزاد کنند. همه زندانیان را در حیاط زندان به صف می کنند، می خواهند تعدادی از زندانیان را بعد از راهپیمایی ۲۲ بهمن در میان مردم شهر آزاد کنند. شما نیز یکی از زندانیانی بودید که قرار بود آزاد شوید. به هر کدام از زندانیان یک پلاکارت که بر روی آنها نوشته شده بود مرگ بر صدام؛ مرگ بر امریکا؛ مرگ بر اسرائیل؛ مرگ بر منافق؛ مرگ بر کومه له و دمکرات می دهند تا آن را حمل کنند. وقتی نوبت به شما می رسد که پلاکارت را تحویل بگیرید؛ از گرفتن آن امتناع می کنید و اظهار می نمائید که من آماده نیستم بخاطر آزادی خودم پلاکارت را حمل کنم. بعداً» شما را به داخل زندان منتقل می کنند و آزاد نمی شوید؟

محمود صالحی: بلی جناب قاضی این گفته من است و امروز نیز بعد از ۲۹ سال هنوز روی آن گفته خود تأکید می کنم. جناب قاضی ده شصت صدها نفر بدون اینکه در دادگاهی محاکمه شده باشند، اعدام شدند و تعدادی از آنان رفیق بغل دستی من در زندان بودند. به همین دلیل من آماده نبودم تا برای آزادی شخص خودم پلاکارت را حمل کنم.

ماجرا از این قرار بود.

سال ۱۳۶۷ تعداد زیادی از زندانیان شهر سقز که هیچ کدام از آنان احکام اعدام نداشتند برای اجرای حکم اعدام به بیرون از زندان منتقل شدند.

بعد از اینکه زندانیان را اعدام کردند، یک شایعه توسط توابعین پخش شد که همه زندانیانی که تا آن روز اعدام نشده اند، آزاد خواهند شد.

به گفته توابعین و تعدادی از مسئولان زندان قرار بود کلیه زندانیانی که تا آن روز اعدام نشده بودند در مراسم روز ۲۲ بهمن آزاد شوند. اما این شایعات هیچ وقت جامه عمل نپوشید، آزادی زندانیان سیاسی تنها به ۵۲ نفر محدود شد.

تاریخ ۲۲ بهمن سال ۱۳۶۷ یعنی ۲۹ سال پیش، اسامی ۵۲ نفر از زندانیان سیاسی را که حکمشان به پایان نزدیک شده بود را قرائت کردند. وقتی موضع را پیگیری کردیم به ما گفتند: افرادی که اسامی آنان قرائت شد؛ آزاد هستند و بعداً» تعداد دیگری نیز آزاد خواهند شد. من هم در میان آن ۵۲ نفر بودم که جهت آزادی از زندان اسامی ما را خوانده بودند.

وقتی همگی ما به داخل حیاط زندان رفتیم به هر کدام از ما یک پلاکارت دادند که روی آن شعارهای، از جمله مرگ بر آمریکا، اسرائیل، مجاهدین، کومه له، دمکرات و صدام رویشان نوشته شده بود.

ما را به خط کردند و رئیس زندان گفت که هر کدام از ما یک پلاکارت برداریم و به صورت راهپیمایی به طرف میدان آزادی شهر حرکت کنیم.

ما اطلاع داشتیم که مردم زیادی در میدان آزادی (برگاراژ) جمع شده بودند و انتظار آن را داشتند که همه زندانیان آزاد شوند. اما مردم بی خبر از اینکه تنها ۵۲ نفر زندانی آزاد می شوند. وقتی مسئولین زندان پلاکارت ها را در میان زندانیان تقسیم می کردند نوبت به من هم رسید و یک پلاکارت را به من دادند. من فوری روبه رئیس زندان گفتم: «آقای رئیس زندان من آماده نیستم پلاکارت رو حمل کنم» زیرا آزادی بدون پلاکارت حق من است. رئیس زندان وقتی اظهارات من را شنید فریاد زد و به همکاران خود گفت: «سریع ایشان را به زندان برگردانید، این پسره نمی خواهد آزاد شود». من قبل از اینکه مسئولان مربوطه گفته رئیس زندان را اجرا کنند، خودم سریع به داخل بند برگشتم.

زندانیان داخل بند از من سؤال کردند که چرا برگشتید؟ در جواب گفتم: «به دلیل اینکه به هر زندانی یک پلاکارت میدادند که با خودشان حمل کنند و من قبول نکردم؛ من زندانی هستم و دارم حبس خودم را سپری می کنم؛ چرا باید به نیروی آنها تبدیل شوم و برای آزادی خود علیه دیگران شعار دهم».؟ دوستان زندانی دور من حلقه زدند و هر یک به نوعی نظرش را بیان میکرد. به این ترتیب من آن روز آزاد نشدم.

سؤال از مسئولان حقوق بین المللی و حقوق بشر این است؟ این چه نوع اتهامی است که رئیس شعبه چهارم دادگاه تجدید نظر استان کردستان بعد از ۲۹ سال آن را طرح می کند؟ این در حالی است که تفهیم اتهام من برای جرم جدید؛ تأسیس یک کمیته کارگری بنام کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بوده و در تمام مراحل بازجویی نیز روی این مورد بازجویی شده ام.

محمود صالحی





## سعید شیرزاد اصغر فرهادی را اخته سیاسی هنری خواند

نامه ای از زندانی سیاسی سعید شیرزاد به آقای فرهادی در رابطه با جایزه اسکار کاسه گدایی گرفت و حق خود را با در یوزه گی از حکام طلبیدن چیزی جز تجلی نوعی از اختگی سیاسی هنری مدرن نیست؛ حال می توان با جدیت فهمید و دید که ما از کجا و چطور سقوط کرده ایم؛ هنرمندان آن جامعه آن بی انتها مستقلان و گردن کشانند و باید برهنه و هنرمند آن سرزمین گریست وقتی اینگونه خوار و خفیف می شوند؛ در گرودار امنیت نان و نام حیثیت خویش را اسیر نشیمنگاه دولتمردان می کنند، که البته هیچ کدام نصیبشان نخواهد شد. که هر آنچه هنوز دارید را نیز از شما خواهند ربود... آقای فرهادی؛ این نامه نامه تبریک نیست، چرا که شما به این تبریک نیازی ندارید نه من آنم که در قرن ارزانی انسان برای اسکاری بنویسم که از امروز بهبود بی بی سی نشین برایش سند رو می کند که نه به ترامپ ربط داشت و نه سیاسی بود!!! و یاوه گویی هایش را با دستمال چرکین بی بی سی نشین از این پس به سلامتی شما بالا ببرد و ما هم می گوئیم شبیه سازی شده ی نوبل عبادی نبود و زبان این نوشته هم که به زبان فقر و رزقان است و سرباز، زبان استثمار شده شیبان و خفاجیه (شما بخوانیدش سوسنگرد) آقای فرهادی؛ آیا تا به حال فیلم له شدن پسر شهین را در کف خیابان های تهران دیده اید یا که فیلم له کردن کارتن خوابهای خیابان مولوی را؟؟؟ به خودم می گویم هرگز ندیده اید که اگر می دیدید و برایتان مهم بود به سراغشان می رفتید و شبانه از گور بر نمی خواستید که از همسایه های گورخوابتان بگوئید... آقای فرهادی؛ هنر بند هنرفروش بودن آسان است به آسانی له کردن پسر شهین در کف خیابان و آسانتر از موی نشیمنگاه روباه سبز بنفش شده، شدن... و به همان اندازه هنرمند ماندن سخت است به سختی مادر شهناز شدن که از داغ بی فرزند شدنش زندان کشید و سخت است به سختی جست و جوی ۱۷ ساله استخوان های پاره تن اکرم به صبر و طاقت مادر بهکیش سخت است... آقای فرهادی؛ کاش به جای شبی گورخواب شدن سری به خیابانهای شوش و دروازه غار می زدید و تن فروشی عریان هموطنان آریاییتان!!! در کف خیابان را می دیدید و سری هم به قبرستان می زدید و دخترک گلفروش سینه قبرستان را می نگریستید و می فهمیدید تیر آرش، جان آتش گرفته صمد و احمد شد بر وجدان به خواب زده آریایی رنگان!!! آقای فرهادی اسکار دومتان مبارک!!! اما تن به حراج رفته زنی در خیابانهای تهران، که سینه هایش لای پنجه هرزه ای شهوت پرست برای انزالی از عقده، خون می شود و زنی که از مرگ بر جگر می کشد فریاد را در کدام سکانس به تصویر کشیده اید؟ یا که سکانس رقص کولبر با گلوله و بهمن؟! سکانس دختری که در پستوی خانه از نداری پدر به فروش می رود...؟؟؟! تجاوزهای شب اعدام و خاوران کو؟؟؟ ۴ بهمن ۸۲ و کشتار کارگران خاتون آباد و تابلوی شلاق خوردن کارگران آق دره کو؟؟؟ جان بیجان آرش و هفتاد و هفت روز گرسنگیش پیشکش، چشمان بی سو شده زینب جلالیان در حسرت زریوار و آیدر یا که گمنامی رفیق کودکان کوبانی امیرامیرقلی را چه می گویی

## بیانیه مشترک کارگران خباز سنندج و مریوان در رابطه با دستمزد سال ۹۶

کارگران، مردم شریف ایران!

تحرکات مربوط به تعیین دستمزد کارگران برای سال ۹۶ از چند روز پیش به این سو به جریان افتاده است. مقامات دولتی، تشکلهای کارفرمایی، اطاق بازرگانی و تشکل های اسما کارگری از شورای اسلامی کار که بی ربط ترین تشکل به طبقه کارگر می باشد تا خانه کارگر و غیره و غیره همگی به این بحث وارد شده اند. این اجماع ضد کارگری در یک سمفونی گوش خراش در صدد است با دست آویز قرار دادن « شرایط نابسامان اقتصادی » و با تکیه بر بودجه ریاضتی دولت، امسال هم مانند سالهای گذشته دستمزد کارگران را چندین مرتبه زیر خط فقر تعیین کند. برای رسیدن به این مهم و آماده نمودن ذهنیت کارگران و خانواده های آنان و برای تحمیل یک دستمزد غیر واقع؛ دولت چندی پیش حقوق کارکنان خود را برای سال ۹۶ حدود ۱۰ درصد افزایش، اعلام نمود.

همچنین محمد باقر نوبخت سخنگوی دولت در نشست خبری اخیرش درباره حداقل دستمزد گفته است « دولت خود را مقید به افزایش دستمزدها بر اساس نرخ تورم می داند » چنین اظهار نظرهایی در شرایطی صورت می پذیرد که مرکز آمار ایران نرخ تورم بهمن ۶,۸ درصد اعلام کرد. چنین نرخی از تورم با پرواز ناگهانی قیمت اقلام و / ماه را با یک دهم درصد کاهش نسبت به ماه گذشته کالاهای ضروری خانوارهای کارگری در آستانه سال نو به صورت سرسام آور، در حالی است که دستمزد ماهیانه کارگران جوابگوی گذران تنها چند روز از ماه را دارد. علاوه بر آن دولت با اعمال مالیات بر ارزش افزوده بر روی کلیه کالاهای مصرفی، عملاً درصدی از همان دستمزدهای زیر خط فقرمان را به جیب مبارک سرازیر می کند. دیگر ناهنجاری های اجتماعی ناشی از بیکاری، اخراج سازی، عدم پرداخت دستمزدها، عدم امنیت شغلی و.... هم پیشکش

در این شرایط اسفناک اجتماعی که زندگی اکثریت قریب به اتفاق کارگران تحت تاثیرات منفی آن قرار دارد، ما کارگران خباز به دلیل عدم افزایش دو سال و نیم دستمزدمان، بسی بی حقوق تر از هم طبقه ای های خود زندگی مشقت باری را گذرانیدیم. بطوری که دستمزد ما کارگران خباز طی حدود شش سال گذشته تنها دو بار و آن هم بنا به عرفی غیر قانونی، همزمان با افزایش قیمت آرد و نان؛ افزایش پیدا کرده است. به همین خاطر ما کارگران خباز بار دیگر منوط کردن افزایش دستمزدها به افزایش نرخ نان را غیر قانونی دانسته و ضمن آنکه خواستار عدم افزایش قیمت ضروری ترین کالای سفره کارگران یعنی نان می باشیم، می خواهیم دستمزدهایمان در اولین روز فروردین هر سال همزمان با افزایش دستمزد دیگر کارگران، افزایش پیدا کند.

کارگران!

همانگونه که همگان می دانیم هر سال دولت و کارفرمایان بسته به اوضاع و احوال خودشان دستمزدها را تعیین می نمایند نه بر اساس قدرت طبقه کارگر، چون اساسی ترین فاکتوری که در تحمیل مزدی برابر با بالاترین استانداردهای

امروزین بشر نقش موثری ایفا میکند، همانا سازمانیابی طبقاتی کارگران به صورت مستقل از دولت و کارفرما در سطحی سراسری است که متأسفانه غایب است، نه در تعیین تکلیف شورای عالی کار یا هر سازمان و تشکل دیگری... ما کارگران شاغل در خبازی های سنندج و مریوان سازمانیابی طبقاتی کارگران را امری ضروری دانسته که باید برای تحقق آن گام های مستحکمی برداریم تا از موانع پیش رو، از برخوردهای انحصارطلبانه گرفته تا نگاه های فرقه ای و گرایشات خرده بورژوازی و... عبور کنیم.

ما ضمن حمایت از خواست و مطالبات همه کارگران، معلمان، پرستاران و... خود را در کنار آنان می بینیم و با رد سیاست سه جانبه گرایی در تعیین دستمزد کارگران، خواهان افزایش دستمزدهای سال ۹۶، طبق نرخ تورم و سبب معیشتی هستیم که حقوق ۲۴ میلیون تومانی مدیران کشور بر اساس آن به تصویب رسیده است.

انجمن صنفی کارگران خبازی های سنندج و حومه  
انجمن صنفی کارگران خبازی های مریوان و سروآباد

اسفند ماه ۱۳۹۶



## بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون حداقل مزد سال آینده

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون حداقل مزد سال آینده: حداقل مزد ماهیانه ۹۳۰ هزار تومانی لکه ننگی است بر دامن دولت و نهادهای دست ساز کارگری

پس از چند ماه خیمه شب بازی و همکاری نهادهای ضد کارگری با دولت و کارفرمایان برای تحمیل حداقل مزد چندین برابر زیر خط فقر به طبقه کارگر ایران، صبح امروز حداقل مزد ۹۳۰ هزار تومانی به امضای طرفین رسید و یکبار دیگر سالی پر از رنج و مشقت برای میلیونها خانواده کارگری رقم خورد.

تعیین چنین مزد خفت باری از سوی شورای عالی کار و امضای آن توسط نماینده های دست ساز کارگری چیزی نبود که بر ما کارگران پوشیده باشد. چرا که دهه هاست با بکارگیری چند ماشین امضا به نام نماینده کارگر به جای نماینده های واقعی ما کارگران در نهادی به نام شورای عالی کار، چنین وضعیتی جاری است و سال به سال فقر و فلاکتی روز افزون بر میلیونها خانواده کارگری تحمیل میشود.

با این حال امسال، نهادهای ضد کارگری همچون کانون عالی شوراها و اسلامی و دیگر نهادهای دست ساز، تحت فشار جنبش کارگری ایران، چهره های کمتر شناخته شده ای را به معرکه مسائل کارگری و تعیین حداقل مزد وارد کردند و آنان با اعلام سبد هزینه دو میلیون و چهار صد و هشتاد هزار تومانی و تبلیغات ریاکارانه بر روی آن، دست آخر با گذاشتن امضایشان بر پای حداقل مزد ۹۳۰ هزار تومانی، چشم در چشم میلیونها خانواده کارگری به آنان اعلام کردند فقر و گرسنگی بی پایان، تنها سهم ۵۰ میلیون نفر انسان در این مملکت از زندگی است. کارگران و همکاران در سراسر کشور

هیچکس به اندازه خود ما کارگران نمیداند که حداقل مزد ۹۳۰ هزار تومانی یعنی چه؟ تعیین چنین مزدی یعنی له شدن و لگد مال شدن شان و منزلت ما کارگران، یعنی محروم شدن بیش از پیش فرزندان خردسال ما از تحصیل و رانده شدن صدها هزار کودک به خیابانها برای شیشه پاک کنی و دستفروشی و تکدی گری، یعنی خودکشی بیشتر و بیشتر ما کارگران بدلیل درماندگی از گذران زندگی، یعنی طولانی تر شدن صف کلیه فروشی، یعنی گسترش پدیده گور خوابی و کارتن خوابی، یعنی فروپاشی بیش از پیش خانواده های ما و از دست رفتن دختران و پسران جوان مان و تباه شدن زندگی آنان، یعنی مرگ از گرسنگی و تن فروشی گسترده تر زنان و یعنی نابودی آخرین ذره های انسانیت. از طرف دیگر هیچکس نیز به اندازه خود ما نمی تواند مبشر پایان دادن به این همه فلاکت و بدبختی باشد. همه ما بهتر از هر کسی میدانیم که تنها چیزی که در این مملکت وجود ندارد احساس مسئولیت دولتها در قبال زندگی و هستی ماست. اینرا ما هر روزه با پوست و گوشت خود در مراکز تولیدی و صنعتی لمس میکنیم و میدانیم که

حتی آنجا که همین دستمزد چندین برابر زیر خط فقر ما را نیز نمی پردازند و ما بناچار دست به اعتراض میزنیم از استاندار و شورای تامین و نیروی انتظامی و گارد ویژه همگی در مقابل ما صف میکشند و با تهدید و ارباب از ما میخواهند تا صدایمان در نیاید. این آن چیزی است که از برنامه و قانون برای اداره زندگی و بودن و زیستن ما کارگران در این مملکت وجود دارد.

به همین دلیل ساده و با توجه به تعیین حداقل مزد ۹۳۰ هزار تومانی به مثابه تحمیل قطعی فقر و گرسنگی روز افزون تر بر ما کارگران و خانواده هایمان در سال ۱۳۹۶، دیگر نباید به امید چیزی جز اعتراض و نیروی متحد خودمان برای خلاصی از وضعیت مشقت بار موجود بنشینیم. باید در جای جای کشور و به عنوان امری بسیار حیاتی، دستهایمان را در دست همدیگر بگذاریم و در ابعادی سراسری با خواست رهایی از فقر و فلاکت، نیروی به هم پیوسته خود را به جنبشی عظیم تبدیل کنیم و متحد و همراه با بازنشستگان و معلمان، گامهای تعیین کننده ای را برای پایان دادن به مصائب موجود برداریم. این یگانه راهی است که در سال آینده پیش روی ما کارگران قرار دارد و لاغیر.

اتحادیه آزاد کارگران ایران

۲۵ اسفند ۹۵



## اعتراضات

در این شماره نیز مانند شماره قبلی تعدادی از اعتراضات کارگری و معلمان و بازنشستگان و پرستاران و ... تنها به صورت نمونه می آوریم و عمده دلیل این است که :

- ۱ - ما امکانات پوشش دادن کلیه اخبار و گزارشات فوق را نداریم .
- ۲ - اعتراضات و تظاهرات بقدری گسترده و پر تعداد هستند که برای هیچ تشکل و محفل و تشکیلاتی به تنهای امکان پذیر نیست.
- ۳ - انتخاب گزارشات و اخباری که در پی می آیند تنها بر مبنای معیار انتخاب تصادفی شکل گرفته اند.

- ۴ - در این شماره تحلیلی برنامه ریزی شده در رابطه هیچ کدام از اخبار و گزارشات تهیه نشده و تنها بر کلیت و افشاگرانه بودن آنها و در رابطه برخی از آنها به توضیح مختصری تکیه شده است.
- ۵ - ما تلاش خواهیم کرد در شماره های بعدی در رابطه با برخی از اخبار و گزارشات تحلیل های آرایه بدهیم که امید داریم امکان آرایه تحیل جامع و همه جانبه را داشته باشیم.

توضیح مختصر: طی سال گذشته حدود ۷۴۰۰ اعتراض بوقوع پیوسته است، این در حالی است، که در سال ۱۳۹۲ - ۵۵۶ اعتراض بود در سال ۱۳۹۴ - ۵۸۰۰ اعتراض به ثبت رسیده و در سال ۱۳۹۵ حدود ۷۴۰۰ اعتراض رخ داده است، چنین رشد شتابانی دارای معنا و مفهوم بسیار مهمی است که انقلابیون باید خود را برای آینده، جهت تعیین تکلیف آماده کنند. اعتراضات رخ داده بخصوص موارد شاخص آنها که به عنوان نمونه ای از بقیه هستند هر کدام می تواند از زوایای مختلف مورد تجزیه و تحلیل واقع شده و درس های از آنها کسب شود و تجربیات آنها به گستردگی در سطح و عمق جنبش کارگری و جنبش انقلابی منتشر گردد، که به شدت نیاز به چنین چیزی احساس می شود، امید داریم رفقای فعال در جنبش کارگری و جنبش انقلابی در سال آینده هر کدام به بخشی که دم دست خود دارند و امکان بررسی میدانی و کتابخانه در مورد موضوع خاص دارند به اینکار اقدام نمایند، در حال حاضر تعدادی از رفقا در جمع آوری و انتشار اخبار و گزارشات به شکل مجموعه های روزانه یا هفتگی و برخی ماه به ماه تلاش و کوشش می کنند که به جد قابل تشکر و قدر دانی هست ، و اگر رفقای دیگر دست به کار شده مجموعه های آرایه شده یا برخی از اخبار شاخص را به شکل روتین و مستمر و حتی در صورت امکان به شکل دسته جمعی، موارد مهم را تجزیه و تحلیل نمایند کاری بزرگی صورت خواهد گرفت.

بامید چنان روزی



توده را با جنگ صنفی آشنا باید نمود  
 کشمکش را بر سر فقر و غنا باید نمود  
 در صف حزب فقیران اغنیا کردند جای  
 این دو صف را کاملاً از هم جدا باید نمود  
 این بنای کهنه پوسیده ویران گشته است  
 جای آن با طرح نو از نو بنا باید نمود



## تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه کاشی نیلوادامه دارد!

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کاشی نیلونسبت به بیکاری وعدم پرداخت مطالباتشان مقابل استانداری اصفهان! اخبار و گزارشات کارگری: امروز چهارشنبه ۴ اسفندماه، کارگران کاشی نیلوادراعتراض به تعطیلی کارخانه بیکاری و بیکارشدن وعدم پرداخت مطالباتشان مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند.

برپایه گزارشات منتشره، یکی از کارگران کارخانه کاشی نیلو که نخواست نامش فاش شود اظهار داشت: کارخانه کاشی نیلو تا اطلاع ثانوی تعطیل شده است این در حالی است که پس از تعطیلی کارخانه‌های مختلف از جمله ارج و آزمایش و پلی‌اکریل شرکت «کاشی نیلو» هم تعطیل شده است.

وی با اشاره به اینکه کاشی نیلو اصفهان یکی از قدیمی‌ترین کارخانه‌های کشور محسوب می‌شود، گفت: متأسفانه این شرکت با دارا بودن تمام امکانات روز دنیا سرانجامش به تعطیلی رسید و علی‌رغم تمام قول‌ها و امیدهای مسئولان شهرستان و استان اصفهان در یک سال گذشته از اول اسفند آب پاکی را به روی دستان کارگران ریخته و این کارخانه را تعطیل کردند.

این کارگر با بیان اینکه کارگران قراردادی این کارخانه برای بیمه بیکاری به سازمان تأمین اجتماعی معرفی شدند، ادامه داد: آیا شرکتی که با واسطه و اگذار شده است پس از پنج سال، بدهی خود را چه زمان به تأمین اجتماعی خواهد داد؟

تجمعات اعتراضی کارگران کارخانه کاشی نیلوادامه دارد!

۱۶ ماه است که کارگران کاشی نیلو معوقات خود را دریافت نکرده‌اند، حال که وعده‌ها هنوز محقق نشده کارگران کاشی نیلو با حضور در مقابل این کارخانه برای چندمین بار نسبت به عدم امنیت شغلی و تاخیر در پرداخت حقوق ماهانه خود اعتراض کردند.

کارگران کارخانه کاشی نیلو به نشانه اعتراض به منظور دریافت مطالبات و حقوق خود که اکنون در آستانه ۱۶ ماهگی است، روز ۱۱ بهمن ماه سال جاری مسیر اصفهان- نجف‌آباد را مسدود و تردد در این مسیر را با مشکل مواجه کردند تا از این طریق مسئولان به فریاد آن‌ها برسند.

روز ۱۳ بهمن ماه برای چندمین بار کارگران کاشی نیلو در یکی از میدانیان شهرستان نجف‌آباد تجمع کردند، چهره آن‌ها غمناک و خسته بود، کارگرانی که باید در سنگر تولید حضور داشته باشند به دنبال واگذاری شرکتی نمونه با تمام تجهیزات و دستگاه‌های به‌روز دنیا که قابل رقابت با کشورهای صاحب‌نام دنیا بوده این روزها بلا تکلیف هستند. روز گذشته بود که مسئولان شهرستانی با وعده‌های متعدد، کارگران کاشی نیلو را متفرق و مسیر را بازگشایی کردند اما به گفته کارگران این کارخانه هنوز وعده‌ها محقق نشده است.

به گزارش ۱۹ بهمن تسنیم، یکی از کارگران کاشی نیلو که نخواست نامش فاش شود اصفهان اظهار داشت: ما مطالبه ۱۶ ماه حقوق، حدود ۲ سال عیدی، سنوات و بیمه خود را از کارخانه کاشی نیلو خواستاریم.

وی افزود: ۴۰ نفر از کارگران کاشی نیلو بازنشسته شدند که باید بیمه ۴ درصدی بازنشستگی خود را پرداخت کنند که هیچ‌کس برای رسیدگی به وضعیت بازنشسته‌ها اقدام نکرده است، از این رو حدود ۲۰ نفر از بازنشستگان بیمه ۴ درصدی را که از حدود ۱۰ الی ۳۲ میلیون تومان بوده، خود پرداخت کردند.

این کارگر کاشی نیلو تصریح کرد: مسئولان کارخانه کاشی نیلو به افرادی که بیمه ۴ درصدی خود را پرداخت کردند وعده داده که این مبلغ را به آن‌ها بازمی‌گرداند، اما علاوه بر اینکه این وعده آن‌ها هم محقق نشده بلکه یک‌سری

از سنوات بازنشستگان به حالت تعلیق درآمده است.

وی با بیان اینکه کارخانه کاشی نیلو مدتی است چوب بی‌تدبیری هیئت مدیره این کارخانه را می‌خورد، گفت: هیچ‌کدام از مسئولان شهرستان نجف آباد و استان جوبابگوی مشکلات موجود در این کارخانه نبوده و نیستند. این کارگر کاشی نیلو بیان کرد: حدوداً از ۲۵ اسفندماه سال ۹۴ تاکنون هیچ یک از مسئولان کارخانه کاشی نیلو به این کارخانه مراجعه نکرده و جوبابگوی مشکلات کارگران نبودند.

زمان آغاز بحران در کارخانه کاشی نیلو از واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی بوده است، براساس اطلاعات، زمانی که تأمین اجتماعی، کارخانه کاشی نیلو را به ۴ نفر به صورت اقساطی فروخت، فقط ۲ قسط تأمین اجتماعی پرداخت شده و مابقی آن را پرداخت نکرده و در این میان تکلیف هیچ‌کس را هم مشخص نکردند.

برهمن اساس بیمه کارگران از بهمن سال ۱۳۹۴ تا کنون پرداخت نشده است، علاوه بر اینکه بیمه‌های قبل نیز پرداخت نشدند، به همین دلی کارگران اعتراض خود را به اداره کار بردند تا مشکل آن‌ها برطرف شود. یکی از کارگران با سابقه کاشی نیلو در این زمینه گفت: من ۱۸ سال سابقه کار در بخش فنی کارخانه کاشی نیلو را دارم. وی ادامه داد: دلیل تعطیلی کارخانه کاشی نیلو مربوط به زمانی است که این کارخانه از اداره کل تأمین اجتماعی به بخش خصوصی واگذار شد.

علی‌خانی اظهار داشت: روز نخستی که ۴ شریک به این کارخانه آمدند همه چیز خوب بود، انبارها پر از کاشی بود که به خوبی فروش می‌رفت و انبار فنی هم پر از جنس و دستگاه‌ها بدون عیب کار می‌کردند اما از روزی که ۴ شریک پای خود را به کارخانه گذاشتند هرچه بود و نبود را فروختند و یک ریال هم خرج کارخانه نکردند.

وی افزود: باطنی مدیرعامل کارخانه کاشی نیلو چندی پیش در جمع کارگران گفت که با شریک دیگر به مشکل برخورد کرده‌اند و خبر داد که آنها اموال کارخانه را برده و دزدی کرده‌اند، ماجرا اما امروز به جایی ختم شده که کارخانه کلاً تعطیل است.

براساس این گزارش، در حال حاضر حدود ۸۰۰ نفر از کارگران کارخانه کاشی نیلو ۱۶ ماه است مطالبات و معوقات خود را دریافت نکردند.



## اعتصاب و تجمع ۳۰۰ کارگر کارخانه آلومینیوم المهدی هرمزآل برای همبستگی با ۴۰ همکار اخراجیشان و بازگشت بکارشان!

صبح امروز ۴ اسفند، بیش از ۳۰۰ کارگر کارخانه آلومینیوم المهدی هرمزآل در اعتراض به اخراج ۴۰ نفر از همکارانشان تولید را متوقف کرده و در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند.

به گزارش ۴ اسفند ایلنا، یکی از کارگران معترض آلومینیوم المهدی گفت: مدیران کارخانه به بهانه کمبود منابع مالی قصد دارند تا در چندین مرحله کارگران خود را تعدیل کنند که اول اسفند ماه با اخراج ۴۰ کارگر، مرحله نخست اخراج کارگران آغاز شده است.

او با بیان اینکه سوابق فعالیت بعضی از کارگران بیکار شده به ۱۵ سال می‌رسد، اظهار کرد: در مجموع این کارخانه بیش از ۲ هزار و ۴۰۰ کارگر دارد که علاوه بر آنکه فاقد امنیت شغلی اند کارفرمای بخش خصوصی کارخانه در پرداخت مطالبات آنان بی توجهی می‌کند.

به گفته این کارگر، افراد حاضر در تجمع امروز از کارگران شیفت صبح کارخانه آلومینیوم المهدی هستند که به حمایت از ۴۰ کارگر اخراجی دست از کار کشیده و با متوقف کردن تولید خواستار بازگشت بکار همکارانشان شده‌اند.

این کارگر در ادامه اظهار داشت: کارگران نگرانند که روند اخراج کارگران ادامه پیدا کند و شاهد اخراج سایر کارگران قراردادی در هفته‌های آینده باشیم.

او در ادامه با اشاره به اینکه بخش دیگری از مشکلاتمان مربوط به حذف برخی از مزایای مربوط به حق افزایش تولید کارگران است که از بدو تاسیس این مجتمع به آنان پرداخت می‌شده است، افزود: همچنین مشخص نبودن وضعیت دارایی‌های صندوق قرض الحسنه کارگران بعد از خصوص سازی این کارخانه از دیگر موارد اعتراض امروز کارگران بود که تاکنون نسبت به آن بی توجهی شده است.



## بازهم وعده مسئولان طراز اول به کارگران کارخانه پارسیلون توخالی درآمد!

### ادامه تجمعات اعتراضی کارگران اخراجی، شاغل و بازنشسته کارخانه پارسیلون برای روز متوالی!

گروهی از کارگران شاغل و بازنشسته کارخانه پارسیلون خرم آباد از روز یکشنبه (یکم اسفند) تا به امروز مقابل ساختمان استانداری لرستان تجمع کرده‌اند و تا به امروز در حال تجمع هستند.

اجتماع اعتراضی یاد شده به صورت همزمان در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغلی و بلا تکلیفی در دریافت مطالبات معوقه برگزار شده است. در کارخانه نساجی پارسیلون بیش از ۱۲۳ نفر کارگر رسمی فعالیت دارند که در ۱۴ ماه گذشته حقوق نگرفته‌اند. علاوه بر آن حدود ۲۶ ماه از معوقات مزدی سالهای گذشته آنها هنوز پرداخت نشده است.

طبق اظهارات کارگران شاغل در پارسیلون، همچنین چندین ماه است که حق بیمه کارگران شاغل به تأمین اجتماعی پرداخت نشده و در نتیجه دفترچه درمانی کارگران به خانواده هایشان تمدید نمی‌شود.

همچنین جمعی از بازنشستگان این کارخانه که تعداد آنها در حدود ۱۰۰ نفر است و به تدریج از سال ۹۲ بازنشست شده‌اند به دلیل دریافت نکردن سنوات پایان کار در تجمع امروز حضور دارند.

به گفته آنان همچنین در این اجتماع اعتراضی چند روزه حدود ۲۳۰ کارگر قرار دادی اخراجی کارخانه نیز حضور دارند. این کارگران که از دی ماه سال ۹۴ از کار بیکار شده‌اند می‌گویند که کارفرما هنوز بابت مطالبات معوقه با آنها تسویه حساب نکرده است. در ادامه کارگران تاکید دارند که از زمان واگذاری این کارخانه به بخش خصوصی این مشکلات آغاز شده است.

سه شنبه ۳ اسفند، کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد بدنبال توخالی درآمدن وعده مسئولان مبنی بر پرداخت بخشی از مطالباتشان برای باردیگر مقابل استانداری لرستان تجمع کردند.

کارگران معترض اعلام کردند تا رفع این مشکل طی روزهای آینده نیز به تجمع خود ادامه می‌دهند.

یکی از کارگران گفت: بنا بود دو میلیارد تومان از طلب کارگران را پرداخت کنند که این مبلغ به یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان کاهش یافت، در صورتی که استاندار لرستان طی چند روز اخیر اعلام کرد که این مبلغ پرداخت شده است ولی هنوز هیچ پرداختی نداشته‌اند.

وی بایان اینکه این مبلغ بنا بود با شرایط خاصی پرداخت شود به طوری که تعهد بدهیم تا زمان تشکیل کنسرسیوم هیچ حق اعتراضی نداشته باشیم افزود: تاکنون یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان پرداخت نشده است و اعلام کردند بازرسی کل کشور اجازه پرداخت این مبلغ را نمی‌دهد. اگر این مبلغ را پرداخت کنند و بین کارگران تقسیم شود تنها دو میلیون تومان سهم هر کارگر است که هیچ دردی از این همه مشکلات کارگران را دوا نمی‌کند.

وی بیان کرد: یک سال و نیم است که حقوق نگرفته‌ایم و هیچ منبع درآمدی دیگری هم نداریم، برای تأمین مخارج زندگی راهی جز قرض گرفتن نداریم و تاکنون حدود ۲۰ میلیون تومان قرض گرفته‌ام.

یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: به غیر از ۱۹ ماه طلب قبلی ۱۶ ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده‌ایم و

از سال ۸۸ تاکنون از عیدی و پاداش نیز خبری نیست.

وی افزود: شغل ما گدایی و قرض گرفتن از مردم است حتی لباس‌های تنمان را نیز از دیوار مهربانی می‌آوریم، چرا مسئولان فکری به حال این کارگران نمی‌کنند، دیگر آبروی نزد مردم، مغازه‌های محل و ضامن‌های بانکی نداریم و بی‌اعتبار شده‌ایم.

مستأجرم و ۱۴ ماه اجاره منزل را پرداخت نکرده‌ام، انتظار داریم مسئولان چاره‌ای بیندیشند، طلب کارگران را پرداخت کنند و شرکت استارت زده شود.

یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: بنا بود تا نهم اسفندماه طلب کارگران را پرداخت و تسویه کامل کنند ولی تاکنون هیچ پرداختی نداشته‌اند. با اعلام اینکه یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان به کارگران پرداخت شده مشکلات بیشتری را برای ما ایجاد کرده‌اند و طلبکاران فشار بیشتری برای پرداخت پولی که قرض گرفته‌ایم دارند، اصلاً پول نمی‌خواهیم فقط در رسانه عمومی اعلام کنند مبلغ یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان را پرداخت نکرده‌اند. اینکه بازرسی اجازه پرداخت را نمی‌دهد بحث سیاسی خودشان است و فقط کاسه کوزه‌ها سرکارگران خالی می‌شود؛ عمر و جوانی ما تباها شده و زن و بچه‌هایمان در مشقت و سختی هستند، ما هیچ پشتوانه‌ای نداریم و معلوم نیست تا کی باید به این روال ادامه دهیم.

یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: بازنشسته هستم ولی تأمین اجتماعی تا زمانی که کارفرما پول چهار درصد را به حساب واریز نکند با بازنشستگی من موافقت نمی‌کند. با وضع پیش‌آمده تکلیف من روشن نیست، نه بازنشست می‌کنند و نه حق و حقوق‌مان را پرداخت می‌کنند.

در سال‌های گذشته تعداد نیروهای کارخانه پارسیلون از هزار و ۵۰۰ تا ۲ هزار نفر به زیر ۲۰۰ رسیده است، از سوی دیگر کارگران این واحد تولیدی اکنون حدود چند سال است که حقوق و مطالبات خود را دریافت نکرده‌اند. در نظر بگیرید چگونه یک سرپرست خانواده می‌تواند بدون حقوق خانواده خود را اداره کند، اما متأسفانه کارگران پارسیلون دچار این معضل اساسی شده‌اند و راهکاری مناسب برای حل و فصل مشکلات کارگری این مجموعه صورت نمی‌گیرد.

بدنبال خلع ید مالک فعلی کارخانه پارسیلون و بر اساس مصوبه ستاد تسهیل ملی قرار بر این شد تا شاهد تشکیل یک کنسرسیوم متشکل از طلبکاران این واحد تولیدی باشیم، همچنین مقرر شد تا در اسرع وقت کنسرسیوم مربوطه اقدام به پرداخت مطالبات کارگران پارسیلون کند.

از سوی دیگر بر اساس برنامه زمانبندی شده قرار بر این بود که این کنسرسیوم شرایط را برای احیای مجدد پارسیلون مهیا کرده تا بار دیگر این ظرفیت بزرگ تولیدی در میان مدت به چرخه تولید و اقتصاد لرستان باز گردد.

بر اساس برنامه ریزی‌های صورت گرفته مسئولان بهمن ماه را زمان پرداخت بخشی از مطالبات کارگران پارسیلون اعلام کرده، اما روزها از پس هم می‌گذرد و وعده‌های مسئولان استان به سرانجام نمی‌رسد.

حتی استاندار لرستان در جلسه ستاد تسهیل استان در تاریخ ۲۶ بهمن ماه اعلام کرد که روند پرداخت مطالبات کارگران پارسیلون آغاز شده و در مرحله اول شاهد پرداخت یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان به کارگران این مجموعه هستیم.

همین موضوع باعث شد تا بار دیگر دلگرمی میان کارگران زجر کشیده پارسیلون ایجاد شود، اما بازهم روزها می‌گذرد و وعده استاندار لرستان مبنی بر پرداخت مطالبات محقق نشد.

به هر حال کارگران پارسیلون همچنان باید در انتظار تحقق وعده‌های مسئولان کشوری و استانی باشند و بازهم اقدام به تجمع در مقابل استانداری کنند.

انتظار تمامی کارگران و مردم استان این است که اگر اقدامی واقعی در جهت پرداخت مطالبات صورت نمی‌گیرد، لاقلاً مسئولان اقدام به وعده دادن نکنند.

حال باید دید گره کور پارسیلون بزرگ چه زمانی باز خواهد شد؟ آیا مسئولان تنها یک روز خود را جای کارگران این کارخانه قرار داده‌اند تا با دردها و مشقت‌های بسیار زیاد آنها از نزدیک آشنا شوند؟

## تجمع اعتراضی دامنه دار کارگران اخراجی جایگاه‌های عرضه سوخت بدنبال واگذاری به بخش خصوصی مقابل مجلس!

۳ اسفند، کارگران اخراجی جایگاه‌های عرضه سوخت سراسر کشور از جمله استان زنجان به دلیل فروش جایگاه‌های سوخت به بخش خصوصی و بیکاری‌شان مقابل مجلس تجمع کردند. بنابه گفته کارگران این اعتراض روز شنبه ۷ اسفند ماه نیز مقابل بهارستان ادامه خواهد داشت. وزارت نفت و سازمان خصوصی‌سازی جایگاه‌های شرکتی را به مزایده گذاشته که به گفته تعدادی از کارگران قرارداد موقت جایگاه‌های عرضه ۷۵ درصد از جایگاه‌های دولتی واگذار شده است.

گویا بعد از واگذاری تعداد زیادی از جایگاه‌های سوخت به بخش خصوصی کارگرانی که حتی ۱۰ و یا ۱۵ سال سابقه کار دارند نیز با تصمیم بخش خصوصی بیکار شده‌اند و در آستانه عید به جای بردن نانی برای سفره شرمندگی را به خانه‌هایشان بردند.

کارگران قرارداد موقت جایگاه‌های عرضه سوخت سراسر کشور از جمله استان زنجان روز گذشته با شعار «زنگنه کار ما را پس بده» مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند

یکی از کارگران اخراجی با اعتراض به تصمیم وزارت نفت در واگذاری جایگاه‌ها به بخش خصوصی عنوان کرد: کارگران قرارداد موقت جایگاه‌های عرضه سوخت با بیش از یک دهه سابقه و دارای مدارک تحصیلی دانشگاهی با تصمیم وزارت نفت و سازمان خصوصی‌سازی در واگذاری جایگاه‌ها بیکار و خانه‌نشین شده‌اند. در آستانه سال نو که همه آحاد مردم در حال شادی و برنامه‌ریزی برای عید نوروز هستند ما باید خجالت و شرمسار را خانواده‌های خود باشیم. نماینده کارگران قرارداد موقت جایگاه‌های سوخت استان همدان نیز گفت: نیروهای قرارداد موقت شاغل در جایگاه‌های عرضه سوخت با بیش از یک دهه سابقه با فروش جایگاه‌ها به دلیل تصویب حقوق‌های ماهانه ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان که کفاف زندگی را نمی‌دهد و یا عدم نیاز مالک جدید به این نیروها بیکار و خانه‌نشین شده‌اند. (جالب این است که حداقل دستمزد در آن زمان ۸۱۲ هزار تومان بود ولی قانونی به تصویب رساندن که کارفرمایان خریدار بخش خصوصی می‌توانند ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان بدهند و تازه کارفرمایان به پشتیبانی دولت می‌خواهند کمتر از این مقدار بدهند برای همین شرط اخراج کارگران را با دولت و نهاد های دولتی وسط می‌گذارند.)

وی بیان کرد: آیا منطقی است که پس از چندین سال خدمت صادقانه که عمر و جوانی خود را به پای این صنعت گذاشته‌ایم این چنین با ما برخورد شود و مورد حمله بی تدبیری دولت تدبیر قرار گیریم. وی با بیان اینکه ما کارمندان قرارداد موقت وزارت نفت و دارای کدپرسنلی هستیم، تصریح کرد: آیا وزارت نفت نمی‌توانست با توجه به کمبود نیرو در نواحی و انبارهای نفت این تعداد نیروی بیکار شده را در این قسمت‌ها به کار گیرد. وی با تأکید بر اینکه ما نیروهای سازمان خصوصی‌سازی نیستیم، ابراز کرد: در کل ۲۸۱ نفر با وجود کمبود شدید نیرو در انبارها و نواحی بیکار شده‌اند. این کارگران در حالی که عیدی‌شان را بر اساس مصوبه دولت یعنی ۷۷۰ هزار تومان دریافت می‌کنند اما مزایای کارمندان رسمی را ندارند که این دوگانگی در برخورد با کارکنان تبغیض‌آمیز است یعنی هنگامی که امتیازی برای کارمندان باشد اینها را کارگر حساب می‌کنند و بر عکس اگر مزایایی برای کارگران باشد اینها را کارمند می‌بینند. کارگران اخراج شده جایگاه‌های عرضه سوخت با بیان اینکه سئوالمان از دولت یازدهم این است که آیا تعهدی نسبت به آنها ندارند؟ گفت: وزیر نفت باید پاسخ همسر و فرزندان ما را بدهد.

## اعتراضات کارگران کارخانه پارسیلون همچنان ادامه دارد!!!

اعتراض کارگران کارخانه پارسیلون ماه‌هاست جریان دارد اما امروز (۱۹ اسفند ۹۵) همراه با همسر و فرزندان خود در مقابل استانداری تجمع کرده‌اند تا اعتراض خود را با صدای بلندتری فریاد بزنند شاید گوش‌های شنیدن پیدا شود. همسر یکی از کارگران کارخانه پارسیلون اظهار داشت: همسرم ۱۵ ماه حقوق نگرفته و زندگی برایمان سخت شده است، دیگر تحمل بی‌پولی را نداریم فرزندان ما چه گناهی کرده‌اند که باید حسرت داشتن حتی یک اسباب‌بازی را داشته باشند. وی افزود: با وجود مشکلات مالی زندگی مان به هم‌ریخته است تا کی می‌توانیم با این وضع و بی‌پولی بسازیم. همسر یکی دیگر از کارگران کارخانه پارسیلون عنوان کرد: همسرم از تأمین مخارج زندگی برغمی‌آید، تا الآن با سختی زندگی کرده‌ایم ولی مسئولان فقط امروز و فردا می‌کنند، وعده‌هایشان دروغ است هرماه به امید اینکه فردا حقوق پرداخت می‌کنند ولی هیچ خبری از دریافت حقوق نیست.

وی بیان کرد: سه فرزند دارم که دانش‌آموز هستند ولی حتی از پس مخارج تحصیلی‌شان برغمی‌آییم، چندین ماه است نتوانسته‌ایم کرایه منزل را پرداخت کنیم هزینه انشعابات آب، برق و گاز را هم پرداخت نکرده‌ایم و چندین بار اخطار قطع داده‌اند. همسر یکی دیگر از کارگران کارخانه پارسیلون تصریح کرد: یک سال است که مسئولان وعده پرداخت حقوق می‌دهند، به بهانه اینکه حقوق پرداخت می‌شود از آشنایان قرض گرفتیم ولی هیچ خبری از پول نیست.

وی گفت: بی‌پولی، گرسنگی و وعده‌های دروغ مسئولان سبب می‌شود خیلی از زندگی‌ها از هم بپاشد، بعضی از همکاران همسرم به دلیل همین مشکلات بی‌پولی کارشان به جدایی و طلاق کشیده است، مسئولان خود را به جای ما بگذارند حتی فکر کردن به اینکه یک سال هیچ درآمدی نداشته باشند هم برایشان قابل‌تحمل نیست.

یکی از کارگران کارخانه پارسیلون اظهار داشت: به غیر از ۱۹ ماه طلب قبلی ۱۶ ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده‌ایم، بیست و ششم بهمن‌ماه استاندار لرستان اعلام کرد که یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان از طلب کارگران پرداخت شده ولی تاکنون هیچ مبلغی پرداخت نشده است. وی افزود: بنا بود شرکت به آتیه دماوند واگذار شود، آتیه دماوند نیز اعلام کرد برای پرداخت معوقات کارگران شرکت به صورت موقت واگذار شود ولی موقت بودن را تأیید نکردند و گفتند شرکت باید به صورت دائم واگذار شود که اگر بخواهند شرکت را به طور دائم واگذار کنند روند اداری شش ماه طول می‌کشد یعنی تا زمان واگذاری شرکت هیچ خبری از پرداخت حقوق نیست. کارگر کارخانه پارسیلون عنوان کرد: چندین ماه است که امروز و فردا می‌کنند و الآن هم که می‌گویند تا شش ماه دیگر حقوقی پرداخت نمی‌شود، ایام عید است و چطور باید هزینه‌ها را تأمین کنیم، همسر و فرزندان ما دیگر تحمل این وضعیت را ندارند. همسر یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: بیش از یک سال است که همسرم حقوق نگرفته و این یک سال بدترین روزهای زندگی‌مان بوده است، همسرمن حتی از تأمین کوچک‌ترین نیاز زندگی برغمی‌آید. وی افزود: تمام اقساط عقب‌مانده و هزینه کرایه منزل را در این مدت پرداخت نکرده‌ایم، فرزند و همسرم بیمار هستند ولی هنوز نتوانسته‌ایم هزینه درمان را تأمین کنیم.

همسر یکی دیگر از کارگران عنوان کرد: یک سال است که خانواده‌ام هزینه‌های زندگی ما را تأمین کرده‌اند ولی تا کی می‌توان به دیگران تکیه کرد، تا چه زمانی خانواده من می‌توانند هزینه زندگی یک خانواده چهار نفره را تقبل کنند. وی بیان کرد: یک سال است که مسئولان استان فقط وعده پرداخت معوقات را می‌دهند ما هم به امید پرداخت حقوق تاکنون ۱۲ میلیون تومان قرض گرفته‌ایم ولی هیچ خبری از پرداخت حقوق نیست.

همسر یکی دیگر از کارگران تصریح کرد: نبود هزینه زندگی روی همه مسائل حتی روابط عاطفی من، همسرم و فرزندانم نیز تأثیر گذاشته، از پس تأمین خواسته‌های فرزندانم برغمی‌آییم، همسرم از این وضعیت خیلی ناراحت است و زندگی به ما تلخ شده امیدواریم مسئولان این مشکلات را برطرف کنند.

# و اما هپکو!!!

در رابطه با اعتراضات کارگران هپکو موضوع متفاوت است و نیاز به بررسی و توجه خاص دارد اما در این شماره فعلاً» به همین قدر که یکی از قویترین اعتراضات بود و موضوعات داخلی پیچیده ای هم دارد که باید با دقت بیشتر تجزیه و تحلیل شود، تکیه می کنیم ضمن اینکه اعتراضات کارگران هپکو چندین سال است بصورت مداوم انجام می شود و بدون شک در آینده هم با قدرت ادامه خواهد یافت. خواندن گزارشات زیر که توسط خودی های جمهوری اسلامی تهیه شده اند و جزء کوچکی از حقایق است نشان می دهد که جمهوری اسلامی در حمایت از سرمایه داری از زاویه کسب سود آسان و فوق سود چه جنایاتی علیه طبقه کارگر مرتکب شده و می شود.

شرکت هپکو در سال ۱۳۵۱ در زمینی به وسعت ۹۰ هکتار در شهر اراک با هدف مونتاژ ماشین آلات راه سازی تاسیس و از سال ۱۳۵۴ با همکاری شرکتهای اینترناش، پوکلین، ساکائی، داینپاک، و لوکومو از کشورهای آمریکا، فرانسه، ژاپن، سوئد و فنلاند رسماً شروع به فعالیت نمود. پس از انقلاب، توجه به ساخت ماشین آلات راه سازی و معدنی در دستور کار قرار گرفت و با همکاری شرکت لیبر آلمان طرح توسعه هپکو با مجموعه ای از مدرن ترین ماشین آلات، با ظرفیت تقریبی ۳۰۰۰ دستگاه در سال ۱۳۶۳ آغاز گردید.

ارزش افزوده بالای ماشین آلات و تجهیزات صنعتی و ضرورت توجه بیشتر به آن کیومرث فروتنی مدیرکل ماشین سازی وزارت صنعت در اولین نشست شورای سیاستگذاری تجهیزات و ماشین آلات در مردادماه امسال سهم ارزش افزوده ایجاد شده در بخش تولید ماشین آلات و تجهیزات را ۱۱ هزار و ۴۵ میلیارد ریال عنوان کرد که این رقم ۳.۵ درصد از کل صنعت و ۰.۶ درصد از تولید ناخالص داخلی را شامل می شود.

فروتنی با اشاره به شاخص های صنعت ماشین آلات و تجهیزات صنعتی، گفت: آمار صادرات کشور نشان دهنده آن است که ارزش هر کیلوگرم کالای صادراتی در سال ۹۳ معادل ۰.۴۵ دلار بوده و این در حالی است که هر کیلوگرم ماشین آلات و تجهیزات صنعتی صادره ارزشی معادل ۴.۶۳ دلار داشته است.

به گفته وی مقایسه دو عدد یادشده نشانگر ارزش افزوده بالا در این صنعت و ضرورت توجه بیش از پیش به توسعه آن است.

قانونی برای له کردن تولید کننده داخلی

با تمام تفاسیر و مستند بودن ارزش افزوده تولید ماشین آلات و تجهیزات صنعتی، مصوبه جدید هیئت وزیران در روزهای پایانی شهریور ۹۳ ورود خودرو و ماشین آلات سنگین راه سازی را مجاز دانست در حالی که شرکت هپکو بزرگترین تولید کننده این تجهیزات با حمایت دولت و اتخاذ تصمیمات و تصویب قوانین حمایتی می توانست نیاز کشور در این زمینه را رفع و حتی صادرات نیز داشته باشد و این امر در مورد دیگر شرکت های ایرانی از جمله کارخانه ماشین آلات صنعتی تبریز و ... نیز مصداق دارد.



در این قانون آمده است: ورود، شماره‌گذاری و بهره‌برداری وسائط نقلیه موتوری زمینی اعم از خودرو و ماشین‌آلات سنگین راهسازی براساس مصوبه هیأت محترم وزیران این دستورالعمل مجاز خواهد بود.

در ذیل ماده ۲ قوانین جدید نحوه ورود خودرو و ماشین‌آلات سنگین راهسازی مطرح شده:  
 ماده ۲) خودروهای مجاز:

واردات ماشین‌آلات راه‌سازی (لودر، فینیشر، گریدر، بولدزر، غلطک، ترینچر، اسکری‌پیر) مدل سال و ۸ مدل پائین‌تر مجاز است.

صدور مجوز و واردات محصولات مختلف درحالی‌اجرای می‌شود که توان تولیدکنندگان داخلی برای رفع نیاز کشور در صورت اعتماد مسئولین کافی بوده و حتی در صورت حمایت دولت قابلیت صادرات و ارزآوری برای کشور را دارد.

چنانکه در نمونه دیگری از سیاست‌های نه‌چندان صحیح دولت در ارائه مجوز واردات واگن به کشور شرکت واگن‌سازی اراک با قابلیت تولید در این عرصه طعم ورشکستگی و تعطیلی را چشید.

هیکو به عنوان بزرگترین کارخانه تولید و تامین ماشین‌آلات راه‌سازی در خاورمیانه در سال ۸۵ به بخش خصوصی واگذار شد و در طول سال‌های فعالیت، علاوه بر تحکیم روابط با شرکای خود جهت انتقال تکنولوژی و تامین محصولات و قطعات، نسبت به توسعه روابط با تامین‌کنندگان معتبر جهانی در کلیه زمینه‌ها اقدام کرد.

مدیریت شرکت از سال ۸۷ به منظور توسعه کسب و کار اقدام به ایجاد شرکتهای مستقل کرد بطوریکه در حال حاضر ۱۱ شرکت تحت مالکیت هیکو تاسیس شده و فعال هستند.

اما در پی واگذاری این شرکت به بخش خصوصی مشکلات شرکت هیکو آغاز و در سه سال اخیر مشکلات به اوج خود رسید تا جایی که مثل همیشه بار این مشکلات بر دوش کارگران نهاده شد و چه ماه‌ها و روزهایی که کارگران در تامین معیشت خود عاجز ماندند و چه خانواده‌هایی که در اثر مشکلات اقتصادی از هم پاشیده نشدند.

اما امروز هم باز سریال اعتراض کارگران صنایع در اراک تکرار شد و کارگران هیکو امروز ۱۸ دی ماه با راهپیمایی در مسیر شرکت تا مرکز شهر بار دیگر خواسته خود را به مسئولین گوشزد کردند.

خواسته‌ای که هر بار به دنبال اعتراض این کارگران به گوش مسئولین می‌رسد اما پس از گذشت چند روز باز وعده‌های مسئولین به فراموشی سپرده می‌شود.

سکوت پرمعنای دولت در مقابل اعتراضات کارگران باعث شد که امروز این اعتراضات کارگری که هر بار در جوی آرام برگزار می‌شد به مرکز سطح شهر برسد و کارگران با تجمع در میدان اصلی شهر خواستار مطالبات خود شوند.

این شرکت (مانند هزاران موسسات دیگر) از سال ۸۶ تا کنون بدلیل وجود جمهوری اسلامی و دزدی‌ها و اختلاس‌های فراوان و آزادی افسار گسیخته‌ی کارفرمایان و بحران عمیق سرمایه‌داری با مشکلات فراوانی روبه‌رو بوده است و طی این مدت روز به روز به مشکلات این شرکت افزوده شده است و مسئولان هم تا کنون به قول‌های که برای رفع مشکلات این شرکت داده‌اند عمل نکرده‌اند.

کارگران هیکو که از ساعات اولیه صبح در میدان اصلی شهر حضور یافته‌اند. اعتراضاتی که تا پیش از این در مقابل درب استانداری یا محوطه کارخانه برگزار می‌شد این بار به سطح شهر کشیده شد تا شاید مسئولین بهتر صدای رسای این کارگران را بشنوند.

۱۱ اسفندماه سال گذشته این کارگران به دلیل تاخیر شش‌ماهه حقوقشان مقابل ساختمان استانداری مرکزی تجمع کردند و از سوی مسئولان استانی وعده‌هایی برای رفع مشکلات آنان داده شد که هنوز این وعده‌ها بر زمین مانده است.

در ۱۲ آبان معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی استانداری مرکزی با اشاره به اینکه ظرف دو هفته آینده مطالبات

کارگران پرداخت می شود، گفته بود: بر اساس برآوردهای صورت گرفته میزان مطالبات کارگران شرکت بالغ بر ۶ میلیارد تومان است که قرار شد سه میلیارد تومان تا پنجشنبه این هفته و سه میلیارد تومان مابقی پنجشنبه هفته آینده به حساب کارگران واریز شود.

لطیفی عضو شورای کار شرکت هپکو گفت: جلسه بررسی آخرین وضعیت شرکت هپکو اراک و رسیدگی به مشکلات پیش رو روز یکشنبه ۱۶ آبان با حضور سهامدار عمده هپکو، مدیرعامل شرکت و نماینده کارگران و دستگاههای مرتبط برگزار شد و در همین جلسه میزان مطالبات کارگران شرکت بالغ بر ۶ میلیارد تومان عنوان شد.

وی ادامه داد: قرار شد ۳،۵ میلیارد تومان توسط مدیرعامل تا پنجشنبه ۲۰ آبان ماه و ۲،۵ میلیارد تومان مابقی توسط سهامدار روز پنجشنبه ۲۷ آبان ماه به حساب کارگران واریز شود که هنوز سهم سهامداران پرداخت نشده است.

عضو شورای کار شرکت هپکو گفت: کارگران شرکت هپکو حقوق اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد و شهریور را به شکل کامل دریافت نکرده‌اند همچنین حقوق آبان و آذرماه خود را هنوز ریالی دریافت نکرده‌اند.

لطیفی تعیین و تکلیف سهامداران شرکت هپکو را یکی دیگر از مشکلات شرکت عنوان کرد و ادامه داد: بر اساس وعده های مسئولان قرار بود که وضعیت سهامداران شرکت هپکو تا پایان آذرماه مشخص شود ولی تاکنون این مهم محقق نشده است.

عضو شورای کار شرکت هپکو خاطرنشان کرد: ۲۴ لودر آماده تحویل داریم که سازمان همیاری های شهرداری می تواند تحویل بگیرد و با این اقدام بخشی از بدهی کارگران را پرداخت کنیم در حالی که معاون وزیر کشور هم در این زمینه همکاری نمی کند.

عضو شورای کار شرکت هپکو اراک خاطرنشان کرد: برخی به دنبال این هستند وضعیت را به سمت و سوی برند تا این کارخانه را تعطیل کنند که این برای کارگران پذیرفتنی نیست.



## تجمعات اعتراضی کارگران پتروشیمی تکس آریا نسبت به اخراج از کار!

۴۵ تن از کارگران شرکت پتروشیمی تکس آریا برای دومین بار طی روزهای گذشته نسبت به تصمیمی که کارفرما برای اخراج آنها گرفته است دست به تجمع اعتراضی زدند. یکی از کارگران گفت: در حالی که هیچ مشکلی از بابت روند تولید وجود نداشت، کارفرما در تاریخ پنجم بهمن ماه دستور اخراج ۴۵ تن از کارگران را صادر کرد. با اعلام این دستور اخراج، در مقام زیان کار، اعتراض خود را اعلام و دست به تجمع زدیم که همان زمان با پادرمیانی اداره کار منطقه این دستور ملغی و به کار خود بازگشتیم. با این حال کارفرما بار دیگر برای اجرای دستور اخراج اصرار و اعلام کرد که این ۴۵ نفر نهایتاً تا روز ۵ اسفندماه سال جاری اخراج خواهند شد و برای همین تجمع اعتراضی خود را برای دومین بار آغاز کردیم.

## ۵۰ کارگر نمایندگی موحدی ایرانخودرو قربانی اختلافات مالی شهرداری گرگان و کارفرما!

در استان گلستان از اخراج ۵۰ کارگر بدنبال تعطیلی یکی از نمایندگی های شرکت ایران خودرو در گرگان خبر می دهند. نمایندگی « موحدی » ایرانخودرو که در کیلومتر یک جاده گرگان به تهران فعالیت دارد، از اول اسفند ماه جاری (۹۵) به دلیل مشکلات مالی تعطیل شده و تمامی کارگران آن هم اکنون بیکار شده اند. از قرار معلوم هرکدام از کارگران اخراجی تا نزدیک به ۱۸ سال سابقه کاری داشته و بعد از اخراج برای پیگیری وضعیت شغلی و دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره کار گرگان شکایت کرده اند. به نقل از کارگران اخراجی این نمایندگی خودرو در گرگان گفته می شود این اخراج ها بدنبال آن اتفاق افتاده است که شهرداری گرگان اخیراً از کارفرمای این صنعتی خواسته است تا بابت فعالیت در محدوده شهری مبلغ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان خسارت پرداخت کند. به گفته وی این درحالیست که احداث این واحد نمایندگی تقریباً ۲۵ سال پیش و زمانی انجام شد که زمینهای این منطقه در خارج از محدوده شهری واقع شده بود.

## تجمع کارکنان شرکتی مخابرات در اعتراض به تبعیض گسترده

صبح امروز ۳ اسفند، بیش از پانصد نفر از کارکنان شرکتی مخابرات سراسر کشور به تهران آمدند و مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند. تجمع کنندگان می گویند: از تبعیض در مخابرات خسته ایم؛ دستمزد و دریافتی ما با رسمی های مخابرات اختلاف فاحش دارد؛ دستمزد پایه ما پایین تر است و پاداش هایی که به پرسنل رسمی مخابرات پرداخت می شود، به ما تعلق نمی گیرد. حاضران در تجمع امروز که از ساعت ۹ صبح آغاز شده، می گویند: خواستار انعقاد قرارداد مستقیم با مخابرات و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، رفع تبعیض و برقراری امنیت شغلی هستیم. تجمع کنندگان معتقدند که واسطه ها بایستی حذف شوند تا حقوق صنفی و شغلی کارگران تامین شود. یکی دیگر از حاضران در این تجمع اعتراضی می گوید: برای چندمین بار به تهران آمده ایم تا مسئولان صدای دادخواهی ما را بشنوند؛ حتی همکاران خانم ما با بچه کوچک آمده اند و از ساعات ابتدایی در این تجمع شرکت داشته اند؛ خدا را خوش نمی آید مسئولان همچنان خودشان را به خواب بزنند و پاسخگو نباشند.

## گزارشی درباره تجمع اعتراضی هزاران بازنشسته فرهنگی

### مقابل مجلس برای چندمین بار در دو سال گذشته!

خیلی‌ها از اول صبح آمده بودند. برخی حتی با ویلچر و عصا... «اما چون ناراحتی کمر و پا امانشان را بریده بود، وقتی دیدند کسی به حرفشان توجه نمی‌کند، رفتند.» بازنشستگان فرهنگی‌ای که صبح سه‌شنبه در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده‌اند، می‌گویند: «در دو سال اخیر، این دهمین بار است که اینجا تجمع می‌کنیم. از مجلس تا سازمان برنامه و بودجه، دیوان عدالت اداری و نهاد ریاست جمهوری، هر جا که فکرش را کنید، رفته‌ایم، وعده و وعید دادند اما آب از آب تکان نخورده... بازنشسته‌های فرهنگی، نه بیمه به‌دردبخوری دارند و نه گوش کسی بدهکار معوقات مستمری‌های فراموش‌شده‌شان است.» صبح سه‌شنبه، سوم اسفند، حدود دو هزار نفر از بازنشستگان فرهنگی به مقابل مجلس آمدند تا با برگزاری تجمعی صنفی، برای چندمین بار در سال‌های گذشته نسبت به اجرانشدن دقیق همسان‌سازی بازنشستگان فرهنگی با بازنشستگان بقیه ارگان‌های دولتی، افزایش سطح تسهیلات خدماتی و درمانی در قالب بیمه‌های کارآمد و پرداخت معوقات مزدی فراموش‌شده اعتراض کنند؛ آقامعلم‌ها و خانم‌معلم‌هایی دیروز که برای چندمین بار در مقابل مجلس تجمع کردند و خواستار برآورده‌شدن مطالباتشان شدند.

یکی از حاضران در این تجمع، با برشمردن مطالبات بازنشستگان فرهنگی می‌گوید: خیلی از آدم‌هایی که در این تجمع حضور پیدا کرده‌اند، از اجرانشدن قانون بر زمین مانده مدیریت خدمات کشوری شاکي هستند؛ آن وقت می‌گویند پنج سال طول می‌کشد تا همسان‌سازی انجام شود، تا آن زمان اصلاً معلوم نیست که این آدم‌ها باشند و بتوانند از حق و حقوق قانونی‌شان استفاده کنند. این قانون، از سال ۸۶ در مجلس تصویب شده و طبق موادی از آن، باید حقوق بازنشستگان و شاغلان، هم‌سطح، هم‌تراز و یکسان باشد اما متأسفانه، از سال ۸۶ این قانون بر زمین مانده و اجرا نشده است. به گفته این فعال صنفی، یکی از مواد قانون خدمات کشوری، دولت را موظف کرده هر سال براساس نرخ تورم، حقوق شاغلان و بازنشستگان را افزایش دهد اما با این حال، در فاصله سال‌های ۸۶ تا ۹۳ این کار انجام نشده است. در آن سال‌ها، به‌عنوان مثال اگر تورم ۳۰ درصد بوده به حقوق شاغلان و بازنشستگان ۱۲،۱۳ درصد اضافه شده و این مغایر با قانون مدیریت خدمات کشوری است که بر تطابق نرخ مستمری با نرخ تورم تأکید دارد. ما تا الان، حدود ۶۷،۷ درصد از دولت‌ها طلبکار هستیم. فرقی هم نمی‌کند کدام دولت مدنظر باشد چون «قانون عطف به ماسبق نمی‌شود» و هر دولتی بیاید، باید آن را اجرا کرده و حق ما را پرداخت کند. بیمه‌های درمانی بازنشستگان فرهنگی، ناقص است اما درخواست بیمه جامع و کارآمد، مطالبه دیگر بازنشستگان فرهنگی از دولت و مجلس است. آنها می‌گویند با توجه به سقف پوشش حداقلی بیمه‌های تکمیلی و مستمری‌های اندکی که دریافت می‌کنند، قادر نیستند هزینه‌های درمانی سنگین را متحمل شوند.

یکی از فعالان صنفی بازنشستگان فرهنگی که در تجمع حضور یافته است، در این باره می‌گوید: ما می‌خواهیم فرهنگیان بازنشسته نیز مانند سایر دستگاه‌ها و نهادها که بیمه طلایی دارند، از خدمات بیمه جامع و کارآمد استفاده کنند. متأسفانه، بازنشسته‌ها بیمه بسیار ناقصی دارند، درحالی‌که در سن و سالی قرار دارند که با انواع بیماری‌ها درگیر هستند. گاهی یک بازنشسته فرهنگی وقتی به بیمارستان مراجعه می‌کند تا برحسب ضرورت یک عمل جراحی قلب باز انجام دهد، به دلیل سقف محدود ارائه خدمات بیمه‌های تکمیلی، مجبور است هزینه‌های باقی‌مانده را از مستمری حداقلی خود پرداخت کند و این مسئله، از عهده بازنشستگان فرهنگی‌ای که توان تأمین هزینه‌های کمرشکن درمان را ندارند، خارج است، درحالی‌که همان قانونی که به آن اشاره کردیم، می‌گوید باید بیمه‌ای جامع و طلایی برای بازنشستگان خدمات کشوری فراهم شود و یک ریال هم از جیبشان برای درمان هزینه نکنند. زمانی که ما جوان

هستیم و سلامتی داریم و نیاز بسیار کمی به درمان داریم بیمه‌ها همه گونه از ما حق بیمه کم می‌کنند و وقتی ما مسن می‌شویم که احتیاج به درمان بیشتری داریم بیمه‌ها وظیفه خود را انجام نمی‌دهند این سیستم در واقع کلاه برداری است. همسان‌سازی حقوق شاغلان و بازنشستگان، مطالبه جدي ماست، بحث همسان‌سازی مستمری بازنشستگان فرهنگی مورد دیگری بود که در زمره مطالبات چند سال اخیر فرهنگیان قرار دارد. آنها می‌گویند با وجود نامه‌نگاری‌ها و ملاقات‌های بسیار با نمایندگان مجلس و مسئولان دولتی و مقررشدن گنجانیدن بحث همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و شاغلان هم‌سطح در بودجه ۹۶، همچنان به این موضوع بی‌توجهی می‌شود.

یکی از نمایندگان بازنشستگان تجمع‌کننده در این باره می‌گوید: متأسفانه، آقای نوبخت که مسئول سازمان مدیریت هستند، حدود هزار میلیارد تومان برای این کار در نظر گرفتند، درحالی‌که ما چهار میلیون بازنشسته لشکری و کشوری هستیم. اگر این رقم را بر تعداد بازنشسته‌ها تقسیم کنیم، به هر نفر ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان می‌رسد؛ پس این کار نه تنها مشکل بازنشستگان را حل نمی‌کند بلکه دردی هم به دردهای آنها اضافه می‌کند چون یک منت‌الکی روی سر ما گذاشته می‌شود، با هزار میلیارد تومانی که دولت فکر می‌کند با آن می‌تواند مشکلات این همه بازنشسته را حل کند. او ادامه می‌دهد: بعد از رفت‌وآمدهای مکرر به مجلس و گفت‌وگو با مسئولان دولتی و اعتراضاتی که از سوی بازنشستگان فرهنگی صورت گرفت، رقم هزار میلیارد تومان به چهار هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسید که قرار است از سال ۹۶ در برنامه پنج‌ساله اجرا شود. مسئله ما این است که بسیاری از بازنشستگانی که در سنین بالا قرار دارند، ممکن است اصلاً عمرشان به اجرای قانون همسان‌سازی قد ندهد! در واقع مسئولین می‌خواهند موضوع را با مرور زمان و کشتن ما حل کنند تا حقوق ما را بالا کشیده به اختلاس‌های هزاران میلیاردی خود بیافزایند. کما اینکه بسیاری از این افرادی که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بازنشسته شده‌اند، چنین شرایطی دارند. این فعال صنفی، درباره مجموع مطالبات بازنشستگان فرهنگی می‌گوید: اولین خواسته ما این است که قانون خدمات کشوری که سال‌هاست روی زمین مانده، اجرایی شود. دوم اینکه اگر قرار است همسان‌سازی انجام شود، با پنج سالی که اینها پیشنهاد داده‌اند مشکل ما حل نمی‌شود. مسئولان می‌گویند حقوق یک بازنشسته باید تا ۹۰ درصد با یک شاغل هم‌سطح، همسان شود. ما می‌گوییم همین کار را می‌شود در دو سال با ۶۰ درصد در سال اول و ۳۰ درصد در سال دوم اجرایی کرد تا لااقل بازنشسته‌ها هم خیري از این مسئله ببرند. بازنشستگان فرهنگی در راستای مطالباتشان علاوه بر برگزاری تجمعات متعدد، با نمایندگان هم دیدارهایی داشته‌اند؛ «با دکتر لاریجانی، دکتر پزشکیان و چند نماینده دیگر دیدار داشتیم و همه را در جریان مشکلاتمان قرار داده‌ایم اما باز هم وقتی مثلاً درباره همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و مشاغل، حرف می‌زنند از آن پنج سال سخن می‌گویند که قرار است همسان‌سازی به تدریج انجام شود، درحالی‌که چشم هزاران بازنشسته به گذران امروزشان دوخته شده و معلوم نیست فردا چه در انتظارشان باشد...»

## ادامه تجمع اعتراضی معلمان ۱۹ اسفند در سراسر کشور برگزار شد.

معلمان شاغل و بازنشسته صبح امروز (پنجشنبه ۱۹ اسفند) در سراسر کشور در تجمعی اعتراضی خواسته‌های خود را مطرح کردند. ۱۹ اسفند صبح امروز در سراسر کشور تجمع اعتراضی معلمان شاغل و بازنشسته برگزار شد. هماهنگی برای برگزاری این تجمع در هفته‌های اخیر از طریق فضای مجازی و کانال‌ها و گروه‌های وابسته به معلمان انجام شده بود.

این تجمع که در استان‌های مختلف کشور از جمله تهران، خوزستان، کردستان، خراسان جنوبی، اردبیل، آذربایجان شرقی و چهارمحال بختیاری برگزار شد، در تهران در مقابل مجلس شورای اسلامی صورت پذیرفت. معلمان شاغل و بازنشسته حاضر در این تجمع نسبت به بی‌توجهی به وضعیت معیشتی فرهنگیان، بهبود وضعیت آموزشی در مدارس و بازگرداندن پول‌های از دست رفته به صندوق ذخیره فرهنگیان معترض بودند و خواستار رفع این مشکلات شدند.

هماهنگی برای این تجمع که در تهران مقابل مجلس، و در استان‌های دیگر مقابل ادارات آموزش و پرورش برگزار شده، از چند روز پیش در فضای مجازی انجام شده بود. حاضران در تجمع مهمترین مطالبات خود را ترمیم و اصلاح دستمزدها هماهنگ با سایر کارکنان دولت، اصلاح ساختار بیمه معلمان، پرداخت به موقع پاداش پایان خدمت فرهنگیان و نقض احکام قضایی فعالین معلمان عنوان کردند. معلمان روز ۱۹ اسفند تقریباً در تمامی شهرها تجمع اعتراضی (سراسری) برپا کردند که از شهرهای زیر گزارشات تصویری و متنی منتشر شده است:

مشهد، سنندج، تربت حیدریه، یزد، کامیاران، الیگودرز، تهران، قروه، بانه، کرمانشاه، بوشهر، سقز، اردبیل، مریوان، خرم آباد، فردوس، قزوین، ساری، زنجان، بجنورد، شیراز، تبریز، دهگلان، شهرکرد، اراک، اهواز، لردگان، اصفهان، دیوان دره، خارک، بندرعباس، کوه‌دشت، لامرد، شاهرود....

## تجمع کارگران پالایشگاه ستاره خلیج فارس بندرعباس در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق!

کارگران معترض: وعده وعید نمیخوایم، دستمزد و عیدی میخوایم

روز گذشته ۲ اسفند، حدود ۵۰۰ کارگر پیمانکاری پالایشگاه ستاره خلیج فارس در بندرعباس در اعتراض به چهارماه معوقات مزدی تجمع کردند. از ساعات آغازین صبح روز گذشته، حدود ۵۰۰ نفر از کارگران پیمانکاری پالایشگاه ستاره خلیج فارس که زیرمجموعه شرکت تهران جنوب محسوب می‌شوند، در اعتراض به ۴ ماه معوقات مزدی در محوطه پالایشگاه تجمع کردند.

این کارگران که دستمزد آنها از آبان ماه پرداخت نشده با سردادن شعار «وعده وعید نمیخوایم، دستمزد و عیدی میخوایم» خواستار رسیدگی مسئولان پالایشگاه و مدیران شرکت‌های پیمانکاری شدند.

یکی از حاضران در تجمع روز گذشته می‌گوید: در ساعات پایانی تجمع، مسئولان باز هم با حضور در جمع کارگران به وعده و وعید دادن پرداختند اما ما کارگران حرفمان این است که بهتر است دقیق مشخص کنند که چه زمان قرار است دستمزد ما را بدهند و چه مقدار از معوقات را می‌خواهند بپردازند. این کارگر با بیان این که شب عید است و شرمنده خانواده هستیم، افزود: با پرداخت‌های نصفه نیمه و وعده‌های سرخرمن مشکلات کارگران حل نمی‌شود.

## تجمع کارگران جاده رامیان به شاهرود در اعتراض به عدم پرداخت ماه‌ها حقوقشان!

۱۱ اسفند، کارگران جاده رامیان به شاهرود در اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوقشان مقابل شرکت مراغ تجمع کردند. کارگران تجمع کننده گفتند: از فروردین ماه سال گذشته بابت معوقات حقوق و سنوات خود از این شرکت طلبکارند. این کارگران تصریح کردند: مشکلات در پرداخت دستمزد، آنها را در شرایط بد مالی قرار داده است و با توجه به نزدیک شدن به سال جدید و شب عید نیازمند دریافت معوقاتشان هستند. بر اساس این گزارش، این شرکت موظف است تا حقوق کارگرانش را پرداخت کند و در این مدت با وعده و وعید، کارگران را نگه داشته است و دیگر بعد از گذشت ۱۰ ماه و عملی نشدن وعده‌ها، صبر کارگران هم لبریز شد و امروز با تجمع اعتراض خود را ابراز داشتند.

## اعتصاب کارگران کارخانه سیمان خاکستری نی ریزدراعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق

کارگران کارخانه سیمان خاکستری نی ریز دست از کار کشیدند تا با اعتصابی چندباره شاید بتوانند حقوق معوقه و حقشان را از مسئولان این واحد صنعتی دریافت کنند.

این چندمین در ۶ ماهه ابتدایی سال ۹۵ به حساب می رود. به گزارش ۱۵ آذر نبض نی ریز، عدم پرداخت حقوق معوقه کارگران کارخانه سیمان خاکستری نی ریز مسبب اعتصاب دوباره کارگران این واحد صنعتی شد.

شایان ذکر است؛ در پی عدم پرداخت حقوق معوقه، بار دیگر کارگران این کارخانه دست از کار کشیده و اعتصاب کرده اند تا شاید با این کار بتوانند حق و حقوق خود را از مسئولان و هیئت مدیره این کارخانه بگیرند.

حال باید دید چگونه است که کارخانه ای که قرار است برای جوانان این شهر اشتغال زایی داشته باشد چنین از پرداخت حقوق جوانانی که با هزاران امید به آینده در این کارخانه مشغول شده اند ناتوان مانده و مسئولان شهر باید بررسی و تحقیق انجام داده تا علت بوجود آمدن چنین مشکلی را به مردم گزارش داده تا هیچ شک و شبهه ای باقی نماند و با متخلفین برخورد قانونی صورت گیرد. به گفته این افراد: حدود ۵ ماه است که حقوقشان را دریافت نکرده اند و با مشکلات و هزینه های بالای موجود زندگی را به سختی سپری می کنند و از آنجایی که اکثر این افراد متاهل هستند و در خانه های اجاره ای زندگی می کنند دچار مشکل شده و کسی جواب گوی آنها نیست. این کارگران گفتند که کارفرماهایشان در جواب اعتصاب آنها می گویند اگر می توانید با شرایط موجود کار کنید در غیر این صورت از کارخانه بیرون روید و در جایی دیگر مشغول به کار شوید.

این کارگران معتقدند که: این تقاضایی ناجوانمردانه و غیر منطقی می باشد لذا با رسانه ای شدن این مسئله و رساندن درد دل و پیام ما به مسئولین کمک کنید شاید گره ای از مشکلات ما باز شود و پیام کارگران این کارخانه را که برای چندمین بار از مسئولین تقاضای رفع این مشکل را دارند به گوش مسئولین برسانید.

## اعتراض کارگران پست های فشارقوی برق نسبت به ایرادات مجمع تشخیص مصلحت نظام به طرح یکسان سازی کلاه زردها!

کارگران پست های فشارقوی برق با صدور بیانیه ای ایرادات مجمع تشخیص مصلحت نظام به طرح یکسان سازی کلاه زردها را ناوارد دانستند.

در بخش هایی از این بیانیه آمده است:

اپراتورهای قرارداد کار معین پست های فشار قوی برق بعد از گذشت قریب به سه سال توانستند در ماده ۱۳ بند دال برنامه ششم یکسان سازی را بگنجانند. این بند که ضرورت یکسان سازی تمامی کارکنان شاغل در پست های فشار قوی برق با الویت کارورهای (اپراتورهای) پست های فشارقوی برق را به خود اختصاص داده است، هم توانست موافقت نمایندگان در صحن علنی و همچنین موافقت شورای نگهبان را بگیرد.

ولی مجمع تشخیص مصلحت نظام بدان ایراد گرفته؛ این ایراد، به استناد ماده ۱۶ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی

صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور با تاکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه های موازی و غیر ضرور و هزینه های زاید) انجام شده و در ضمن ذکر شده که این بند از این جهت که به افزایش شمار منابع انسانی دولتی نیز منجر می شود نیز با بند ماده ۱۰ سیاستهای کلی نظام اداری مغایرت دارد. حال با توجه به نظر مجمع تشخیص مصلحت نظام این نکات را باید خاطر نشان کرد که:

۱- با توجه به این در ماده ۱۳ بند (د) به صراحت قید شده که در قالب بودجه سنواتی وزارت نیرو کار یکسان سازی انجام شود. پس می توان نتیجه گرفت که بند فوق بار مالی مضاعفی برای دولت نداشته و شایان ذکر است که اپراتورهای قرارداد کارمعی در بودجه سال ۱۳۹۵ به خود ردیف بودجه اختصاص داده (در بخش دهم قانون بودجه ۹۵ (تغییرات متفرقه) و در بند شماره ۶۱ آمده است:

وزارت نیرو (شرکت توانیر) نسبت به همسان سازی پرداختی ماهانه اپراتورهای پست های انتقال و فوق توزیع سراسر کشور با سایر کارکنان پیمانی و رسمی اقدام نماید. پس طرح یکسان سازی اپراتورهای پستهای فشار قوی برق نمیتواند هزینه ای را به وزارت و دولت تحمیل کند.

۲- با توجه به اینکه کارکنان اپراتور پستهای فشار قوی برق همگی بصورت قراردادی در بدنه دولت و وزارت نیرو هستند پس می توان به این نکته اشاره کرد که بند ماده ۱۳ موجب افزایش شمار منابع انسانی دولت نمی گردد و نمی تواند مغایر ماده ۱۰ سیاستهای کلی نظام اداری باشد.

و همچنین طبق سیاستهای کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی (فصل دوم - ماده ۲ - بند ۸) خطوط انتقال نیرو که پستهای فشار قوی برق شامل آن می شود جز مشاغل حاکمیتی و در تملک دولت باقی مانده و از خصوصی سازی منع شده است.

لذا از مجمع تشخیص مصلحت نظام تجدید نظر راجع به بند ماده ۱۳ را به استناد نکات فوق خواستاریم، تا با تصویب این طرح تبعیض بین همه کارکنان شاغل در پستهای فشارقوی برق که همگی یک کار واحد و برابر را انجام میدهند از بین رفته و اپراتورهای قرارداد کارمعی پستهای فشار قوی نسبت به آبادانی این مرز و بوم دلگرمتر شوند. یکی باید به این مصلحت نظام بگویید بار مالی که خود شما به بار می آورید حتی غیر از دزدی ها و اختلاس هایتان کمر ملت را شکسته است. این وجود شما است که بی ثمر و اضافی است.

## ازکارگران معترض کارخانه قند ممسنی چه خبر؟

پاسکاری مالک قدیم و جدید کارخانه قند ممسنی برای پرداخت حقوق و مطالبات ۳۶ ماهه، کارگران این کارخانه را بلامتکلیف کرده است.

کارخانه قند ممسنی (رستم) که قدمت آن به ۵۱ سال می رسد در سال ۱۳۷۹ به بخش خصوصی واگذار شد این کارخانه در زمان واگذاری سالانه برای ۳۵۰ کارگر فصلی اشتغالزایی ایجاد می کرد.

به گفته طاهر ایزدی فرماندار رستم، این کارخانه بعد از واگذاری به بخش خصوصی با مشکل روبه رو شده و به صورت «کجدار و مریز» به فعالیت خود ادامه داده است.

کارگران این کارخانه ۳۶ ماه است که حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده اند. این کارگران مسیر قانونی را برای احقاق حقوق خود پیموده و با گرفتن وکیل مدافع شکایت خود را از مالک کارخانه در دستگاه قضایی مطرح کردند. نماینده کارگران این کارخانه در این مورد می گوید: اموال کارخانه در رهن بانک تجارت جنوب تهران است و چون قبل از ما اقدام به این کار کرده بود از فروش اموال کارخانه چیزی نصیب کارگران نمی شود.

وی می افزاید: با توجه به اینکه اموال در توقیف بانک بوده است دادگاه حکم کیفری برای شکایت کارگران صادر و حکم جلب اعضای هیئت مدیره کارخانه را صادر کرده است که در حال حاضر دو عضو هیئت مدیره که ما شاکی



آنها هستیم با وثیقه آزاد هستند.

به گفته وی، مالک قبلی کارخانه در جواب کارگران می‌گوید «کارخانه به فرد دیگری فروخته شده» و مالک جدید هم می‌گوید «مسئول پرداخت حق بیمه و حقوق کارگران مالک قبلی است». پاسکاری مالک قدیم و جدید کارگران را بلا تکلیف کرده و مشخص نیست که اختیار کارخانه و مسئول پرداخت حقوق معوقه کارگران چه کسی است. نماینده کارگران معتقد است که فروختن کارخانه به مالک جدید «معامله صوری برای دور زدن قانون و پرداخت نکردن حقوق کارگران است» و می‌گوید: شکایت ما کارگران تاکنون نتیجه‌ای جز فقر، بدهکاری و خانه‌نشینی به دنبال نداشته است تا جایی که برخی کارگران به نان شب هم محتاج هستند.

فرماندار رستم با تأکید بر اینکه از طریق وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پیگیر حل مشکل کارگران این کارخانه هستیم می‌افزاید: در کارگروه رفع موانع تولید نیز مشکل این کارخانه بررسی می‌شود.

کارخانه قند ممسنی با مساحتی افزون بر ۳۲ هکتار دارای سه حلقه چاه عمیق، پنج عدد سیلوی پنج هزار تنی، دو مدرسه ابتدایی و راهنمایی، یک مسجد، ۱۵۰ واحد مسکونی و استخر است. این کارخانه در زمان فعالیت خود برای ۳۵۰ نفر به صورت مستقیم و برای یک هزار نفر به صورت غیرمستقیم اشتغال ایجاد می‌کرده اما تا قبل از تعطیل شدن این واحد تولیدی شمار کارگران آن به ۸۰ نفر کاهش یافته است.

کارخانه قند شهرستان ممسنی که در سال ۱۳۴۴ افتتاح و تا سال ۱۳۷۹ به صورت دولتی با بیش از ۳۰۰ کارگر و ۵۰ نیروی متخصص مدیریت شد، در سال ۱۳۷۹ به بخش خصوصی واگذار شد و تنها سه سال پس از این واگذاری روند رو به نزول خود را آغاز کرد و در سال ۱۳۸۲ برای کاهش خسارت و ضرر دهی بخشی از کارگران را اخراج کرد.

این کارخانه قند که در دهه های گذشته، یکی از برندهای معتبر تولید قند در کشور بود در نهایت در سال ۹۲ و به دنبال بی توجهی ها و بی تدبیری های پیش آمده به حالت نیمه تعطیل درآمد و در نتیجه شمار بسیاری از کارگرانش کار خود را از دست دادند. کارگرانی که به رغم استخدام رسمی بودن، ماه ها حقوق نگرفته بودند و به آنها حقوق بیکاری نیز پرداخت نمی شد، در سال ۱۳۹۲ اعتراض کردند و در جریان این شکایات که یکی از مطالبات کارگران پرداخت حقوق بیکاری شان بود، مشخص شد که ریاست کارخانه نه تنها حقوق این کارگران را پرداخت نکرده است، بلکه ماه هاست، از پرداخت حق بیمه آنها نیز صرف نظر کرده و از این روی به آنها بیمه بیکاری نیز تعلق نمی گرفت.

اسفندیار احمدی منش فرماندار شهرستان رستم استان فارس در تابستان سال جاری در مورد آخرین وضعیت کارخانه گفت: ما پیگیر وضعیت این واحد صنعتی هستیم. ما از طریق مدیرکل تعاون، کار و راه اجتماعی استان مکاتباتی انجام دادیم و سه راهکار در نظر داریم: اول اینکه کارخانه مجدداً تحت پوشش وزارت صنعت و معدن قرار گیرد، دوم آنکه در یک مزایده مجدد کارخانه رو به متقاضیان جدید واگذار کنیم و یا اینکه به عنوان مطالبات به خود کارگران این کارخانه واگذار شود. قطعاً در رابطه با حقوق کارگران پیگیری خواهیم کرد و در دستور کارمان هست.

وعده ها و تلاش های مدیران محلی البته هیچ گاه به نتیجه نرسید و به نظر می رسد دیگر نباید امیدی به راه اندازی دوباره این کارخانه داشت.

در رابطه با مشکلات کنونی کارگران این کارخانه، نماینده کارگران معترض گفت: ما کارگرانی که در این مجموعه کار می کنیم، کارگران رسمی هستیم. آن زمانی که کارخانه دولتی بود ما نزدیک به ۱۵ سال زیر مجموعه صنایع ملی کار کردیم و الان بیش از ۲۵ سال از فعالیتیمان می گذرد.

این نماینده کارگران اضافه کرد: در حال حاضر کارخانه حالت نیمه تعطیل دارد و هرچند نزدیک به ۴۵ کارگر هنوز در آن کار می کنند، مدیریت مجموعه ۳۶ ماه است حقوق و ۲۳ ماه است حق بیمه ما را پرداخت نکرده است. به رغم همه اعتراض هایی که می کنیم کسی تکلیف ما را مشخص نمی کند.

وی در مورد خواسته های کارگران گفت: ما کارگران فصلی نیستیم که هر طور دلشان خواست با ما رفتار کنند. ما کارگران رسمی هستیم و بر اساس قانون اگر قرار به اخراج ما هست، تمام حق و حقوق تاکنون ما پرداخت شود و ما را بازخرید کنند. همانند که اگر حق بیمه معوقه ما را پرداخت کنند، بسیاری از کارگران بازنشست خواهند شد.

این کارگر استان اهل شهرستان رستم در پایان و در مورد موقعیت جغرافیایی و پیشینه کارخانه قند ممسنی گفت: کارخانه قند ممسنی در گذشته یکی از برندهای معتبر کشور بود و به دلیل نزدیکی به بندر امام و بندر بوشهر از موقعیت خوبی برای وارد کردن شکر خام و صادرات قند برخوردار است، اما متأسفانه مجموعه ای از بی تدبیری ها شرایط را به این حالت رسانده است. کارگران معترض این کارخانه بنزی برای اعتراض تهیه کرده‌اند که هر بار یک عددش را تغییر می دهند تا برای اعتراض جدید قابل استفاده باشد؛ اعتراضاتی که ظاهراً قرار نیست دیده شوند! داستان تعطیلی کارخانه های تولیدی و نابسامانی اوضاع اقتصادی کشور که جدا از خسارات اقتصادی فراوان مستقیم زندگی اجتماعی صدها هزار خانواده ایرانی را به چالش می کشد، داستان جدیدی نیست.

انتظار منطقی این است، کارخانه ای که چند ده و یا چند صد کارگر و متخصص در آن مشغول به کار هستند در ادامه کار و با گذشت زمان توسعه یابد و با به کارگیری تکنولوژی های جدید گام در عرصه های جدیدی از فعالیت اقتصادی بگذارد، ولی گویا در کشور ما صحبت از توسعه کارخانه های تولیدی و افزایش دامنه فعالیت آنها بیشتر شبیه یک داستان تخیلی است که برای آن نمونه های کمی پیدا می شود، ولی از آن سو تا دلتان بخواهد نمونه وجود دارد؛ کارخانه هایی که پس از طی یک دوره طلایی به ورطه نابودی افتادند و کارگران و نیروهای متخصص آن نیز با همه افراد تحت تکفل به فلاکت کشیده شدند.

## عدم پرداخت حقوق کارگران کارخانه سراب بافت ۱۷ ماهه شد!

آقای استاندار کارگران سراب بافت ۱۷ ماه هست حقوق نگرفته اند و شما گفتید که نباید مسئولان خواب راحتی با این وضع داشته باشند ولی کار برعکس شده و این کارگران سراب بافت هستند که در دولت شما و دولت قبلی خواب راحتی را به همراه خانواده هایشان به چشم ندیدند.

در هفت کیلومتری شهرستان سراب، مجتمع بزرگ صنعتی سراب بافت قرارداد، این مجتمع روزی با به کارگیری ۵۰۰ کارگر در منطقه از امیدهای اشتغال جوانان بود که در سال ۸۷ طعمه حریق شد که دیگر بنا به اذعان مدیر عامل این شرکت، نبود توجیه اقتصادی برای کارخانه های نساجی این واحد تولیدی چرخه های خاموش شد.

هرچند که از سال ۸۴ حقوق کارگران به صورت نامنظم پرداخت می شد ولی این حریق از یک سو و عدم بیمه دستگاه های ریسندگی از سوی دیگر بهانه ای برای عدم پرداخت حقوق کارگران شد، تاجایی که تعدادی از کارگران پس از سال ها به کمک دستگاه قضا و زمانی که ارزش پولشان افت کرده بود توانستند حقوق عقب مانده خود را دریافت کنند و برخی هنوز در انتظار طلب های میلیونی خود هستند، طلب هایی که هر روز به علت عدم پرداختی ها بر مقادیرشان افزوده می شود.

اکنون یکی از کارگران درد دل خود را اینگونه بازگو می کند: بیش از سه سال است که سراب بافت با تبلیغات وسیع و ایجاد یک قطب شغلی برای همشهریان سراسری بازگشایی شده است طی این مدت مقادیری از محصولات تولیدی جدید این کارخانه تولید و از کارخانه مقصد فروش خارج شده است. کارخانه فوق که قرار بود حقوق کارگرانش را سر برج پرداخت نماید الان بیش از ۱۷ ماه است که هیچ حقوقی به کارگران خود پرداخت نکرده است. ضعف شدید مالی برخی کارگران آنها را مجبور به کارگری در ایام هفته و تبعاً کسر کارو مهمتر از آن کسر بیمه از جانب کارخانه را سبب می شود.

جناب آقای جبار زاده استاندار شما در اولین سفر خود در آغاز دولت تدبیر و امید که قرار بود امید را در خانه کارگران این کارخانه بدمد، گفتید که "من در تعجبم که چگونه برخی مسئولان شبها سر بر بالین می گذارند در حالیکه عده ای کارگر ماه هاست حقوق نگرفته اند". آری کارگران سراب بافت ۱۷ ماه هست حقوق نگرفته اند و مسئولان دولتی در این شهرستان خواب راحت دارند، شما را نمی دانم خواب راحتی در این مدت داشته اید یا نه ولی کارگران

را خوب می دانم که از شرمندگی و بی پولی خواب راحتی نداشته اند. با توجه به اینکه مدیر کارخانه سراب بافت همان مدیر کارخانه تعطیل شده تبریزکف است و سابقه وی در عدم پرداخت حقوق کارگران در این کارخانه‌ها کاملاً روشن است، انتظار می‌رفت که مسئولانی که در راه اندازی مجدد این واحد تولیدی تلاش کرده‌اند تضمین‌های لازم را در مورد کارگران نیز می‌گرفتند تا دوباره شاهد چنین مواردی نباشیم هر چند ”جلوی ضرر را از هر جا بگیری منفعت است“. واقعیت این است که سراب بافت، پلاسکوپی است که سالهاست فروریخته و هیچ مسئولی هم دم بر نمی‌آرد. این روزها ما کارگران سراب بافت در حالی به ایام عید نزدیک شدیم که بیش از ۱۷ ماه تمام ریالی از جانب کارخانه ای که وعده حقوق سربرج میداد ندیدیم. ۱۷ ماه تمام است که درخواست مساعدت و حداقل هزینه معیشت شدیداً از جانب کارخانه سرکوب و تعبیر بر تشویش و اختلال در امور کارخانه و پیگیری حقوقی این مسئله از جانب کارخانه میشود. به نظر میرسد کارفرما از شرایط حاکم بر کشور و رکود کاملاً سویی استفاده میکند به نحوی که علی‌رغم فروش محصولات تولیدی نخ بازهم حقوقی پرداخت نمیشود. مدیر کارخانه تاب هیچ‌گونه انتقادی را نداشته و کارگر معترض با خدعه و نیرنگ به نحوی اخراج میشود که در اداره کار عنوان استعفا از کار را بر دوش میکشد. یکی از کارگران این کارخانه می‌گوید: ۱۷ ماه است که حقوق ما را نداده‌اند و مجبور شده‌ایم از عالم و آدم قرض کنیم. او می‌افزاید: برخی از کارگران این شرکت به دلیل بی پولی مجبور شده‌اند همسران خود را به خانه پدری‌شان بفرستند تا کمی از بار مشکلات کم شود اما مشکل این است که حقوقمان را نمی‌دهند. یکی از این کارگران افزود: برای دریافت حقوقمان پیگیری‌های زیادی انجام دادیم اما بی‌نتیجه بود و هر بار هم پیگیر شدیم خوب برخورد نکردند و باگذشت چند ماه از سال باید بگویم واقعاً زندگی‌مان نمی‌گذرد. وی ادامه داد: برای تهیه نیازهای اولیه زندگی هرروز باید از اطرافیان و مغازه‌داران قرض کنم اما چون پس از گذشت چند ماه هنوز بدهی مردم را پرداخت نکرده‌ام دیگر کسی اطمینانی به ما ندارد و وقتی می‌بینند طلب قبلی هنوز پرداخت نشده حاضر نیستند مجدد به ما قرض بدهند. یکی دیگر از کارگران گفت: پرسنل کارخانه بارها برای احقاق حقوق خود وارد بحث شده‌اند اما هیچ نتیجه‌ای نداده است در حالی که می‌دانیم پرداخت این مبلغ کار چندان سختی برای مدیرعامل نیست. علاوه بر این بارها به نهادهای مختلف مسئول و مدیر شکایت خود را برده ایم اما نتیجه نداده است و هر کارگری که شکایت کرده بعد از آن با مشکلات فراوانی روبرو شده است.

## خودداری تامین اجتماعی از تمدید دفترچه بیمه

### بیش از ۱۰۰۰ کارگر معدن البرز شرقی!

اداره تامین اجتماعی دامغان به دلیل بدهی کارفرمای شرکت زغال سنگ البرز شرقی از تمدید دفترچه بیمه بیش از هزارکارگر این واحد معدنی خودداری می‌کند. ۳ اسفند، تعدادی از کارگران معدن زغال سنگ البرز شرقی گفتند: اداره تامین اجتماعی شهرستان دامغان در استان سمنان به دلیل بدهی طولانی مدت کارفرمای این واحد معدنی از روز چهارشنبه هفته گذشته (۲ اسفند) از تمدید دفترچه‌های درمانی کارگران این واحد معدنی خودداری کرده است. یکی از کارگران معدن البرز شرقی با بیان اینکه او و همکارانش بیش از ۲۰ سال است که به سازمان تامین اجتماعی حق بیمه پرداخت کرده‌اند در ادامه افزود: مشکلات بیمه‌ای ناشی از عدم تمدید دفترچه‌های درمانی من و همکارانم بر مشکلات معیشتی خانواده‌هایمان افزوده است. به گفته وی بصورت مشخص علاوه بر حق بیمه پرداخت نشده، هنوز کارفرمای معدن زغال سنگ البرز شرقی بابت چهار ماه دستمزد به آنها بدهکار است.

## فهرست اعتراضات یک روز

برای درک بهتر وضعیت در زیر به تعدادی دیگر از اعتراضات تنها به شکل تیتروار که تعدادی از اعتراضات یک روز (۵ اسفند) هستند به آنها اشاره می شود، اگر می گوئیم بخشی از لیست اعتراضات یک روز هستند به این دلیل است که خبر برخی از اعتراضات به دست ما نرسیده است و همچنین تعدادی از اعتراضات نیز خبری نشدند. ما این قسمت را نیز آوردیم تا شاید بتوانیم اندکی از عمق فاجعه را نشان بدهیم.

چند خبر کارگری ۵ اسفند ۱۳۹۵

- ۱- تجمعات معلمان حق التدریسی همدان در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و حق بیمه
- ۲- اعتراض رسانه ای کارگران پیمانکاری کارخانه ماشین سازی اراک نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق
- ۳- کارگران پیمانکاری میدین میوه و تره بار تهران خواهان قرارداد مستقیم و همسان سازی حقوق شدند
- ۴- عدم پرداخت حقوق کارگران معدن زغال سنگ تخت از مهرماه تاکنون
- ۵- عدم پرداخت مطالبات کارگران کارخانه لبنیات شبم سراب پس از ۱۰ ماه اخراج از کار
- ۶- تجمع اعتراضی اهالی روستای «گماره لنگ» مقابل فرمانداری مریوان
- ۷- جان باختن یک کارگر جوان در تهران بر اثر سقوط در یک ساختمان نیمه کاره
- ۸- جان باختن کارگر اداره برق مازندران بر اثر سقوط از ارتفاع حین شست و شوی مقره های دکل های برق در اهواز
- ۹- اعتصاب و تجمع ۳۰۰ کارگر کارخانه آلومینیوم المهدی هرمز آل برای همبستگی با ۴۰ همکار اخراجیشان و بازگشت بکارشان
- ۱۰- تجمع اعتراضی کارگران کارخانه کاشی نیلونسبت به بیکاری و عدم پرداخت مطالباتشان مقابل استانداری اصفهان
- ۱۱- ادامه تجمعات اعتراضی کارگران کاشی نیلو نسبت به عدم پرداخت ماه ها حقوق و نداشتن امنیت شغلی مقابل کارخانه و در شهر نجف آباد
- ۱۲- ادامه تجمعات اعتراضی کارگران اخراجی، شاغل و بازنشسته کارخانه پارسیلون برای چهارمین روز متوالی
- ۱۳- اعتصاب در سایت ۳ پتروشیمی بوشهر
- ۱۴- تجمع اعتراضی دامنه دار کارگران اخراجی جایگاه های عرضه سوخت بدنبال واگذاری به بخش خصوصی مقابل مجلس
- ۱۵- تجمع کارگران کارگران پروژه راه آهن جوین- اسفراین در اعتراض به عدم پرداخت ماه حقوق مقابل فرمانداری اسفراین
- ۱۶- تجمعات اعتراضی کارگران پتروشیمی تکس آریا نسبت به اخراج از کار
- ۱۷- تجمع اعتراضی بازرسان وزارت صنعت، معدن و تجارت مقابل مجلس
- ۱۸- فراخوان اعتصاب پزشکان طرحی و قراردادی دانشگاه علوم پزشکی همدان
- ۱۹ - کارگران شهرداری اهواز خواهان افزایش دستمزدها شدند
- ۲۰ - پانصد نفر از کارکنان شرکتی مخابرات از سراسر کشور با تجمع مقابل مجلس علیه تبعیض، دستمزدهای پایین و فقدان امنیت شغلی اعتراض کردند.

## اتحادیه های کارگری در غیاب نمایندگان واقعی



یکی از فعالان کارگری که نخواست نامش فاش شود در رابطه با فاکتورهای تعیین حداقل دستمزد و قدرت چانه زنی کارگر برای بالابردن این حداقل گفت: «اگر کارگران منفرد باشند، هرگز و تحت هیچ شرایطی نمی توانند بر هیچ چیزی، از بهبود ایمنی گرفته تا افزایش دستمزد، اثر بگذارند. در کشمکش برای افزایش حداقل دستمزد، کارگر منفرد یعنی هیچ چیز و کارگران متشکل یعنی همه چیز. در حالت انفرادی، کارگر در چشم کارفرما هیچ چیزی نیست جز یک ماده خام یا قطعه ماشین که استفاده و مستهلک و بعد هم به سادگی به بیرون پرت می شود. هرچه قدر محیط کار کوچک تر باشد، مثلاً کارگاه های چند نفره، این تصویری که دادم ملموس تر می شود. در نتیجه این که کارگران یک تشکل مستقل از دولت و کارفرما داشته باشند، یک ضرورت است. از طرفی درست اشاره شد که دستمزد باید متناسب با تورم بالا برود. تمام شعبده بازی های آماری بانک مرکزی و مرکز آمار با ارائه آمارهای عجیب و متناقض هم به همین خاطر است. در نتیجه اگر از تورم صحبت می کنیم، باید این را هم اضافه کنیم که خانواده های کارگری، به عنوان کسانی که هر روز با تأمین مایحتاج زندگی (از خورد و خوراک و ایاب و ذهاب تا هزینه تحصیل فرزند) درگیری جدی دارند، تورم را لمس می کنند و باید بتوانند نهادهایی مثل تعاونی مصرف و کمیته های نظارت بر قیمت ها را شکل بدهند تا بررسی های منطقه ای خودشان، بهترین معیار برای تعیین تورم سبد معیشت شان باشند».

این فعال کارگری از سوءاستفاده از نرخ تورم و افزایش آن با دستمزد کارگران که بهانه کارفرماها برای پایین نگه داشتن حداقل دستمزد می گوید: «از طرفی این روزها تا صحبت از افزایش دستمزد می شود، ناگهان صحبت از اثرات تورمی می شود. در روزنامه ها می نویسند افزایش حقوق و «تزییق نقدینگی» باعث تورم می شود، اما توضیح نمی دهند که اولاً این نقدینگی دست کیست؟ و ثانیاً پس چرا با وجود چندین ماه یا سال حقوق معوقه یا دستمزدهایی که هیچ وقت متناسب با همان تورم رسمی اعلامی افزایش نیافتند، شاهد چنین تورم سنگینی هستیم؟ به علاوه چرا نباید به کرور کرور برج ساز و انبوه ساز و صاحب کارخانه و تاجر کلان اشاره کرد که هم بیش ترین نقدینگی دست شان هست و هم اینکه با ولع شان برای سود بیشتر، مدام قیمت ها را رو به بالا هل می دهند. لاقلاً این چند وقت

که اخبار فیش های حقوق نجومی و املاک نجومی و اختلاس، به خبر و موضوع گفتگوی عادی در تاکسی و صف خرید تبدیل شده است. کارگران در اعتراض فریاد می زنند «یه اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه». این شعار ساده معنی عمیقی در خودش دارد. منابع مالی و اعتبارات هنگفتی هستند که می توانند صرف این افزایش دستمزد بشوند. در نتیجه مبارزه برای افزایش حداقل دستمزد، کارگران را به این صحنه هم می کشاند. مجموعه همه این ها فاکتورهایی هستند که در تلاش بر سر تعیین حداقل دستمزد نقش دارند و نمی شود هیچ کدام را از دیگری جدا کرد». او در پاسخ به سوال خبرنگار نوآوران که مقابله و چانه زنی کارگران را باید در چارچوب مطالبات صنفی یا سیاسی پیگیری کرد گفت: «در نهایت وضعیت جنبش کارگری و تناسب قوای آن در برابر دولت سرمایه داری است که این حداقل دستمزد را تعیین می کند. هرچه جنبش کارگری متشکل تر باشد، می تواند تعرضی تر عمل کند و سهم بیش تری از ثروتی را که خودش خلق کرده، به چنگ بیاورد. بالعکس هرچه قدر این جنبش پراکنده تر باشد، بیشتر تدافعی می شود و اغلب در همین حد هم نمی تواند از دستاوردهایش دفاع کند و در این جدال، تسلیم صاحبان سرمایه می شود. هر بار که عده ای از کارگران همراه خانواده هایشان پیگیر حقوق معوقه یا افزایش حداقل دستمزد می شوند، مدام در رسانه های رسمی تأکید می شود «این تجمعات سیاسی نیست». اغلب اینقدر روی این موضوع با حساسیت تأکید می کنند که معنایی کاملاً برعکس برای مخاطب پیدا می کند. در یکی دو سال گذشته می بینیم که در یک مجتمع نفتی کارگران بعد از یک اعتراض «صنفی» ناگهان در لیست سیاه قرار گرفتند و اخراج شدند. در جای دیگری ماشین و نیروی انتظامی آمد و تعدادی از کارگران را با خود برد. در مورد برخی اعتصاب ها نیروی انتظامی کارگران معترض را ضرب و شتم می کند. این ها برخوردهایی است که بعضاً در رسانه های رسمی هم پوشش داده شده اند. خوب اگر اعتراضات «صنفی» است، پس چرا با آن برخورد سیاسی می شود؟ وقتی همکار من بابت یک اعتراض ساده بازداشت می شود، واضح هست که خواست آزادی و بازگشت او به کار به خواسته های من و دیگر همکارانم اضافه می شود. در نتیجه نوع برخوردهای قهرآمیز طوری هست که خواهی نخواهی اعتراض بر سر هر موضوع ساده، مثل همین افزایش حداقل دستمزد، جنبه سیاسی هم پیدا می کند».

وی در ادامه افزود: «ظاهراً شورای عالی کار بر اساس فرمول سه جانبه گرایی حداقل دستمزد

را تعیین می کند، اما مساله این است که یک نماینده از طرف کارگران شرکت می کند که نماینده واقعی کارگران نیست و برگزیده دولت و کارفرما است. نماینده طرف کارگری فقط زمانی معنا دارد که برگزیده یک تشکل مستقل کارگری باشد و تشکل مستقل کارگری هم که اجازه شکل گیری ندارد و فوراً با آن مقابله می شود. طرف دیگر مذاکره کننده نماینده دولت است که هم خودش کارفرماست و هم مدافع کارفرما است. و به این ترتیب معلوم است که منفعت کارگر برایش دارای الویت نیست، طرف کارفرما هم که تکلیفش روشن است. سرمایه دار کارفرما ترجیح می دهد کارگر برایش مجانی کار کند و اگر هم مزدی به کارگری می دهد فقط به آن اندازه است که به سختی بتواند زنده بماند تا باز هم بتواند برایش کار کند. از توضیحاتی که دادم این نتیجه را می توان گرفت که اولاً این دولت کارفرمایان است و نه کارگران، ثانیاً دولت و سرمایه داران کارفرما منافع مشترکی دارند و بر همان اساس هم دستمزد تعیین می کنند. بنابراین دولت و کارفرمایان به اشتباه دو نهاد مجزا یا متفاوت فرض شده اند. در صورتی که اولاً منافع کارگران و کارفرمایان دو قطب مقابل هم هستند و ثانیاً دولت اصولاً به همین منظور شکل گرفته تا از منافع ویژه این دومی به هر شکل ممکن دفاع می کند. برای اثبات حرفم کافی است به خصوصی سازی ها نگاه کنید و ببیند آیا تا کنون یک واحد تولیدی به خود کارگران واگذار شده است؟ قطعاً خیر. از نظر دولت مدیریت غیر دولتی (خصوصی) یعنی فرد کارفرما و نه جمع کارگران. یا مثلاً فهرست بلندبالایی از شخصیت های حقیقی و حقوقی را می توان نوشت که به بهانه «کارآفرینی» و طرح های زودبازده «اشتغال» و ده ها عنوان دهان پرکن وام های آن چنانی گرفته اند و الآن تا خرخره بدهکار سیستم بانکی و دولتی هستند، به طوری که عملاً بدهی آن ها دیگر سوخته محسوب می شود. اما با وجود همه این ها، با وجود اعلام ورشکستگی و تعطیلی همه واحدهای تولیدی ای که در حراج «خصوصی سازی» به آن ها واگذار شد، با وجود این که برخلاف قوانین به سادگی با یک اشاره صدها کارگر را تعدیل می کنند، هنوز

از امتیازات و پشتیبانی دولت برخوردار می شوند. اگر این را مقایسه کنید با خیل عظیم کارگران اخراجی و کارگرانی که ماه ها حقوق معوقه طلب دارند، اما با وجود این همه اعتراض و دست به دست شدن در وزارتوی ادارات دولتی نتوانسته اند به ابتدایی ترین حقوق خود برسند، آن وقت خیلی خوب می شود دید که دولت و کارفرما در یک جبهه و مقابل کارگران بوده اند.»

از این فعال کارگری راجع به توان اتحادیه های کارگری و اثرگذاری آن ها پرسیدیم که آیا این تعداد نماینده معدود کارگران در این شوراها توان دارند یا صرفاً حضور فرمالیته و نمایشی برای خالی نبودن عریضه دارند، او در پاسخ گفت: « اگر مراد از «اتحادیه های کارگری»، همان نهادهای رسمی شورای اسلامی کار و انجمن های صنفی و غیره باشد که تکلیف مشخص است. یعنی ماهیت آن ها در این سئوال به خوبی توصیف شده. همان «معدود نماینده ... و جلسات فرمالیته». فقط به جای نماینده «کارگری» باید گفت نماینده «کارفرما». اتحادیه و تشکیلات مستقل کارگری دیگری هم نداریم که تشکل محیط کار باشد و بتواند اثر گذاری کند، مواردی مانند سندیکای نقاشان البرز و اتوبوس رانی و نیشکر هفت تپه هم تشکلاتی نیستند که دولت برای آن ها رسمیت قائل باشد، چه رسد به این که از نماینده آن ها دعوت به جلسات تعیین دستمزد و غیره داشته باشد. آنچه که کارگران سراسر ایران نیازمند هستند یک تشکل مستقل و سراسری است و بدون وجود آن می توان از حضور نماینده واقعی کارگران در هیچ جا، از جمله در نشست های برای تعیین دستمزد صحبتی به میان آورد.»

تعیین حداقل دستمزد سال ۹۶

این فعال کارگری معتقد است تعیین حداقل دستمزد سال ۹۶ بستگی به فاکتورهای مختلفی دارد، ولی برای جواب به این سئوال خوب است که با یک سئوال شروع کنیم. آیا سراسر سال ۹۶ یک اقتصاد یکسان و بدون نوسانی خواهیم داشت؟ اگر بله، پس می توان یک رقم دقیق و مشخص را اعلام کرد که طی همه سال ۹۶ بر همان اساس دستمزد پرداخت شود، اما اگر نوسانات اقتصادی، از جمله بحران و تورم مردم فزاینده وجود داشته باشد، گیریم دستمزد سال ۹۶ هم مشخص شد و حتی راضی کننده هم بود، ولی اگر یک ماه بعد تورم در بخش مسکن اوج گرفت کارگر مجبور شد همه یا بخش عمده مزد خود را برای اجاره مسکن کنار بگذارد، چگونه می تواند اعتراض کند که دستمزد من کافی نیست! بنابراین این اشتباه است که از طرف کارگران رقم مشخص شده ای برای دستمزد تعیین شود چون اقتصاد سرمایه داری در یک وضعیت ثابت و مشخص نیست و هر لحظه در نوسان است، اما می توان یک رقم مشخص تعیین شود که بر اساس تورم کنونی، دستمزد کارگر از آن پایین تر نباشد؛ منتها به معنی رقمی نباشد که کارگران باید تا پایان سال ۹۶ با آن کنار بیایند و هر تحولی در افزایش تورم بی تاثیر در دستمزد باشد. اگر زندگی کارگران را فقط نان و پنیر تشکیل می داد، می شد یک رقم بر اساس تهیه آن تعیین کرد و حتی تا پایان سال هم بر همان اساس دستمزد تعیین شود، اما زندگی کارگران را انبوه مسائل دیگر هم در بر می گیرد. مثلاً چه کسی تضمین می دهد که مدارس برای ثبت نام فرزندان کارگری شهریه دریافت نکند و یا شهریه قبل را افزایش ندهد، این موضوع را می توان به همه چیز دیگر تعمیم داد. برای همین شاید بد نباشد به جای تعیین حداقل دستمزد، دستمزد متناسب با تورم های ادواری و قابل تغییر در سال ۹۶ تعیین شود و نه تعیین دستمزد متناسب با خط فقر. کارگر همواره فقیر حق خود می داند که دستمزدش متناسب با ثروت باشد و اگر فقری هست برای همه باشد، اما او دائماً شاهد پرداخت های نجومی به مدیران و اختلاس های انبوه است و باور نمی کند ثروت در جامعه وجود ندارد. پس معیار دستمزد باید بر اساس ثروت موجود در کشور باشد، که قطعاً در این صورت هیچکس زیر خط فقر نخواهد بود و تورم هم اگر کارگر را فقیر و بیچاره می کند، سرمایه دار هم باید تاوان سودهای هنگفتی که می برد را بدهد و بار فقر را بر روی دوش کارگر نگذارد. در نهایت دستمزد کارگران در سال ۹۶ باید امکان بقای کارگران در شرایط زیست متناسب با تورم و مصائبی که دامن زندگی آن ها را می گیرد باشد و مهمتر اینکه کارگر بیکار نیز باید دارای بیمه هایی باشد که بتواند حیات کارگر و خانواده اش را تضمین کند.»

این چند خبر اعتراضی که نموه های از دهها اعتراض جاری هستند را فقط جهت نمونه آوردیم تا بگوییم، ظلم و ستم کارفرمایان و دولت جمهوری اسلامی سرمایه داری علیه کارگران به اندازه رسیده است که تعطیلات عید هم کارکرد خود را از دست داده است و مانند سال های گذشته نمی تواند مبارزه طبقاتی را تخفیف بدهد و چند روز اوایل سال اعتراض را تعطیل کند

## مرگ چهار کارگر صنعت نفت در ۱۵ روز اول سال جدید

در ۱۵ روز سپری شده از سال ۹۶، چهار کارگر صنعت نفت و گاز بر اثر حوادث کاری جان خود را از دست دادند. به گزارش خبرنگار ایلنا، روز ۱۲ فروردین ماه، بهزاد علوی، دکل بان قراردادی دکل ۹۱ فتح شرکت ملی حفاری ایران، به دنبال سقوط قاب دکل حفاری، جانش را از دست داد. در حادثه ای که پیش از آن ششم فروردین ماه در ایستگاه تقلیل فشار گاز همدان به وقوع پیوست، در نتیجه آتش سوزی گسترده، دو کارگر ۲۵ و ۳۷ ساله ایستگاه گاز همدان بر اثر انفجار زنده زنده در آتش سوختند. ظهر روز دهم فروردین نیز، یکی از کارگران پتروشیمی تندگویان به نام «علی حیدری» در حین انجام کار بر اثر سقوط بوم جرثقیل جان خود را از دست داد. با احتساب این حوادث، می توان گفت در ۱۵ روزی که از آغاز سال ۹۶ گذشته است، چهار کارگر شاغل در صنایع نفت و گاز جان خود را بر اثر حوادث کاری از دست داده اند.

## تجمع اعتراضی کارگران روغن نباتی قو در محوطه کارخانه

در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران روغن نباتی قو، صبح امروز (سه شنبه ۱۵ فروردین ماه) در محوطه این کارخانه، تجمع کرده اند. اعتراض این کارگران به عدم پرداخت مطالبات مزدی بهممن، اسفند، و عیدی سال ۹۵ حدود ۲۸۰ کارگر این کارخانه بر می گردد. این کارگران روز گذشته نیز جمعی ۱۰۰ نفره در محوطه کارخانه برگزار کردند، و یادآور شدند تنها خواستار پرداخت کامل مطالبات خود هستند. کارگران روغن نباتی قو پیش از این در اسفند ماه سال ۹۵ جمعی اعتراضی مقابل دفتر سهام دار عمده این کارخانه برگزار کرده بودند.

## تجمع اعتراضی دوباره کارگران فصلی نیشکر میان آب

در نخستین روزهای کاری بعد از خاتمه تعطیلات نوروزی سال ۹۶، جمعی از کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر «میان آب» با برپایی یک اجتماع صنفی خواستار تغییر نحوه رابطه استخدامی خود با این مجموعه شدند. تعدادی از کارگران این واحد کشاورزی در تماس با ایلنا گفتند: در مجموع نزدیک به ۲۰۰ نفر هستیم که به صورت روزمزد و فصلی که از سالهای گذشته تا کنون در مزارع نیشکر مجتمع کشت و صنعت میان آب مشغول کار هستیم. این کارگران در توضیح مشکلات صنفی خود که در روزهای گذشته منجر به برپایی یک اجتماع صنفی شده است، گفتند: طبق روال مرسوم در این مجموعه هر سال کارفرما مجموع کارگران روز مزد را به دو گروه تقسیم کرده و با کارگران حاضر در هر گروه در دو نوبت سه ماهه قرارداد کار منعقد می کند. به گفته این کارگران، مطابق این روال هر سال نزدیک به ۱۰۰ نفر از آنها در قالب یک قرارداد سه ماهه به صورت گردشی در استخدام مجتمع کشت و صنعت میان آب درمی آیند



که در نهایت همه آنها با پایان مدت قرارداد قرار داد کار جایگزین باقیمانده کارگران دیگر می‌شوند. در مجموع این کارگران می‌گویند که قرارداد کاری هرکدام از آنها در طول یک سال کاری به صورت منقطع در دو نوبت سه ماهه تمدید می‌شود و در عمل هرکدام از آنها حدود نیمی از سال به عنوان کارگر فصلی و روز مزد بخش کشاورزی این مجتمع مشغول کارند. کارگران مذکور که خواهان تثبیت موقعیت شغلی خود هستند، می‌گویند که در راستای پیگیری این خواسته صنفی خود برای روزهای ۵ و ۶ فرودین ماه سال جاری یک اجتماع صنفی را در محوطه مقابل ساختمان مجتمع کشت و صنعت میان آب برگزار کرده‌اند. آنها بایان اینکه در هر نوبت از این اجتماعات صنفی، دست کم ۵۰ کارگر حضور داشته‌اند، ادامه می‌دهند: البته پیش از این نیز در طول سال گذشته با برپایی اجتماعات صنفی مشابه پیگیر این درخواست صنفی شده بودیم چرا که به دلیل نبود ثبات شغلی در بهترین حالت هر سال فقط برای مدت ۶ ماه دارای کار مشخص هستیم و ناچاریم تا در سایر ایام سال از طریق انجام کارهای ساختمانی یا مهاجرت به شهرستان‌های مجاور، هزینه‌های زندگی خود را تامین کنیم.

## تجمع کارگران کارخانه چوب و فلز اردکان (چوفا) در فرمانداری اردکان

منابع خبری ایلنا از تعطیلی کارخانه چوب و فلز اردکان و عدم پرداخت مطالبات مزدی کارگران آن خبر دادند. به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران چوب و فلز اردکان (چوفا)، سه ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده دارند. از قرار معلوم عیدی این کارگران نیز در سال گذشته پرداخت نشده است. این کارخانه به طور موقت تعطیل است و مراجعات کارگران به مقامات محلی از جمله فرمانداری اردکان، تا کنون نتیجه‌ای نداشته است. از قرار معلوم روز گذشته (۱۴ فروردین) این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مطالبات خود و تعطیلی موقت شرکت، به فرمانداری شهرستان اردکان مراجعه کردند. گویا این کارخانه با مشکلات مالی و کمبود نقدینگی دست و پنجه نرم می‌کند و نه تنها قادر به پرداخت مطالبات مزدی کارگران نیست بلکه نمی‌تواند خط تولید را فعال کند. کارخانه چوب و فلز اردکان (چوفا) واقع در اردکان یزد در خیابان طالقانی است و در زمینه صنایع چوبی و فلزی شامل صندلی و مبلمان فعالیت می‌کند.

## عدم توجه مدیرعامل مخابرات به مطالبات کارگران شرکتی

جمعی از پرسنل شرکتی مخابرات با ایلنا تماس گرفتند و از اظهارات مدیرعامل شرکت مخابرات انتقاد کردند. از قرار معلوم، مدیرعامل مخابرات ایران به تازگی در جمع مدیران ارشد مخابرات منطقه تهران با توجه به شعار سال ۱۳۹۶ که سال اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال نام گذاری شده گفته است: ما مسئولیت سنگینی برای اشتغال زایی مردمی داریم که ثبات و آرامش آنها نقش بسزایی در استفاده از محصولات متنوع و متعدد ما خواهد داشت. شرکتی‌های مخابرات با اشاره به این اظهارات می‌گویند: وقتی جناب مدیرعامل دغدغه ایجاد اشتغال در صنعت کشور را دارند، طبیعتاً در سال جاری پرسنل شرکتی مخابرات ایران باید خیال آسوده‌ای داشته باشند که امسال مخابرات ایران نه تنها تعدیل نیرو ندارد، بلکه جذب نیرو هم خواهد داشت. این کارکنان که پیش از این بارها در اعتراض به وجود تبعیض در مخابرات، تجمع برگزار کردند می‌گویند: از سخنان جناب مدیرعامل چنین برمی‌آید که ایشان به آرامش فکری و نداشتن دغدغه ذهنی برای مشکلات اقتصادی مثل اشتغال و معیشت اعتقاد دارند. اما این سوال یقیناً ذهن بسیاری از کارکنان مخابرات ایران اعم از رسمی و شرکتی و حتی بازنشستگان را به خود مشغول کرده است که آیا دغدغه معیشت برای کارکنان و بازنشستگان موجب سلب آرامش فکری آنها نیست؟ آیا دریافتی حداقل و با تاخیر پرسنل شرکتی موجب تشتت فکری و برهم خوردن آرامش ذهنی پرسنل شرکتی نیست؟ آیا این مشغولیت ذهنی آنها موجب کاهش بهره‌وری و پایین آمدن کیفیت خدمات مخابراتی و در نتیجه کاهش سود آوری مخابرات نمی‌شود؟

مصاحبه حسن سعیدی با سایت خبری  
میدان در مورد مشکلات مسکن کارگران  
شرکت واحد

## کارگران شرکت واحد بعد از برخورد خشونت‌بار از مقابل شورا رانده شدند

۱۱ اسفند ۱۳۹۵

کارگران شرکت واحد بار دیگر در اعتراض به بی‌توجهی به مشکلات تعاونی مسکنشان مقابل ساختمان شورای شهر و شهرداری تجمع کردند. آنها که بار قبل با برخورد خشونت‌بار و بازداشت مواجه شده بودند، این بار و بعد از قول‌هایی که فراکسیون کارگری شورای شهر به آنها داده بود از دفتر رئیس این فراکسیون هم رانده شدند. کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران بار دیگر دیروز (سه‌شنبه دهم اسفند) در اعتراض به بی‌توجهی به مشکلات تعاونی مسکن این شرکت مقابل ساختمان شهرداری و شورای شهر تهران تجمع کردند. پیش از این، نیروهای امنیتی با تجمع قبلی این کارگران به صورت خشونت‌باری برخورد کرده و چند نفر از کارگران هم بازداشت شده بودند. این برخورد خشونت‌بار بالاخره توجه اعضای فراکسیون کارگری شورای شهر تهران و از جمله رئیس این فراکسیون یعنی محسن سرخو را به خود جلب کرد و این عضو شورای شهر با تذکر به شهردار تهران درباره این نوع برخوردها با کارگران، جلسه‌ای برای حل مشکل کارگران شرکت واحد تشکیل داد.

با اینکه این جلسه بر اساس خواست کارگران پیش نرفت و فراکسیون کارگری شورای شهر فقط مشکلات یکی از پروژه‌های تعاونی مسکن را در مرکز توجه قرار داد با این حال کارگران به انتظار به ثمر رسیدن همین قول‌های محدود نشستند که بعد از بی‌نتیجه ماندن این جلسه بار دیگر تجمع کردند.

پیش از این محمد حقانی، عضو فراکسیون کارگری شورای شهر به «میدان» گفته بود که در جلسه این فراکسیون با نمایندگان کارگران و شوراهای اسلامی کار شرکت واحد، مسائل و مشکلات بررسی شده و گفتگوها با مدیرعامل شرکت تعاونی شرکت واحد انجام شده است. حقانی در این گفتگو حتی قول داد که مشکلات مسکن این کارگران در ماه‌های باقیمانده از شورای چهارم حل شود اما این خوش‌بینی‌ها برای کارگران شرکت واحد کافی نیست.

حسن سعیدی، عضو تعاونی مسکن اداره مرکزی شرکت واحد و نماینده اعضای پروژه سپیدار دو و سه در گفتگو با «میدان» می‌گوید اتفاقاً دلیل تجمع دیروز کارگران شرکت واحد این بود که هیچ اتفاق جدیدی بعد از برگزاری جلسه با فراکسیون کارگری اتفاق نیافتاده است.

به گفته او بعد از تجمع قبلی آقای سرخو گفتند جلسه فراکسیون کارگری برگزار می‌کنیم و به مشکلات کارگران رسیدگی می‌کنیم اما ایشان یکی از اصلی‌ترین گروه‌های کارگران را که ۶ هزار نفرند و اصلاً از تسهیلات مسکن استفاده نکرده‌اند حذف کردند.

محمد حقانی، عضو فراکسیون کارگری شورای شهر تهران پیشتر قول داده بود که مشکلات مسکن کارگران شرکت واحد در ماه‌های باقیمانده از شورای چهارم حل شود اما این خوش‌بینی‌ها برای این کارگران کافی نیست.

سعیدی می‌گوید در شرکت واحد دو گروه کارگر وجود دارند. گروهی که تسهیلات مسکن به ظاهر به آنها پرداخت شده ولی در حقشان اجحاف شده و هنوز به مسکن خودشان در قالب تعاونی‌های مسکن نرسیده‌اند و یک گروه ۶

هزار نفری که اصلا از تسهیلات مسکن استفاده نکرده‌اند. آقای سرخو کل این ۶ هزار نفر را در آن جلسه فراکسیون کارگری کنار گذاشت و گفت به این موضوع ورود نمی‌کنیم.

به گفته سعیدی در آن جلسه در مورد کارگرانی که عضو تعاونی مسکن هستند و از بین چندین پروژه‌ای که دچار مشکلند فقط پروژه سپیدار دو و سه انتخاب شد که از سال ۹۰ متوقف شده و الان هم چهار سال از موعد تحویل خانه‌ها گذشته است. در جلسه فراکسیون قرار بر این شد که تعاونی مسکن مجمعی برگزار کند تا نماینده کارگران در مذاکرات آتی بین شورای شهر و شرکت واحد و تعاونی مسکن انتخاب شود و حضور داشته باشد. این مجمع برگزار نشد و به تبع آن هیچ جلسه‌ای هم برگزار نشد و همینطور کار معطل ماند. از آن جلسه بیشتر از ۴۵ روز گذشته و این بود که کارگران تصمیم گرفتند که دوباره به شهرداری و شورای شهر مراجعه کنند و اگر مشکلات کارگران حل نشود در نیمه دوم فرودین ماه بار دیگر تجمع برگزار خواهد شد.

عصبانیت رئیس فراکسیون کارگری به جای پاسخگویی

به گفته این عضو تعاونی مسکن کارگران شرکت واحد همه پروژه‌های این تعاونی امروز با مشکل مواجه است. در سپیدار دو و سه قرار بوده در ۶ ماهه اول سال ۹۲ واحدهای مسکونی تحویل داده شود. الان در پایان سال ۹۵ کار کلاً ۵۰ درصد پیشرفت داشته است و از سال ۹۰ به بعد هم ادامه ساخت متوقف شده است. در پروژه سهیل هم که بالاخره کارگران با پنج سال تأخیر واحدهای مسکونی خود را تحویل گرفتند به این صورت بوده که از سه سال پیش که هنوز کارگاه در این مجتمع دایر بود و ساختمان‌ها در حال ساخت بود کارگران رفتند و آنجا ساکن شدند. در این ساختمان‌ها آسانسور وجود نداشت، یک شاخه آب جلوی ساختمان بود که باید از طبقه پنجم می‌آمدند و با دبه آب بالا می‌بردند، برقشان برق کارگاهی بود و باعث می‌شد لوازم برقی کارگران ساکن در این ساختمان‌ها بسوزد و تا چندی پیش هم گاز نداشتند.

سعیدی معتقد است که «این مدیریت شرکت واحد بوده که این وضعیت را ایجاد کرده است چون پول از ابتدا با توجه به مبالغ بلاعوضی که پرداخت شد و مبالغی که کارگران سر وقت پرداخت کردند وجود داشته است.» او می‌گوید کارگران معتقدند که مدیریت شرکت واحد باعث این اتفاق شده است و حتی اتهاماتی هم متوجه‌اشان است. منتها مدرک رسمی در دست کسی نیست ولی از نحوه ساخت مشخص است که چه اتفاقی افتاده است. این عضو سندیکای شرکت واحد می‌گوید: با وجود اینکه این مشکلات را بر کارگران تحمیل کرده‌اند الان از کارگران پروژه سهیل حدود ۱۵ میلیون تومان دیگر مبلغ اضافه بر قرارداد طلب می‌کنند. کارگران سپیدار با اینکه به تعهدات خود عمل کردند امروز دوباره اعلام کرده‌اند که برای ادامه ساخت به ۷۰ میلیون تومان دیگر پول نیاز است که باید پرداخت کنند یا اینکه گفته‌اند خود کارگران تعاونی تشکیل دهند و پروژه را در همین وضعیتی که هست تحویل بگیرند.

سعیدی می‌گوید در پروژه‌های دیگر هم این شرایط کم و بیش حاکم است و کارگران در سپیدار دو و سه درخواست دارند که بدون فوت وقت ساخت پروژه ادامه پیدا کند و با همان قرارداد اولیه بتوانند واحدهای مسکونیشان را تحویل بگیرند. این در حالی است که در قرارداد اولیه کارگران باید متری ۶۵۰ هزار تومان پرداخت می‌کردند اما در آن منطقه چنین واحد مسکونی متری ۴۰۰ هزار تومان بود. یعنی کارگران ۲۵۰ هزار تومان هم بالاتر از قیمت روز به تعاونی پرداخت کرده‌اند. و خواسته نهایی کارگران این است که کارگرانی که از کمک بلاعوض استفاده نکرده‌اند هم از این تسهیلات استفاده کنند.

سال‌ها تلاش و تجمع کارگران شرکت واحد تا امروز نتیجه‌ای نداشته و با اینکه برخی اعضای شورا امیدوارانه به آنها وعده می‌دهند برخی دیگر مانند رئیس فراکسیون کارگری شورای شهر با شدت و حدت بیشتری کارگران را از شورا می‌رانند. با این احوال به نظر می‌رسد تنها راه چاره کارگران ادامه چانه‌زنی و اعتراض‌های قانونی و در نهایت امیدواری به آینده‌ای است که در آن به خواسته‌های آنها توجه شود.

## «ما با تک کارت فرهنگیان مخالفیم»

چند ماهی است که همه فرهنگیان از جانب اداره محل خدمت ملزم شدند تا در سیستم یکپارچه آموزش و پرورش کلیه اطلاعات خودشون رو وارد کنند و برای تک کارت فرهنگیان ثبت نام کنند.....

گفته میشه قراره این کارت به منزله کارت شناسایی، درمانی و سایر خدمات همکاران باشه و حتی قرار حقوق همکاران فرهنگی نیز به این کارت واریز بشه....

اشکال قضیه اینجاست که بانک صادر کننده این کارت کدوم بانکه؟؟؟

اخیرا تک کارت داره بین همکاران توزیع میشه و معلوم شده تک کارت مال بانک سرمایه است و با صندوق ذخیره فرهنگیان مرتبط هست!!!!

همه میدونن که واریز حقوق همکاران در یک بانک برا اون بانک سود کلانی داره...

بعد از اختلاس نجومی صندوق ذخیره که رقم اختلاس اون هنوز مشخص نیست و خیلی بیشتر از مبالغ اعلام شده است.... انتظار داشتیم کلیه فعالیت های بانک سرمایه و صندوق ذخیره فرهنگیان رصد بشه و زیر ذره بین قرار بگیره....

اما زهی خیال باطل!!!

هنوز هم دستهای پنهانی تو کار هست تا حاصل دسترنج پاک معلمان شریف رو تصاحب کنند!

ما به عنوان فرهنگیان ایران اسلامی مخالفت خود را با هر گونه متفعت رسانی به صندوق ذخیره که یک بار خیانتش به فرهنگیان اثبات شده اعلام میداریم و امیدواریم مسئولین از خواب خرگوشی بیدار شن و برای یک بار هم که شده جلوی رانت خواری حضرات خاص رو بگیرن!!!!!!



## خانواده مصطفی کریم بیگی سکوت شان را شکستند...

این بیانیه جهت انتشار در رسانه ها:

به ما گفته بودید سکوت کنید، شهناز را آزاد میکنیم، دروغ پشت دروغ، ظلم پشت ظلم من با افتخار اعلام می کنم: پدر مصطفی کریم بیگی هستم، پسر ۲۶ ساله ای که جانش را برای ایران و آزادی داد. فرزندم بعد از انتخاب ۸۸ با دستهای خالی به خیابان رفت، سؤال داشت اما جوابش گلوله ای بود که به پیشانی اش شلیک شد. زیر پل کالج در تهران. من پدری هستم که فرزندم را با دستان خودم با کفن خونینش به گور سرد سپردم و امروز دخترم جلوی چشمانم آب میشود از اندوه دوری از مادرش. مادری که به جرم دادخواهی بازداشت و زندانی شد. این ظلم به فرزندان من و خانواده ی من از کجا جاری میشود؟ این ظلم از کجاست که تمام نمیشود؟! مادر فرزندان من روزهاست که در انفرادی است و ما یی خبر از او هستیم. دختر مرا تهدید کرده اند که خانه تان را به آتش میکشیم. کدام خانه؟ خانه ای که حرمتش را یکبار با خون شکستید و راضی نشدید و بار دگر مادر خانه را به اسارت بردید! شما حتی حرمت خانه ی ابدی پسر من را هم نگه نداشتید و سنگ مزارش را شکستید. این ظلم شما را در کتاب های تاریخ برای آیندگان خواهند نوشت، روسیاهان تاریخ خواهید بود. مادر مصطفی مرا آزاد کنید و بیش از این آتش به دل داغدار ما نکشید. جای او زندان نیست.

محمد کریم بیگی

از زندان بزرگ ایران؟!؟!!



گزارشی از اهواز

## سه شنبه ۲۶ بهمن (۱۴ فوریه)

بدلیل اینکه اعتراضات اهواز فعلاً « فرو کش کرده است ما این گزارش را به عنوان نمونه آوردیم ولی باید بدانیم که موضوع و اعتراضات اهواز نیز مانند موارد اعتراضی دیگر آتش زیر خاکستر و یا بهتر است بگوییم آتشفشان فعلاً خاموش هست که بدون شک همین روز ها باز هم فوران خواهد کرد بنا براین انقلابیون و جوانان باید گوش بزنگ باشند تا اعتراضات را به مسیر هر چه انقلابی تر هدایت کنند ممکن است اعتراضات اهواز با بهانه یک آبپاشی یا شلنگ یا یک بطری آب فروشی یا به بهانه کرایه اتوبوس یا تاکسی و یا هر چیز جزئی دیگر شروع و شعله ور شود باد همیشه آماده بود.

فضای شهر اهواز بشدت اعتراضی و شورانگیز است. زنان، کارگران و جوانان حضور چشمگیری در اعتراضات دو روز گذشته داشته اند. حضور زنان امروز باز هم چشمگیرتر شد واقعاً گل کاشتند. جسورانه حرف میزنند و شعار میدهند. مردم بشدت عصبانی هستند و کارد به استخوان همه رسیده است. مردم فریاد میزنند و خواست هایشان را مطرح میکنند. سنتاً الاهوازی ها خیلی سازمان یافته هستند. اینبار هم شعارهایشان را می بینید. مرتب سعی میکنند حساب اهواز را از ایران جدا کنند اما اینبار رادیکالیسم دست بالا دارد. حتی کسی هم که دنبال شعارهای الاهوازی ها بود الان دارد از بیکاری و فقرش داد و بیداد میکند. مردم علیه بیکاری، فقر، بی آبی، بی برقی، بی مسکنی، و نبود آزادی و همه چیز حرف میزنند. اینرا در شعارهایشان و در فریادهایی که به سر مقامات میکشند مبینید.

امروز سه شنبه مردم اهواز ساعات طولانی مقابل استانداری بودند و میگویند تا جواب نگیریم به اعتراض خود ادامه میدهیم. خواهان استعفای مقامات و از جمله معصومه ابتکار شده اند. روحانی خجالت خجالت، فرماندار دروغگو و یا بیکاری بیکاری بیکاری برخی شعارهای مردم است. شعارهای دیگر مردم خوزستان اتحاد، اتحاد. نفت را بردید خاک رو جا گذاشتید. مدیر بی لیاقت استعفا، استعفا.

مقامات سعی میکنند مردم را به آرامش دعوت کنند اما مردم آنها را هو میکنند. مقامات بشدت ترسیده اند و حتی فرماندهان سرکوبگر با زبان خیلی نرمی با مردم صحبت میکنند. سعی میکنند مردم را به مذاکره بکشانند که گزارش فعالیتهايشان! را بدهند و سر مردم شیره هالند اما فضا تعرضی تر از این حرفها است.

در تظاهرات امروز مردم قرار گذاشتند که فردا چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح مقابل فرمانداری به تجمع خود ادامه بدهند.



## نمونه های از جنایات جمهوری اسلامی

### گزارش تکان دهنده روزنامه گاردین از بازار سکس

#### توریسم مذهبی در مشهد

روزنامه گاردین با انتشار مقاله‌ای از آنچه بازار پر سود زنان صیغه‌ای ایرانی برای زائران عراقی در شهر مشهد خوانده است، پرده برداشته و رواج تن فروشی زنان ایرانی زیر لوای مذهب را از پیامدهای گسترش صنعت گردشگری مذهبی در ایران دانسته است.

روزنامه بریتانیایی گاردین در گزارشی مفصل به موضوع اهداف زائران عراقی در شهر مشهد ایران پرداخته است و نوشته است: «با وجودی که هر ساله ده‌ها هزار زائر عراقی برای موضوعات دینی مورد احترام مذهب شیعه به شهر مشهد در ایران سفر می‌کنند، اما هزاران تن از این زائرین به دنبال لذت جویی جنسی و ازدواج موقت با زنان ایرانی در این شهر هستند.» این روزنامه به نقل از یک مقام رسمی در فرودگاه هاشمی نژاد مشهد نوشته است: «بعد از ظهور گروه داعش، تعداد زائران عراقی برای زیارت مراقد شیعی در ایران افزایش یافته است.»

این مقام رسمی افزوده: «بعد از سقوط دولت صدام حسین در سال ۲۰۰۳ بسیاری از عراقی‌های شیعه به ایران سفر می‌کنند و گاهی تعداد این زائران که به فرودگاه مشهد وارد می‌شوند به بیش از ۱۰۰ هزار نفر در سال می‌رسند. در گزارش روزنامه گاردین ذکر شده است تعداد زیاد زن‌های روسپی و زنان صیغه در کنار ده‌ها هتل پنج ستاره در خیابان امام رضا در مرکز شهر مشهد، به مشتریان اینگونه زن‌ها این امکان را می‌دهد که به سهولت به هدف خود برسند. روزنامه بریتانیایی گاردین با اشاره به روسپیگری در شهر مشهد نوشته است: «روسپی‌ها در شهر مشهد به راحتی برای مشتریان پیدا می‌شوند و در ازای مبلغ کمی بین ۷۰ تا ۱۰۵ دلار تن به روسپیگری می‌دهند.»

این روزنامه به نقل از یک منبع مطلع افزوده است: «بعضی از مشتری‌های پولدار از این زنان روسپی حتی به مدت یک هفته نیز استفاده می‌کنند و با آن‌ها به سفرهایی به خارج از شهر مشهد همچون شیراز، اصفهان و اماکن دیگر نیز می‌روند. در سال‌های گذشته سیاست توسعه گردشگری مذهبی در دستور کار دولت ایران قرار داشته است و مقامات رسمی ایران کوشیده‌اند تا با تبلیغات گسترده، ارائه تخفیف‌های ویژه و در راستای سیاست‌های ایدئولوژیک خود هزاران تبعه شیعی تبار کشورهای مجاور را برای بازدید از اماکن مذهبی در ایران خصوصاً به شهرهای مشهد و قم دعوت کنند. این همه در حالی است که مقامات مذهبی ایران خصوصاً در شهرهایی مانند مشهد به بهانه جلوگیری از آنچه آنها ترویج فساد و فحشا خوانده می‌شود قوانین سختگیرانه‌ای برای جوانان و زنان ایرانی اعمال می‌کند تا آنجا که برگزاری ده‌ها کنسرت موسیقی در این شهر تا کنون کنسل شده است.

برگرفته از: آسمان دیلی نیوز

قابل توجه است که بسیاری از این زائران را حکومت جمهوری اسلامی تامین هزینه می‌کند و آنها را در کاروان‌های مانند راهیان نور منتها از عراق یا دیگر کشورها به ایران می‌آورد و تمامی هزینه‌هایشان را می‌دهد و بعضاً بعد از برگشت حق ماموریت نیز به آنها می‌دهد این افراد را برای جذب کردن، این چنین پرورش می‌دهد. و همه این هزینه‌ها هم از جیب مردم، کارگران، از نفت و گاز تامین می‌شود در مقابل این هزینه‌ها کودکان از تحصیل محروم شده یا کودک خیابانی می‌شوند یا کودک کار و یا بسیاری کارتون خواب و گور خواب می‌شوند، یا در مدارس کپری درس می‌خوانند یا در مقابل سیل بی دفاع می‌مانند و یا در زیر برف به صورت کولبر کشته می‌شوند و یا مانند مردم اهواز آب برای خوردن و هوا برای نفس کشیدن ندارند.

## برخی اشکال بی‌خانمانی در ایران

رژیم ضد‌مردمی جمهوری اسلامی، اتوبان خوابی را هم، به کارتن‌خوابی و گورخوابی و نایلون‌خوابی به مردم فقیر زده ایران تحمیل کرده است. مردمان بی‌سرپناهی که تحت اجبار و سرکوب شهرداری های جمهوری اسلامی به دنبال دزدی ها، اختلاس ها و رشوه خواری ها و رانتخواری و آقازاده بازی مدیران و سران حکومت اسلام و الله از بافتهای فرسوده تهران و دیگر کلان شهر ها اخراج شدند و به حاشیه اتوبانها پناه بردند. پدیده شومی که واقعیت و گستردگی آن، رسانه‌های جمهوری اسلامی را که از طریق فریب مردم در خدمت حکومت اسلامی ضد انسانی قرار دارند وادار کرده است که به آن انعکاس بدهند.

روزنامه دنیای اقتصاد اتوبان خوابها را چنین توصیف می‌کند: «مردمی ژنده پوش که امکان دید کافی خودروسواران را به‌ویژه در شب‌ها سلب می‌کنند. این ژنده پوشان با خروج ناگهانی خود از پناهگاه و ورود به بزرگراه عملاً معابر اصلی را برای شهروندان ناامن کرده‌اند». این مزدوران قلم بدست حکومت اسلامی سرمایه داری مردم رانده شده را از لیست شهر وندان خط زده است و به جای دفاع از حقوق انسانی آنها نگران امنیت شهروندان مورد قبول خودش است. فرهنگ فاشیستی اسلامی طی ۳۸ سال چنین قلم بدست شوینستی را پرورش داده است.

نویسنده مقاله از قول یکی از مدیران حکومت اسلامی که از او به‌عنوان کارشناس اجتماعی نام برده و از قول یکی از اعضای شورای شهر تهران می‌نویسد: «پدیده اتوبان‌خواب‌ها محصول جراحی ناقص و موضعی یکی از مناطق بافت فرسوده تهران است. اگر چه در سنوات گذشته مجموعه پلیس و شهرداری با کلونی خیابان‌خواب‌ها در بخش‌های مختلفی از شهر اعم از برخی رود دره‌ها، محله‌ها و سکونتگاههای غیررسمی در حریم شهر برخورد کرده‌اند، اما چون مواجهه با این پدیده به یک برنامه زنجیره ای نیاز دارد، خلأ حلقه اصلی این زنجیره که توانمندسازی آسیب‌دیدگان اجتماعی است، سبب شده هر نوع برخورد سلبی با این گروه آسیب‌دیده از بابت جمع‌آوری آنها از محل کلونی‌شان در عمل به شکل‌گیری کلونی جدید در منطقه دیگری که برای آنها امن به حساب می‌آید، منجر شود.» (دنیای اقتصاد ۲۱ بهمن ۹۵)

( شما بخوانید بی‌خانمانهایی که زندگی شان به خاطر دزدی، اختلاس و رشوه خواری های سران و مدیران حکومت الله و اسلام نابود شده است و اکنون مزدوران و مدافعین جنایت کاران آنها را از لیست انسانها و شهروندی خط زده اند و نام کلونی به آنها می دهند) (در رابطه محل زندگی قبلی بسیاری از انسانهای که نام کلونی به آنها دادند می توان دره فرح زاد، دره کنار اتوبان چمران، باقی مانده گود عربها و خاک سفید و دهها محله دیگر را نام برد که شهر داری برای خدمت به شهروندان مورد تأیید خودش و برای کسب سود های هنگفت آنها را از محل زندگی شان بیرون رانده است چون همه می دانیم کنار اتوبان چمران و جاهایی مانند آن قیمت زمین هایش بسیار بالا است فراموش نکنیم که در زمان نیم پهلوی نیز با حاشیه نشینان و رانده شدگان تحت ماده ۱۰۰ نیک پی نیز همین رفتار ضد انسانی جمهوری اسلامی را انجام می دانند که یکی از مهمترین دلایل شروع اعتراضات که منجر به انقلاب شد از همین موضوع حاشیه نشینی اول از تبریز شروع شد و در تهران گسترش یافت، در زمان شاه نیز افرادی خود را شهروند می دانستند و اعتقاد داشتند حاشیه نشینها و ساکنین حلبی آباد ها چشم انداز شهر ها را زشت کرده اند و مزاحم شهروندان هستند در تهران آن زمان می توان به محل خیابان آهنگ کنونی که حلبی آباد بود، یا یافت آباد و بسیاری در جاده ساوه و جاده خاوران و کرج اشاره کرد و امروز ها در تمامی اطراف تهران و شهر های بزرگ حلبی آباد ها، نایلون آباد ها و ... که این بار از حاصل وجودی جمهوری اسلامی هستند را دید )



به گفته رئیس سازمان نوسازی شهرداری حکومت اسلامی در تهران «در میان این افراد فارغ التحصیلان مقطع دکتر از دانشگاه‌های معتبر خارجی تا افراد بی‌سواد و بیکار و فاقد هر گونه شرایط مناسب اجتماعی دیده می‌شود» (خبرگزاری صدا و سیما ۱۱ آبان ۹۵)

کارتن خوابهای اخراجی از شهر نه تنها حاشیه اتوبانهای تهران را تسخیر کرده‌اند، بلکه جوی‌ها، کانالها و مسیل‌های اطراف اتوبانها نیز از آنها پر شده است.

در این رابطه روزنامه وابسته به حکومت جمهوری اسلامی ابتکار می‌نویسد: «اتوبان نیایش غرب به شرق، حدفاصل بلوار شهرداری و اتوبان چمران؛ خانه‌های زیر زمینی تهران آدرس دقیقی ندارند. باید کنار اتوبان را بگیری و بروی تا جایی که گذرت به کانالهایی بیفتد که در پوش هایشان یکی در میان باز شده و به گوشه ای افتاده است. اینجا شهر زیر زمینی تهران است. شهری که کارتن خوابها مدتی می‌شود که آن را برای خواب شبانه خود انتخاب کرده‌اند.» (ابتکار ۱۵ مهر ۹۵)

اینها کسانی هستند که یکی دیگر از رسانه های جمهوری اسلامی دیگر وضعیت تأسف برانگیز آنها را چنین توصیف می‌کند: «سقف اتاق‌هایشان پلاستیکهای مچاله شده، هیزم بخاریشان تخته‌چوبهای نیمه‌سوخته، رواندازشان تکه پتوهای مندرس، فرششان کارتهای پاره، تختشان زمین سفت و سرد، باشد که حتی جهت به دست آوردن تکه نانی توبره‌ای با خود می‌کشند و دست تکدی بسوی جمعیت دراز می‌کنند تا چیزی عایدشان شود».

نقش رژیم پلید جمهوری اسلامی در زمینه بروز فجایعی نظیر کارتن خوابی، گورخوابی و اتوبان خوابی و.. سایر فجایع اجتماعی آن چنان آشکار است که روزنامه جهان صنعت ناگزیر شده است به صراحت به این موضوع اعتراف کند: «چهره‌ای از فقر رخ می‌نماید که شاید به ذهن مردم خطور نمی‌کرد. اگر طی همه این سالها به جای سیاه چاله اختلاس‌ها و دیگر زد و بندهای پرابهام و غیرشفاف مالی، پول چند بشکه نفت هزینه ساخت گرمخانه‌های عمومی و دیگر امکانات رفاهی می‌شد، چه بسا امروز کارتن‌خوابی و گورخوابی این‌گونه احساسات عمومی را جریحه دار نمی‌کرد». علی‌رغم اینکه این روزنامه تلاش می‌کند اندکی انسانی فکر کند اما او نیز از اینکه احساسات عمومی جریحه دار شده است ناراحت است از اینکه این سطح از فقر باعث شده مردم چنین فقر و فلاکت را حاصل دزدی‌ها و اختلاس‌های حکومتیان بدانند و مشت حکومت اسلامی باز شود وحشت کرده و ناراحت است، از اینکه چنین سطحی از حاشیه نشینی و بی‌خانمانی با دیده شدنش باعث گردیده که همه بدانند حکومت جمهوری اسلامی چنین فجایع انسانی آفریده است، ناراحت است و همچنین به فکر رفع ریشه ای مشکل نیست بلکه به فکر این است که با گرمخانه معضل را به شکل خیریه لاپوشانی و پنهان کند در حکومت‌های سرمایه داری نهایت انسانیت همین قدر است که تلاش می‌کنند معضلاتی که توسط نظام سرمایه داری مانند سرمایه داری جمهوری اسلامی ایجاد می‌شوند را پنهان کنند تا چهره کریه حکومت‌های سرمایه داری و اسلامی نشود هر گز به فکر حل ریشه مشکل نمی‌باشند چون خودشان هم می‌دانند چنین معضلاتی تنها با نابودی سرمایه داری و حکومت سرمایه داری اسلامی و برقراری حکومت کارگری می‌تواند به شکل ریشه حل شوند. واقعیت هم این است که اتوبان خوابی مردمان فقیر آن روی سکه ثروتهای غارت شده مردم ایران توسط حاکمان جنایت‌پیشه است. این وضعیت آن روی سکه چپاول بی‌حد و حصری است که سرتاپای حکومت اسلامی را در نوردیده است. از جمله رئیس قوه قضاییه رژیم ۱۰۰۰ میلیارد تومان ناقابل در حساب بانکی دارد، ۹۵ میلیارد دلار دارایی ولی‌فقیه حکومت ارتجاعی - اسلامی - سرمایه داری در نهاد غارتگر ستاد اجرایی فرمان امام است و بی‌شمار مدیران اسلامی که حقوقهای نجومی چند صد میلیونی دارند.

حل چنین معضلات در جامعه انسانی تنها با انقلاب سوسیالیستی که از طریق آن حکومت سرمایه داری اسلامی سرنگون شده و حکومت کارگری برقرار شود ممکن خواهد شد و چنین پروسه ای تنها از طریق ایجاد همبستگی طبقاتی کارگران که با استفاده از ابزارهایی مانند فدراسیون سراسری کارگران و ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر با رویکرد مبارزه قهر آمیز انقلابی و هدایت تمامی مردم معترض به وضعیت موجود و رهبری آنها تحت برنامه و تشکیلات های انقلابی طبقه کارگر ممکن خواهد شد کارگران و زحمتکشان و ... قبل از اینکه همه کارگران و زحمتکشان یعنی همه

ما تحت فشار و جنایات جمهوری اسلامی به حاشیه نشینی سقوط کنیم باید انقلاب کرد، امروز زمان سازماندهی و متشکل شدن و مبارزه متحدانه علیه تمامیت برنامه ها و کارهای جمهوری اسلامی سرمایه داری است، که از طریق اقدام به ایجاد هیأت های مؤسس فدراسیون سراسری کارگران و ایجاد خشت های اولیه حزب انقلابی طبقه کارگر یعنی هسته های مخفی انقلابی شروع می گردد، کار امروز را نباید به فردا موکول کرد .

پیش به سوی همبستگی طبقاتی

پیش بسوی ایجاد فدراسیون سراسری کارگری

پیش بسوی ایجاد حزب انقلابی طبقه کارگر

بابک.ش

۱۳۹۵/۱۲/۲۵



ISNA

PHOTO: HAMID FOROOTAN

ghasednews.ir

## سند دیگری از فامیل بازی و تخلف باند قالیباف

۵۰ درصد زیر دیپلم؛ ۳۰ درصد زیر پنجم ابتدایی یا بیسواد؛ حقوق ۹ تا ۱۱ میلیون تومان بهارنیوز: يك عضو شوراي شهر ضمن افشاي گزارش بازرسی کشور از استخدام هاي بي رويه و سفارشي در شهرداری تهران مي‌گوید در این گزارش اسم مداحان، هیئت مدیره و افراد کشوری و لشکری آورده شده است. رحمت اله حافظی در جلسه غیر علنی شورای شهر از گزارش مهم سازمان بازرسی در مورد تخلفات در شرکت بهره برداری متروی تهران و بی توجهی رئیس شورای شهر نسبت به آن تذکر داد. سازمان بازرسی کل کشور در گزارش ۹۳ صفحه ای خود در مورد شرکت بهره برداری متروی تهران نسبت به جذب ۴۲۰۰ نفر نیروی مازاد طی سالهای ۹۱ و ۹۲ اعلام تخلف کرده است. پرسنلی که تعداد آنها ۸۲ درصد افزایش داشته و میزان حقوق و اضافه کاری آنها از حدود ۴ میلیارد تومان در سال ۹۰ به حدود ۱۵ میلیارد تومان در سال ۹۲ رسیده، یعنی معادل ۲۷۵ درصد افزایش یافته است. چنانچه سرانه حقوق پرسنل این شرکت بین ۹ تا ۱۱ میلیون تومان است.

۴۰۰ نفر از پرسنل جذب شده این شرکت بالای ۴۰ سال سن دارند که مدرک تحصیلی ۵۰ درصد این افراد زیر دیپلم بوده، همچنین ۳۰ درصد نیز زیر پنجم ابتدایی یا بیسواد هستند، اما نکته مهم دیگر اینکه ۳۰۰ نفر از نیروهای شرکت بهره برداری مترو منتسب به افراد خاص هستند که در گزارش سازمان بازرسی کل کشور با ذکر نام از آنها یاد شده است. حافظی به استناد این گزارش، نسبت به افزایش قیمت بهای بلیط متروی تهران برای جبران کسری حقوق این کارمندان مازاد مترو اعتراض کرد اما رئیس شورای شهر با ابراز این اعتراض مخالفت کرد. در این رابطه کانال تلگرامی حافظی مجادله چمران (رئیس شورای شهر تهران) با وی در صحن شورا را منتشر کرده که می‌خوانید:

- مهدی چمران: درباره نیروی انسانی مترو ما بحثی رو نداریم بطور کلی. آنچه را که سازمان بازرسی رفته بازرسی کرده برای مدتی پیش، مدیریت قبلی است. مدیریت قبلی، بله مدتی تعدادی آدم‌ها را گرفت.

\*حافظی: شهردار کی بوده آقا؟ شهردار کی بوده؟

- چمران: من به اون کاری ندارم. مدیریت اشتباه بوده.

\*حافظی: شهردار کی بوده؟ شما کاری نداشته باشید کی داشته باشه؟

- چمران: شهردار اشتباه کرده، درست. خیلی خوب. شما می‌خواهید بگید شهردار اشتباه کرده، خوب شهردار اشتباه کرده، بنده اشتباه کردم. حالا این چه ضرری داره؟

\*حافظی: آقای مهندس شما هم رئیس شورا بودید. آقایان برونند اقوام را استخدام کنند و از جیب مردم پرداخت کنیم هزینه هاشو؟

- چمران: آقای حافظی بنده که میگم این حرف را، این حرف را ننید. یک قوم من را در هیچ جای شهرداری پیدا نمی‌کنید، اگر پیدا کردید، بیارید.

\*حافظی: شما را نمیگم. من خوندم چه کسانی. اسامی شون هم هست. به اسم، توی گزارش بازرسی هست.

- چمران: برای من نگید. اجازه ندارید از قول من بگید.

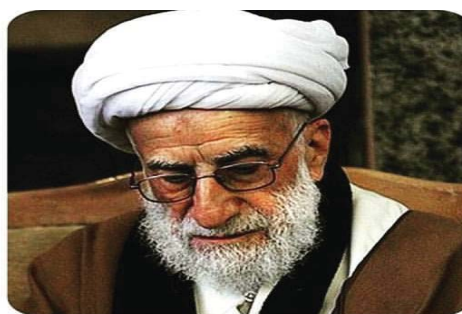
\*حافظی: آقای مهندس گزارش بازرسی اسم آورده. اسم مداحان را آورده، اسم هیئت مدیره را آورده، اسم افراد کشوری و لشکری را آورده. در برخی از موارد بیش از یک نفر. برای چی از جیب مردم ما هزینه کنیم؟



روح‌الله کیان عضو شورای شهر کرج:

۴۵۰ هزار تومان صرف خرید خمیردندان و مسواک برای سفر یک‌روزه رئیس جمهور به استان البرز شده

است. /تسنیم



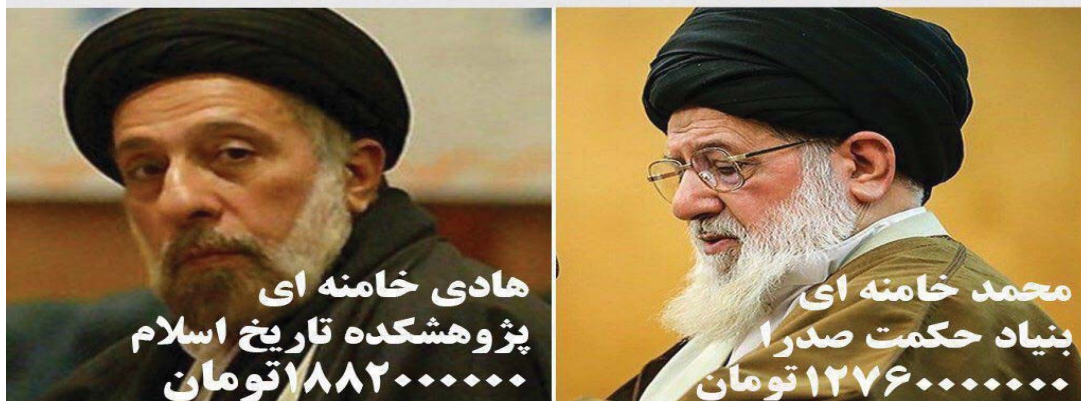
## رنج مردم و ناهار ۵۰۰ میلیونی

آیت‌الله جنتی (رئیس مجلس خبرگان رهبری): امروز افرادی در جامعه وجود دارند که نان شب برای خوردن ندارند آن وقت هیات دولت مراسمی می‌گیرند با هزینه ۵۰۰ میلیون تومان!

امام جمعه کرج: ناهار ۵۰۰ میلیونی سفر رئیس جمهور به البرز قابل توجیه نیست!

## سهم مساجد و حوزه‌های علمیه از بودجه تهران؛ ۱۷۰۰ میلیارد تومان

### سهم ۱۴ و نیم میلیارد تومانی برادران رهبر در دولت روحانی



۱۷۰۰ میلیارد تومان از بودجه سال آینده شهرداری تهران هزینه مساجد و حوزه‌های علمیه می‌شود. نهادهای مذهبی بیش از چهار هزار میلیارد تومان از بودجه سالانه ایران و شهرداری تهران را می‌بلعند. به گزارش خبرگزاری تسنیم محمد سالاری عضو شورای شهر تهران سه‌شنبه ۲۶ بهمن از افزایش ۳۰۰ میلیارد تومانی بودجه مساجد و حوزه‌های علمیه در لایحه بودجه سالانه شهرداری تهران خبر داد. او گفته است که بخش زیادی از این بودجه «در محل‌ها و پروژه‌هایی غیر از مساجد و حسینیه‌ها که محل رجوع مردم برای مناسبت‌های مختلف و اقامه نماز است هزینه می‌شود».

رئیس کمیسیون عمران و شهرسازی شورای شهر تهران بدون افشای نام خاصی، از هزینه کردن بخش قابل توجهی از اعتبار فرهنگی سالانه شهرداری تهران در «مساجد و حوزه‌های علمیه خاص» انتقاد کرده و گفته است که توزیع بودجه فرهنگی شهرداری تهران ناعادلانه است.

به گفته سالاری ۱۰۰۰ حسینیه و مسجد در تهران فعال و خواستار دریافت کمک از شهرداری و شورای شهر تهران هستند. او گفته است که به برخی از مساجد ۵۰۰ میلیون و یک میلیارد تومان کمک می‌شود. عضو شورای شهر تهران همچنین از تخصیص ۲۰۰ میلیون تومانی بودجه شهرداری به مداحان منطقه خبر داده و خواسته است که «معلوم شود که این مساجد و حسینیه‌ها برای کیست و چرا این ارقام به آنها کمک می‌شود».

بودجه‌خوارهای مذهبی

علاوه بر ۱۷۰۰ میلیارد تومان اعتبار شهرداری تهران برای مساجد و حوزه‌های علمیه، دولت حسن روحانی نیز در لایحه بودجه سال آینده حداقل ۲ هزار و ۵۵۲ میلیارد تومان اعتبار برای نهادهای مذهبی و حوزه‌های علمیه در نظر گرفته است.

بر اساس جداول پیوست لایحه بودجه برای نهادهای بالادستی حوزه‌های علمیه در مجموع یک هزار و ۶۸۴ میلیارد تومان اعتبار برآورد شده است. سهم این نهادها در بودجه به شرح زیر است:

شورای عالی حوزه‌های علمیه ۳۶۷ میلیارد تومان

شورای سیاست‌گذاری حوزه‌های علمیه خاوران ۲۲۹ میلیارد تومان

مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۷۰۸ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۱۱۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان

جامعه المصطفی ۲۶۷ میلیارد و ۶۷۳ میلیون تومان

هیئت دولت همچونین ۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان اعتبار به بنیاد بین‌المللی و فرهنگی امام رضا و ۵۸ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان به کانون فرهنگی مساجد تخصیص داده است.

اعتبار برآورد شده دولت برای سازمان تبلیغات اسلامی ۳۷۷ میلیارد و ۵۵۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است. در بودجه سازمان تبلیغات اسلامی نیز ۳۵ میلیارد تومان به مرکز رسیدگی به امور مساجد اختصاص یافته است. همچونین ستاد اقامه نماز ۱۷ میلیارد تومان و شورای سیاست‌گذاری نماز جمعه ۳۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان از بودجه تبلیغات اسلامی سهم می‌برند.

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و اوقاف و امور خیریه دو نهاد مذهبی دیگر هستند که به ترتیب ۲۸۵ میلیارد و ۱۳۸.۸ میلیارد تومان از بودجه سال آینده را به خود اختصاص داده‌اند.

علاوه بر این در لایحه بودجه دولت نام برخی از حوزه‌های علمیه و نهادهای مذهبی در فهرست کمک بگیران حقیقی و حقوقی به چشم می‌خورد.

همچونین شهرداری سایر شهرها نیز در بودجه سالانه اعتبارهای ویژه‌ای را برای کمک به مساجد و هیئت‌های مذهبی در نظر می‌گیرند.

## گزارشگران: چرا حد اقل دستمزد کارگران بارها زیر خط فقر است؟

کارگران کشورمان مبارزه برای رسیدن به سقف و مرز خط فقر را زمین نگذاشته‌اند. هر روزه اخبار اعتراضات آنان در جراید منتشر میشود. گفتگو از بود و نبود آنهاست. موضوع نان شب آنان و خانواده‌شان است و اینکه در سفره‌های تهی‌شان نانی یافت شود. از اجاره خانه سرسام آور آنان گرفته تا تأمین مخارج تحصیل فرزندانشان گفتگوست. چشم انداز موفقیت آنها در دستیابی به این خواسته برحق شان مه آلود است. راه بس دشوار است و نیازمند اتحاد و تشکل یابی کارگران است. سرکوب و قتل و شلاق زدن بر پیکر رنج‌دیده آنها در دستور کار مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی است. حاکمان بیش از هر تهدید نظامی و سیاسی از خارج از کشور از درون کشور می‌هراسند. با دشمنان خارجی خود هر گونه سازش و همراهی و همدلی می‌کنند اما دریغ از نرمشی خفیف در برابر کارگران و زحمتکشانشان و خانواده‌های آنها.

نان و نفت و زر و طلا و بودجه را با دشمنان برون‌مرزی حاکمیت خود تقسیم می‌کنند اما ذره‌ای در برابر مطالبات به حق کارگران کشور کوتاه نمی‌آیند. ابعاد سرکوب سیاسی و نظامی را افزایش می‌دهند. نمایندگان کارگران را در زندانهای مخوف خود می‌اندازند، بیکارشان میکنند، به تجمعات آنان هجوم می‌آورند و پاسخ هر اعتراضی را با بازداشت و احکام قرون وسطائی و ضد بشری خود می‌دهند. خبر تعیین بودجه سالانه مساجد و حوزه‌های علمیه از بودجه تهران منتشر شد. هزار و هفتصد میلیارد تومان به آن تخصیص یافته است.

علاوه بر این دولت حسن روحانی نیز در لایحه بودجه سال آینده حداقل ۲ هزار و ۵۵۲ میلیارد تومان اعتبار برای نهادهای مذهبی و حوزه‌های علمیه در نظر گرفته است. و ۵۰۰ میلیارد تومان برای راهیان نورکه جهت فریب جوانان و نوجوانان است در نظر گرفته‌اند.

نگاهی به ارقام نجومی خرج و دخل نهادهای مذهبی از جیب کارگران و مولدان سرمایه نشان‌دهنده بلعیده شدن بودجه ملی از سوی ارگان‌های مذهبی است که بتوانند نان و نمکی بدست آورند و فرهنگ مردم کشورمان را با قوانین قرون وسطایی خود بیامیزند و این تنها یکی از دلائل مهم بارها زیر خط فقر بودن دستمزد رنجبران ایران است.

## دولت روحانی ۵۰۰ میلیارد از بودجه عمومی کشور [فروش نفت] را به اردوهای راهیان نور اختصاص داده است

حسام الدین آشنا گفت اگر دولت‌ها می‌خواهند انقلابی بمانند باید از راهیان نور حمایت کنند. نماینده تام‌الاختیار رئیس‌جمهور در ستاد مرکزی راهیان نور کشور در سخنانی با بیان اینکه سرزمین‌های نور یادآور خاطرات و رشادت‌های رزمندگان و سرداران است، اظهار کرد: رهبر معظم انقلاب راهیان نور را یک امر راهبردی عنوان کرده‌اند؛ زیرا با بقا و ارتقای یک ملت سر و کار دارد. وی رمز راهیان نور را شهادت‌پذیری و ذلت‌ناپذیری ملت عنوان کرد و گفت: اگر فضای شهادت و عطر جبهه و جنگ در شهرها گسترش یابد و پیوند جوانان با سرداران حفظ شود و خاطرات آن رشادت‌ها فراموش نشود و عزیزان رزمنده در درون شهرها احساس افتخار کنند که راویان دفاع مقدس هستند، پیروز خواهیم شد. آشنا با بیان اینکه اگر دولت‌ها اگر می‌خواهند انقلابی بمانند باید نشان دهند که از این حرکت حمایت می‌کنند، گفت: این دولت موفق شده است بیشترین همکاری و حمایت را از راهیان نور داشته باشد و در این راستا بیش از ۵۰۰ میلیارد از منابع عمومی دولت به راهیان نور اختصاص داده است. نماینده تام‌الاختیار رئیس‌جمهور در راهیان نور اظهار کرد: همکاری دولت و ستاد مرکزی راهیان نور به حدی بالاست که هیچ مرزی برای این همکاری وجود ندارد.

اما از همین لایحه بودجه که قرار بود ۳ درصد از فروش نفت را برای خوزستان اختصاص بدهند تا مردم خوزستان شاید بتوانند آبی برای خوردن و هوا برای نفس کشیدن داشته باشند از لایحه بودجه حذف کردند. راستی راهیان نور چه چیزی به این ملت داده‌اند؟ یا کسانی که جنگیدند و امروز به بهانه جنگیدن آنها راهیان نور را راه می‌اندازند تاثیر عملشان همین حالا در ایران چیست؟ باید دید چه کسانی از این راهیان نور دفاع می‌کنند؟ و برایش پول‌های هنگفتی از جیب مردم هزینه می‌کنند ممکن است به ما بگویند اگر موضوع راهیان نور نبودند امروز خارجی‌ها به خانواده همه مردم تجاوز می‌کردند! مانند کهریزک و زندانها و که به دختران و پسرها تجاوز کردند! ... یا میلیون‌ها انسان بیکار و معتاد می‌شدند! کودکان از مدرسه رفتن باز می‌ماندند! یا زنان تن‌فروشی می‌کردند! یا جوانان خودسوزی یا خودکشی می‌کردند! و یا اینکه اموال این مملکت را خارجی‌ها غارت می‌کردند و به عراقی‌ها و لبنانی‌ها و غیره می‌دانند تا به عنوان زائران مشهد مقدس می‌آمدند با صیغه موقت در مشهد از دولت سری پدر خامنه‌ای لذت جویی میکردند. ممکن است بگویند اگر راهیان نور نبودند خارجی‌ها کشور را تصرف می‌کردند، کودکان در خیابانها آواره می‌شدند زنان کارتون خواب می‌شدند و هزاران نفر گور خواب و اتوبان خواب و میلیون‌ها ایرانی حاشیه نشین می‌شدند، دختران تبدیل به دختران فراری می‌شدند، یا دختران و زنان را در بازارهای برده‌فروشی فجیره و کراچی، مانند داعشی‌ها می‌فروختند، و هیچ‌کس از جمله کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان و غیره حق اعتراض نداشتند و اگر اعتراض می‌کردند توسط نیروهای نظامی و پلیسی سرکوب شده، دستگیر و زندانی شده در زندان مورد تجاوز قرار می‌گرفتند و یا کشته می‌شدند و از طرف اگر راهیان نور نبودند کسانی در مملکت حاکم می‌شدند که مانند ۱۷۳ نماینده مجلس رشوه می‌گرفتند یا مانند قاضی القضاة امت اسلامی پول قوه قضاییه را در ۶۳ حساب شخصی واریز کرده و حداقل سود آن را اختلاس کرده و برادرانش نیز به دفاع از این دزد همه‌جانبه دفاع می‌کردند. اموال مردم را غارت می‌کردند اختلاس می‌کردند و پول ایمن‌سازی ساختمان پلاسکو را شهرداری انتصاب شده از طرف خارجی‌ها بالا می‌کشید و ساختمان پلاسکو فرو می‌ریخت، بین خودی و آقازاده‌هایشان تقسیم می‌کردند و حقوق معلمان و کارگران پنج برابر زیر خط فقر می‌شد و حقوق حاکمان به شکل قانونی ۳۰ برابر بیشتر از کارگران می‌شد و به شکل پنهانی حقوق‌های نجومی و پاداش‌های میلیاردی بر می‌داشتند

و اگر راهیان نور نبودند سران حاکم در کشور اجنبی ها می شدند و پول های مردم را در موسسات سرمایه گذاری و در بانک های کشور با مبالغ هزاران میلیاردی اختلاس کرده و بالا می کشیدند و ... بنا براین ما باید بسیار شاکر باشیم که راهیان نور بودند و فدا کاری آنها باعث شده است، هیچ کدام از جنایات گفته شده بالا در ایران رخ نداده است، بلکه همه جنایات شمرده شده در عراق و افغانستان اتفاق افتاده اند که راهیان نور نداشتند. خوش به حال ما ایرانیان که راهیان نور داشتیم و بدا به حال بقیه که راهیان نور نداشتند.

حالا مردم نگاه کنید. تمامی بلاهای که ممکن بود از نبودن راهیان نور به سر این ملت بیاید کاملاً آمده است یعنی راهیان نور وجودشان برای این مردم هیچ نتیجه مثبتی که نداشت اما اکنون بودنشان و اثرات بودنشان پدر این مردم را در آورده است. و نتیجه عمل راهیان نور دقیقاً همان های است که اگر خارجی ها این مملکت را اشغال می کردند اتفاق می افتاد، یعنی اگر این راهیان نور هم نبودند همین می شد که اکنون شده است. در واقع بدتر هم شده است از یک طرف بدهکار راهیان نور شدیم و از طرف دیگر نتیجه عمل راهیان نور بی تاثیر بوده و کشور بر اثر نتلیج عمل راهیان نور به دست مثلاً خودی های افتاده است که بدتر و فاشیست تر از اجنبی هستند. وضعیت عراقی ها و افغانی ها، لبنانی ها که در دست اجنبی ها هستند بهتر از ایرانی های است که مثلاً با فدا کاری راهیان نور به دست اجنبی ها نیافتاده است، خوش به حال آنها که در کشور شان راهیان نور نداشتند، به چند نمونه توجه کنید عراقی ها که راهیان نور نداشتند برای استفاده از زنان و دختران ایرانی به قم و مشهد می آیند و با ۷ یا ۸ دلار بر مبنای غیرت راهیان نور استفاده می کنند در حالی در عراق باید ۱۰۰ دلار بدهند، این یکی از نتایج عمل راهیان نور است یا لبنانی های جنگ زده در آپارتمانهای شیک و تازه ساز زندگی می کنند و ایرانی های که زیر امنیت راهیان نور هستند در کارتونها، در گور ها و حاشیه شهرها بتوته می کنند این هست حاصل عمل راهیان نور، مردم خوزستان هوا ندارند آب ندارند و دولت دزد، دولت راهیان نور پول مردم را خرج راهیان نور می کند این دولت و حکومت را باید با تمام راهیان نورش به چاه ... انداخت. کسانی که فرزند یا پدر و یا مادر خود را به عنوان راهیان نور از دست داده اند با تأسف باید به آنها بگویم شما جان و خون عزیزانتان را بی ثمر از دست دادید و حال اجازه ندهید با بهانه احترام به آنها و با استفاده ابزاری از آنها این ملت را بیش از این غارت و چپاول کنند، حسابتان را از حکومت جمهوری اسلامی دزد و غارت گر جدا کنید، به هر صورت خون عزیزان شما صد در صد هدر رفته و دیگر نه تنها اثر مثبت برای این مردم ندارد بلکه به ضد مردم تبدیل شده است، آیا عزیزان شما جانشان را دادن که مردم در خوزستان تشنه بمانند؟ یا خونشان را دادند که دختران و پسران این مملکت را پاسداران و روحانیون در دبی و شارجه و کراچی و بازار برده فروشی فجیره بفروشند؟ آیا عزیزان شما خونشان را دادند که مردم کارتتون خواب و گور خوب شوند و به بهانه صیغه موقت همان فحشای را پیش ببرند که در زمان شاه روحانیون حتی خمینی جنایت کار می گفت از زنان شهر نو شاه مالیات می گیرد و جالب است ثمر خون عزیزان شما باعث شده اکنون بیت رهبری و دیگر اخوندها از تن فروشی اجباری زنان به خاطر فقری که حکومت اسلامی به مردم تحمیل کرده است در مشهد و قم با سر پوش صیغه موقت تن فروشی کنند و بیت رهبری و بقیه آخوند ها از پول آنها سود و مالیات بگیرند. این هم یکی دیگر از اثرات خون عزیزان شماست، ببیند از کجا سر در آورده است؟ شما اگر در این جنایات شریک جرم نیستید و اگر شما از این گونه در آمد ها که سران حکومت الله سود می برند، منافعی ندارید، حسابتان را از این حکومت اسلامی جنایت کار جدا کنید، هر چه خمینی و اطرافیانش گفته بودند دروغ از آب در آمد برق مجانی، آب مجانی و به این ها راضی نباشید ... حال بین حکومت الله با مردم چه کرده است؟ کاری که حکومت اسلامی با مردم ایران کرده است اجنبی ها با مردم عراق و افغانستان نکردند با این حساب راهیان نور بهتر است نباشد. بهتر است این صفحه تاریخ کشور را با خجالت ورق بزنیم و تاثیرات آن را بعنوان شکست مردم در مقابل غارتگری های اسلامی به حساب بیاوریم و هر جای حرف از راهیان نور زدند محکم بر خیزیم و بگویم نمی خواهیم ارزانی خودتان باشد و گورتان را گم کنید.



## یکی دیگر از کلاهبرداری های متنوع از طرف حکومت اسلامی علیه مردم

کلاه گشادی که دولت روحانی در آستانه انتخابات در ماجرای سهام عدالت سر مردم گذاشته و از آن استفاده تبلیغاتی می‌کند

\* بر اساس خبری که در خصوص تعلق گرفتن سود ۵۳۰ هزار تومانی به ۴۹ میلیون نفر از هموطنان منتشر شد، بر خود فرض دیدم آخرین اخبار و تحولات را در خصوص طرح واگذاری سهام عدالت، مطابق برنامه و آنچه در سامانه اینترنتی دولت یازدهم آمده، به عرض خوانندگان محترم برسانم.\*

۱\* - با ورود به سامانه اعلام شده با عنوان «سهام عدالت» به صفحه مقررات سامانه وارد خواهید شد. در همان بند اول به صراحت آمده «این سامانه برای مشاهده صورتحساب و تسویه بدهی مشمولین سهام عدالت می‌باشد».\*  
\*مراجعه محترم دقت کنند، آنچه گفته شده، «تسویه بدهی»، و نه «پرداخت سود» سهام عدالت است.\*

۲\* - پس از آن با رد کردن مراحل استعلام به صفحه ای خواهید رسید که در آن صورتحساب و عدد سود باقی مانده در طی ۱۰ سال گذشته، مشاهده می‌شود.\*

\* در عمده موارد که سودی توسط مردم دریافت نشده باشد، و سال دریافت سهام سال ۸۵ باشد، عدد سود ۵۳۲ هزار تومان محاسبه شده است. این پول نتیجه انباشت حدود ۱۰ سال، یعنی ۱۲۰ ماه، سود این برگه سهام می‌باشد.\*

۳\* - در مرحله همان صفحه مشاهده تسویه حساب، ذیل برگه اعلام سود، در گزینه اول توضیحات اینگونه گفته شده که: اکنون شما به مبلغ ۵۳۲ هزار تومان دارایی دارید، که ارزش واقعی آن به مراتب بالاتر است، در صورت تمایل می‌توانید با پرداخت ۴۶۸ هزار تومان، مالک کل سهام تخصیص یافته شوید.\*

\* با فشردن دکمه «صدور قبض پرداخت» شما به مرحله بعدی راه خواهید یافت.\*

۴\* - حالا شما مختار هستید تا از مبلغ حداقل ۱۰ هزار تومان تا کل مبلغ، یعنی ۴۶۸ هزار تومان، بدهی خود نسبت به مبلغ کل سهام، یعنی ۱ میلیون تومان را تسویه کنید.\*

\* با وارد کردن عدد کل مبلغ بدهی، یعنی ۴۶۸ هزار تومان، شما به صفحه آخر وارد خواهید شد، جایی که شما با یک شناسه اختصاصی می‌توانید به واسطه شماره حساب سیبا خزانه داری کل کشور، بدهی خود را تسویه کنید.\*

\* در ادامه صفحه آخر نوشته شده: پرداخت این قبض صرفاً با در اختیار داشتن شناسه پرداخت یا بارکد فوق و مبلغ انتخابی امکان‌پذیر می‌باشد و از شما درخواست می‌شود به اطلاعیه های آتی سازمان خصوصی سازی در سایت [www.samanese.ir](http://www.samanese.ir) مراجعه نمایید.\*

۵\* - اما سود ادعایی که دولت یازدهم مدعی بود، چه می‌شود؟!\*

\* مبلغ سود دریافتی هر نفر از ارزش مبلغ ۱ میلیونی سهام، طی مدت ۱۲۰ ماه، ۵۳۰ هزار تومان برآورد شده است. یعنی ماهیانه، چیزی حدود ۴ هزار و ۴۳۳ تومان. و این یعنی شما با پرداخت ۴۶۸ هزار تومان بدهی خود، از اسفندماه سال آینده یعنی سال ۱۳۹۶ (مطابق وعده رئیس کل سازمان خصوصی سازی)، می‌توانید ماهیانه مبلغی نزدیک به ۴

هزار ۵۰۰ تومان سود خود را بصورت مستقیم دریافت کنید.\*

۶\* - با یک برآورد نصفه و نیمه، متوجه خواهید شد که دولت یازدهم، قصد دارد با جمع آوری عدد تقریبی ۴۰۰ هزار تومان از ۵۰ میلیون سهامدار، عددی معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان را از مردم جمع آوری کرده و از اسفندماه سال ۹۶ (مطابق وعده رئیس کل سازمان خصوصی سازی) یعنی یکسال بعد، به مضمولین سود پرداخت کند.\*

پوری حسینی رئیس کل سازمان خصوصی سازی هفته پیش، (۹ اسفند ۱۳۹۵) در مصاحبه ای رسمی که در سایت سازمان خصوصی سازی منتشر شد در خصوص زمان تخصیص سود به سهامداران سهام عدالت گفت:\*

\*امسال شورای عالی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی مصوبه ای داشت که بر اساس آن سازمان خصوصی سازی موظف شد سود سهام عدالت سال مالی ۹۵ مضمولین را در سال ۹۶ میان آنها تقسیم کند. طبق قانون تجارت شرکتها برای دوره مالی سال ۹۵ خود، چهار ماه فرصت دارند تا مجمع عمومی شان را برگزار و سود تقسیمی خود را مشخص کنند و پس از آن نیز شرکتها ۸ ماه فرصت خواهند داشت که این سود را میان سهامداران خود تقسیم کنند؛ بنابراین تا پایان سال ۹۶ باید این اتفاق بیفتد و مضمولین می توانند در اواخر سال آینده (اواخر سال ۹۶) سود سهام عدالت سال مالی ۹۵ خود را دریافت کنند و دیگر این سود بابت اقساط سهام آنها به خزانه واریز نخواهد شد.

کوچکی نژاد:

## نشانی از تصمیم برای تغییر حقوق فرهنگیان نیست

وعده های دولت در آموزش و پرورش با اعتبار منظور شده در بودجه ۹۶ محقق نخواهد شد/نشانی از تصمیم برای تغییر حقوق فرهنگیان نیست

بودجه آموزش و پرورش ۳۳ هزار و پانصد میلیارد تومان پیش بینی شده است که شاید در ظاهر رقم بالایی باشد اما اگر در متن آموزش و پرورش نگاه کنیم دیده می شود که با این شرایط در بسیاری از فعالیت های آموزش و پرورش مشکل ایجاد می شود.

پرداخت نشدن ردیف «سایر» در آموزش و پرورش را یکی دیگر از مشکلات آموزش و پرورش عنوان کرد و افزود: حق التدریس ها، ماموریت ها، اضافه کاری ها، فوتی ها، ازدواج و بسیاری از امور دیگر که با عنوان «سایر» در بودجه در نظر گرفته می شود باید در بودجه رشد خوبی نسبت به بودجه هزینه ای آموزش و پرورش داشته باشد اما در بودجه امسال نیز این اتفاق نیفتاده و رشد منفی است.

وی با اشاره به اعتراضات بسیاری که در مورد پایان خدمت بازنشستگان وجود دارد تصریح کرد: در حال حاضر دولت مطالبات سال ۹۴ فرهنگیان را داده و همچنان در مطالبات سال ۹۵ گرفتار است. سال گذشته ردیفی حدود ۴۰۰ میلیارد تومان برای پایان خدمت بازنشستگان کشوری در بودجه ایجاد شد که مقداری از آن برای آموزش و پرورش بود که دولت اخیرا مقداری از آن را پرداخت کرد اما دولت در بودجه ۹۶ حکمی آورده که دستگاهها با فروش اموال خود می توانند پایان خدمت بازنشستگان خود را پرداخت کنند یا نیروهای خود را پیش از موعد بازنشسته کنند، همچنین می توانند نیروهای خود را بازخرید کنند که این موضوع برای برخی دستگاه های اقتصادی که حجم بازنشستگان آنها سرجمع بیش از انگشتان دست نیست، مشکلی ایجاد نمی کند اما برای وزارتخانه ای که اقتصادی نیست و به بودجه دولتی بیشتر نیاز دارد این حکم یعنی تعطیلی بخشی از کار و از جمله مشکلاتی است که در حوزه آموزش و پرورش وجود دارد. (راستی آموزش و پرورش چه چیزی را برای جبران کسری خود بفرشد، مدارش رل، معلمان راه، دانش آموزان را باید بفرشد یا آموزش را بفرشد و بی سواد را جای گزین ان کند.)

آنچه که در بودجه آموزش و پرورش دیده می شود جای پای از تغییرات حقوقی فرهنگیان دیده نمی شود

# بدون شرح :

## طرح عجیب اصلاح طلبان مجلس علیه آزادی بیان

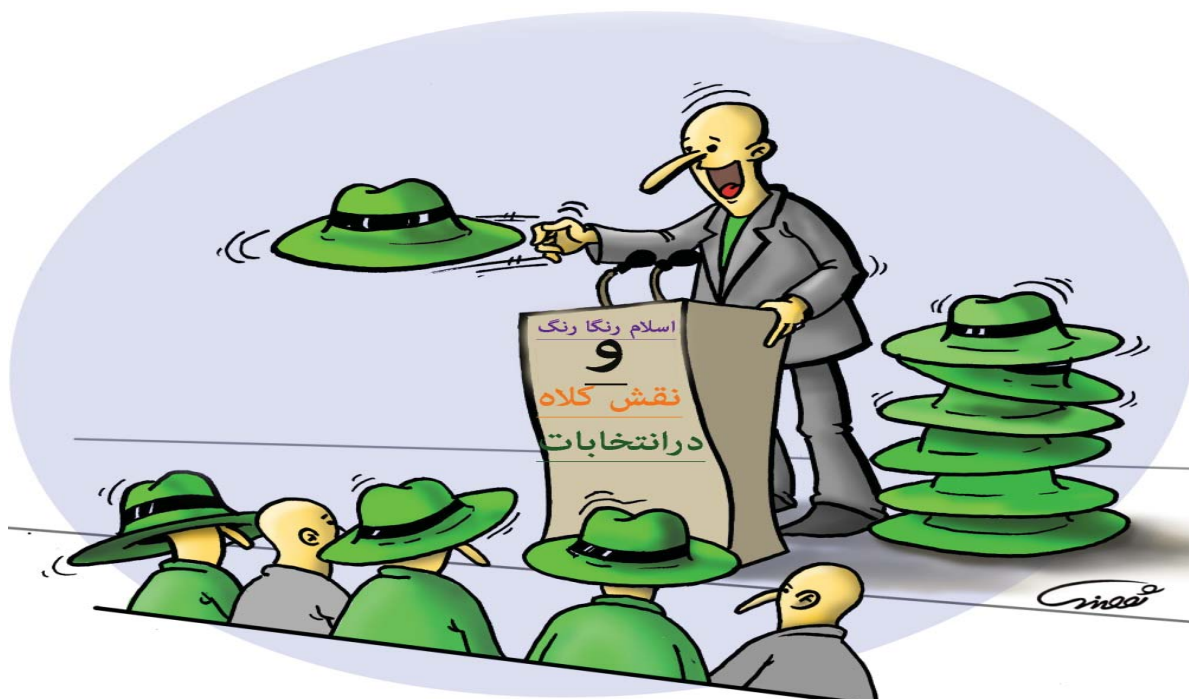
سوال داغ برسید همان جا ۶ ماه بازداشت می شوید! / طرح عجیب اصلاح طلبان مجلس علیه آزادی بیان حاجی دلیگانی نماینده مجلس:

طرح ۲ فوریتی اعضای فراکسیون امید تحت عنوان تأمین امنیت مراسم رسمی و غیررسمی تصریح می کند اگر کسی در یک جلسه سخنانی از سخنان سوالی بپرسد که جلب توجه کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می شود.

نیروی انتظامی موظف شده تا بلافاصله این فرد یا افراد را دستگیر و به زندان بفرستد. در این طرح حتی به پلیس اجازه داده شده تا ۶ ماه فرد را در بازداشت نگه دارد تا به جرایم او رسیدگی شود.

همچنین قوه قضائیه موظف شده بدون تشریفات لازم، رسیدگی به پرونده این افراد را رأس مدت یک ماه انجام دهد.

آیا هدف از این که یک طرح ۲ فوریتی نزدیک به انتخابات با این محتوا ارایه شود این است که کسی حرف نزند یا سوال نکند؟



وی (دکتر حسینعلی شهبازی) در مورد فروش کلیه توسط افرادی که در فقر مفرط هستند نیز گفت: چه اشکالی دارد وقتی که فرد در فقر به سر می برد و با دریافت ۲۰ الی ۳۰ میلیون زندگی اش متحول می شود این کار را انجام دهد.

چنین جنایت کارانی هستند که برای مدیران حقوقی ماهانه ۲۴ میلیون تومان تعیین می کنند و کلیه یک فقیرغارت شده را اگر بتواند با قیمت خوب بفرشد در حد ارزش یک ماه حقوق مدیران قرار داده و می گویند زندگی اش متحول خواهد شد، هیچ راهی برای نجات جزء سرنگونی جمهوری اسلامی وجود ندارد.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در گفتگو با شفاآنلاین:

برخی ها از ممنوعیت پیوند کلیه از زنده سود می برند! به فکر مردم باشید نه منافع برخی ها شفاآنلاین: عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت: عده ای از ممنوع شدن پیوند کلیه از زنده به زنده سود می برند و سود آنها نیز در خرید و واردات دستگاه های دیالیز و تجهیزات گران قیمت مربوطه است. دکتر حسینعلی شهبازی، در گفتگوی اختصاصی با شفاآنلاین و در واکنش به برخی اظهارنظرهای صورت گرفته درباره تبعات خرید و فروش کلیه گفت: با توجه به اینکه دولت و دست اندرکاران مربوطه توانسته اند نوبت را در پیوند کلیه تقریباً از بین ببرند و تمام افرادی که نیاز به پیوند کلیه دارند به موقع پیوند می شوند پس نمی توان برخی انتقاد های مطرح شده را بی دلیل دانست.

وی افزود: به نظر می آید عواملی هستند که می خواهند پیوند کلیه را از افراد داوطلب ممنوع کنند. ضمن اینکه در این فرآیند همیشه هم خرید و فروش صورت نمی گیرد. بلکه در خیلی از موارد اهداء عضو صورت می گیرد. ولی عده ای دوست دارند که پیوند زنده به زنده را متوقف کنند چون در این کار منفعت دارند و دستگاه و تجهیزات دیالیز را خریداری و وارد می کنند. وی تصریح کرد: با جلوگیری از پیوند زنده به زنده و وقتی که فرد دهنده رضایت دارد باعث می شویم خیلی از افراد دچار عوارض جبران ناپذیر شوند. زمانی که ما در مورد اقتصاد مقاومتی صحبت می کنیم بهترین کار همان پیوند کلیه است. چرا که هزینه ها نیز کاهش می یابد چون دیالیز هزینه های بسیار بالایی دارد و تعداد زیادی دستگاه باید خریداری شود. دکتر شهبازی بیان کرد: از دوستان خواهش می کنم که قبل از اینکه به فکر منافع گروه خاصی برای خریدن دستگاه های دیالیز باشند بهتر است به فکر مردم و بیماران باشند و فضا سازی نکنند. وی در مورد فروش کلیه توسط افرادی که در فقر مفرط هستند نیز گفت: چه اشکالی دارد وقتی که فرد در فقر به سر می برد و با دریافت ۲۰ الی ۳۰ میلیون زندگی اش متحول می شود این کار را انجام دهد.

وی در مورد عوارض و مشکلات احتمالی اهداء کلیه نیز گفت: این موضوع عوارض و مشکلات خاصی ندارد و انسان های زیادی هم با یک کلیه زندگی می کنند و از آن طرف هم عده زیادی نیازمند کلیه هستند که اگر کلیه به آنها نرسد دچار عوارض می شوند و جان خود را از دست می دهند.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفت: پیوند اعضاء از نظر شرعی هم مشکل ندارد و مجوز دارد و حضرت امام هم مجوز داده و مراجع هم مخالفت ندارند. پس به نظر من هر کسی باید به دنبال کار و تخصص خود باشد. زیرا وقتی کارهای تخصصی به عهده خود متخصصین همان رشته گذاشته شود نتیجه بهتری می گیرند.

وی در مورد هدیه ایثاری که دولت به فرد دهنده کلیه می دهد و اینکه در کشور خرید و فروش کلیه صورت می گیرد و این از نظر اغلب کشورها غیر اخلاقی و غیر انسانی است نیز گفت: چطور آنها انسانها و کودکان را می کشند غیر اخلاقی نیست، زنان و پیرمردان و پیرزنان را همباران می کنند غیر انسانی نیست و این مخالفت ها تنها منافع مالی گروهی را در بر می گیرد که به دنبال خرید دستگاه های دیالیز هستند.

این متن پاسخی است، در مقابل فراخوان تهدید آمیز خاتمی علیه مردم که قبل از ۲۲ بهمن ۱۳۹۵ داده شده بود، لازم به ذکر است که خاتمی به عنوان پدر معنوی اصلاحات است، که توسط وزارت اطلاعات برنامه ریزی، سازماندهی و اجرایی شد، که توانست عمر جمهوری اسلامی را طولانی تر کند. و اولین بار توسط ۱۰۷ نفر نویسنده که با عنوان «حلقه کیان» شناخته می شوند که بیشترشان عضو وزارت اطلاعات بودند و بقیه تحت نظارت آنها عمل می کردند و اولین حرکت خود را با نوشتن نامه معرف به «نامه ۱۰۷ نویسنده» به رفسنجانی شروع کردند، وقتی رفسنجانی توجه نکرد روی خاتمی سرمایه گذاری کردند و اصلاحات را استارت زدند و از همان اول منظورشان نجات جمهوری اسلامی بود تا قبل از اینکه دیر شود از سرنگونی آن جلوگیری کنند و هنوز هم بیشترشان در این رابطه متفق القول هستند، وزارت اطلاعات توانست با این طرح طیف وسیعی از مخالفان نظام اسلامی را به جرگه اصلاح طلبی (متد توده ای، اکثریتی) کشانده و در زمین خودش به بازی بگیرد. همچنین لازم است گفت، که کیان یکی از نشریاتی بود تحت نظارت غیر محسوس وزارت اطلاعات که بیشترین نویسندگان پرورش داده خودش را در آن گرد آورده بود تا از طریق آن مهندسی افکار را پیش ببرد و بیشتر روی افکار روشنفکران کار می کرد و با خط دادن به آنها از طریق آنها روی افکار اجتماعی تسلط می یافت که تقریباً ۹۰ درصد استادان و نویسندگان حتی مخالف نظام را تغذیه می کرد.

## پاسخی به یک فراخوان:

درباره کدام انقلاب

حرف می‌زنید عالیجناب خاتمی؟

انقلاب ما یا انقلاب شما؟

انقلابی که به انفجار مال و پاساژ و رستوران و کلوپ «VIP» و برج در نیاوران و سعادت آباد و «شهید اندرزگو» منجر شده است؟

انقلاب جوانان زیر سی سالی که به اندازه پس انداز کل بازنشستگان کشور پول تو جیبی می‌گیرند؟

انقلاب «آقای فرش»؟

انقلاب «جت خصوصی»؟

انقلاب «اولین فروشگاه زنجیره‌ای خودروهای لوکس در خاورمیانه»؟

انقلاب پرونده‌های اختلاسی که تعدادشان با تعداد صفرهای شان برابر است؟

انقلاب «مجموعه ویلایی با باند هلیکوپتر و زمین گلف و اسب دوانی»؟

انقلاب کاخ و جشنواره؟

انقلاب بانک خصوصی و مگامال؟

انقلاب احیای فیلم فارسی با روسری و شربت آب پرتقال؟

انقلاب گردن گوشتالوهایی که «لطف خدا» و «موافقت اصولی» نصیب حال‌شان شده است؟

انقلاب «آقازاده»هایی که نگران گرین کارت‌های‌شان شده‌اند؟

انقلابی که وارثان ابرو برداشته و مکش مرگ‌ما اش بزرگترین خریداران پورشه و مازراتی در خاورمیانه‌اند؟

انقلابی که همه بیرون‌ماندگان از «شرکت سهامی»ها، هر لحظه همدیگر را هاج و واج نگاه می‌کنند؟

درباره کدام انقلاب حرف می‌زنید عالیجناب؟

انقلابی که در آن «بهترین‌ها فاقد هر اعتقاد راسخ، حال آن که بدترین‌ها سرشار از هیجان حاد»اند؟

انقلابی که می‌خواهد «آدم‌های اضافی» را «عقیم» کند؟

انقلابی که جوانان «غیر چاپلوس» و لابد «نا-آقازاده» تنها زمانی قادر به بقا در آن خواهند بود که کار پیدا شود و فقط زمانی

کار پیدا می‌کنند که تا کمر جلوی آقازاده‌ها خم شوند؟

انقلاب تحقیر «غیرخودی»ها در هر لحظه و در هر جا؟

انقلاب جیب خالی در اولین قرار عاشقانه جوانانی که صف طویل نوکیسگان را با دک و پوزهای پوشالی نظاره می‌کنند؟  
 انقلاب سق زدن نان بربری خالی در شب عید؟  
 انقلاب تنهایی، اندوه و حیرت در شب‌های جشن و پیروزی؟  
 انقلاب آبروی پدرانی که به تأمین جهیزیه دختران‌شان وابسته است؟  
 انقلابی که ژنده پوشان سرگردان، وارثان گورهای چند طبقه زمین‌های لم یزرع حومه آند؟  
 انقلاب راهبندان‌های چندساعته در بزرگترین پارکینگ نامنظم جهان؟  
 انقلابی که هوا هم در برابر وارثان‌اش کم آورده است؟  
 انقلاب تفسیر دردناک و بی‌رحمانه اصل ۴۴؟  
 انقلاب «بخش خصوصی» نازنین؟  
 انقلابی که «غارت‌گران بیت‌المال» در آن «اقتصاددان» شده‌اند؟  
 انقلاب افتخار وزیر به توزیع ۱۱ میلیون «بسته امنیت غذایی» هر شش ماه یکبار؟  
 انقلاب طلبکاری مسئولان از مردم؟  
 انقلابی که وزیر و وکیل و استاندار مدام بگویند «به راستی ما چه کرده‌ایم؟»  
 کدام انقلاب حضرت آقا!  
 «شرکت سهامی» موجود یا «حبل‌المتین توده‌های آرزومند» سابق؟  
 انقلاب ۵۷ کجاست آقای خاتمی که ما هم جمعه بیاییم؟  
 به این عکس خوب نگاه کنید و به او «توضیح» دهید انقلاب ۵۷ کجاست؟  
 آن شورها به کجا نشست، آن خون‌ها برای چه ریخته شد؟  
 به او بگویید، به او که در این عکس، تنها چند ساعت قبل از فراخوان شما به مشارکت «همگان» در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال ۹۵ در نیمه شبی سرد در هوای زیر صفر تهران دارد مقواها و پلاستیک‌ها را سوا می‌کند.  
 به او بگویید منظور از «همگان» در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال ۹۵ شرکت کنند» یعنی چه؟  
 به او حقیقت را بگویید!  
 به او بگویید جزو «همگان» محسوب نمی‌شود.  
 به او بگویید که منظورمان تو نبودی! تو نیا! تو در زمره «همه افتادگان»ی.  
 تو همیرا! تو نباش! تو اضافی هستی!  
 حضرت آقای خاتمی!

از او پرسید «انقلاب» برایش چه معنی ای دارد؟  
 این هشدار و تهدید ضمنی که «حضور در راهپیمایی یعنی عزم همه گروه‌ها و جریانات برای مقابله با تهدیدهای بیرونی و گزافه‌گویی‌ها و افراط‌کاری‌های کسانی که با اصل اسلام و انقلاب و ایران مخالف هستند» را به او بگویید!  
 او را بترسانید که اگر نیاید «پیشرفت کشور» دچار خدشه می‌شود.  
 و البته از او همان پاسخی را بشنوید که ایوان تورگنیف در رمان «دود» داد: «کدام پیشرفت؟ پیشرفت یعنی سوختن پترزبورگ از هر چهار طرف!» (یا فرو ریختن ساختمان پلاسکو بر سر آتشنشانان به دلیل اینکه شهرداری ۵۰ میلیون رشوه گرفته تا وظایفش را انجام ندهد و بنیاد شهید بتواند ۴۰۰ میلیون بیشتر سود ببرد).  
 آری عالیجناب!

برای کسانی که با لگد از قطار انقلاب پیاده شده‌اند، برای کسانی که سهم‌شان از انقلاب بطری‌های خالی آب معدنی، شانه تخم مرغ و بوی تعفن است، پیشرفت یعنی «سوختن شهر از هر چهارطرف»، یعنی تهیه آتشی که در سرمای زیر صفر، آنها هم بتوانند برای دقایقی چون شما «ابراهیم» باشند.  
 «نادر\_فتوره‌چی»

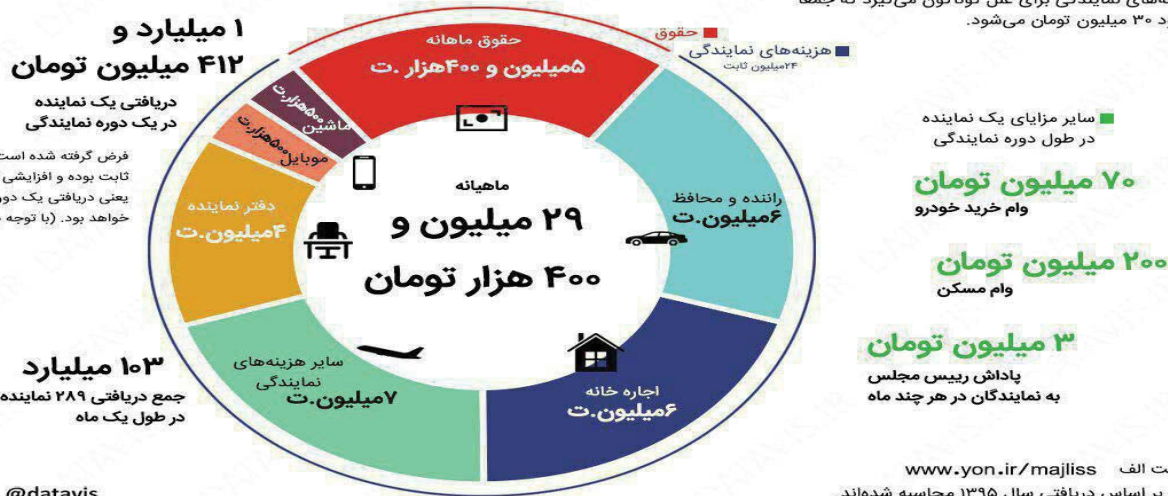
# نگاه مصور

## به حکومت جنایت کار جمهوری اسلامی سرمایه داری

هواداران رنگارنگ و سینه چاک جمهوری اسلامی، از دزدان و رشوه خواران و اختلاس گران جناح های داخل نظام اسلامی گرفته تا چپ های سبز شده و طیف های سرمایه داری رنگارنگ گرفته تا اپوزیسیون نمایان گوناگون تا ضد امپریالیست های توده ای و ... به صورت ایما و اشاره و فریاد و التماس و با تئوریزه کردن جنایات حکومت اسلامی تلاش می کنند بگویند مخالفت با جمهوری اسلامی نوعی سیاه نمایی است و جمهوری اسلامی آنقدرها که گفته می شود بد یا جنایت کار نیست، اما ما می گوئیم شما طیف های متفاوت مدافع جمهوری اسلامی در این حکومت اسلامی و الله و امامان و در کل حکومت اسلامی سرمایه داری اگر بتوانید یک نقطه سفید و مثبت نشان بدهید ما حاضریم به خاطر آن یک نقطه سفید هزاران نقطه سیاه و کثافتش را نادیده بگیریم حتی اگر می توانید یک نقطه سفید در این حکومت اسلامی سرمایه داری نشان بدهید، با این مقدمه به موارد زیر توجه کنید.

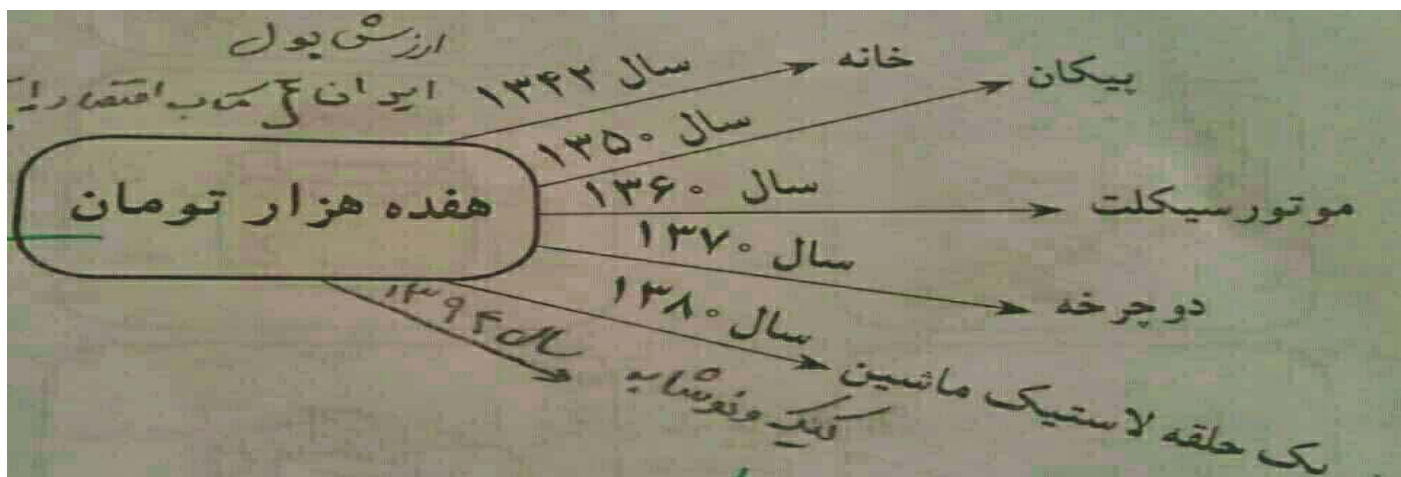
### دریافتی ماهیانه نمایندگان مجلس چه قدر است؟

یک نماینده مجلس جدا از حقوق ماهانه، مبلغی را به عنوان هزینه های نمایندگی برای علل گوناگون می گیرد که جمعاً حدود ۳۰ میلیون تومان می شود.



منبع: سایت الف [www.yon.ir/majliss](http://www.yon.ir/majliss)  
این اعداد بر اساس دریافتی سال ۱۳۹۵ محاسبه شده اند.

Datavis.ir @datavis



### هرچه مراسم قدس عظیم تر باشد مشتی که بر یوزه امیر یالیسم و صهیونیسم فرود می آید قوی تر است

امام خمینی در نخستین سال پس از انقلاب بیست و نه آبان جمعه رمضان را روز جهانی قدس اعلام کردند. - اعلام روز جهانی قدس توسط رهبر انقلاب اسلامی ایران نشانه اراده مردم ما در مبارزه برای آزادی فلسطین اشغالی و سرنگونی رژیم صهیونیستی و بازگرداندن سرزمین مقدس فلسطین است. صیون ما یعنی از انقلاب بعثتانه مگر از کشورهای عرب که از انقلاب ایران دشمنی داشتند با انقلاب فلسطین و با خلق فلسطین سر دشمن بود.

سخنرانی حجت الاسلام  
سیدعلی خامنه‌ای در  
حوزه علمیه قم:



● هر وقت بیسوادی، فکسر،  
گرسنگی، ستم و نابرابری ریشه کن  
شد انقلاب به ثمر رسیده است.  
● شاه گناهای هشتاد و سه ساله  
میگفت آنچه من می گویم، نه آنچه  
ملت میخواهد. امروز هر کس این  
منش را تکرار کند کاری مطرود و  
محرکوم را انجام داده است.

کلیان ۸ اسفند  
آب و برق  
مجانی  
میشود  
امام این اسلام بود که  
زبان را از دشمن  
سلب کرد  
بازگشت هادری  
اراز خمین را زدند  
در مورد حجاب  
امام خمینی  
رئیس کشور  
نخواهم شد  
اگر فرج شاه را بکشد،  
اورا غم می کنیم  
حکومت اسلامی  
حکومت عقیده است  
محتوی جمهوری اسلامی دموکراتیک  
است  
امام: روحانیون  
نباید رئیس  
جمهور شوند

در حکومت اسلامی ،  
حاکمان توی چشمت  
زول می زنند و دورغ  
می گویند ، اموال  
می دزدند در مقابل  
مردم را سرکوب می  
کنند ، اینها بخشی  
از مشخصه های  
حکومت سرمایه  
داری و اسلامی  
هستند .

مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، دور هفتم، سال  
اول، شماره ۱۴ ، چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

حزب توده ایران در  
میکنده آیا این حزب  
جامعه ایران باید بخواهد  
آیا بهتر از زمینه‌های  
برای ایجاد جامعه سو

ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دوره حزب: شماره ۱۴، چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸  
نخستین شماره حزب

## انحراف از خط امام در کجاست!

### برنده تر یاد تصمیمات دادگاههای انقلاب، تبلور خشم و آگاهی انقلابی توده‌ها

رئیس دادگاههای انقلاب، این بزغی توانا و کارگر انقلاب، به مردم  
توبه می داد و به ضد انقلاب هشدار می داد. علی‌رغم توطئه‌های  
خارجی و داخلی، علی‌رغم لشکری تسخیر، که به نام «حقوق بشر و  
موثرین قساق توسط پاپیال کتندگات بیستم این حقوق و موثرین بهترین  
ریخته می خورد علی‌رغم ترورهای جنایت کارانه‌ای که قلب اتحاد و  
دوستی پیوستگی خلق ما را هدف می کرد، حضرت آیت‌الله خلیفای  
وقت که کار دادگاههای انقلاب همچنان ادامه خواهد یافت و سر  
سردگان رژیم فاسد محاکمه و مجازات خواهند شد.  
مردم انقلابی ایران می‌خواستند که کار پیروزی انقلاب تنها با ضربه  
خوردن مردم پایان نمی‌یابد و باید سرش را به تمامی کوفت و جزء جزء  
نیس بر زهر و پر کیشی را نابود کرد. درست همین دلیل آنها به این  
مشق قاطع و بی غیر درود می‌فرستند و از دادگاههای انقلاب در جهت  
سرکوب سریع و قاطع همه عمال امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع، با شور  
و هیج و شور کامل، با خرسندی و آگاهی حمایت می‌کنند و می‌طلبند  
که ریخته گرامر ادعای خمینی، که از وصلت نامشروع و ایران برانگیزه  
امپریالیسم و سلطنت و سوارانک بوجود آمده، خشکانده شود.  
این روش دادگاهها در جهت همان گفته اخیر امام خمینی است  
که از قیام و استقامت سخن رانند و از لزوم باقی ماندن وحدت، تا  
پیروزی حاصل شود. رئیس دادگاههای انقلاب بحق نام محمد رضا  
پهلوی، شاه مخلوع و به تن از اقوام او و به تن از نخست وزیران  
سابق او و به تن از قماربندان تروریست او و تنی چند از پادشاهی سر  
سپرده و زد و بندگی او را در ردیف مستکبریت نامزد ذکر کرد. آندروز  
که این خبر انتشار یافت، هر کس می‌شنید، از صمیم قلب با رئیس  
دادگاههای انقلاب هر قول و یکنوا می‌شد، چرا که از نظر همه مردم  
محروم و ستم کشیده ایران، این افراد از آنها کتون باید مجازات شوند.  
بقیه در صفحه ۳

### از طلوع دوباره (مردم) یکسال گذشت

فایده مردم در جریان این درگیری، بطریقی که  
مردم آگاهی نظریه در برخورد با دشمنان اسلام  
برخیزد امام رکنهای مسئولان ایران بود.  
روز آند روز در کسب کسب بر اساس تحقیق و  
ایران، امام خمینی قلمه الهام داشت که  
مردم پیوستگی خلق ما را هدف می کرد، حضرت آیت‌الله خلیفای  
وقت که کار دادگاههای انقلاب همچنان ادامه خواهد یافت و سر  
سردگان رژیم فاسد محاکمه و مجازات خواهند شد.  
مردم انقلابی ایران می‌خواستند که کار پیروزی انقلاب تنها با ضربه  
خوردن مردم پایان نمی‌یابد و باید سرش را به تمامی کوفت و جزء جزء  
نیس بر زهر و پر کیشی را نابود کرد. درست همین دلیل آنها به این  
مشق قاطع و بی غیر درود می‌فرستند و از دادگاههای انقلاب در جهت  
سرکوب سریع و قاطع همه عمال امپریالیسم و رژیم شاه مخلوع، با شور  
و هیج و شور کامل، با خرسندی و آگاهی حمایت می‌کنند و می‌طلبند  
که ریخته گرامر ادعای خمینی، که از وصلت نامشروع و ایران برانگیزه  
امپریالیسم و سلطنت و سوارانک بوجود آمده، خشکانده شود.  
این روش دادگاهها در جهت همان گفته اخیر امام خمینی است  
که از قیام و استقامت سخن رانند و از لزوم باقی ماندن وحدت، تا  
پیروزی حاصل شود. رئیس دادگاههای انقلاب بحق نام محمد رضا  
پهلوی، شاه مخلوع و به تن از اقوام او و به تن از نخست وزیران  
سابق او و به تن از قماربندان تروریست او و تنی چند از پادشاهی سر  
سپرده و زد و بندگی او را در ردیف مستکبریت نامزد ذکر کرد. آندروز  
که این خبر انتشار یافت، هر کس می‌شنید، از صمیم قلب با رئیس  
دادگاههای انقلاب هر قول و یکنوا می‌شد، چرا که از نظر همه مردم  
محروم و ستم کشیده ایران، این افراد از آنها کتون باید مجازات شوند.  
بقیه در صفحه ۳

### مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۴  
پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۵۸

مطلبه دیدار کمپون بین المللی تفتیق در  
بارز جبات شاه مخلوع و امپریالیسم  
گروگان آمریکایی، درگیری ناپایداری را در  
فلسطین علیه جان و مالشویان مسلمانان و  
خط امام و آگاهی فلسطین را از سر نو باز  
پدید آورد، که سر انجام با کلمات روشن و  
قلم امام خمینی، در پیام ۱۱ اسفند، بود  
نظریه‌های توده‌ایان باقی ماند.

دوره هفتم حزب امام اجاز دیدار جز  
توده جاسوسان آنها بی اطلاع نماند که در  
ایران که کمپون کشد و کمپون کشد در واقع  
برای ایجاد یک مأموریت سیاسی معهود یافتند  
جلب برای آذاریه گناهان، به ایران آمده بود، با  
عجله ایران را زلزله زد.

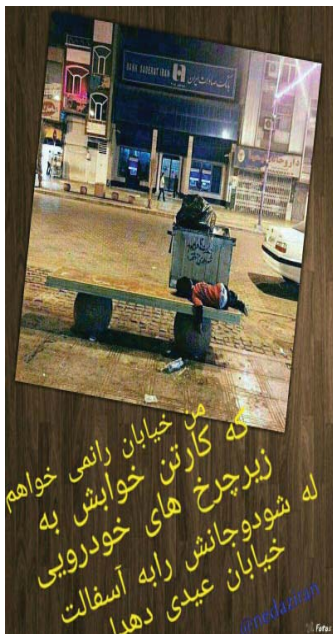
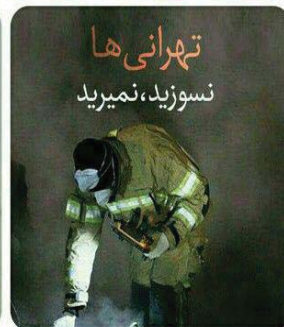
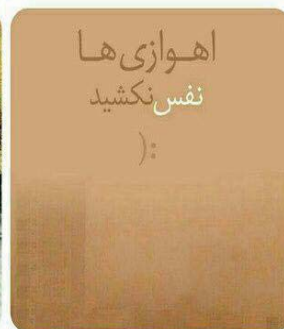
این مأموریت توده‌ایان، با وسالت کورت  
والدیان و مکتب سالار ملایم و ده انگه وهیب  
های آذاریه و توده‌ایان، در بهای توده‌ایان  
شود که در فلسطین با حمایت توده‌ایان  
ویشیانی توده‌ایان بود تا کمپون  
حزبی که کشد و کمپون بین المللی تفتیق  
در بارز جبات شاه مخلوع و امپریالیسم  
جبر دوری معادله دران نسیه به ایران آمده بود  
آذربایجان اسلام می‌کشد که به دستور امام پهلوی  
در دوران به آن تیره‌ها، جبراً آذاریه و توده‌ایان  
ایران را زلزله زد.

مطلبه دیدار کمپون بین المللی تفتیق در  
بارز جبات شاه مخلوع و امپریالیسم  
گروگان آمریکایی، درگیری ناپایداری را در  
فلسطین علیه جان و مالشویان مسلمانان و  
خط امام و آگاهی فلسطین را از سر نو باز  
پدید آورد، که سر انجام با کلمات روشن و  
قلم امام خمینی، در پیام ۱۱ اسفند، بود  
نظریه‌های توده‌ایان باقی ماند.

دوره هفتم حزب امام اجاز دیدار جز  
توده جاسوسان آنها بی اطلاع نماند که در  
ایران که کمپون کشد و کمپون کشد در واقع  
برای ایجاد یک مأموریت سیاسی معهود یافتند  
جلب برای آذاریه گناهان، به ایران آمده بود، با  
عجله ایران را زلزله زد.

این مأموریت توده‌ایان، با وسالت کورت  
والدیان و مکتب سالار ملایم و ده انگه وهیب  
های آذاریه و توده‌ایان، در بهای توده‌ایان  
شود که در فلسطین با حمایت توده‌ایان  
ویشیانی توده‌ایان بود تا کمپون  
حزبی که کشد و کمپون بین المللی تفتیق  
در بارز جبات شاه مخلوع و امپریالیسم  
جبر دوری معادله دران نسیه به ایران آمده بود  
آذربایجان اسلام می‌کشد که به دستور امام پهلوی  
در دوران به آن تیره‌ها، جبراً آذاریه و توده‌ایان  
ایران را زلزله زد.





**وضعیت حقوق بشر در یک سال اخیر**

@maniranam01

- ۱۱- مورد صدور حکم قطع دست و ۳ مورد، قطع دست
- ۶- مورد صدور حکم کور کردن و ۱ مورد اجرای حکم.
- ۲- مورد، صدور حکم سنگسار
- ۱۱۷۱۸- ضربه، حکم شلاق
- ۱۰۰- مورد، قتل شهروندان توسط ارگان های نظامی
- قتل ۲۴ کولبر و مجروح شدن ۱۷ نفر از آنها
- ۱۸۰۶- شهروند به دلیل حضور در تجمعات اعتراضی بازداشت شدند

حقوق بشر در سال ۱۳۹۵

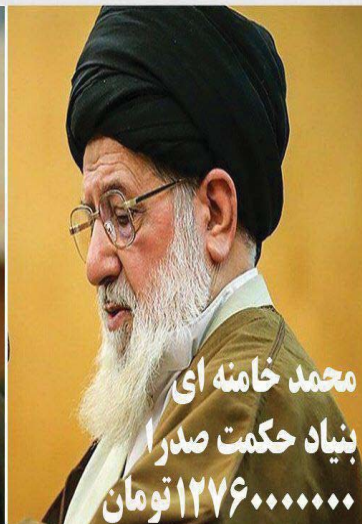




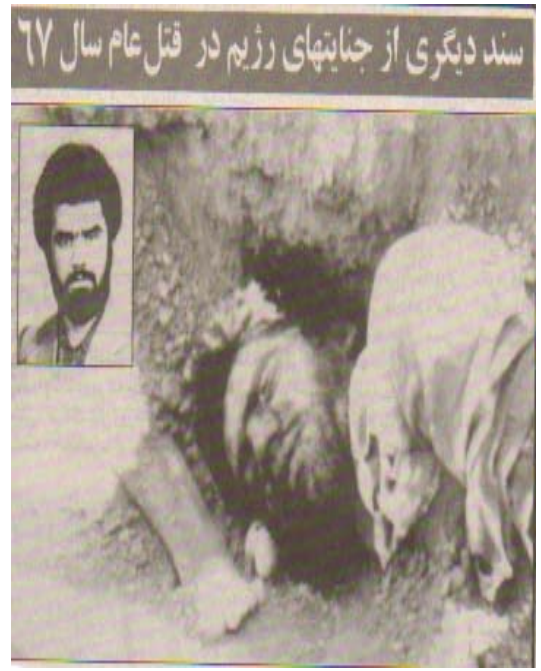
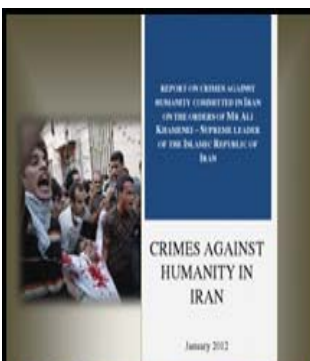
## سهم ۱۴ و نیم میلیارد تومانی برادران رهبر در دولت روحانی



هادی خامنه ای  
پژوهشکده تاریخ اسلام  
۱۸۸۲۰۰۰۰۰۰ تومان



محمد خامنه ای  
بنیاد حکمت صدر  
۱۲۷۶۰۰۰۰۰۰ تومان





حسینعلی شهریار «عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس» با وقاحت و بی شرمی گفته: «چه اشکالی دارد وقتی که فردی در فقر به سر می‌برد و با دریافت ۲۰ تا ۳۰ میلیون زندگی‌اش متحول می‌شود، کلیه‌اش را بفروشد؟!»



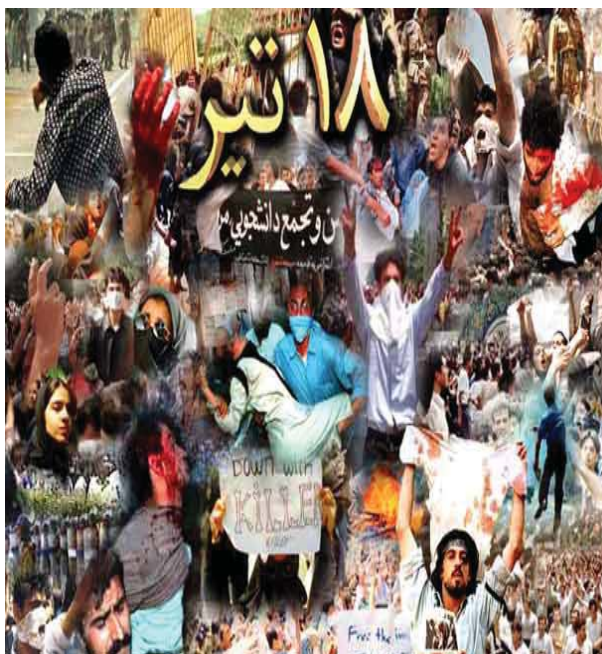
محمدرضا نقدی: ۵۰ هزار «بسیجی برای حل مشکل ریزگردها به استان خوزستان اعزام می‌شود»



در قالب یک تصویر



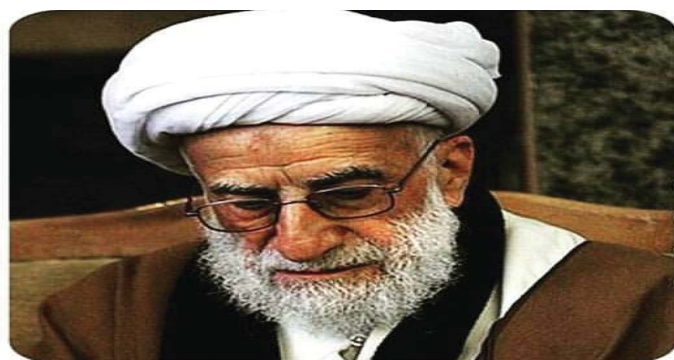
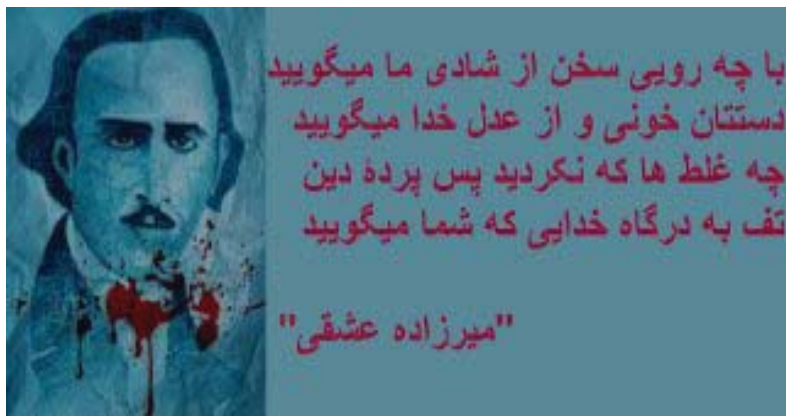
حقوق کارگران ۴ برابر زیر خط فقر آنهم با ماهها تعویق پرداخت می شود ، کودکان خیابانی و کودک کار می شوند ، زنان و دختران فروخته می شوند ، جوانان معتاد و بیکار می شوند ، برخی خودکشی و یا خود سوزی میکنند ،میلیون انسان حاشیه نشین و کارتون خواب و گورخواب می شوند وهزاران مبارز قتل عام شدند ، معترض ها زندانی و کشته می شوند ... اینها همه حاصل عدل اسلامی و نتیجه حکومت الله ، پیامبر و امامان عادل هستند.



حقوق مدیران ۲۴ میلیون تومان یعنی ۳۰ برابر بیشتر از حقوق کارگران و باضافه دیگر تسهیلات و دزدی ها و اختلاس ها، آقازاده ها پورشه سوار ، دائما در تفریح و گردش...



در اثر تیراندازی نیروهای نظامی، یک گولبر بینایی اش را از دست داد



## رنج مردم و ناهار ۵۰۰ میلیونی

آیت الله جنتی (رئیس مجلس خبرگان رهبری): امروز افرادی در جامعه وجود دارند که نان شب برای خوردن ندارند آن وقت هیات دولت مراسمی می‌گیرند با هزینه ۵۰۰ میلیون تومان!

امام جمعه کرج: ناهار ۵۰۰ میلیونی سفر رئیس جمهور به البرز قابل توجیه نیست!



امام جمعه ساده زیست تهران

ملکه اشرفی انگلیس

## از ساخته شدن فدراسیون سراسری کارگری حمایت کنیم!!!

ما فعالین انقلابی بیرون از ایران در جهت ساخته شدن فدراسیون سراسری کارگری چگونه می توانیم وظایف خود را انجام دهیم؟

با درود به رفقای مبارز :

۱ - سالهاست که ضرورت ایجاد تشکل و بخصوص ایجاد تشکل سراسری کارگری توسط فعالین پیش رو کارگری و انقلابیون احساس و درک شده است. و تمامی رفقا و دوستان تلاش کردند در جهت ایجاد آن یا آنها حرکت کنند و بعضا «هم اندک دست آورد هایی داشتند و دقیقا» می توان گفت تشکل های فعالینی هم که تشکیل شدند چه در داخل و چه در خارج با هدف سراسری شدن یا کمک به سراسری شدن بودند در این مورد می توان از تشکل های فعالین مانند کمیته پیگیری، کمیته هماهنگی و اتحادیه آزاد در داخل و نهاد های همبستگی و اتحاد بین الملل در خارج نامبرد. علی رغم اینکه همه این تشکل های نامبرده تلاش کردند اما تا به این روز متاسفانه موفق نشدیم به تشکل سراسری دست بیابیم و نتوانستیم موانع سر راه سراسری شدن را بر طرف نماییم. من قصد بررسی علل موفق نشدن را ندارم چون منظور از سراسری شدن تشکل های کارگری است نه تشکل های فعالین، بنا براین حتی اگر همین تشکل های نامبرده سراسری هم می شدند باز به هدف اصلی که ایجاد تشکل سراسری کارگری است، نمی رسیدیم، اما همین تشکل های فعالین نیز در سطح و ماهیت خود سراسری نشدند. ولی تا حدودی کمک هایی به تشکل های کارگری کردند و وظایفی را تا حدودی پیش بردند که در حد خودشان مثبت بودند. بنابراین فقط به این تشکل ها در حد داشتن هدف سراسری شدن که درک ضرورت را نشان می دهند نگاه می کنیم، ( این توضیح هم لازم است، همه این تشکل ها دچار یک خطا بودند که نه در گفتار و بحث ها و اساسنامه ها که اعلام می کردند ما تشکل کارگری نیستیم و یا هدف شدن را نداریم بلکه می خواهیم کمک به ایجاد تشکل کنیم، اما ماهیتا» و پشت افکار توهم دار این فکر را داشتند که خودشان با جذب فعالین و یا نمایندگان تشکل ها و یا کارگران از جهت صنفی و سیاسی همزمان مرکز تشکل های موجود خواهند شد بنا براین رهبری سراسری را اجرایی خواهند نمود، این هدف و اندیشه را هرگز بیان نکردند، اما هنوز هم همه آنها در رویای این هدف متبسم هستند، برای همین هم نتوانستند در کمک به متشکل شدن کارگران با هم همکاری کنند چون با وجود هدف ناگفته خودشان دیگری را رقیب سراسری شدن خود می دیدند که هنوز هم چنین فکر می کنند، با توجه به چنین هدف ناگفته و توهم زایی بود که همیشه در داخل خودشان هر گرایشی علیه گرایشات دیگر فعالیت می کرد تا حداقل گرایشات دیگر را از سعود به مرکزیت تشکل جلوگیری نمایند و در صورت نیاز گرایشات دیگر را حذف کنند که وقتی تاریخ تشکل های نامبرده را بررسی کنیم به چنین حذف گرایشی بر خورد می کنیم. شاهرخ و برخی از رفقا به این نو تشکل ها که خود را همزمان سیاسی و صنفی می دیدند، ( نام تشکل های دو منظوره یا شتر مرغی داده بودند). حال باید برای ما اعمال این تشکلها ( که دارای بعد های مثبت و منفی هستند) به صورت بخشی از تجربه مبارزاتی جنبش کارگری و فعالین کارگری مورد استفاده قرار بگیرد. موضوع مشکلات آنها را فقط از این جهت گفتم، تا بدانیم تشکل سراسری که رفقا شاهرخ و حیدر با نام فدراسیون سراسری ضرورتش را گوش زد کردند و ما برای ساخته شدن آن تلاش می کنیم، برای رقابت با این رفقا و تشکلهایشان پیشنهاد شده است و بدون شک هرگز رقیب این رفقا و تشکل هایشان نخواهد بود. بسیار مهم و ضروری است که برای رسیدن

به هدف یعنی سراسری شدن تشکل های کارگری باید از این احساس نگاه رقابتی که مانع بزرگی است عبور کنیم. و باید تلاش کنیم این موضوع را به اعضا آن تشکل ها نیز برسانیم تا بتوانیم اتحاد بیشتری را بین آنها نیز ممکن کنیم. یکی از راههای کمک و پشتیبانی جهت هموار شدن مسیر ساخته شدن فدراسیون سراسری در داخل پیش برد بحث آن و ادامه بروز رسانی، تبلیغ و ترویج آن و تبدیل کردن آن به بحث روز به شکل اصولی می تواند از مسیر پشتیبانی یک تشکل فعالین در بیرون از ایران نیز سرعت بیشتری به خود بگیرد که فعالین بیرون موظف به ایجاد چنین تشکلی ولو موقت و با هدف اصلی ترویج و پشتیبانی ساخته شدن فدراسیون سراسری در داخل باشد. حتی فکر می کنم عضویت فردی یا جمعی تشکل های نامبرده در این تشکلی که ضرورت دارد ساخته شود، نه تنها ایرادی ندارد بلکه یکی از عوامل موفقیت ما در ایجاد تشکل سراسری فعالین خواهد شد. با توجه به اینکه تشکل مورد نظر ما یک تشکل موقت و واسطه ای است که برای انجام وظایف خود باید سراسری شود، نباید با هدف و یا احساس و آرزوی رهبری کردن جنبش کارگری یا انقلابی در آن نگریم، تنها برای هدایت پشتیبانی ها به سمت جنبش واقعی کارگری و تشکل های واقعی کارگری و ایجاد شدن فدراسیون سراسری کارگری واقعی در داخل توسط خود فعالین و تشکل های کارگری است. که پس از ایجاد شدن آن باید تحت نظر آن متناسب با نیاز زمان متحول یا تعیین تکلیف شود. یکی از عمده ترین موانع سراسری شدن اینکه خود را رهبر جنبش قلمداد کنیم و بدنبال این فکر توهم زا تلاش کنیم بقیه گرایشات را به بهانه های مختلف حذف کنیم، به یاد داشته باشیم ما نباید در این تشکل ها بدنبال یک دست سازی گرایشی در مرکزیت آن باشیم (تخلفی که در همه تشکل های نامبرده تا کنون صورت گرفته است) بلکه تمامی گرایشات موجود در تشکل کارگری و میان فعالین کارگری باید در فدراسیون سراسری و تشکل هایی که برای پشتیبانی از ایجاد شدن آن ساخته می شوند همزمان حضور داشته باشند تا بتوانند مسیر سراسری شدن را طی کنند و حتی باید توجه داشت که مرکزیت فدراسیون سراسری کارگری و یا فعالین کارگری هم باید با حضور نمایندگان گرایشات مختلف که با توجه به وزن موجودیت هر کدام از گرایشات تشکیل شده باشد.

۲ - مشکلات بسیار زیادی سر راه فعالین و کارگران جهت سراسری شدن وجود دارد، برای همین است که بارها تلاش کردیم ولی به هدف نرسیدیم اما مبارزه میان کارگران و سرمایه داری و حمله دشمن به طبقه کارگر تمامی ندارد و در هیچ سطحی متوقف نمی شود، بنا براین ما ناچاریم اگر در حرکت خود جهت همبستگی طبقاتی هزار بار هم شکست خورده باشیم، برای هزار و یکمین بار باز شروع به ایجاد همبستگی کنیم، بر این مبنا همه انقلابیون وظیفه دارند، (همه ما وظیفه داریم) یک بار دیگر در هر فرصت مناسب و امکان موجود با هم دست به دست بدهیم منتها این بار با درس گرفتن از دفعات قبل دیگر نباید اشتباهات و خطاهای شکننده اتحاد را مرتکب شویم، این می تواند درس عمده از وضعیت فعلی و گذشته تشکل های نامبرده برای آینده ما باشد.

۳ - فراموش نکنیم که هدف نهایی و افق دید و چشم انداز همه ما رسیدن به جامعه بی طبقه است که انسانها بتوانند آزاد و بدون استثمار انسان از انسان و برابر و همچنین بدون فقر و گرسنگی، بدون جنگ و خون ریزی، بدون جنایت و سانسور بدون وجود مالکیت خصوصی و مزدوری و آزادانه و با شکوفا شدن استعداد های فردی و جمعی و هماهنگی کامل فرد و اجتماع، زندگی کنند، است.

۴ - این ها اهداف و آرمانهای ماست، که برای رسیدن به آنها از هرچه که داریم هزینه می کنیم. اما برای رسیدن به آنها باید با توجه به شرایط کنونی و توانائی هایمان برنامه ریزی و سازماندهی کنیم موانع سر راه همبستگی طبقاتی را بر طرف کرده مسیر مبارزه را هموار نماییم. یکی از مواردی که کمک می کند به همبستگی طبقاتی ساخته شدن تشکل های سراسری از جمله فدراسیون سراسری کارگری است که ما اکنون با دفاع، حمایت و ترویج اندیشه و افکار آن در جهت همبستگی طبقاتی قرار گرفته ایم که اکنون باید پشتیبانی عملی کنیم.

۵- هموار کردن مسیر مبارزه ضمن اینکه به هیچ عنوان جدا از کل مبارزه نیست اما به دلیل موانع متنوع و گسترده خودش به هدف امروزی و بزرگی تبدیل شده است. در نتیجه بهتر است با توجه به اهداف عالی و آرمانهای انسانی خود اقدام دقیقتر به سازمان یابی و سازماندهی خود و دیگر رفقا با توجه به نیاز ها و شرایط امروزی نماییم، منتها

با چشم اندازی که در بند دو گفته شد، و با توجه به اینکه برای رسیدن به هدف سراسری شدن ما نیاز مبرم به همه گرایش‌ها و همکاری همه آنها با یکدیگر داریم.

۶ - همه می‌دانیم و قبول می‌کنیم که زمانی ممکن است به اهداف و آرمانهای عالی خود برسیم که بتوانیم انقلاب سوسیالیستی را سازماندهی نماییم.

۷- با توجه به اینکه انقلاب سوسیالیستی تنها توسط طبقه کارگر به صورت شرکت گسترده توده‌های کارگری به شکل سازمانیافته (بر مبنای اصل انقلاب کار توده هاست) و همپیمانان آن (در قالب زحمتکشان) تحت رهبری سازمانی تشکیل‌های کارگری ممکن می‌گردد که این موضوع شاخص و راهنمای اندیشه و عمل ما باید باشد.

۸ - همچنین با توجه به اینکه کارگران و همپیمانان آن زمانی می‌توانند در شکل توده‌های انقلابی ظاهر شده دست به انقلاب بزنند که در سطح طبقاتی همبستگی کسب کرده باشند.

۹ - با توجه به اینکه کارگران و زحمتکشان فقط با وجود تشکل‌های سراسری صنفی و سیاسی می‌توانند به همبستگی طبقاتی سازمانی که لازمه انقلاب است دست یابند.

۱۰ - همینطور طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برای دست‌یابی به ابزارهای سراسری مورد نیاز مبارزه (تشکل‌های سراسری صنفی و سیاسی) خود احتیاج به سازماندهی دقیق نیروهای پیشرو دارد که این نیروها باید در دو سطح همزمان بین خود و بخشی از کارگران که آمادگی سازمان‌یابی و سازماندهی را هم اکنون دارند اقدام به سازمان‌یابی و سازماندهی کنند و سپس سازمان‌یابی و سازماندهی را به سطح کل طبقه گسترش بدهند. در این جهت نیز ما در بیرون می‌توانیم از راه‌های مختلف پشتیبانی برسانیم.

۱۱ - اکنون همه ما میدانیم موانع بسیار زیادی سر راه سازمانیابی طبقه کارگر وجود دارد که برخی از موانع عمده را می‌توان به صورت زیر نام برد (ما با متشکل شدن در یک تشکل پشتیبانی می‌توانیم به برطرف شدن بسیاری از آنها کمک کنیم، که صد در صد مبارزه با این موانع و برطرف کردن آنها نیز به سازمان‌یابی همه ما دارد در غیر این صورت موانع برطرف نخواهند شد و بنابراین طبقه کارگر به همبستگی طبقاتی مورد نیاز دست نخواهد یافت. (:

الف - عدم اعتماد نسبت به توانایی طبقه کارگر در برقراری حاکمیت خود در میان توده‌ها (پایین آمدن اعتماد و اعتقاد)

ب - رشد ضد آگاهی طبقاتی یعنی مسلط شدن ایدئولوژی‌های سرمایه‌دارانه به شکل عمیق در باورهای توده‌ها، فعالین و حتی انقلابیون، در مقابل عقب نشینی آگاهی طبقاتی و دانش کارگران اتفاق افتاده است، در حالی که سواد آکادمیک طبقه کارگر بسیار زیاد شده است، (ولی چون این دانش آکادمیک در جهت تقویت سرمایه‌داری است تشکل‌گریزی و رشد پراکندگی و تفرقه، رقابت‌های ناسالم میان کارگران و فعالین کارگری و انقلابی را بیشتر دامن زده و فردگرایی را در مرکزیت اندیشه افراد قرار داده است، ما وظیفه داریم رشد دانش آکادمیک کارگران و فعالین و انقلابیون را جهت دهی کرده آن را نیز به خدمت طبقاتی کارگری در آوریم و برای چنین هدفی باید دانش آکادمیک را تحت اختیار آگاهی طبقاتی در آورد. این می‌تواند در گروه‌های آموزشی کوچک ولی پر شمار که جهت مقابله با آموزش‌های عمومی و خصوصی سرمایه‌داری سازمانیافته اند در سطوح عام و خاص مبارزه فکری عمومی طبقه را با اندیشه‌های سرمایه‌داری و موازی با نبرد طبقاتی پیش ببرند، که این نیز از موارد پایه ضرورت انقلابی است، و هدایت چنین رویکرد آموزشی به تمامی تشکیلات‌ها از طریق اعضا از ضرورت‌های تاریخی کنونی است که اگر انجام نشود انتظار موفقیت عاقلانه نیست.)، پس آگاهی‌رسانی و سوق دادن اندیشه‌ها از سمت فردگرایی به سمت جمع‌گرایی و محافظ جمع از فرد در مقابل احتمال انحراف (رهبری سازمانی به جای رهبری فردی) یک از مهمترین وظایف کنونی انقلابیون است، که با آموزش در تشکیلات‌ها در تمامی رده‌ها و سطوح و همیشگی (همان‌گونه که در حزب بلشویک‌ها برای افراد زیر عضو شروع می‌شد و تا نهایت عضویت و رشد تا بالاترین رتبه‌های حزبی و تا آخر عمر ادامه می‌یافت) باید پیش برده شود. (البته این وظیفه در تشکل مورد نظر ما خیلی نمی‌تواند به انجام برسد بلکه



باید از تشکیلات های سیاسی خواست و آنها را وادار کرد این وظیفه را در حد خودشان و در داخل خودشان به عنوان اصلی خدشه نا پذیر اجرایی کند که اکنون متأسفانه تقریباً «هیچ کدام در هیچ سطحی چنین وظیفه ای ضروری (آموزش اعضا) را انجام نمی دهند. و این عمده ترین ایرادی است که باعث شده نه تنها آموزش دانش آکادمیک سرمایه داری در خدمت آگاهی اجتماعی، سیاسی و طبقاتی کارگران قرار نگیرد، بلکه دانش آکادمیک سرمایه دارانه بر آگاهی طبقاتی و دانش طبقاتی تسلط جهت دار سرمایه دارانه داشته باشد، تشکیلات های سیاسی طبقه کارگر باید دانشگاهی باشند که تمامی آموزش های آکادمیک در میان اعضای طبقه کارگر را که ابزاری در دست طبقه سرمایه دار است از دست سرمایه داری خارج کرده به ابزاری برای طبقه کارگر علیه سرمایه داری تبدیل کند. که آموزش مدام در تشکیلات ها از شروع تا انتها بطور همیشگی این وظیفه را می تواند عملی کند، یکی از عمده ترین تفاوت های احزاب کارگری با احزاب سرمایه داری در همین نقطه است، احزاب سرمایه داری از آموزش آکادمیکی کل نظام سرمایه داری در بخش های دیگر خود مانند مدرسه و دانشگاه انجام می گردد استفاده می کند بنا براین نیازی ندارد خودش آموزش جدا گانه برای اعضا در داخل خود بر قرار نماید در حالی که احزاب کارگری اگر زهر آموزش آکادمیک سرمایه داری در مدارس و دانشگاهها را با آموزش در داخل خودشان خنثی نکنند و به دنبال خنثی سازی آنها، آموزش های مورد نیاز طبقه کارگر را پیش نبرند و دانش آکادمیک طبقاتی سرمایه داری را تبدیل به طبقاتی کارگری نکنند بعد از مدتی تبدیل به احزابی خواهند شد که نام کارگری، کمونیستی و سوسیالیستی و اهداف و برنامه های سوسیالیستی دارند اما توان انجام آنها را نخواهند داشت. در تقویت این گفته توجه به گفته لنین بسیار مهم است لنین گفته است حتی علوم محض نیز وقتی از فیلتر طبقاتی عبور می کنند طبقاتی می شوند حال فکر کنید دانشجو و دانش آموز و دانشمند و معلمی که در مدارس و دانشگاه های تحت تسلط نظام سرمایه داری دانش آموخته اند بدون آموزش های مداوم تشکیلات های کارگری هر گز نمی تواند از زیر سلطه فکری دانش های آموخته خود در دم و دستگاه سرمایه داری خارج شود. این نیز یکی از مهمترین موانع همبستگی طبقاتی است. که ما باید با آن مبارزه کنیم.)

پ - سرکوبهای بسیار شدید با اشکال فیزیکی (ضرب و شتم، محاکمه و زندان، و کشتن و ...)، معنوی، روحی و روانی، محرومیت های آموزشی، هجوم تبلیغاتی و ...

ت - فقر مالی در اشکال غذایی، مسکن، نیازهای ثانوی و نداشتن آینده روشن، رشد ناامیدی، نداشتن امنیت شغلی و نداشتن امنیت جانی و ...

ث - فشارهای چماق وار لشکر بیکاری، چماق اخراج و خصوصی سازی صنایع، آزاد سازی اقتصاد، خصوصی و پول و گرانت و گرانت کردن خدمات عمومی، خصوصی کردن آموزش و پرورش، آموزش عالی، بهداشت و در مان و خصوصی کردن بیمارستان ها حذف هر روزه بیمه ها و قوانین تأمینی و حمایتی و تغییرات هر روزه قانون کار علیه کارگران و ...

ج - عوارض اجتماعی موجود مانند اعتیاد، فحشا، بی خانمانی، کودکان خیابانی، زنان کارتون خواب، گورخوابی، خودسوزی و خودکشی از فقر، بیماری های خطر ناک، روند کشاندن جوانان و کودکان به مسیر جرم و جنایت و ...

چ - ...

همه اینها به طبقه کارگر فشار می آورند و موانعی هستند که نیرو طبقاتی کارگران را هدر می دهند و مسیر مبارزاتی کارگران را نا هموار و سخت می کنند و توان کارگران را در جهت سازمان یابی و سازمان دهی کمتر می کنند، بنا براین ضمن داشتن هدف و چشم انداز بیان شده ما باید تلاش کنیم اول هر بخشی از این موانع را که می توانیم و با توجه به ارجحیت برخی از آنها نسبت به بقیه در جهت سازمانیابی و سازماندهی ایجاد کننده بقیه هستند را هدف قرار به دهیم،

لازم به توضیح است که درجهت مشخص کردن اهداف کوتاه مدت موانع بالا را می توانیم به دو دسته تقسیم کنیم در این تقسیمات برخی موانع پایه ای هستند که بقیه را تولید و باز تولید می کنند، بنا براین در درجه اول وظیفه ما مبارزه با موانع پایه ای است (موانع پایه ها هستند؟

- ۱- بیکاری و اخراج و ...
- ۲- متشکل نبودن و دچار تفرقه و پراکندگی
- ۳- سر کوب
- ۴- تحت تاثیر ضد آگاهی قرار داشتن ( یا نداشتن آموزش های انقلابی و ...)
- ۵- ...

با توجه به موارد گفته شده در بالا و ضمن توجه به اختلافات و برسمیت شناختن عملی موجودیت گرایشات مختلف پیشنهاد می کنم :

- ۱- از نقاط مشترک وارد مبارزه جمعی و متحد شویم،
- ۲- هر گاه در نقطه ای مشکل جهت همکاری پیش آمد با حفظ احترام یکدیگر در نقاط دیگر که هنوز اشتراک داریم همکاری هایمان را ادامه بدهیم، این عمل را باید با آگاهی نسبت به اینکه هیچ چاره ای جزء وحدت و تشکیلات برای ادامه مبارزه و دست یابی به همبستگی طبقاتی نداریم، آگاهانه پیش ببریم، در غیر این صورت دچار لغزش و خطاهای نسبت به اهداف طبقه کارگر خواهیم شد که در تاریخ نمونه های زیادی را می توانیم مثال بزنیم .
- ۳- باید ضمن تلاش برای گروه خود در محدوده چپ منافع کلی طبقه را مقدم بر منافع محلی، گرایشی، تشکیلاتی خود و شخصی قرار بدهیم، تا امکان گسترش همکاری تا سطح وحدت و همبستگی طبقاتی را کسب کنیم .
- ۴- از تجربیات تاریخی مبارزات دور و نزدیک طبقه کارگر و انقلابیون استفاده کنیم تا بیشتر بتوانیم همکاری نماییم از جمله به قدرت و توانایی هایی که فدراسیون های سراسری کارگران ایران در ۱۳۰۷، ۱۳۲۵ تا ۳۲ و به کنفدراسیون دانشجویان قبل از انقلاب در دهه ۵۰ که بسیاری از گرایشات مختلف در آنها حضور داشتند و کارهای بسیار بزرگی انجام دادند، البته مثال های بسیاری از دیگر کشور ها و به شکل بین المللی نیز می توان بیان کرد ولی همین چند مورد که ما همگی با آنها به نحو خوبی آشنا هستیم کفایت در درک موضوع می کنند. با توجه به چنین تجربه تاریخی و شرایطی که اکنون ما در خارج از کشور داریم، می توانیم، ضمن داشتن گرایشات مختلف ما می توانیم شکل سراسری از فعالین کارگری و انقلابی حتی محافل و احزاب منتها با نام و رسم و هویت مشخص که مسئولیت پذیری و جواب گویی را جزء وظایف خود بدانیم در خارج از ایران بسازیم تا برای پشتیبانی از ممکن شدن ساخت فدراسیون سراسری کارگری در داخل ابزاری داشته باشیم. ( این مورد بسیار مهم است که تعدادی از سازمان ها و احزاب در کارهای مشترک که به خاطر شرایط مجبور می شوند، در کارهای جمعی شرکت کنند و تقریباً در تمامی کارهای مشترک نیز خراب کاری های مختلف مانند سانسور، بایکوت، حذف گرایشی و ... پیش می برند که وضعیت فعلی نتیجه چنین اعمالی طی دهها سال است، که این کارها را با پنهان کردن هویت خودشان پشت نامهایی مانند کمیته های موقت برگزاری یا اعتراضی یا مثلاً « شوراهای مختلف انجام می دهند و وقتی شما می پرسید چرا حذف گرایشی کردید؟ چرا سانسور کردید؟ و چرا ... کردید؟ می گویند ما مسئولیت نداشتیم کمیته برگزاری بود یا ... بود که حالا نیست و غیره، و از پاسخ گویی شانه خالی می کنند شکل هایی که در بالا نام بردم نیز دچار چنین سر نوشتی هایی شدند، ما باید دقت کنیم هر کسی می خواهد در تشکل فوق شرکت کند و حتی اگر می خواهد سیاست حزب یا سازمان و گروه خودش را پیش برد باید استقبال کنیم، فقط با این تفاوت که با نام و هویت خودش شرکت کند تا فردا برای طبقه کارگر مشخص شود که کار خوبی که انجام شد برای کدام حزب و تشکیلات بود و اگر کار بدی صورت گرفت از طرف کدام حزب و تشکیلات بوده است، تا از این طریق اجازه ندهیم کسانی که خطا یا اشتباه می کنند نا معلوم و پنهان و یا با بهانه های زیبا بتوانند پشت بی هویتی پنهان شوند. ) بخاطر داشته باشیم در گذشته نزدیک و هنوز برخی حاضر هستند ( نهاد های همبستگی و اتحاد بین الملل) بسیاری از رفقای ما در جهت همبستگی تلاش کردند اما دست آورد کمی داشتند که ما باید از تجربیات مثبت و منفی این رفقا استفاده کنیم و تلاش کنیم همین رفقا را با رویکرد جدیدی با خود همراه نماییم ، چنین خواستی به خاطر خوش تینتی یا بد تینتی نیست بلکه ما در جهت همبستگی طبقاتی ناچاریم همدیگر را بپذیریم و به یکدیگر تکیه کنیم منتها باید روش و سبک کار را با دقت و متفاوت با گذشته

تعیین نماییم، چرا که به صورت اجتناب ناپذیر و به خاطر ضرورت تاریخی صد در صد به هم دیگر نیاز داریم، همه این موارد به این بر می گردد که در اهداف بلند مدت منافع کل طبقه را در نظر داشته باشیم و در اهداف کوتاه مدت منافع کل طبقه را بعنوان افق و چشم انداز خود قرار بدهیم .

با توجه به موارد بالا شرایط عینی که از طریق تفرقه، پراکندگی، سرکوب شدید بعنوان تشدید و باز تولید کننده شرایط و اوضاع عینی طبقه کارگر که در بالا به برخی از مشکلاتش اشاره شد گریبان انقلابیون طبقه کارگر را گرفته است، برای عبور از این شرایط راه هایی تا کنون پیشنهاد شده اند که برخی اجرا شده و جواب نداده اند و برخی حتی اجرا نشدند، اکنون پیشنهادی طی سه سال گذشته از طرف شاهرخ زمانی و حیدر عمو اوغلی بیان شده که هنوز می توان به تازه و جدید و متفاوت بودن آن تاکید کرد و با توجه به فداکاری و جسارت و از خود گذشتگی که شاهرخ نشان داد اعتبار بسیاری در نزد همه ما دارد، و این در حال حاضر حُسن بسیار خوبی برای هدف ما است، که باید از این حُسن به نحو خوب و با قدرت و دقت استفاده کنیم، شاید بتوانیم برخی از موانع را از سر راه جنبش کارگری و انقلابی بر داریم . بخشی از پیشنهاد شاهرخ و حیدر تشکیل هیأت مؤسس و تشکیل فدراسیون سراسری کارگری توسط فعالین کارگری، تشکل های موجود و فعالین انقلابی بود. ما می توانیم از این پیشنهاد استفاده کرده در خارج از ایران که دست و بال مان بازتر است و موانع کمتری داریم، در جهت پشتیبانی از جنبش کارگری داخل استفاده کرده هیأت مؤسس تشکل سراسری در بیرون از ایران را با اهداف مشخص تشکیل بدهیم که چشم انداز ذکر شده در بالا را هدف استراتژیک خود قرار داده باشد.تشکیل دادن تشکل سراسری فعالین در خارج محسنات بسیاری اکنون دارد.

۱- اهداف ما را روشن می کند.  
۲- سراسری شدن را که ضرورت اجتناب ناپذیری است به عنوان وظیفه عاجل دائماً پیش روی جنبش کارگری می گذارد.

۳- به دنبال آن همبستگی طبقاتی را به شکل روشن که تنها شکل کسب آن وحدت و تشکیلات است را به عنوان پروسه و روند مبارزاتی هدف گذاری می کند.

۴- چون سراسری شدن در بیرون از ایران موانع کمتری دارد امکان عملی شدن آن بیشتر است، بنا براین ایجاد تشکل سراسری فعالین در بیرون اعتماد به نفس و پشتیبان بالاتری برای ممکن شدن در داخل ایجاد خواهد کرد.

۵- همچنین توانایی فعالین و تشکیلات ها و محافل بیرونی را برای دفاع و کمک به داخل و ایجاد ارتباط و پیوند های بیشتر با داخل را صد چندان خواهد کرد.

۶- همه این حُسن ها بستگی به آن دارد که ما همکاری های خود در تشکل سراسری خارج از ایران را با چشم انداز دفاع از منافع کل طبقه برنامه ریزی و اجرایی کنیم ، همچنین از نظر انجام وظایف وقتی سراسری عمل کنیم توانایی ما نسبت به زمان گذشته و اکنون ده ها بار بیشتر خواهد بود، مثلاً «ارایه کمک های مالی اصولی و با کنترل دقیق بر تأثیرات آن ارایه شود،( از خراب کردن فعالین داخل بدون شک اجتناب خواهد شد و وقتی دیدیم تأثیر غلط و منفی می گذارد می توانیم روند آن یا میزان و طریقه ارایه آن را تغییر بدهیم، یا حتی قطع کنیم، یا اگر مثبت بود بیشتر نماییم ) و منظم و بیشتر و حمایت های پشتیبانی سیاسی و طبقاتی و جذب حمایت های مختلف از طبقه کارگر و انقلابیون دیگر کشور ها را دهها بار می توانیم منسجم تر، قویتر و جهت دار و رشد یابنده پیش ببریم ، اکنون نیز حمایت های زیادی است اما دقیقاً» حمایت های جذب شده نیز مانند خود ما دچار تفرقه و پراکندگی است، که تأثیر چندانی در کمک و حمایت های بین المللی نمی گذارد، حال اگر خود ما از پراکندگی از طریق تشکل سراسری نجات یابیم تمامی حمایت های جذب شده نیز از پراکندگی خارج شده یک دست و به شکل جهانی به پشتیبانی از کارگران ایران جریان خواهد یافت و بالعکس این جریان نیز امکان پذیر خواهد شد.

## پیش نویس برنامه عملی ایجاد شورای مؤسس اتحادیه های سراسری کارگری (فداریون)

### مقدمه :

رفقا و دوستان کارگر، در تاریخ مبارزه طبقاتی کارگران ایران از تأسیس اولین و دومین فدراسیون کارگری ایران توسط احزاب کارگری کمونیست و توده (۱۳۳۴ - ۱۲۹۶) ۹۰ و ۷۰ سال می گذرد که طی سازماندهی اعتصابات قهرمانانه اقتصادی و سیاسی در این سالها مخصوصاً از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ توسط احزاب سیاسی و فدراسیون سراسری کارگران به بزرگ ترین دستاورد های مبارزاتی کارگران از جمله خلع ید شرکت های امپریالیستی - انگلیسی از شرکت نفت، تدوین و تحمیل مترقی ترین قانون کار در خاورمیانه (۱۳۲۵) که خواست های پایه ای کارگران مانند حق اعتصاب، حق ایجاد تشکل های مستقل و حق بستن قرار داد های دسته جمعی و ... در آن گنجا داده شده بود و آزادی های دموکراتیک احزاب، مطبوعات، تجمع، تشکل و اعتراض و آزادی بیان و قلم و ... را کسب کردند. این تجارب گرانها باید در شرایط کنونی به کارگرفته شده و ما را به عنوان ادامه دهنده پر افتخار آنان در ایجاد فدراسیون یاری دهد. لازم بذکر است در شرایط فعلی که ما هنوز در اول راهیم، طرح مقدماتی زیر برای ترسیم خطوط اصلی برنامه و فعالیت عملی است که مخلوطی از برنامه و عمل مبارزاتی در شرایط مشخص کنونی برای رسیدن به هدف اصلی اراییه می گردد، که بعداً با شکل گیری و ارگانیزه شدن نیروها در ساختار مشخص باید تکمیل و تفکیک شوند :

۱ - نظام سرمایه داری وابسته و دلالی ایران بر اساس مالکیت خصوصی ابزار تولید و بعنوان شریک، مباشر و حافظ منافع سرمایه داری جهانی در تأمین مواد خام و نیروی کار ارزان و بازار مصرف برای شرکتهای چند ملیتی مانند ماشین سازی، الکترونیک، موبایل، کشاورزی، معادن و ... حدود ۱۴ میلیون کارگر با ۵۰ میلیون خانواده اش را در کارخانجات و مؤسسات مختلف گرد آورده و مورد بهره کشی قرار می دهد.

۲- دولت سرمایه داری ایران به عنوان ابزار اجرایی سرمایه داری ایران در عمل کردن به سیاست های دیکته شده اشکال مختلف سرمایه جهانی بخصوص امپریالیسم جهانی توسط نهاد های اجرایی آنان مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی و ... با نابودی امنیت شغلی از طریق قرار دادهای موقت و سفید امضا هر روز بر ابعاد بردگی نوین نظام سرمایه داری می افزاید، همچنین برداشتن گمرکات مرزی، واردات کالا های بنجل و در نتیجه نابودی تولید و ایجاد بیکاری های میلیونی کارگران، حذف یارانه ها و ایجاد بالاترین تورم جهانی، تصویب دستمزدی در حد یک چهارم زیر خط فقر، نابودی قوانین حمایتی و تأمینات اجتماعی در عرصه های آموزش و تحصیلات، بهداشت و درمان و ... عموم کارگران و خانواده های آنان را در معرض بیکاری، گرسنگی و نا امنی و فلاکت عمومی قرار داده است.

بطوریکه اکنون ایران یکی از کشورهایی است که گرفتار بالاترین آمار جهانی بیکاری، تورم، گرانی، بی مسکنی، بی سوادی، اعتیاد و طلاق و تن فروشی و در نتیجه جرم و جنایت شده است، و همچنین تضاد کار و سرمایه به اوج خود رسیده است.

۳- با علم به اینکه طبقه کارگر ایران علی رغم اختلاف جنسی، مذهبی، ملیتی، رنگ پوست، بعلت موقعیت خود در جریان تولید اجتماعی بعنوان نیروی اصلی است اما از لحاظ تصاحب و سهم بری از محصول تولید صاحب هیچ چیزی غیر از نیروی کارش نیست و نیروی کارش را نیز برای زنده ماندن مجبور است به طبقه سرمایه دار که اکنون توانسته است سرمایه گرانه و ستمگرانه ابزار تولید را تحت سلطه و اختیار خود در آورد به فروشد، از این لحاظ همه کارگران موقعیت یکسانی داشته و طبقه اصلی جامعه را تشکیل می دهند. اما علی رغم چنین اشتراک پایه ای میان بخش های مختلف طبقه کارگر نظام سرمایه داری با دامن زدن به :

الف - رقابت درونی کارگران مخصوصاً «بین شاغلین و بیکاران، زن و مرد، ماهر و غیر ماهر و ایجاد و دامن زدن به اختلافات مذهبی و ملیتی در بُعد ملی و منطقه ای،

ب - تسلط فکری و ایدئولوژیک و تبلیغ و ترویج انحرافات گوناگون و تبلیغ زندگی مصرفی - کالایی از طریق مطبوعات و رسانه های عمومی (مدیا)،

ج - سرکوب و زندان و منع هر گونه فعالیت آگاهانه در ایجاد تشکل های مستقل رزمنده از جمله سندیکا و احزاب کارگری بعنوان یگانه وسیله سازماندهی مبارزاتی طبقاتی برای رسیدن به مطالبات،

د - انحراف و فریب کارگران از طریق تشکل های دست ساز سرمایه داری (خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و ...) و سندیکاهای زرد سازشکار برای جلوگیری از سراسری شدن و به نتیجه رسیدن مبارزاتشان، تحت موانع فوق الذکر مبارزات کارگران در حد تک افتاده، پراکنده، خود به خودی و با اهداف نا روشن یا کوچک، چانه زنی و مماشات در جا زده و روند بهره کشی و انباشت سرمایه و بدبختی و تیره روزی کارگران هم چنان ادامه می یابد.

۴- بزرگترین موانع درونی رشد جنبش کارگری در رسیدن به تشکیلات سراسری برای سازماندهی مقاومت و مبارزه سراسری این طبقه در مقابل طبقه سرمایه داری و دولتش برای رسیدن به اهدافش عبارتند از :

الف - درک محدود صنفی - سندیکایی در حد یک صنف و یا کارخانه که سد راه ارتقاع آگاهی و مبارزه سراسری کارگران پراکنده است، و مانع تبدیل شدن کارگران به یک طبقه سراسری و یکپارچه در مقابل سرمایه داری و دولتش می گردد، بعبارت روشنتر با در جا زدن در حد یک پاسگاه روستایی از گسترش و تبدیل به یک ارتش در سطح ملی و کشوری جلوگیری می کند، با علم بر اینکه طبقه و دولت سرمایه داری حریف مقابل کارگران در سطح جهانی - ملی علیه طبقه کارگر فعالیت می کند.

ب- شبه فرقه های آگاه گرانه که خود را قیم طبقه کارگر دانسته و بدون کوچکترین ارتباط سازمانگرانه - مبارزاتی و ارگانیک - تشکیلاتی با طبقه کارگر در محل کار و زندگی آنها و مشغول کردن بخشهایی از قوای کارگری به مسائل فرقه ای خود، مخصوصاً «در سطح رواج توهمات کاریزماتیک و تبلیغات فرعی، غیر سازمانگرانه در فضای اینترنتی - مجازی، عملاً» با قطع آگاهی و تشکل طبقاتی بعنوان ابزار مشخص و مجرد سازماندهی و ارتقاع مبارزه طبقاتی با بدنه کارگری، آنان را از تشکل یابی سیاسی - صنفی خود در داخل کشور و در مقابل دولت و طبقه سرمایه داری ایران باز می دارند.

۵ - تنها چاره طبقه کارگر ایران با خانواده ۵۰ میلیونی خود در مقابل بهره کشی و قدرت متحد و برنامه ریزی شده و سازمانیافته سرمایه داری در سطح ملی و جهانی، وحدت و تشکیلات بر اساس برنامه و مطالبات اجتماعی - اقتصادی - سیاسی خود در تشکل های پایدار سراسری اتحادیه و حزب سیاسی است، تا او نیز بطور سازمانیافته و سراسری به مقابله با سیاست های ضد کارگری دشمن طبقاتی پرداخته و آنرا وادار به عقب نشینی و تسلیم نماید.

۶- با علم بر ضرورت تشکیلات و با توجه به شدت خفقان و سرکوب که سرمایه داری و دولتش در کلیه کارخانجات

بزرگ از طریق بسیج و حراست، حکومت نظامی برقرار کرده است و کوچکترین اشکال سازمانیابی حتی قانونی را در نطفه خفه می‌کنند، ضرورت حیاتی دارد که ستاد فرماندهی ارتش کارگران غیر علنی و مرکب از جسورترین، فداکارترین، رزمنده ترین و آماده ترین افراد از میان کارگران و فعالین کارگری و تشکل های کارگری برای ایجاد تشکل های سراسری کارگری متشکل شده اقدام نمایند.

۷- نظر به موارد ذکر شده شورای رهبری مؤسس اتحادیه های سراسری از میان پیشروان و تشکلهای صنفی و آگاه گرایانه کارگری بر اساس منشور مطالبات پایه ای کارگران مانند دستمزد شایسته، امنیت شغلی، تدوین قانون کار مترقی، حقوق مختلف مانند اعتصاب، تشکل مستقل و ... باید بوجود آید.

۸- اهم وظایف شورای مؤسس اتحادیه های سراسری عبارتند از :

الف - از بین بردن اشکالات، تقویت نقاط مثبت و ارگانیزه کردن ارتباط تشکل های موجود با بدنه اجتماعی خود از طریق :

۱ - توضیح ضرورت اساسی این تشکل برای صنف مورد نظر،

۲- دقت و توجه لازم به تنظیم و سازماندهی خواسته ها و مبارزات آنان از طریق شرکت مستقیم در متن مبارزات آنان،

۳- شرکت دادن بیشتر اعضا در پیشبرد وظایف و مسئولیت ها و تصمیمات گرفته شده،

ب - تلاش برای گسترش فعالیت های تبلیغی - تشکیلاتی سندیکا در راستای پیوند با تمامی بخش های آن صنف و رشته مانند حمل و نقل، پتروشیمی، ماشین سازی ساختمان و ... (مثلا) شرکت واحد تهران به تمامی استانها و حمل و نقل سراسری گسترش یابد،

ج - سازماندهی تقویت دامنه اتحاد و پیوند مبارزاتی تشکلهای عضو، روی خواست های مشترک سراسری بر محور منشور مطالباتی پایه ای کارگران،

د - تقویت اتحاد و مبارزه همسو و یکپارچه تشکل های موجود در صورت هجوم طبقه و دولت سرمایه داری به یکی از آنها و دیگر بخش های کارگری،

و - حمایت مادی و معنوی از پیشروان و فعالین کارگری، اعضای اخراج شده و زندانی و خانواده های آنان از لحاظ کمک برای اشتغال، مسئله مالی و جذب آنها به شورا جهت استفاده از تجارب مبارزاتی آنها و به کارگیری آنان نسبت به توانایی و استعدادشان در بدنه شورا،

ص - ایجاد هیأت های مؤسس جهت ایجاد سندیکا ها در جاهایی که وجود ندارند.

ل - تلاش و کوشش برای جلب و جذب تشکل هایی که هنوز جذب نشده اند،

پ - ایجاد صندوق همیاری مالی کمک به اعتصاب و اشکال دیگر مبارزه،

خ - راه اندازی نشریه و سایت جهت ارگانیزه کردن خود و فعالیت تبلیغی - سازمانگرانه ارگانیک با بدنه کارگری و اشکال مختلف مبارزات کارگری،

ن - سازماندهی ارتباط مستقیم و مبارزاتی با کارگران و تشکل های منطقه ای و جهانی در جهت ایجاد تشکل های منطقه ای و عضویت در تشکل های جهانی بر اساس پیوند انترناسیونالیستی کارگران جهان،

ی - ایجاد کمیته های سازمانده گوناگون موقت برای برگزاری مراسم های مختلف مانند اول ماه مه و دائمی مانند کمیته امنیت شغلی در مبارزه با اخراج و بیکار سازی ها و حقوق های معوقه و یا کمیته های ارتباطات جهانی و یا کمیته تدوین قانون کار وغیره ... و به کارگری نیروهای مساعد مخصوصا» اخراج شده در این زمینه ها ( این کمیته ها می توانند برخی از موارد که بسیار شاخص هستند را به صورت تخصصی و گسترده و شاخص پیش ببرند)

۹ - ساختار تشکیلاتی شورای مؤسس فدراسیون :

نظر به خفقان و سرکوب های فاشیستی دشمن طبقاتی که حتی به کوچکترین اشکال قانونی سطح پایین فعالیت نیز اجازه نمود نمی دهد در ساختار تشکیلاتی شورا مسائل زیر باید در نظر گرفته شود :

الف - ساختار سلولی غیر متمرکز : در شرایطی که دشمن طبقاتی حتی به نیرو های خودی هم رحم نمی کند و از

ترس انقلاب و فرو پاشی هر گونه فعالیت سازمانگرا و آگاهی بخش را زیر ضرب می برد، هر گونه تجمع و تمرکز نیروهای خودی :

۱ - باعث حساسیت، دید بهتر دشمن، و ضربه پذیری راحت نیرو ها می گردد،  
 ۲- در صورت ضعف نیروهای خودی زیر ضرب بازجویی دشمن و یا نفوذ دشمن ضربات جبران ناپذیری را سبب می گردد، بنا براین برای ادامه کاری فعالیت در چنین شرایطی باید بهترین نیروهای آبدیده و در عمل محک خورده که به منافع طبقاتی کارگران تا حد جانفشانی اعتقاد دارند بعنوان هسته و شورای مرکزی سازمانده مرکب از تمامی تشکل ها و فعالین آماده مبارزه را در هسته های غیر متمرکز از طریق نشریه و سایت در جهت فعالیت مشترک سازماندهی نمایند.

ب - شورای مؤسس فدراسیون بر اساس رئوس اساسی فعالیت خود بر محورهای تبلیغات، آموزش و ترویج، تشکیلات و سازمانگری، مالیه و تدارکات بهترین نیروها از فعالین و تشکل های عضو را در سلولهای غیر متمرکز برای پیشبرد وظایف و مسئولیت ها سازماندهی می کند،

ج- نشریه و سایت : اگر سلول های سازمانده فدراسیون در میان تشکل ها و کارگران را عناصر اصلی موجود را بنام هیأت مؤسس فدراسیون بدانیم نشریه و سایت بمثابة مغز و قلب فرمان و خون رسان این ارگانسم پویا و متمرکز می باشند که در شرایط خفقان و پلیسی شدید عین ریسمان نامرئی و نامحسوس تمامی شبکه های سازمانده فدراسیون را در میان کارگران بدون ارتباط عرضی و مشخص اعضا به هم متصل کرده دید دشمن و قدرت سرکوب آن را کور کرده اطمینان امنیتی برای ادامه کاری فعالیت را دهها بار بالا می برد و نیروهای سازمانده را بطور هماهنگ برنامه ریزی شده روی پیشبرد وظایف خود متمرکز کرده و نشریه بعنوان مبلغ و مروج، سازمانگر مصوبات، برنامه های عملی، تجارب مبارزاتی و رهنمود های گوناگون را به بدنه تزریق کرده و متقابلاً « تجارب مبارزاتی سلولهای سازمانده تشکل ها و فعالین را که در جریان مبارزه طبقاتی کسب شده و جنبه استفاده عمومی دارد جذب و دوباره در خدمت اهداف مبارزه قرار می دهد.

د- شورای مرکزی بر اساس وظایف اساسی خود در اداره امور و گرداندن نشریه و سایت تقسیم مسئولیت کرده و بر اساس استعداد، توانایی و ایمان مبارزاتی فرد و یا جمعی را مسئول پیشبرد وظایف می نماید. و در مقابل از مسئولین باز خواست کرده و انتظار پیشبرد مطلوب وظایف را دارد.

ر - در شرایط خفقان و سرکوب شدید که هر کسی را توان مبارزه نبود و کسانی گام به میدان مبارزه می گذارند که از قبل خطر دستگیری و زندان را به جان خریده باشند اعضای شورا باید با اصل تقدم کیفیت بر کمیت مخصوصاً در سطح رهبری باید از بهترین، جسور ترین و متعهد ترین افراد مؤمن به منافع طبقاتی کارگران انتخاب شوند تا در شرایط سخت و دشوار خفقان و پلیسی جانزده و به فعالیت خود ادامه بدهند،

ز - مرکزیت انتخابی قدرتمند، پایه اساسی ساختار شورای مؤسس فدراسیون می باشد، به زبان ساده وقتی از طرف مجمع نمایندگان فعالین و تشکل های موجود اعضای شورای مرکزی مؤسس فدراسیون جهت رهبری امور انتخاب شد و برنامه و اساسنامه مصوب شد تمامی ارگانها و اعضا، متعهد به اجرای مصوبات، دستورات و رهنمود های مرکزیت انتخابی می باشند.

بدون در نظر گرفتن این مسئله با روحیه خرده بورژوازی، ساختار شکنانه، فرقه گرایانه که از فعالیت منظم و دسته جمعی و سیستماتیک بر اساس فردیت سرمایه دارانه فرار می کند، بنابراین سنگ روی سنگ بند نشده و هیچ کاری پیش برده نخواهد شد. بر این پایه باید فرد از جمع، اقلیت از اکثریت و ارگانهای پایین از بالا تبعیت کنند، با توجه به اینکه حقوق اقلیت در ادامه فعالیت داخل گروهی تأمین شود،

ن - مجمع عمومی عالی ترین ارگان تصمیم گیرنده شورای مؤسس فدراسیون می باشد که تدوین کلیه مصوبات برنامه، اساسنامه، قبول یا رد اعضا و تشکل ها و غیره ... در آن و با تصمیم موافق آن صورت می گیرد،

ی - عضو شورای مؤسس کسی است که :

۱- بر نامه و اساسنامه شورا را قبول کند،

۲- حق عضویت پرداخت کند،

۳- عملاً در یکی از ارگانها و فعالیت عملی آن شرکت کرده و توان مبارزاتی خود را اثبات نماید،

۴- مورد تایید دو عضو دیگر باشد،

ه- گزارش دهی دوره ای و منظم از روند فعالیت در تمامی عرصه ها توسط سلولها و اعضای شورا به ارگانهای انتخابی و به مجمع عمومی از وظایف اساسی تمامی فعالین است (در گزارش باید مصوبات، تصمیمات و برنامه ریزیهای انجام گرفته گزارش داده شود، بعنوان هدف و نقشه راه و عمل و راه حل و کارهایی که برای رسیدن به آن هدف انجام شده، علل موفقیت و تجارب آن و یا ناکامی و دلایل آن و پیشنهاد چگونگی رفع آن توضیح داده شود).

در پایان رفقا و دوستان کارگر، ما باید دقت کنیم طبقه کارگر ایران بدون آگاهی و تشکلهای پایدار طبقاتی سیاسی - صنفی خود حتی با وقوع انقلاب عظیمی چون ۵۷ که نقش قلعه کوب اصلی را در آن بازی کرد و حتی ۱۶۰ شورای کنترل کارگری بعنوان پایه اداری اقتصادی - سیاسی کشور بوجود آورد اما در خلاء آگاهی و تشکل طبقاتی به آلت دست جناح های سرمایه داری تبدیل شده و از رسیدن به اهداف اساسی خود باز ماند، پس در جهت ایجاد تشکلهای پایدار حزب سیاسی و اتحادیه های سراسری باید امروز آستین ها را بالا زده با تمام قوا فعالیت کنیم، که فردا دیر است و آیندگان ما را نخواهند بخشید.

پیشنهاد دهندگان :

( با درود حیدر عمو اغلو و اسدالله غفار زاده )

۱۳۹۳/۴/۲۰





## در شرایط مبارزات سیاسی

از بدو مبارزات سیاسی در تمامی سازمانها و گروههای سیاسی چه آنان که موفق به تشکیل حکومت شده اند و چه آنان که شکست خورده اند و چه آنها که در حال گذار برای رسیدن به یکی از موارد گفته شده بالا هستند. اشتراک و افتراق و نوآوری ها و موارد خاص بوده است. جمع بندی نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل گذشته و دست یابی به تحلیل مشخص از شرایط مشخص در نقطه عطف لازم برای شرایط موجود، بهترین راهکار برای پیشبرد اهداف سازمانها و به طبع حفظ اعضا از هر گونه آسیب های احتمالی می باشد. که منجر به ادامه و پیگیری مداوم مبارزات می باشد، و انقطاع در این امر مهم ( روند عمل، نقد و بررسی آن و بازخورد نتیجه در ادامه یا تکرار عمل فعلی و یا در اعمال آتی) را از بین میبرد. چراکه در صورت انقطاع یا شکست، ملزم به تکرار تجربیات دیگر سازمانها خواهد شد. منتها در این بین در چه زمانی چه راهکارهایی اتخاذ شود که مفیدتر و مؤثرتر باشند خیلی حائز اهمیت میباشد. این ضرورت پرداختن به موضوع (دقت قبل و در حین عمل و نقد و بررسی در حین و بعد از عمل) را بیشتر می کند. بخصوص که بعضی از اعضا و فعالین سیاسی در سازمانها و گروهها و کمیته ها این مسائل و پرداختن به آن را سطحی گرفته و رعایت نمی کنند. دیده شده است که در کمیته ای خاص در مورد کلیه سیاست ها و استراتژیها و راهکارهای خاص آن کمیته به شکل علنی و با بیان موارد فاش کننده جزئیات امنیتی نه تنها بحث میشود بلکه در جریان امور دیگر بخشها نیز قرار میگیرند (یعنی عدم تسری اطلاعات رعایت نمی شود) و این موضوع میتواند خطر آفرین باشد. در حالی که هر کمیته و اعضای آن نسبت به مسئولیت خود اطلاعات لازم را باید داشته باشد. نه کمتر نه بیشتر. پس در این مرحله میشود نتیجه گرفت شرایط و نوع مبارزات سیاسی دو گونه خواهد بود راهکارها و مسائل عمومی که همه باید رعایت کنند و روش های مبارزه خاص درون گروهی و مخفی کاریهای لازم با در نظر گرفتن توضیحات بالا. دیسپلین لازم در این مورد باید توسط فرد و جمع تواما» انجام شود. و رعایت نکردن موارد ایمنی توسط فرد با فرض اینکه برای من خطری حس نمی شود برداشت فردی بوده و چه بسا در زمان خود استارتی برای ضربه به کمیته ها و یا فرد (همرزم) دیگری خواهد شد. دیده شده که افرادی برای نشان دادن جسارت خود به این امر، توجهی ندارند (بدون شک جسارت لازم است اما جسارت باید توأم با دقت و اصول و درایت باشد) ولی جسارت بدون توجه به اصول و برنامه یا در هر زمان آفتی برای رعایت نکردن دیگر اعضا و رودربایستی دیگر اعضا (که بعضا» جسارت بی مورد باعث رقابت نا سالم و شکننده اصول امنیتی و به خود نمایی تبدیل) خواهد شد. برای مقابله با این آفت تشویق و تنبیه تشکیلاتی می تواند در این مورد مؤثر بوده و اهمیت موضوع را برای اعضا مشخص نماید.

لازم به ذکر می باشد: تبیین و تدوین آنچه می اندیشیم و معتقد به آن هستیم و بست و گسترش آن و ایجاد روابط برای جذب نیروهای جدید و تبلیغات بیشتر برای اینکار با رعایت ضوابط لازم ثمر بخش خواهد بود.

با توجه به شرایط سخت پیش آمده در داخل ایران و ضرورت داشتن فعالیت بصورت مخفی و ایجاد هسته های فعال مخفی مواردی باید رعایت شود.

۱ - حداقل امکان نفراتی که قبلا فعالیت علنی انجام دادند و شناخته شده هستند در هسته های مخفی جدید عضو نگردند تا هسته به واسطه آنها شناخته نشود و لو نرود.

۲ - هر هسته مخفی با توجه به نفرات خود، تعداد عضو، نوع فعالیت، چگونگی فعالیت و آموزش، ارتباط با دیگر هسته های مربوطه، مشارکت در فعالیت های گروهی و هم سو با سازمان شرایط خاص ایمنی را حتما باید رعایت کنند. ۳ - هر هسته مخفی با توجه به قدمت خود و نفرات تشکیل دهنده و وظایف خود تا اندازه لازم که سازمان تشخیص می دهد در فعالیت های اجرایی که احتمال لو رفتن وجود دارد، شرکت خواهد کرد. و از عملیات خود سرانه حتما باید جلوگیری شود بخصوص که تقریبا کل ایران زیر نظر دوربین های مدار بسته قرار دارد و یا تمام تلفن همراه ها شنود می شود و خط تمام نفرات فعال شناخته شده کاملا ضبط میشود و حساسیت در روزهای خاص بیشتر شده و کاملا پیگیر تمام جلسات و میتینگها و قرارها را زیر نظر دارند. منتهی هیچ گاه مستقیم سریع عمل نمی کنند، با ذخیره و آرشیو شنودها در پی یافتن کل تشکیلات و نفرات مخفی فعال و سازمانده اصلی در تشکیلات هستند که در نهایت می تواند منجر به دستگیری و ارایه همه مدارک در دادگاه برای دادن حکم های سنگین زندان برای فعالان شوند، بنابراین رعایت اینکه هیچ گونه مدارک به دست دشمن داده نشود یا تا جائیکه ممکن است کمترین مدرک داده شود تا در صورت احتمال دستگیری بتوان ضربه و حکم ها را هر چه کمتر نمود.

۴ - رفع نیازهای تئوری درون گروهی و آموزش های لازم منجمله استفاده از دنیای مجازی و طریقه ارتباط گیری و استفاده از آموزش های گروهی برای هسته ها ضروری می باشد و همه اعضا پایه کاملا بروز بوده و آخرین اطلاعات مجازی ارتباط گیری را آموزش دیده باشند. (یکی از مهمترین اصول پایه ای حفظ تشکیلات انقلابی و ادامه آن در روند انقلابی گری و جلوگیری از در غلطیدن تشکیلات به مسیر رفرمیستی، اپورتونیستی و سازشکاری و دیگر انحرافات آموزش در کل تشکیلات به شکلی که در درون هر کدام از هسته ها ضمن داشتن آموزش در رابطه با پراتیک خاص خودش، باید دارای آموزش عمومی اصول سازمانی و تئوریک بخصوص از زاویه کار کمونیستی باشد و در همین حین باید آموزش پیوسته، دائمی همراه و متکامل شده بر مبنا و انطباق یافته با علوم روز و همچنین در جهت صد در صد مخالفت با روند آموزش عمومی و جاری در اجتماعی که بر مبنای نیازهای پایه سرمایه داری در جریان است باشد. این موضوعی نبود آموزش در تشکیلاتها) است که نبودش در تشکیلات های موجود امروزی باعث گردیده تمامی احزاب و سازمانهای موجود جدا از نام و نشان شان همگی تحت تأثیر روند آموزشی عمومی جاری در جامعه، که سرمایه داری است در مسیر چسبیدن و زائده سرمایه داری شدن در حرکت باشند. برای در نه غلطیدن به سمت سرمایه داری تمامی اعضا از زیر عضویت تا نهایی ترین رتبه عضویت، بطور دائمی و پیوسته باید در درون هسته ها و کمیته ها تحت آموزش همه جانبه قرار داشته باشند.)

۵ - ارتباط هسته ها و ترکیب آنها در موارد لازم توسط هسته مرکزی خواهد بود و با توجه به خصوصیات هر هسته و نوع فعالیت آنها راهکارهای آموزشی و ارتباطی متغییر و متنوع خواهد بود تا ضریب لو رفتن هسته های دیگر بواسطه هسته های دیگر کمتر گردد.

۶ - داشتن تفکری که خطری حس نمی شود و ما همه موارد را رعایت می کنیم، دلیل بر این نباشد که هیچ اشتباهی رخ نخواهد داد و آنچنان که قبلا توضیح داده شد سر نخ های بدست آمده توسط رژیم هیچگاه بلافاصله استفاده نمی شود و آنها تجربه ۴۰ سال سرکوب و دستگیری و رد یابی را دارند و با توجه به امکانات خیلی سطح بالایی که دارند، همیشه ممکن است با استفاده از کوچک ترین سرخ، حتی کوچکترین سرخ احتمالی، نیروهای فعال سیاسی را تحت نظر خواهند داشت، توجه داشته باشیم که آنها دنبال نفر نیستند بلکه روابط را می خواهند، ( بنا براین ماموران به محض کسب سر نخ از یک نفر اقدام به دستگیری آن فرد نمی کنند بلکه از طریق تحت مراقبت و تعقیب قرار دادن آن یک نفر بقیه روابط را کشف می کنند) و در نهایت ضربه اصلی به نفرات مؤثر را می زنند، چرا که اخیرا فقط

رده های بالای فعالان سیاسی را دستگیر و اعضای پائین تر را برای تور دستگیرهای بعدی زیر نظر دارند یا قرار می دهند. با توجه به این توضیحات بالا اعضای هسته ها ضمن اینکه همیشه موارد امنیتی را بکار می بندند، باید این احتمال را بدهند که باز هم ممکن است سر نخ از او یا یکی دیگر از رفقا به دست پلیس افتاده باشد، بنا براین باید دائماً خود را چک کنند و به محض مشاهده یا احساس شبه ای دقت و موارد پیش گیری نسبت به قبل را هر چه ممکن است افزایش داده و بکار ببندند.

۷ - نفرات انتخاب شده برای هسته های مخفی با درایت و دقت نظر بیشتری انتخاب شوند و به بعد از کسب مشخصات و اطلاعات لازم اقدام به جذب نیروهای جدید انجام گیرد تا از وارد شدن نفوذیها در هسته های مخفی جلو گیری گردد.

۸ - تشکل های زرد در نوع فعالیت خود که کاملاً «هماهنگ با دولت می باشند سعی در رخنه در بین نیروهای سیاسی و تشکیلات های غیر دولتی می باشند. بهترین زمان تاکنون استفاده شده روز کارگر می باشد. به کرات دید ه شده که در ایام نزدیک اول ماه می، نیروهای جوان تشکیلات های تازه تأسیس و یا آنهائیکه می خواهند ابراز وجود کنند اقدام به دادن فراخوان یا شرکت در میتینگ ها و راهپیمایی های خیابانی می کنند، که صد البته هیچ گاه بطور کامل انجام نمی گیرد. منتها محل خوبی برای فیلم برداری و شناسایی دیگر نیروها خواهد بود.

۹ - بعضاً و در تاریخ به کرات دیده شده دولت (پلیس) برای رو آمدن و شناسایی نیروهای تازه نفس و دستگیری و سپس تطمیع آنها برای همکاری حتی امور صنفی را بهانه قرار داده و توسط یکی از نیروهای قوی و نفوذی خود شروع به فعالیت شدید و عام پسند می کند (و گاهی تشکل و تشکیلاتی می سازد) یعنی تور می گستراند، و با پیوستن نفرات جدید و زیاد تر شدن و درخواست های جدی تر و مهمتر و جذب نفرات زبده و خام بعد از رسیدن به اهداف امنیتی خود (تور را جمع می کند) اقدام به دستگیری گروهی و سپس آزاد کردن نفر نفوذی خود برای عملیات بعدی در جای دیگر را تا کنون داشته و باز هم خواهد داشت.

- نمونه بارز دیگر در شروع سال تحصیلی در دانشگاه ها بهترین فرصت برای شناسایی دانشجویان جدید می باشد که منجر به دستگیری آنان خواهد شد.

- دولت برای پاشیدن و در هم ریختن تشکل های غیر دولتی با توجه به بافت آنها حرکت های متفاوتی دارد مثلاً در مورد کارگران اقدام به ثبت نام برای بیمه کرده و با دادن امتیازهایی که حق مسلم همه کارگران هست به ثبت نام کنندگان در انجمن خودشان ایجاد اختلاف بین کارگران نموده و چند دستگی ایجاد می کنند ، سپس توسط نیروهای جذب شده آمار و مشخصات دیگر نفرات را بدست می آورد. ضمن اینکه فعالین انقلابی در هسته ها باید با چنین ترفند های دولت مقابله کنند و با دقت کارگران را به همبستگی دعوت نمایند ، آمادگی کامل و فعالیت دقیق و با رعایت کامل موارد امنیتی هسته های مخفی ، ترس در نیروهای دولتی به دلیل عدم شناسایی نیروهای فعال سیاسی را در پی خواهد داشت که این موضوع باعث می گردد وظیفه اعضا به شکل فردی و جمعی در جهت رعایت اصول مخفی کاری هر روز سنگین تر و ضروری تر از قبل گردد.

- برای رعایت تمام و کمال موارد امنیتی در فعالیت های هسته های مخفی به ذهن اعضا این چنین خواهد بود که فعالیت خیلی سخت و خطر ناک می باشد ، ضمن اینکه بله این چنین هست و خواهد بود، و بدون شک در جنگ طبقاتی نمی توان دنبال مبارزه سهل و آسان و به شکل تفریحی بود ، اگر قبول داریم که این یک جنگ است، جنگ طبقاتی است بنا براین قبول داریم که در این جنگ منطق بکش تا زنده بمانی مطرح است در نتیجه هر طبقه ای که بهتر و دقیقتر خودش را برای مبارزه و جنگ سازماندهی کرده باشد پیروزی را کسب خواهد کرد با توجه به این موضوع ما فعالین کمونیستی و کارگری اگر می خواهیم طبقه کارگر انقلاب کرده خود و بشریت را از شر نظام سرمایه داری رها کند راهی غیر از مبارزه و شکست دادن سرمایه داری نداریم و برای انجام این عمل یکی از ابزار های طبقه کارگر هسته های مخفی انقلابی است که شرایط مبارزه اش را در بالا گفتیم و می دانیم که سرمایه داری از هسته های مخفی که بتوانند اصولی مبارزه کنند به شدت می ترسد. به هر جهت بعد از تحمل سختی ها ، شیرینی آن که

در به ثمر رسیدن اهداف کوتاه مدت و بلند مدت خواهد بود. بیشتر به چشم خواهد آمد.

- بخصوص در زمان جذب نیرو که باید صحبت شود که در این راه دستگیری احتمالی و سختیهای خواهد بود بنا براین آموزش مداوم و پیگیری در اولویت خواهد بود. و با به ثمر رسیدن هسته های اولیه مؤفق به داشتن هسته های قویتر برای آموزش های بعدی و همانند سازی نیروها برای جذب و آموزش حرفه ای تر، برای داشتن نیرو های زنده فعال سیاسی را در پی خواهد داشت. و ادامه آن می تواند نوید بخش داشتن یک تشکیلات قوی با انسجام لازم برای همکاری با دیگر نیرو های فعال سیاسی باشد.

برای انتقال برخی تجربه ها بیان خاطرات می تواند ثمر بخش باشد :

سال ۶۰ اوج دستگیری ها بود نیروهای بسیجی، کمیته ها و سپاه پاسداران، انجمن های اسلامی و ... با تمام قوا در اقدام به دستگیری نیروهای فعال بودند، چند روزی بود که متوجه شدم در منطقه زندگی خودم که وارد می شوم تحت کنترل نیروهای بسیج محله هستم . با صرف انرژی زیاد بسیجی ها موفق به شناسایی کوچه ما شده بودند چاره ای نداشتم جز اینکه در لحظه کلید انداختن به درب خانه خودمان درب بغلی را انتخاب کنم تا نیروهای بسیجی مرا در حال باز کردن درب همسایه ببینند و سپس از سر کوچه رد شوند که بلا فاصله من در خودمان را باز کرده و سریعاً داخل رفتم ، شب در طبقه دوم به حالت نیمه خواب بودم که صدای بسته شدن درب های ماشین مرا بیدار کرد، بلا فاصله از پنجره آشپز خانه طبقه بالا کوچه را زیر نظر گرفتم که مشاهده کردم ۵ نیروی بسیجی، یا پاسدار مسلح برای دستگیری آمده اند ، بلافاصله تمام کتابها و مدارک را جمع نمودم ، طبق گزارش آنها ابتدا در همسایه را زدند و با پی بردن به اشتباهشان زنگ خانه ما را به صدا در آوردند در این فرصت ایجاد شده من به پشت بام همسایه پریدم و چون احتمال داشت نگرهبانی در کوچه بعدی گذاشته باشند. تا روشن شدن هوا و مطمئن شدن از اینکه بسیجیان و پاسداران خانه و کوچه را ترک کردند، در پشت بام ماندم ، و بعد از اقدام به پریدن به کوچه جلو تر و ترک محل کردم. و از آن روز به بعد زندگی مخفی من شروع شد . پوشیدن لباس های مبدل و بیشتر کارگری پوشش خوبی برای گریز از دید بسیجیان و دیگر پاسداران و ماموران بود. اجرای قرار ملاقات ها در مناطق امن انجام می شد و کاملاً مسائل امنیتی رعایت می شد یک روز با جدا شدن از نفری که ملاقات کردم ماشین نیروی انتظامی را دیدم که فردی را که ملاقات کرده و سپس از هم جدا شده ایم را به همدیگر نشان می دهند و پوزخند می زنند. متوجه مسئله بزرگی بودم که این فرد با نیروهای دولتی همکاری می کند ، که بلافاصله رابطه خود را با وی قطع کردم و به اطلاع دوستان دیگر رساندم . بعد ها اطلاع پیدا کردیم که فرد همکاری کننده با نیرو های دولتی نفرات زیادی را لو داده و منجر به دستگیری شان شده است . مسلماً هر شخصی نسبت به خودش و خانواده و چگونگی بزرگ و تربیت شدنش در برابر مشکلات با درجات متفاوتی مقاومت و دقت و رعایت اصول سازماندهی می کند بنا براین مهمترین زمان برای ما نقطه و زمان جذب نیرو برای هسته ها است که باید در هنگام جذب و تعیین عضویت در نوع هسته به خصوصیات و نوع تربیت افراد توجه خاصی داشته باشیم، گاهی در اثر جذب نیروهای سست عنصر وضعیت و یا سرعت در جذب نیرو و بر اثر کاهش نظارت بر چگونگی جذب نیروهای جدید در آینده ضربات سختی را به نفرات دیگر و تشکیلات خواهد زد، و این ضربات جبران ناپذیر خواهند بود، بنا براین هنگام جذب نیرو و تعیین هم‌رزم مهمترین قدم و زمان سرنوشت ساز است.

به یاد آنان که رفتند به امید اینکه ما راهشان را ادامه خواهیم داد و تنها راه ادامه راه آنان آگاهی دادن به توده های کارگری و سازمان یابی خود و سازماندهی نیروهای فعال انقلابی خواهد بود.

## کمونیست به زبان ساده :

ما کمونیست ها چه می خواهیم ؟  
و چه چیز های نمی خواهیم ؟  
و برای دست یابی به خواسته ها و نابودی مواردی که نمی خواهیم به چه نوع مبارزاتی اعتقاد داریم؟

### الف - مواردی که نیستند، اما ما می خواهیم بر قرار شوند.

هر چیزی که برای انسانها خوب باشد ، ما می خواهیم از جمله :

- ۱- هر چیزی که زندگی را برای همه انسانها برابر، آسان، لذت بخش و راحت و دوست داشتنی کند.
- ۲- و انسانها را به سمت دوستی و عشق ورزیدن به همدیگر و اجتماع و برقراری رقابت های سالم و انسانی و رشد دهنده احساسات پاک و محبت امیز بکشاند،
- ۳- همراه با آرامش و صلح، کمک به رشد و شکوفایی فردی و اجتماعی، آزادی ، کسب خواسته های انسانی و حفظ و کسب سلامتی جسمی و روحی فرد و جمع برساند،
- ۴- استفاده از کار بعنوان لذت بردن از آن و تولید مایحتاج مورد نیاز هموعان ،
- ۵- برقراری سیستم استفاده رایگان از تمام سطوح آموزشی آکادمیک و در گستره ی اجتماعی تا هر سطحی که افراد جامعه مایل به ادامه باشند.
- ۶- و استفاده همگان از بهداشت و درمان رایگان ،
- ۷- برقراری برابری کامل میان زن و مرد،
- ۸- استفاده رایگان و برابر همه انسانها از خدمات اجتماعی موجود و رشد و کسب خدمات اجتماعی مورد نیاز فردی و جمعی انسانها که هنوز در دسترس نداریم،
- ۹ - ارایه خدمات کامل به افرادی که نیاز بیشتری به دریافت خدمات دارند به عنوان حق انکار ناپذیر آنها نه بعنوان لطف و مرحمت ،
- ۱۰- پرورش استعدادهای مثبت فردی و اجتماعی همه انسانها در تمامی سنین ،
- ۱۱- ارایه کار مناسب برای همه ای افراد اماده بکار، در صورت عدم امکان ارایه کار، تامین کامل زندگی همه تا امکان ارایه کار مناسب ،
- ۱۲- لغو کامل کار کودک و نابودی هر گونه سیستمی که باعث تولید و باز تولید کودکان و زنان خیابانی می شوند ،
- ۱۳- تامین مسکن مناسب و هر روز روبه بهبود آن برای همه آحاد اجتماع ،
- ۱۴- مبارزه با ریشه های اجتماعی اعتیاد و نجات معتادان موجود.
- ۱۵- خواندن و نوشتن به زبان مادری و یا هر زبانی که خود افراد می خواهند باید کاملاً « آزاد باشد.
- ۱۶- آنچه در بالا بیان شد و مواردی که برای زندگی فردی و اجتماعی انسانها لازم و یا کمک می کنند نیاز های فوق را به ارمغان بیاورد در اینجا بیان نشده اند یا نیاز های که خواست گاه زمان و تاریخ خاصی دارند و در آینده به عنوان

نیاز روز مطرح خواهند شد همه را ما می خواهیم، و برای کسب آنها با تمام وجود و به صورت اصولی و علمی و فداکارانه مبارزه می کنیم.

ب - مواردی که اکنون موجود هستند، اما ما می خواهیم نباشند.

- ۱- هر چیزی که انسانها را به سختی باندازد،
- ۲- استثمار انسان از انسان ،
- ۳- فلاکت و فقر ،
- ۴- دشمنی و جنگ ، و دشمنی با یک دیگر ،
- ۵- رقابت های ناسالم و پراکندگی و تفرقه در طبقه کارگر
- ۶- سوق دادن جوامع به شوونیسم و ناسیونالیسم،
- ۷- رقابت های ضد انسانی ،
- ۸- نادانی و جهل و ارتجاع،
- ۹- رشد جرایم ،
- ۱۰- گرفتاری در بیماری های جسمی و روحی به شکل فردی و اجتماعی
- ۱۱- نابودی محیط زیست
- ۱۲- از خود بیگانگی و فیتی شیسم
- ۱۳- رشد هر روز بیشتر از قبل فرد گرایی
- ۱۴- تولید عمدی بیماری های مسری
- ۱۵- وابسته شدن انسانها به مصرف گرایی غیر ضروری
- ۱۶- گرفتاری در چنگال انحصار گرایی و انحصار طلبی
- ۱۷- بیکاری ، فحشا، فقر، اعتیاد، کودکان کار و خیابان ، گرسنگی ، بی خانمانی و حاشیه نشینی و محرومیت از تحصیل ، محرومیت از بهداشت و درمان و ...
- ۱۸- حذف و سرنگونی حکومت های دینی ،
- ۱۹- زندانی ، تعقیب و محاکمه مبارزین باید ممنوع شود و زندانها باید بر چیده شوند.
- ۲۰- و دیگر مشکلات که هر روز تولید و باز تولید می شوند، ما کمونیست ها با این معضلات مخالف بوده و برای حذف آنها از جامعه نبرد و ستیز می کنیم ،

ج - کارهای که برای کسب موارد بند الف و لغو موارد بند ب باید انجام بدهیم.

ما کمونیست ها اعتقاد داریم و می دانیم برای رسیدن به خواسته های خود که نیازهای اجتناب نا پذیر فردی و اجتماعی بشریت هستند، و برای جلو گیری از مشکلات بیان شده که موانع بر قراری زندگی انسانی و اجتماعی و فردی مورد نیاز انسانها هستند، را تنها از طریق نابودی ساختارها و مناسبات طبقاتی حاکم بر جوامع بشری کنونی می توانیم موفق به کسب و برقراری جامعه مورد نیاز انسانها شده و رشد و شکوفایی لازم را در یک اجتماع سالم که تامین کننده نیازهای فردی و جمعی انسانها باشد کسب کنیم . برای چنین هدفی باید موارد زیر را انجام دهیم :

- ۱- مالکیت باید اجتماعی شود و استفاده از حاصل مالکیت اجتماعی برای تمامی آحاد مردم بر مبنای نیاز شان و با اصول تصمیمات اجتماعی برنامه ریزی شود.
- ۲- تولید کاملاً اجتماعی شود و هر فردی از اجتماع بر مبنای تواناییهایش در روند تولید شرکت برنامه ریزی شده داشته باشد.

۳- باید با برنامه ریزی متمرکز به تولید انبوه دست بیایم،

۴- توزیع و استفاده اجتماعی برابر از کلیه نعمات موجود با توجه به نیاز مندی های افراد جامعه با برنامه ریزی متمرکز با توجه به اصل تامین همه نیازهای همه انسانهای .

۵- مبارزه برنامه ریزی شده و متمرکز برای بر چیدن مالکیت خصوصی و بر قراری مالکیت اجتماعی.

۶- مبارزه برنامه ریزی شده و متمرکز برای بر چیدن نظام مزدوری.

۷- مبارزه برنامه ریزی شده و متمرکز برای بر چیدن نظام طبقاتی.

۸- مبارزه برنامه ریزی شده و متمرکز برای راندن هر گونه حکومت به سمت زوال .

۹- مبارزه برنامه ریزی شده و متمرکز برای بر چیدن هرگونه مرز اعم از خاکی و جغرافیایی، مذهبی و اعتقادی، قبلیه ای و ناسیونالیستی و نژادی، ... که باعث ایجاد جدایی انسانها و اجتماعات می شوند.

۱۰- مبارزه برنامه ریزی شده و متمرکز برای بر چیدن هر گونه تبعیض بخصوص تبعیض جنسیتی.

۱۱- ما می گویم انسانها آزادند هر جای که می خواهند زندگی کنند، به هر جایی از کره زمین مایلند سفر کنند، در هر جایی که می خواهند کار کنند و هر اندیشه ای که می خواهند داشته باشند و هیچ کس حق ندارد خواسته خود در هر موردی به دیگری تحمیل کند.

۱۲- ما کمونیست ها برای کسب و رسیدن به چنین خواسته های ( بند الف) به مبارزه متشکل در تشکل های سراسری کارگران و زحمتکشان و حزب انقلابی طبقه کارگر(حزب کمونیست واقعی) اعتقاد داریم که باید کمونیست ها که آگاهترین بخش طبقه کارگر هستند، و وظیفه دارند کارگران و زحمتکشان را برای انقلاب و سرنگونی سیادت سیاسی سرمایه داری و بر قراری حکومت سوسیالیستی کارگری آماده کنند، تا موارد گفته شده در بند الف را ممکن نمایند. چون اعتقاد داریم تنها طبقه کارگر می تواند با رهبری کردن بقیه نیروهای معترض به سرمایه داری، انقلاب کرده هم خود را رها کند و هم کل بشریت را از نظام سرمایه داری و در کل از نظام طبقاتی نجات بدهد، که این همان خود رهایی طبقه کارگر محسوب می گردد، اما این خود رهایی بدون آماده نمودن طبقه کارگر توسط کمونیست ها ( که در اول مانیفست کمونیست نیز بیان شده است) که البته کمونیست ها بخشی از طبقه هستند، هرگز تا کنون خود به خود اتفاق نیافتاده و از این به پس هرگز خود به خود اتفاق نخواهد افتاد، درسته که، تنها طبقه کارگر است که نیروی بالقوه و برنامه حکومتی آترناتیو در مقابل برنامه حکومتی سرمایه داری دارد و دیگر هیچ نیروی و یا طبقه ای چنین حسنی را ندارد و نیروی پتاسل انقلابی نهفته (نیروی بالقوه) در طبقه کارگرامکان آزاد سازی خود و کل بشریت را به دست خود دارد، اما این نیروی بالقوه (نهفته) و برنامه حکومتی آترناتیو در مقابل برنامه حکومتی سرمایه داری، تنها به وسیله بخشی از طبقه که آگاهترین بخش طبقه کارگر است یعنی کمونیستها می تواند از نیروی بالقوه به نیروی بالفعل تبدیل شود. ( البته این عمل یک نقطه عطف نیست بلکه به شکل یک روند و پروسه به هم پیوسته تا نهایت تداوم داراست با توجه به اینکه کمونیست ها بخشی از طبقه و دقیقا» بر خواسته از خود طبقه هستند.) پس از آن طبقه کارگر می تواند وظیفه تاریخی خود را یعنی سرنگونی انقلابی سرمایه داری و بر قراری حکومت انقلابی سوسیالیستی کارگری را بر قرار و حاکمیت طبقاتی خود را با اعمال قدرت طبقاتی از طریق نهاد های کارگری خودش ( همه ای ابزاری های مبارزاتی طبقاتی کارگری) تا بر قراری جامعه بی طبقه کمونیستی ادامه بدهد، بنا براین برای رسیدن به اهداف انسانی خود در بند الف و برای لغو و از بین بردن موارد و معضلات گفته شده در بند ب باید اقدام به مبارزه سازمان یافته برای حذف و پیش رفت در موارد بند ج کرده و با هر درجه ای از پیش رفت در بند ج متناسب با آن می توان موارد بند ب را کم کرده و موارد بند الف را بیشتر کسب کرد. موارد بند ج ریشه های ساختاری نا برابری و ظلم و ستم طبقاتی هستند، که باعث تولید و باز تولید موارد بند ب و جلوگیری از بر قراری موارد بند الف می شوند، بنا براین برای از بین بردن موارد بند ب و بر قراری موارد بند الف باید تیشه به ریشه موارد بند ج بزنیم. میزان موجودیت و یا میزان عدم موجودیت موارد بند الف متناسب و معکوس با موارد بند ب هستند.

بابک شفق:

## وظایف کمونیست‌ها در جنبش کارگری

صحبت‌های تراب ثالث در منترال کانادا ۲۰۱۶

تیتر صحبت من هست وظایف کمونیست‌ها در جنبش کارگری. و من می‌خواهم در این رابطه با شما صحبت کنم. بنظر من کمونیست، مطابق تعریفی که من از مارکس یاد گرفته‌ام بخش آگاه طبقه کارگر است و چیز عجیب و غریبی نیست. آن بخشی از طبقه کارگر هست که به آینده مبارزه طبقه کارگر و نتایجی که این مبارزه خواهد داشت آشنایی دارد. حالا این بخش آگاه طبقه کارگر رابطه‌اش با کل طبقه چی است؟ مطابق تعریفی که از مارکس داریم در واقع چهره واقعی طبقه را به خود طبقه نشان می‌دهد. بنابراین بخشی از طبقه کارگر است که وظایفش را از وضعیت طبقه کارگر استخراج می‌کند و نمی‌تواند از خودش استخراج کند. شما باید شرایط جنبش کارگری را بسنجی و بر این اساس ببینی که چه وظایفی به شما می‌دهد. ما این وظایف را از وضعیت جنبش کارگری می‌گیریم.

زمانی که به جنبش کارگری ده بیست سی سال پیش نگاه می‌کنیم می‌بینیم که وضعیت متفاوتی پیدا کرده است و سه عامل مشخصی این تفاوت را معین می‌کنند. یکی وضعیت بحرانی اقتصادی، اجتماعی ایران است که بطور مداوم دارد شدت می‌گیرد و بعد از این تحریم‌ها بطور ویژه وارد فاز بحران‌زایش شده است و دیروز در سخنانم اشاره کردم که واقعاً پدیده‌ی عجیبی است که تهیدستان شهری در عرض این سی چهار سال دوبرابر شده‌اند که مطابق آمارهای خود دولتی و سازمان برنامه شاید الان چیزی در حدود ۱۳ میلیون نفر حلبی نشین باشند در صورتی که در زمان شاه بیش از ۶-۷ میلیون نفر نبوده‌اند. یعنی حتی این لایه‌ی رانده شده بقول زمان شاه این مردم خارج از محدوده اکنون دوبرابر شده است و این یکی از عوامل مهم است. خوب یک چنین عاملی همیشه شرایط را برای زد و خوردهای بزرگ طبقاتی آماده می‌کند چونکه جامعه انفجار پذیر شده است.

عامل دومی اینکه علاوه بر این سرکوب‌های شدید و این رژیم دیکتاتوری آخوندی که در واقع یک رژیم شبه فاشیستی در شکل مذهبی است، در یک چنین شرایطی که دولت دارد سرکوب می‌کند می‌بینیم که میزان رزمندگی طبقه کارگر بالا رفته است و در این ۶-۵ سال اخیر موج مبارزات کارگری خیلی بالا رفته است. بنابراین و در یک چنین افزایش حجم مبارزه طبقاتی، یک پدیده سومی هم شکل گرفته است. در واقع عامل سوم هم این است که



برای اولین بار شما می‌بینید که طبقه کارگر از درون خودش تلاش می‌کند که مبارزاتش را بهم ربط بدهد و کمیته های کارگری سعی می‌کنند که باهم بیانیه بدهند و باهم امضا بکنند و اتحادیه، سندیکاهاى موجود سعی می‌کنند که با هم اقدام به مبارزه بکنند و در درون طبقه کارگر بحث‌های زیادی حول اینکه چرا ما یک جنبش سراسری لازم داریم راه افتاده است و می‌گویند یک تشکل سراسری لازم داریم که بتواند صدای واحدی را در سطح سراسری مطرح بکند. حتی جنبه دوم این تشکل یابی نیز از دل خود طبقه کارگر بیرون آمده است که آنهم مسأله ای است که رفیق قبلی مان اشاره کرد که همان مسأله ضرورت حزب انقلابی است. آگاهی به این ضرورت از تأثیر من و شما بیرون نیامده است بلکه از دل مبارزات خود طبقه بیرون آمده است و نمونه برجسته اش شاهرخ زمانی و بحث‌هایی هست که او در جنبش کارگری راه انداخته بود.

خوب ما از همین وضعیت شروع می‌کنیم که در قبال یک چنین شرایطی وظایف ما کمونیست‌ها چه می‌باشند. و ما چه کارهایی را می‌توانیم انجام بدهیم. همانطوری که رفیق قبلی ما گفت، حزب طبقه کارگر که بتواند این وظایف را انجام بدهد از نظر ما در واقع حزب بخش آگاه طبقه کارگر است. این بخش آگاه طبقه کارگر یعنی چه؟ یعنی تلفیقی است از پیشگامان کارگری با یک برنامه سوسیالیستی. موضوع چیز پیچیده‌ای نیست و بهمین سادگی است. حالا این پیشگام در چه وضعیتی است و این برنامه سوسیالیستی کجا است که یک تلفیقی بتواند از این دو شکل بگیرد؟ خوب پیشگام همیشه هست و بالاخره همیشه یک لایه‌ای از طبقه آگاه تر از بقیه است. پیشگام از دید من آن لایه‌ای است که حلقه اصلی مبارزه هر دوره را فهمیده باشد و به همین لحاظ هم هست که پیشگام است. یعنی بنابه تجربه می‌فهمد که الآن باید این قدم را بردارد. مثلاً امروز آن بخشی از طبقه کارگر که ضرورت تشکل سراسری را دریافته است همین پیشگام طبقه می‌باشد، و آن بخشی از طبقه که فهمیده است که همبستگی و اتحاد کارگری باید گسترش یابد همین پیشگام طبقه است و چیز پیچیده‌ای نیست. مثلاً در جنگ جهانی اول پیشگام طبقه فهمیده بود که طبقه کارگر ضد جنگ است و می‌دانست که در آن شرایط حلقه اصلی مبارزه سازمان دادن خود علیه جنگ است. و باید به برنامه سوسیالیستی مسلح بشود.

خوب حالا اگر این پیشگام کوچک باشد و این برنامه سوسیالیستی هم ناقص تدوین و تنظیم بشود آنوقت این تلفیق و پیوند هم به جایی نمی‌رسد و مؤثر واقع نمی‌شود. بنابراین هم باید پیشگام را بزرگ‌تر و گسترده‌تر کرد و هم باید برنامه سوسیالیستی را مشخص تر و دقیق‌تر و جامع‌تر تدوین کرد. پس وظیفه ما بطور ساده این هست که بین پیشگام و برنامه سوسیالیستی تلفیقی صورت گیرد. بنابراین در دور آینده ما باید ببینیم که چه کارهایی می‌توانیم بکنیم و چه کمک‌هایی از دست تک تک ما بر می‌آید برای اینکه اولاً بتوانیم پیشگام را گسترده‌تر بکنیم و دوم اینکه چه وظایفی را باید انجام بدهیم که بتوانیم مقدمات تدوین این برنامه سوسیالیستی را فراهم بکنیم.

بنظر ما حالا دو جور می‌توانیم این کار را انجام دهیم. یکی این هست که همان روشی را پیش بگیریم که خیلی‌ها دنبال کرده‌اند یعنی بنشینیم و در اصول و مرام‌ها و بر روی بندهای مشخص موضوع تعریف مان را از این مسائل به بحث بگذاریم و به توافق برسیم. این روش بنظر من زیاد روش مفیدی نخواهد بود بلکه روش مفیدتر این هست که براساس خواست های مبارزاتی طبقه کارگر، ببینیم که چه نوع همکاری‌هایی می‌توانیم داشته باشیم و آنوقت در ضمن این مبارزات هست که، هم می‌توانیم پیشگام را گسترش دهیم و هم برنامه سوسیالیستی را دقیق‌تر کنیم. یعنی ما اگر باهم مبارزه مشترک بکنیم هست که می‌توانیم بفهمیم که کی با کی موافق است، و چه کسی به چه سمتی می‌رود، و در چه جهتی می‌شود اتحاد را گسترده‌تر کرد.

بنابراین اینطور که نگاه کنیم وظایف را شمردیم. یکی سراسری کردن مبارزه است. در این رابطه ما باید کمک کنیم به طبقه کارگر. یعنی بجای اینکه مثلاً من و رفیق سیامک بنشینیم و بخواهیم که بر سر هر بند بند برنامه به توافق برسیم و بعد ببینیم که چکار می‌توانیم بکنیم، اول می‌بینیم که چه کارهایی می‌توانیم بکنیم و می‌فهمیم که از کجا

شروع کنیم و آنوقت در طول راه هم برنامه را ردیف می‌کنیم.

بطورکلی آنچه که من می‌فهمم این هست که برای مثال عمده ترین مسائلی که الآن مطرح هستند می‌بینیم کدامند. یکی از این مسائل دامن زدن به جنبش سراسری است و ما باید ببینیم چه کارهایی برای شکل گرفتن این کار می‌توانیم باهم انجام دهیم. خُب، جنبش سراسری دو جور می‌تواند شکل بگیرد. یکی از بالا و یکی از پایین، به این معنی که شکل‌ها بنشینند دور هم و از درون همان نیروهایی که در جنبش کارگری موجود هستند باهم توافق بکنند و یک تشکل سراسری را اعلام بکنند. بنابراین یک راهش این هست، ولی از آنجایی که این تشکل‌های فعلی به نسبت وضعیت طبقه کارگر کوچک هستند و توانایی پاسخگویی به این مسائل را ندارند، و منظورم این نیست که نباید این کارها را انجام بدهند بلکه این کار را به هر حال باید انجام بدهیم، لذا شاید به این روش از بالا، دامن زدن به جنبش سراسری آنچنان مؤثر نباشد.

روش دیگر هم این هست که سازماندهی این جنبش را از پایین شروع بکنیم و آنوقت این هر دو روش را یکجوری در خدمت همدیگر قرار دهیم. مثلاً این ماجرای حداقل دستمزد که مطرح شده است یک نمونه خوبی است برای شروع از پایین. ما می‌توانیم جنبش سراسری را حول همین حداقل دستمزد به راه اندازیم چراکه خواسته‌ای است که طبقه کارگر می‌فهمد و درک می‌کند و نقداً هم همه تشکل‌ها آمده‌اند و اظهار وجود کرده‌اند و روی این خواست مشخص اعلام موضع کرده‌اند. بنابراین یکی از این خواسته‌های مشخص همین حداقل دستمزد است و البته الزاماً هم می‌تواند این نباشد چراکه طبقه کارگر سری خواست‌های دیگری هم دارد که بسیار هم خواسته‌های عمومی هستند. مثلاً قانون کار، مثلاً حق بیمه، مثلاً بهداشت مجانی، مثلاً آموزش مجانی، مثلاً حق تشکل، مثلاً حق بیان. حالا من همین ۶ خواسته را بعنوان نمونه برداشتم و خیلی خواسته‌های روشن و بدیهی هستند و خواسته‌های عمومی‌اند و خواسته‌هایی هستند که شما در هر مبارزه‌ای می‌توانید این‌ها را ببینید. خوب حالا من نمی‌گویم الزاماً همین ۶ خواسته می‌باشند. می‌تواند مجموعه‌ای از این خواسته‌ها باشد و یا دو تا و یا سه تا و یا فقط یکی و هر چندتا از این‌ها که باشد می‌توان برداشت و بر اساس آن‌ها یک جنبش سراسری می‌شود از پایین شروع کرد و سازمان داد.

یعنی چه؟ و ما چه کارهایی در این رابطه می‌توانیم بکنیم؟ ما می‌توانیم بحث‌اش را دامن بزنیم، عقایدمان را و تجربیات مان را روی هم بریزیم و کمک کنیم که جنبش کارگری در داخل ببیند که به دور کدامیک از این خواست‌ها می‌تواند جمع بشود. ما چطور می‌توانیم بر اساس ارتباطاتی که داریم، برای راه افتادن این جنبش سراسری از پایین، به فعالین کارگری کمک کنیم تا همکاری بین آن‌ها حول این موضوع مشخص شکل بگیرد. خُب اگر کسانی که باهم موافقیم همین کار را شروع بکنیم آنوقت هم در طول راه این فعالیت و همکاری مان پیشگام طبقه کارگر گنده تر می‌شود، و هم می‌بینیم که اختلافات خود مان کنکرت تر می‌شود و آن ابعاد تصنعی که امروز دارد و از دل آن بیرون می‌آید روشن تر می‌شود. امروز ما بر اساس مسائل ایدئولوژیک اختلاف داریم. و باهم در می‌افتیم اما واقعیتش این هست که اغلب این اختلافات کنکرت نیستند بلکه اغلب برمی‌گردند به ۳۰ سال پیش و برمی‌گردند به اختلافات ایدئولوژیکی که یک کسی از آن سنت می‌آید و بنابراین این اختلافات حفظ می‌شوند در صورتی که در همکاری مبارزاتی است که اختلافات آدم‌ها همدیگر را می‌شناسند. آدم اگر این اختلافات ایدئولوژیک را کنار بزند و یک وظیفه اصلی را بردارد و دو سال و سه سال بر محور این وظایف مبارزه کنیم آنوقت دوستان و دشمنان مان را می‌توانیم پیدا کنیم. بنابراین از عقده‌ی من این یکی از کارها است.

کار دومی که می‌توانیم انجام دهیم این هست که اگر بخواهیم به مبارزات داخل کمک بکنیم می‌بینیم که یک سری وظایف مهمی هم در خارج کشور داریم آنهم سازمان دادن به یک جنبش همبستگی سراسری در خارج است و درواقع کاری که خیلی‌ها بارها سعی کرده‌ایم انجام بدهیم ولی امروز می‌بینیم که پراکنده انجام می‌گیرند و با اهداف پراکنده و با اصول و مرامنامه‌های متفاوت انجام می‌گیرند. بنظر من در همین خواست مشخص کمک

به شکل‌گیری جنبش سراسری و نیز ضرورت ایجاد یک همبستگی سراسری در خارج کشور است که هدف اصلی هم مشخص می‌شود و وظیفه اصلی نیز سریع‌تر مشخص می‌شود و می‌توان موارد همکاری‌ها را گسترده‌تر کرد. ما احتیاجی نداریم که نیروهای موجود را دور بزنیم بلکه نیروهای موجود و کسانی که به اهمیت این قضیه آگاه هستند می‌توانند همکاری‌ها را شروع کنند و آنوقت این بهبود همکاری کمک می‌کند که از شدت فرقه‌گرایی کمی کاسته شود و جنبش همبستگی خارج کشور شکل بگیرد. اما در وضعیتی که می‌بینیم که جنبش کارگری با تمام جنگندگی‌اش چگونه مبارزه می‌کند آنوقت بدون چنین کمکی دست چنین جنبشی بند است بطوری که چه از جنبه مالی‌اش و چه تبلیغاتی‌اش و چه جنبه تدارکات و لجستیکی و پشت جبهه‌ای‌اش به این کمک از خارج احتیاج دارد. بنابراین خود این جنبش همبستگی در خارج کشور، بین ما اهرم دومی می‌شود و نزدیکی‌های ما را می‌تواند گسترده‌تر کند و آنوقت می‌توانیم توافق‌ها و تفاوت‌هایمان را کنکرت‌تر و روشن‌تر بکنیم.

بنابراین خود اینهم کاری است که باید انجام داد، و من نمی‌گویم که کشف جدیدی است ولی معتقدم که حول دو یا سه یا چهار هدف مشخصی باید متمرکز شد و بدین صورت می‌توانیم در خارج کشور صدای داخل را بهتر منعکس بکنیم.. یکی، تبلیغات بهتر و دومی، صندوق کمک مالی و سومی شبکه همبستگی بین جنبش کارگری داخل ایران با طبقه بین‌المللی. یعنی کاری که ما تا بحال اصلاً انجام نداده‌ایم. بنابراین این‌ها کارهای مشخصی است که می‌توانیم بر روی برخی مسائل و نه الزاماً حول تمام مسائل باهم همکاری کنیم و اگر ما بر سر همین اصول ابتدایی توافق بکنیم آنوقت می‌توانیم خیلی کارهای دیگری هم بعدها انجام بدهیم.

سومی هم این هست که اگر ما می‌گوییم که می‌شود به شکل‌گیری حزب انقلابی در داخل ایران کمک کرد خوب این حزب انقلابی برنامه سوسیالیستی هم دارد لذا باید کمک کنیم به تدوین این برنامه و آنهم باید براساس درک ما از این سرمایه‌داری جهانی باشد. بنابراین اولین کاری که باید بکنیم دامن زدن به بحث و شناخت از جهان سرمایه‌داری امروز هست که وضعیت ایران هم در چارچوب همین سرمایه‌داری جهانی قرار دارد و باید بدانیم که این سرمایه‌داری جهانی از موقعی که ما در انقلاب ۵۷ شرکت داشتیم و تا امروز تجربه کرده‌ایم خیلی تغییر کرده است و دنیا خیلی عوض شده است و تحلیل‌های ما خیلی کهنه است نسبت به شرایط امروزی سرمایه‌داری جهانی. بنابراین دامن زدن به یک بحث و جمع‌بندی و شناخت از سرمایه‌داری جهانی و امپریالیزم برای تدوین این برنامه سوسیالیستی ضروری است. اساساً من به این نتیجه رسیده‌ام که ما باید وجه تولید سرمایه‌داری را جهانی تعریف بکنیم و دیگر نمی‌توانیم مثل دوره مارکس سرمایه‌داری را وجه تولید ملی بدانیم. درواقع اگر ما امروز خوب نگاه بکنیم می‌بینیم که یک اقتصاد جهانی داریم که خیلی تعیین‌کننده‌تر هست در واحدها و اجزایش تا واحدها و اجزا در اقتصاد ملی. یعنی ساختار اقتصادی نظام جهانی که تحت کنترل نظام سرمایه‌داری است به مراتب عامل موثرتر و قوی‌تر هست در یک کشور تا اقتصاد آن کشور در این اقتصاد جهانی. یعنی ورق کاملاً برگشته و معکوس شده است بطوری که اگر قبلاً اقتصاد جهانی مجموعه‌ای از اقتصادهای ملی بوده و اقتصادهای ملی تعیین‌کننده بوده‌اند در اقتصاد جهانی، بخصوص آن‌هایی که اقتصادشان قوی‌تر بوده، اما امروزه تقسیم کار جهانی طوری شده است که اقتصاد جهانی عامل بسیار نیرومندتری است. بنابراین ما باید شناخت جدیدی پیدا بکنیم و این شناخت را الان نداریم.

اکنون آن کسی که و آن پیشگامی که می‌گوید باید برنامه داشت، آنوقت این موضوع را جلوی رویش قرار می‌دهد و در یکی دو سال، عقل‌های مان را روی هم قرار می‌دهیم و بحث‌های مان را روی هم می‌ریزیم و به یک جمع‌بندی می‌رسیم و عوض اینکه بحث کنیم که مائو چی گفت و استالین چی گفت و لینن چی گفت، بطور کنکرت سر این موضوع کار بکنیم و به این بحث‌ها در سمینارها دامن بزنیم.

جنبه دیگر این است که ما باید اوضاع خاورمیانه را خوب بشناسیم و مملکت ما در خاورمیانه است و اگر ما شناخت خوبی از این منطقه نداشته باشیم آنوقت برنامه سوسیالیستی مان هم به آنچنان دردی نخواهد خورد. بنابراین این

موضوع را هم باید بعنوان هدف مشخصی پیش روی مان قرار دهیم. و در سمینارها بحث روی این را هم دامن بزیم تا با یک جمع‌بندی و شناخت درستی نیز به جواب این قضیه برسیم.

چهارم اینکه بلاخره بر اساس این نکات ما باید یک استراتژی انقلابی هم تدوین بکنیم. استراتژی انقلابی بر اساس این شناخت چی باید باشد؟ تکالیف انقلاب چی هستند؟ طبقاتی که می‌توانند این استراتژی را به نتیجه برسانند کی هستند و خطوط اصلی این برنامه که بتواند این استراتژی را به نتیجه برساند چه است؟ بنابراین حول بحث استراتژی انقلابی هم باید یک جمع‌بندی داشته باشیم و نمی‌توانیم هم‌جوری روی هوا ره‌ایش کنیم. در این سی چهل سال، ما تجربیاتی از این استراتژی‌های مختلف داشته‌ایم و بنابراین باید عقل مان را روی عقل بگذاریم و یک استراتژی جدیدی تنظیم بکنیم و آنهم نه اینکه کامل باشد ولی بطور مشخص و اصلی این استراتژی را باید بتوانیم معین کنیم و آنوقت براساس این چند محور ما می‌توانیم اصول اولیه و کلی این برنامه سوسیالیستی را تدوین بکنیم و ما اگر واقعاً بخواهیم کاری بکنیم چندان موضوع پیچیده‌ای هم نیست و ما به اندازه کافی آدم واقف و آگاه و تئوریسین داریم که بنشینند و مقدمات این کار را فراهم بکنند و بحث‌های ما واقعاً باید در این ارتباط باشد.

پنجم اینکه ما اولین کمونیست‌هایی نیستیم که به این فکر افتاده‌ایم. بلکه این فکرها را کسان دیگری هم قبلاً کرده‌اند و حتی عملی نیز کرده‌اند. خوب، نقد این تجربه در رابطه با مفهوم حزب هم خیلی مهم است که ما چه نوع حزبی می‌خواهیم بسازیم. خیلی از نکاتی که رفیق مان جمشید گفت منم موافقم و تکرارش نمی‌کنم اما نکات کلیدی آن را باید روشن کنیم که زمانی که می‌گوییم حزب انقلابی، خوب این چه نوع حزب انقلابی است، و زیاد هم لازم نیست که وارد جزئیاتش شویم بلکه یکسری خطوط کلی آن را روشن کنیم. یعنی رابطه حزب با طبقه چه باید باشد. یعنی اگر این حزب، حزب بخش آگاه طبقه است رابطه‌اش با کل طبقه چه باید باشد. آیا این حزب می‌خواهد بطور مشخص خودش را سازمان بدهد یعنی کمونیسم را سازمان دهد یا می‌خواهد طبقه را سازمان بدهد. اگر می‌خواهد طبقه را سازمان بدهد آنوقت رابطه حزب و طبقه باید مشخص باشد. نکته دوم مسأله خیلی ساده رابطه رهبری و قدرت سیاسی است که باید ببینیم که چه نوع رابطه‌ای است. وقتی که ما می‌گوییم انقلاب کارگری استراتژی ماست آنوقت آیا این حزب است که قدرت را می‌گیرد یا طبقه است که قدرت را می‌گیرد، و حزب را بعنوان نمایندگان خود در رأس امور سیاسی قرار می‌دهد. خوب بنظر من دومی است یعنی این طبقه هست که قدرت سیاسی را می‌گیرد و نه حزب و اگر اولی باشد آنوقت اساساً بی‌معنا می‌شود یعنی اگر طبقه کارگر نتواند خودش، خودش را رها بکند پس با این حساب دولت کارگری هم تشکیل نداده است بلکه یک عده ای بجای طبقه قدرت گرفته‌اند. بنابراین این یک جنبه قضیه است و که باید روشن بشود و بعد اگر اینجور نگاه بکنیم که این حزب انقلابی است که باید به طبقه پاسخگو باشد آنوقت شاید به هر دلیلی در یکجایی (منظور از در یکجایی آیا در یک کشور انقلاب کرده هست یا در یک مقطعی از یک انقلاب و یا در هر دوی این حالت؟) مورد توافق طبقه قرار نگیرد و در آنجا طبقه باید بتواند این حزب را عوضش بکند و تغییرش بدهد و حزب دیگری و کس دیگری را بجایش بیاورد. بنابراین اگر ما اینرا بپذیریم پس باید آزادی احزاب را هم بپذیریم چراکه اگر حزب و احزاب دیگری نباشد آنوقت طبقه چه‌جوری می‌تواند این مسائل را بسنجد. این‌ها نکاتی هستند که از نظر تاریخی گره‌های اصلی‌ای هستند که بین جریان‌های مختلف وجود دارند. لذا ما باید کنکرت برویم روی این موضوع‌ها تا ببینیم که با چه کسانی و بر سر چه موضوعاتی توافق داریم.

نکته بعدی مورد نظر من می‌تواند مهم‌تر از همه این‌ها باشد یعنی اینکه رابطه طبقه با طبقات دیگر در دوره انتقال چه باید باشد. بعد از سرنگونی دولت سرمایه داری قطعاً تضاد طبقاتی شدت می‌گیرد و ما تجربه داریم که یا جنگ داخلی رخ می‌دهد و یا امپریالیزم و سرمایه خارجی علیه انقلاب جنگ راه می‌اندازد. بنابراین مبارزه طبقاتی کاهش پیدا نمی‌کند بلکه تشدید می‌گردد. خوب در این وضعیت، رابطه این حزب انقلابی و طبقه انقلاب کرده با

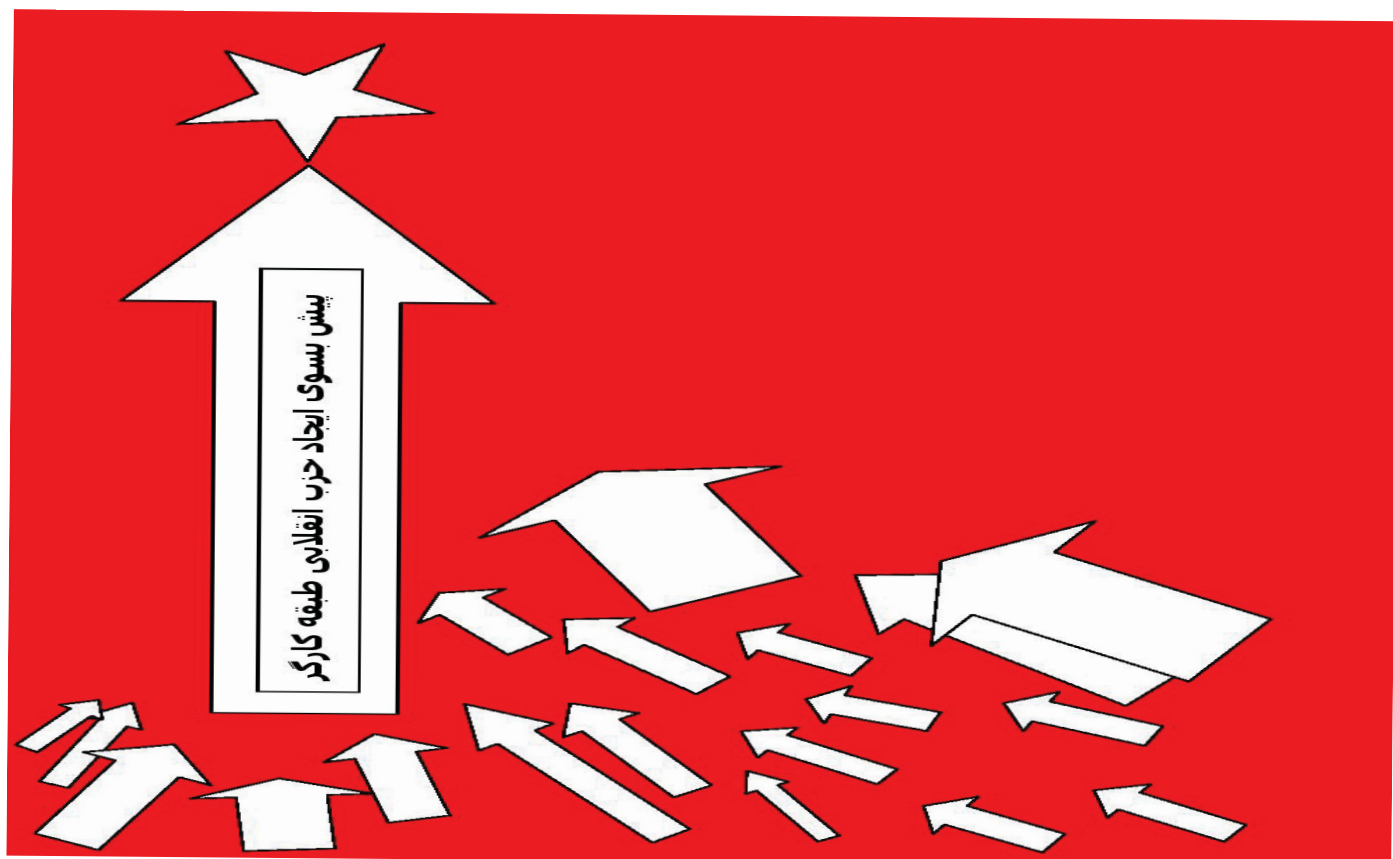
طبقات دیگر چه باید باشد. آیا سایر طبقات جامعه هیچ حق سیاسی در این دوره انتقال خواهند داشت یا نخواهند داشت. اگر خواهند داشت پس مسائل حقوقی شان چه باید باشد. این یکی از مسائل کلیدی و اساسی انقلاباتی بوده که قبلاً تجربه‌اش را داشته ایم. خب اینهم نکته‌ای است که باید روی آن توافق داشته باشیم. حالا من نظر خودم را می‌گویم که به هر حال طبقه کارگر باید کل جامعه را رها کند و نه اینکه فقط خودش را رها کند و می‌خواهد که در دوره انتقال به سوسیالیسم انسان را سوسیالیست کند و آنوقت این حتی شامل آن انسان بورژوازی هم می‌شود که سرنگون شده است. بنابراین این دولت کارگری باید برای این دوره انتقال برنامه داشته باشد که در آن بتواند سایر طبقات را درگیر بکند آنهم نه به زور سرنیزه بلکه بطور داوطلبانه، که در این دوره انتقال بتوانند دخالت فعال داشته باشند. یعنی اگر کسی در مسیر انتقال به سوسیالیسم در سرنوشت انتقال دخیل نباشد خب این انسان به چه مناسبتی می‌تواند رها بشود و انسان سوسیالیست بشود؟ لذا این نکته هم از آن موضوع‌هایی هست که ما در جنبش تاریخی تجربه زیادی داشته ایم و اختلافات ما بر سر این نیز زیاد می‌باشند. بنابراین این نکته هم از آن نکاتی است که اگر بتوانیم سر اصول کلی آن به توافق برسیم آنوقت یک زمینه بسیار سفت و سختی بر ما می‌دهد. برای اینکه بتوانیم در راه انجام این وظایف یک مقدار همکاری کنیم.

البته من سعی نکردم که چیز عجیب و غریبی بگویم بلکه فقط خواستم بگویم که مسأله به آن پیچیدگی هم نیست. بقول انگلیسی‌ها باید «بریک داون» بکنیم تا ببینیم که این مسائل چی هستند. ۶ تا ۷ تا ۸ تا وظیفه می‌توانیم جلوی روی خودمان بگذاریم و تا سال دیگر ببایم مرور بکنیم و ببینیم که در رابطه با این ۶ یا ۷ وظیفه چه کاری‌هایی انجام داده‌ایم و به همینطور جلو برویم. این بحث من بود و خیلی ممنون که گوش کردید.

پیاده شده توسط

ناصر احمدی

۰۷،۱۲،۲۰۱۶



## بحث و تبادل نظر تئوریک

## دین‌داری رو به زوال است.

بسیاری از پژوهش‌های اخیر همگی یک چیز را نشان می‌دهند: از اسکاندیناوی تا جنوب آمریکا و از ونکوور تا سئول، جهان در حال تجربه موج غیرمنتظره‌ای از سکولاریسم است. در واقع، براساس گزارش جدید نشنال جئوگرافیک جدیدترین دین دنیا بی‌دینی است.

آخرین فکت‌ها از این قرارند:

برای اولین بار در تاریخ نروژ و بریتانیا، اکنون، تعداد خدانا‌باوران و لا‌آداری‌گرایان در این کشورها بیشتر از مؤمنان به خداوند است و کمتر از ۲ درصد از بریتانیایی‌ها هر یکشنبه در کلیسا حاضر می‌شوند.

صفر درصد ایسلندی‌ها باور دارند که خداوند زمین را خلق کرده است. درست می‌خوانید، صفر درصد. اما بیست سال پیش ۹۰ درصد ایسلندی‌ها مدعی بودند به مذهب معتقدند و اکنون کمتر از ۵۰ درصد چنین ادعایی دارند.

نزدیک به ۷۰ درصد هلندی‌ها هیچ تعلق خاطری به هیچ دینی ندارند و انتظار می‌رود که تقریباً هفتصد کلیسای پروتستان و هزار کلیسای کاتولیک در سراسر این کشور در آینده نزدیک متروک شوند.

۱۹ درصد اسپانیایی‌ها، ۲۴ درصد دانمارکی‌ها، ۲۶ درصد اسلونیایی‌ها، ۲۷ درصد آلمانی‌ها و بلژیکی‌ها، ۳۴ درصد سوئدی‌ها و ۴۰ درصد فرانسوی‌ها ادعا می‌کنند که به «هیچ نوع روح، خدا یا نیروی مافوق طبیعت» معتقد نیستند.

در ایالات متحده آمریکا چیزی بین ۲۳ تا ۲۸ درصد افراد بزرگسال هیچ نوع تعلق به هیچ دینی ندارند؛ این افراد را «بی‌باور» می‌نامند و بیش از ۳۵ درصد از هزاره‌ای‌های آمریکایی، دینی ندارند.

در نیوزیلند، در سال ۲۰۰۱، ۳۰ درصد افراد ادعای بی‌دینی داشتند، اما امروزه این تعداد به ۴۲ درصد افزایش یافته است. در آمریکای جنوبی، ۷ درصد مکزیک‌ها، ۸ درصد بزرگ‌بریلی‌ها، ۱۱ درصد آرژانتینی‌ها، ۱۲ درصد السالوادوری‌ها، ۱۶ درصد

شیلیایی‌ها، ۱۸ درصد دومینیکنی‌ها و ۳۷ درصد اهالی اروگوئه بی‌دین هستند. این بالاترین نرخ از سکولاریسم است که تاکنون در آمریکای لاتین ثبت شده است.

شصت سال پیش در ژاپن، قریب به ۷۰ درصد بزرگسالان ادعا می‌کردند اعتقادات دینی شخصی دارند، اما امروزه فقط ۲۰ درصد چنین اعتقاداتی دارند؛ در سال ۱۹۷۰ در سرتاسر ژاپن ۹۶ هزار معبد بودایی وجود داشت، اما در سال ۲۰۰۷ این

تعداد به ۷۵ هزار و ۸۶۶ معبد کاهش یافت؛ از این تعداد نیز در قریب به ۲۰ هزار معبد هیچ روحانی یا خدمتگزاری وجود ندارد.

بیش از ۵۰ درصد از چینی‌ها سکولار هستند (هرچند اطلاعات درباره این کشور دقیق نیست).

در آفریقا نیز بیش از ۵ درصد از غنایی‌ها ادعا می‌کنند هیچ دینی ندارند و ۹ درصد از مردم ماداگاسکار و تانزانیا و همچنین ۱۱ درصد مردم گابون و سوازیلند بی‌دین هستند.

تقریباً ۲۰ درصد اهالی بوتسوانا و بیش از ۲۰ درصد جامائیکایی‌ها اکنون مدعی‌اند بی‌دین هستند.

وضعیت در اسلونی، اسرائیل، فنلاند، مجارستان، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و غیره نیز همین است. برای اولین بار در تاریخ جهان است که تعداد جامعه‌هایی که سکولار می‌شوند از تعداد جامعه‌های که دین‌دار می‌شوند پیشی

می‌گیرد. همچنان نشانه‌های متعددی مبنی بر رشد دین‌گریزی و سکولارشدن در جهان اسلام وجود دارد. با این حال، ذکر آمار دقیق در این کشورها بسیار مشکل است.

ارسالی از

پ. باران

## باز کردن کلاف سردرگم به دست کارگران آگاه!

دو موضع متضاد در جنبش نیروهای مدافع مبارزات کارگران ایران در خارج از کشور در کنار هم قرار گرفته اند بدون اینکه با حل اختلافات شان به وحدت نظری و سیاسی و تشکیلاتی برسند. کارگران آگاه فعال کمونیست در ایران ضروری است موضع خود را در جلب روشنفکران کمونیست در رابطه با ایجاد حزب و تشکلهای توده ای کارگران و تشریح اوضاع ایران ای طبقاتی و گرایشات متخاصم، مشخص نمایند تا زمینه را برای تدارک برگزاری کنگره اول ایجاد حزب کمونیست فراهم سازند.

موضع اول هنوز از منجلاب فرقه گرائی و سردرگمی خود را رها نساخته و ضمن تلاش در پافشاری روی نظرات ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی خود به جای یافتن راه حل پیوند فشرده جنبش چپ با جنبش کارگری، با ریزش و کناره گیری اعضای خود رو به رو شده است. این تشکلهای نه تنها در دفاع از اصول کمونیسم علمی ناپیگیر هستند، بلکه برای یافتن راه کار رهائی از این وضعیت نامطلوب جنبش چپ در ایران، به اتحاد عملهای موقتی و مشروط گرایش داشته که مطابق با ماهیت فرقه گرائی عدم التزام تعهد و نظم آهنین در این گونه اتحادها می باشند. اما اگر جمع بندی دقیقی از این گونه اتحاد عملهای ناموفق موجود طی دهها سال گذشته، کرده بوده اند بدان نتیجه می رسیدند که پیشروی تشکلهای معتقد به این راهکارهای نوع جبهه واحدی به جایی نمی رسند. ریشه یابی این جدائیهای تشکیلاتی هنوز عمیقاً صورت نگرفته و کماکان بر اساس درک یک جانبه ی خود ناشی از تفسیر منفی از تجارب مبارزه طبقاتی طبقه کارگر در ۲۰۰ سال گذشته محملی برای توجیه وضع موجود می سازند. علیرغم دهها سال عدم موفقیت این دیدگاهها و تبلیغ همکاری جبهه ای کمونیستها نتیجه اش انتقال ویروس فرقه گرائی در جنبش کارگری ایران بوده که به نوبه ی خود حتا در درون این جنبش تاثیری منفی گذاشته اند تا کمک به ارتقاء آگاهی طبقاتی و وحدت کمونیستی در عرصه های مهم ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی - سبک کاری در جهت «چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است» کرده باشند. از این طریق شیپور پایان تفرقه در جنبش کمونیستی ایران هنوز به صدا در نیامده است.

موضع دوم تاکید بر محکم به دست گرفتن نظرات اثبات شده در پراتیک کمونیسم علمی دارد که تا به حال با به کارگیری تلفیق آن با شرایط مشخص در مبارزات جاری طبقه کارگر موفق بوده است. لنین یکی از آموزگاران بزرگ طبقه کارگر جهان رهنمود زیر را از جمله در ایجاد حزب کمونیست چنین بیان می دارد:

« برای تمرکز کار حزبی وحدت سازمانی هم لازم است که آن هم در حزبی که اندکی از حدود محفل خانوادگی تجاوز کرده باشد بدون آئین نامه ی منظم و بدون تابعیت اقلیت از اکثریت و بدون تابعیت جزء از کل امکان پذیر نیست. مادام که ما در مسائل اساسی بدون برنامه و تاکتیک وحدت نداشتیم آشکارا می گفتیم که در درون پراکندگی و محفل بازی زندگی می کنیم. علنا اظهار می داشتیم که قبل از متحد شدن باید مرز بندی نمود. در آن وقت ما از شکلهای سازمان مشترک حتی دم هم نمی زدیم. بلکه فقط و فقط درباره مسایل جدید (در آن موقع واقعا هم جدید) مبارزه ی برنامه ای و تاکتیکی با اپورتونیسم چون و چرا می کردیم. اکنون این مبارزه بنا به اعتراف همه ی ما یک وحدت کافی را تامین نموده و در برنامه ی حزبی و قطعنامه های حزبی درباره ی تاکتیک فرمول بندی شده است. اکنون برماست که گام بعدی را برداریم و این گام را ما با موفقیت همگی برداشته ایم: ما شکلهای سازمان واحدی را که تمام محفل ها را در یک واحد کل مجتمع نموده است تنظیم نموده ایم.» (یک گام به پیش، دوگام به پس)

در تلفیق این رهنمود لنین ما بارها در گردهم آئیهای در خارج از کشور با شرکت کنندگان مدعی کمونیست بودن خاطر نشان نموده ایم که برپایه ی وفا داری به کمونیسم علمی و با ارزیابی مشخص از اوضاع کنونی برنامه ای را در عرصه ی جهانی، سرمایه داری امپریالیستی درمرحله ی رشد جهانی ترشدن هرچه بیشتر و تحمیل بازارآزاد جهانی قصد مستعمره سازی پست مدرن جهان را دارد، ارائه دهیم که اکنون قطبهای جهانی در جریان رقابت با هم از یک سو و مقاومت کارگران و زحمت کشان جهان از سوی دیگر، دچار بحران چنان عظیمی شده که ناتوان در رهایی از این بحران به دست و پا افتاده و هژمونی امپریالیسم آمریکا بعداز جنگ جهانی دوم در رأس این نظام به چالش کشیده شده است. درایران نیز نظام سرمایه داری طبق قانونمندی عام نظامهای بورژوازی به منظور رشد و تکاملش، با چاپیدن افسارگسیخته حاصل کار طبقه کارگر و زحمت کشان مشغول ایجاد انحصارات بزرگ سرمایه داری نظیر دارو سازی، بنیاد شهید، پتروشیمی - اعم از دولتی و خصوصی - و غیره بوده و با حفظ پیوند با سرمایه های امپریالیستی به تقویت نظام سرمایه داری ایران می پردازد.

ما تأکید کرده ایم که کارگران یدی و فکری که نیرویشان در این دو بخش، به طور بسیار ارزان و چند برابر زیر خط فقر تعیین شده توسط سرمایه داران خریداری می شود، گروههای اجتماعی ای هستند که صاحب ثروت و مالک هیچگونه وسایل تولیدی نبوده و لذا استثمارگر نیستند و مزدبگیر می باشند. مشخصا گروههای معروف به: کارگر، معلم، پرستار، کارکنان حمل و نقل، باز نشسته گان، کارمندان دون پایه دولت و فروشنندگان استخدامی مغازه ها و حتا دانش جویان برخاسته از خانواده های فقیرمدافع کارگران و زحمت کشان با درآمد بخور و نمیدرحمایت و خدمت به جنبش کارگری پیشرو، همراه با خانواده های شان با بیش از ۷۰ درصد مردم ایران درحمایت ازصف اردوی کارو مبارزه علیه نظام سرمایه داری قرار دارند؛

ما رهایی کارگران و زحمت کشان از زیر استثمار و ستم سرمایه داران را، درگرو مبارزه برای انجام انقلاب کارگری و تشکیل دولت کارگری دیکتاتوری پرولتاریا، لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله، و برقراری نظام شورائی می دانیم. در پرتو آموزشهای اصول کمونیسم علمی گذارانقلابی به سوسیالیسم را بمثابة یک دوران تاریخی می پذیریم. درسوسیالیسم، استقرار دموکراسی شورائی برای اکثریت مردم به جای دموکراسی پارلمانی برای اقلیت صاحبان سرمایه، برقراری شود. فراهم سازی حق رفاه در عرصه های زندگی (مسکن، بیمه اجتماعی، تحصیل رایگان، حفظ سازمانهای کارگری، رهایی زنان از سلطه نابرابری و مردسالاری، برچیدن بساط مذهبی در دخالت درامور دولت و آموزش و پرورش و...) ازوظایف دولت کارگری هستند. به علاوه، ادامه ی مبارزه ی طبقاتی در نظام سوسیالیستی برای ممانعت از بازگشت قدرت به دست بقایای مالکان اعم از سرمایه داران و خرده بورژوازی، ازبین بردن ریشه ای کلیه روابط نابرابر و سنن ارتجاعی و سلطه ی مذهبی برای گام نهادن به جهان بدون امتیازات طبقاتی و وجود طبقات در نهایت و گذار به کمونیسم بدون طبقه وبدون دولت طبقاتی می باشیم؛

محکم به دست گرفتن اصول کمونیسم علمی، دفاع از دستاوردهای انقلابی پرولتاریا و شناخت از اشتباهات، مبارزه علیه نظرات تجدیدنظرطلبانه این اصول که بزرگترین انشعابات را در درون مبارزات متحد طبقه کارگر به وجود آورده اند، ازجمله وظایف جدی و اجتناب ناپذیر در حرکت موفق آمیز انقلابی حزب طبقه کارگر بوده که بدون آن حتا به ایجاد دژ ثنوریک قوی و علمی نخواهیم رسید. زیرا این انحرافات ضد کارگری چنان ضرباتی می زنند که تاریخ نظرات رویونیستی راست کهن، مدرن و سه جهانی و رویونیسم چپ گواه این امر است؛

ایجاد حزب کمونیست متکی بر استخوان بندی پرولتاریا درکلیه مدارج کارحزبی به منظور آموزش و هدایت مبارزات طبقاتی کارگران امری مبرم در شرایط کنونی است، حزبی که برپایه اجرای دقیق مرکزیت - دموکراتیک مناسبات بین اعضای حزب را معین می کند؛

انترناسیونالیسم پرولتری موضع جهانی طبقه کارگر است برای درهم شکستن مالکیت خصوصی بروسایل تولید و مبادله درجهان و انجام انقلاب کارگری درهرکشور و جهان و براین اساس دراهتزاز نگهداشتن انترناسیونالیسم پرولتری و کمکهای متقابل در راستای مبارزه و پیروی از «کارگران همه کشورها متحدشوید»؛



کمک به آگاه نمودن کارگران به ضرورت تشکیل سازمانهای توده ای کارگری از طریق شرکت کمونیستها در این سازمانیابی و آموزش دهی کارگران به گذار از مبارزات مطالباتی به مثابه کلاس آموزشی سازمان یابی کارگران و گذار به مبارزات سیاسی و برقراری پیوند فشرده با حزب کمونیست؛

کمونیستها ارباب توده ها در هدایت مبارزات سیاسی و دستور صادر کردن بدون نظر خواهی و گوش دادن به نظرات توده ها نبوده از اصل «ازتوده ها به توده ها» و «توده ها سازندگان اصلی تاریخند» پیروی می کند؛ از آنجا که مرتجعین حاکم به طور خود به خودی از قدرت کنار می روند و با تکیه به نیروی نظامی به سرکوب جنبشهای کارگری و زحمت کش می پردازند تا موقعیت حاکم خود را از دست ندهند، کمونیستها با تکیه به توده ها امر قیام و انقلاب قهرآمیز سراسری کارگری را تدارک می بینند؛

انتقاد و انتقاد از خود برای اصلاح خط مشی حزب و افکار و عملکرد نادرست کمونیستها از وظایف مهم و جدی تصحیح عیبهها است که متکی بر «وحدت - انتقاد - وحدت» یعنی حرکت از وحدت رفقا، دست زدن به انتقاد و نهایتا رسیدن به وحدت می باشد و نه انتقاد کردن وسیله ای برای نفی و طرد یک دیگر تا رقابتهای ناسالم در درون حزب فرصت رشد نیابد؛

باتوجه به سرکوب جنبش کارگری ایران توسط رژیم فاشیستی حاکم و ممانعت از سازمانیابی طبقه کارگر در حزب کمونیست و حتا مبارزات مطالباتی، سازماندهی مخفی و تلفیق کار مخفی و علنی را در اجرای اصول کارحزبی ضروری می دانیم؛

این نکات اساسی برای تهیه برنامه و تاکتیکها و استراتژی مبارزه در براندازی سلطه نظام سرمایه داری کافی است برای متحد شدن تشکلهای معتقد به این مواضع برای شروع کار مشترک درتشکل واحد نوع حزبی جهت حرکت به سوی ایجاد حزب کمونیست و تعمیق این نظرات و دیگر مسائل در ادامه مبارزه برای ایجاد حزب کمونیست و رسیدن به وحدت در جریان پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک و ارتقاء وحدت درون حزبی به درجات بالاتر و مستحکم تر. و اگر دید واقعبینانه ای داشته باشیم توافق برسر نکات فوق چندان غیرقابل حصول نیست.

با توجه به نکات بالا و علیرغم تأکید کارگران کمونیست مبارز و جانباخته ایران، در مبرم بودن ایجاد حزب کمونیست در سمینارها که از جمله زحمتی با ارزش توسط رفقای «اتحادچپ ایران» ترتیب داده شد تا راه برون رفت از بن بست کنونی راهکارها مطرح شوند، و تعداد قابل ملاحظه ای از تشکلهای چپ حضور یافته و هر نیرو نظرات خود را در این زمینه بیان داشتند. ولی اتفاق نظر اکثریت تشکلهای در حد اتحاد عمل باقی ماند. درحالی که تجارب ۳۰ سال اخیر همین تشکلهای در زمینه اتحاد عمل، جز باقی ماندن فرقه ها درلاک خود نشان داده که حرکتی در شکستن این عنصر فساد رسوخ یافته از جانب بورژوازی جهانی و مواضع خرده بورژوائی در درون نیروهای چپ نبوده و به سنگ اندازی در پیشروی جنبش کارگری و ایجاد تجزیه در درون آن عمل کرده و نتیجه ای تا به حال نداده است.

به این اعتبار راه برون رفت از بحران کنونی، ضروری است نیروهای کمونیست براساس نکات فوق که صرفا اختراع فردی و گروهی نبوده و تلفیق رهنمودهای کمونیسم علمی با شرایط مشخص ایران نیز می باشد، تنها با متحد شدن تشکلهای کمونیستی بر این اساس دریک تشکل، اولین ضربه به عنصر فساد فرقه گرائی بوده و زمینه وحدت هرچه فشرده تر با جنبش کارگران آگاه کمونیست درایران را فراهم خواهد ساخت. با امید به اینکه در این روند زمینه وحدت کمونیستها هرچه قاطع تر در خدمت تقویت پیوند فشرده با کارگران کمونیست در ایران مساعد شده و حزب راستین کمونیست انقلابی در بطن مبارزات کارگران رهبری شایسته انقلابی خواهد شد. بدون چپ و راست زدن، بدون سازشکاری رفرمیستی و آنارشیمیستی در حرکت به سوی ایجاد حزب و هدایت قاطعانه مبارزه کارگران با سرنگون ساختن نظام پوسیده سرمایه داری حاکم با شرکت هرچه وسیعتر کارگران و زحمت کشان و کسب قدرت دولتی کارگران و پاک کردن طویله اجتماعی باز مانده از نظام سرمایه داری، گذار به نظام سوسیالیستی هرچه شکوفان تر فراهم خواهد شد.

ک.ابراهیم - ۱۷ اسفند ۱۳۹۵

## امپریالیسم به آخر خط نزدیک می شود!

بررسی و شناخت عمیق علل پدیده ی تولد، رشد، نوجوانی، بلوغ، و نهایتاً رسیدن به دوران پیری تکامل نهائی نظام سرمایه داری ضرورت اجتناب ناپذیر می باشد. امپریالیسم آخرین دوران زندگی فرتوت آن است و برای جلوگیری از فروپاشی نظام سرمایه داری، به مرحله ی بربریت رسیده و برای زنده ماندن خویش مذبحخانه تلاش می کند. بدون تشخیص عوامل اساسی علت وجودی تداوم حرکت تکاملی این نظام و دربرپا نگهداشتن آن، جایگاه های سیاسی، سازمانی، نظامی و عمل کرد آن، به مثابه عوامل غیراساسی و خدمت گذار به تحرک و زنده ماندن عوامل اساسی اند. عوامل غیراساسی تعیین کننده حرکت تکاملی این نظام جز ایجاد شرایط مناسب عوامل اساسی نمی باشند. اما عدم تمیز جایگاه این عوامل، ما را در شناخت حرکت تکاملی این پدیده و محدودیت تاریخی آن ناموفق خواهد ساخت.

تولد نظام سرمایه داری و بوجود آمدن طبقه سرمایه دار با گذار از دوران مانوفاکتور و به کارگیری ابزار تولید متکی به صنعت ماشینی شده در نیمه دوم قرن ۱۸، کارخانه های بزرگ تولیدی تدریجاً مقام کارگاهها را در مقابل تولید انبوه کارخانه ها با تمرکز کارگران در این کارخانه ها تضعیف نمود. از آن به بعد، طبقه کارگر در انگلستان در مقابل با طبقه سرمایه دار پا به عرصه ی وجود گذاشت.

با کشف وسایل تولید به کمک ماشین آلات و تنها نیروی کار زیاد (کارگر)، سازماندهی مبادله کالاها، به ویژه با گذار به نظام سرمایه داری در قرنهای ۱۸ و ۱۹ میلادی به حاکمیت رسیدن در کشورهای پیش رفته اروپائی استثمارگر و فروشنده گان رقیب سرمایه داران، اوج گرفت. با از بین بردن تدریجی تفوق مناسبات تولیدی فئودالی، روابط سرمایه داری براساس دو فاکتور تعیین کننده زیراستقرار یافت:

«روند تولید بی واسطه ی سرمایه، عبارت از روند کار و ارزش افزائی آن است، یعنی روندی که نتیجه ی آن محصول - کالا و انگیزه ی تعیین کننده اش تولید ارزش اضافه است.» «اضافه ارزش نیروی کار بالقوه در یک قطب بطور مسخ شده ی مزد و اضافه ارزش در قطب مبادله به شکل دگرگون شده ی بالفعل سود، نمودار می گردد.» «هرچه میزان اضافه ارزش کالا زیادتر باشد، به همان اندازه عملاً فضای بازتری برای قیمت های مابین، وجود خواهد داشت. تظاهرات روزمره رقابت مانند حالات بخصوص از فروش نازل یا تنزل غیرعادی قیمت کالاها در رشته های بخصوص از صنعت و غیره بهمین دلیل قابل توجیه است. قانون اساسی رقابت در سرمایه داری که اقتصاد سیاسی قادر بدرک آن نیست و به وسیله آن نرخ سود عمومی و در نتیجه قیمت های تولیدی تنظیم میشود.» (مارکس)

نتیجتاً دو فاکتور تعیین کننده (تولید، مبادله - رقابت) و نهایتاً دست یابی به سود در سراسر دوران حاکمیت نظام سرمایه داری به مثابه دو قطب نما و احراز نقش درجه اول پیوسته انگیزه ی تداوم این نظام بوده اند. افزایش نرخ سود و رقابت در مبادله کالاها تولید شده در این روند، با انباشت هرچه بیشتر سرمایه های پولی و تولیدی، به وجود آمدن انحصارات، سندیکاها، کارتلها و تراستهای سرمایه داران، زمینه ی گذار از دوره «رقابت آزاد» هزاران سرمایه دار با ثروت

متوسط به دوره ی «رقابت انحصارات» مشتتی از سرمایه دارن با ثروت بزرگ جهت دست یابی به ثروت و سرمایه های کلان انجامید.

دست یابی به مواد خام عظیم و تولید انبوه، در اختیار خود گرفتن و تبدیل بانکها از میانجی ساده به سرمایه مالی و صنعتی، به کارگیری سیاست استعماری، به دست گرفتن تعیین قیمت‌های گزاف تولیدات و گمرک بستن به واردات و شدت یابی رقابت آنان، تمرکز ثروت و سرمایه در نظام امپریالیستی در دوران حاکمیت انحصاری شدن نظام تولیدی و مبادله، ابعاد عظیمی برای این نظام به وجود آورد. رقابت انحصارات در دست یابی به نیروی کار ارزان، غارت و چپاول مواد خام فراوان ارزان، از جمله از کشورهای عقب نگهداشته شده توسط کشورهای امپریالیستی و تصرف و توسعه نفوذ مناطق مملو از ذخایر زیرزمینی و نیروی کار ارزان، رقبای سرمایه دار در جنگ‌های جهانی اول و دوم در قرن بیستم و تقسیم مجدد مناطق نفوذ دیگر کشورهای امپریالیستی را باعث شدند.

در عین حال مبارزه علیه نظام سرمایه داری و سلطه ی امپریالیستی در مستعمرات و نیمه مستعمره ها، پیروزیهای انقلابات سوسیالیستی و دموکراسی نوین تحت رهبری طبقه کارگر و احزاب کمونیست در رهائی کارگران و دهقانان و توده های شدیداً تحت ستم از سلطه ی فئودالیسم و سرمایه داران و نهایتاً جنگ علیه استعمارگران نظام امپریالیستی جهان خوار توسط توده های وسیع این کشورها شروع به آزاد شدن نمودند. با رشد تولیدات داخلی در این کشورها، بدون دخالت و غارت امپریالیستها، تا حدی سد جدیدی را در مقابل بازار آزاد تولیدی و صادراتی امپریالیستی بوجود آمد و تولیدات داخلی ارزان این کشورها نیز تاحدی مورد استقبال بازار داخلی کشورهای امپریالیستی قرار گرفتند. بدین ترتیب دامنه ی بی قید و شرط تولیدات و مبادله عرضه ی امپریالیستی مواجه با مشکلات جدید رو به رشدی شروع شد. لذا تمرکز مالی و رقابت انحصاری نظام امپریالیستی برای مقابله با وضعیت پیش آمده ضرورت یافت.

در ربع آخر قرن بیستم، راه حل جدیدی برای دست یابی به ثروتهای کلان تر، به منظور رشد دادن هرچه پیشرفته تر ماشینیسیم گران بها و تولیدات صنعتی با صرف منابع پولی زیاد در کشف این وسایل برای افزایش تمرکز بازهم بیشتر توان مالی انحصارات، به راه افتاد. انباشت سرمایه در تعداد کمتری از انحصارات گذشته در پیش گرفته شد:

ادغام بازهم بیشتر سرمایه های موجود جهانی در انحصارات در حال تکوین از طریق بورس بازی و بوجود آمدن حدود ۵۰۰ انحصار عظیم جهانی که بعضاً درآمد سالانه ی برخی از آنها بیشتر از کل درآمد سالانه ی یک یا دو کشور فقیر جهان سومی است نام گلوبالیزاسیون سرمایه را به خود گرفت. طبق آخرین گزارش آکسفام از اجلاس سالانه ی کلان سرمایه داران و دولتها در داووس سوئیس در روزهای اخیر (۲۰۱۷/۱/۱۷) اعلام کرد:

« ثروت ۸ میلیارد در جهان مرکب از ۶ میلیارد آمریکائی و یکی در مکزیک و دیگری در اسپانیا معادل مجموعه ثروت ۶.۳ میلیارد مردم کره زمین است. این افزایش عظیم شکاف طبقاتی میان انسانهای فقیر و غنی، گسترش نارضایتی مردم سراسر جهان از سیاست دولتهای سرمایه داری رابطه ی مستقیم دارد... این نابرابریها در حال از هم گسیختن جوامع و ضربه زدن به دموکراسی است.»

برای چابیدن هرچه بیشتر نیروی کار و منابع ارزان جهان ( با ادغام سرمایه های تولید و مبادله در زیر نظارین ابر انحصارات) جهت حفظ حاکمیت خون بارشان با روشهای قلدرمانه و راه حل گذار به گلوبالیزاسیون سرمایه و تحت ادعای بازار آزاد (نئولیبرالیسم) و برداشتن مرز کشورها در فتح بازارهای جهانی، تحقق نظم نوین جهانی و تکیه به برتری تسلیحات نظامی روی بقای نظام امپریالیستی سرمایه داری در ایجاد شکاف عظیم ترین فقر و ثروت به کار گرفته شد. اما این ترفند نظام امپریالیستی نتوانست تمام و کمال «نظم نوین جهانی» را به اکثریت عظیم مردم جهان تحمیل کند و درآمدهایش بالاتر از این حد باشد. راه رشد ناموزون نظام سرمایه داری قطبهای جدید سرمایه داری در رقابت به مثابه تنها قطب به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم، حتا تشدید تضاد در درون همین قطب نیز، در حال شکل گیری است و رویای تحقق گلوبالیزاسیون سرمایه جهانی و بازار آزاد جهانی تحت سرکرده گی امپریالیسم آمریکا پیش نرفته و پیشروی این چنگ اندازیهای امپریالیستهای کهنه کار را با مشکلات جدی روبه رو ساخته است. بحران مالی و اقتصادی سراسر کشورهای امپریالیستی (آمریکا، اروپا و ژاپون) از سال ۲۰۰۸ به بعد فراگرفته و هنوز هم در اثر فقدان

راه حل یابی، تداوم این بحران گلوبالیزاسیون و نئولیبرالیسم جریان می یابد.

این عدم موفقیت باعث شده است که برای رهایی از این وضعیت، برخی موقتا و ظاهرا اندیشه ی برگشت به عقب و ملی گرائی، به نظام سرمایه داری فاشیستی متوسل شوند. زیرا انباشت مافوق سرمایه و سود و مبادله رقابتی جابگو نشده و بدین ترتیب نظام مافوق انحصاری کنونی براساس بقای حاکمیت نظام سرمایه داری عملا زیر سؤال رفته است. احزاب فاشیستی در ضدیت با پناهنده ها، نژادپرستی، نظامی گری، دیوارکشیدن تدریجی مرزها و غیره در گمرک گیری از کالاهای واردات، درتلخ کامی ناخواسته برای رهایی ولو درمرحله ای کوتاه توسط برخی از کشورهای امپریالیستی درنظر گرفته می شوند. این مقدمه ی فروپاشی نظام سرمایه داری می باشد که دیگر قادر به دست یابی به نیروی کار ارزان تمامی کارگران جهان و نرخ سود فزاینده و دامن زدن به رقابت انحصاری در سطحی بازهم وسیعتر، نیست. شیپور احتضار نهائی نظامهای رسوای امپریالیستی روز به روز بیشتر شنیده می شود که فقط به عرصه ی اقتصادی خلاصه نشده و روبنای این کشورها را نیزفراگرفته است.

بررسی راه حلهای غیراساسی دیگرنظام سرمایه داری درحرکت به پیش توسط برخی ازتحلیل گران در مورد اینکه باید به دیدگاههای استراتژیک گذشته نظام سرکرده گرا در اجرای آنها توجه داشت: نظیر اهمیت مناطق استراتژیکی جهان(جغرافیای سیاسی)، پایگاه سازی نظامی برای جلوگیری از شورشها و حفظ و گسترش مناطق نفوذ، کنترل انرژی در مناطق مناسب این زمینه ها. ولی عدم توانائی نظام سرمایه داری امپریالیستی تک قطبی آمریکا دراستفاده از کلیه ی این راه حلها دررشد دادن به تکامل خود، و جلو گیری از بحرانهای مالی و اقتصادی مشکل گشای امپریالیستها نمی تواند باشد. پیش بردن این نکات مطرح شده که در زیر به آنها اشاره خواهیم داشت، به علت اشباع شدن زمینه های افزایش نرخ سود و سلطه یابی به بازارجهانی سراسری شده، بی حد و مرز نبوده و پیشروی بدون درهم شکستن مقاومت جهانی دربرابر نظم نوین جهانی، ممکن نیست.

حال باتوجه به ارزیابی فوق، نکات مربوط به «جغرافیای سیاسی، جهانی سازی و نظم جهانی» ( نوشته فدریکو پیراستینی ، ترجمه آمادورنویدی - ۱۱-۱-۲۰۱۷)، فدریکو می نویسد:

« جهانی سازی مفهوم کشورهای مستقل را که توسط شهروندان خود اداره می شد، مجبور کرده که روبنا و سازمانهای اداری و مدیریت کشور بین المللی گشته، و با رهبری آمریکا جایگزین گردد، و حتی شهروندان را از روند تصمیم گیری بیشتر دور سازد. اتحادیه اروپا، و بویژه کمیسیون اروپا (که نه منتخب، بلکه منصوب شده) منفوراست، نه فقط برای تصمیماتی که گرفته است، بلکه برای این مفهوم که یک دغلباز حتی بدون اینکه انتخاب شده باشد، تصمیمات مهمی می گیرد.

در واقع، با پایان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، نظم بین المللی از رابطه بین دولت ها که متشکل از شهروندان بود، به سوی رابطه بین روبناهای بین المللی (ناتو، سازمان ملل، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، بانک جهانی، اتحادیه اروپا) و شهروندان، با سنگینی توازن قاطعانه قدرت به نفع گلوبالیست ها رفت، که بار اقتصادی را بر روی شانه مردم گذاشته است.

بنابراین، نظم بین المللی و جهانی سازی باید طبق منطق واشنگتن تفسیر شود، که همواره بدنبال راههای جدیدی برای تسلط بر جهان، حفظ نقش خود به عنوان ابرقدرت جهانی است.

برای این دلیل نیز مهم ست تا برخی تئوریهای ژئوپولیتیکی را درک کنیم که شالوده تصمیمات استراتژیک آمریکا برای دستیابی تسلط بر جهان است. از طریق برخی از این مهمترین تئوری ها ست که واشنگتن در بیش از ۷۰ سال گذشته، برای تسلط کامل بر سیاره تلاش کرده است.»

در این نوشته ضمن بیان برخی حقایق نسبی از ایجاد شرایط مناسبی در تلاش نظام امپریالیستی برای حفظ موقعیت سرکرده گرائی خود، به ناتوانی بنیادی آن در تحقق نیازمندهایش، اشاره مطلوبی می شود. شکست تلاشهای امپریالیستی دربرهه گیری از قدرت نظامی، برقراری نظم نوین جهانی، بازار آزاد جدید و پذیرش هژمونی امپریالیسم آمریکا یکی بعد از دیگری نکات مطروحه ی فدریکو، با رسوائی کامل جهانی رو به رو گردیده است. این نظام دیگر قادر به تامین

افزایش باز هم بیشتر سرمایه و ثروت مافوق انحصاری با سلطه جهانی و غارتگری دیگر کشورهای فقیر و پیش بردن رقابت مافوق انحصاری نمی باشد.

برای اثبات این، در جریان مباحثات انتخاباتی ریاست جمهوری آمریکا و با شروع کار به مواضع غیرمتعارف و ضد نقیض دونالد ترامپ رئیس جمهور کنونی توجه کنیم: «من خواستار مجدد آمریکای قدرتمند هستم که باید به سرکرده گی اش برگردانیم؛ ژاندرمی کنونی کردن جهان به عهده ما نباید باشد و هم چرا پرداخت بخش عمده ی مخارج ناتو به عهده ی ما باشد و کشورهای عضو اروپا سهم کمتری داشته باشند؛ از سازمان ملل متحد بیرون برویم، برگرداندن سرمایه هایمان از خارج به داخل جهت سروسامان دادن به تولید اقتصاد درونی ایالات متحده آمریکا و درعین حال کشیدن دیوار ممانعت از ورود نیروی کار ارزان، مقررات گمرک گرفتن از کالاها ضد بازار آزاد از ورود و خروج تولیدات خارجی به داخل آمریکا و برعکس» (نقل به معنا) صحبت به میان آورد.

معلوم نیست تا چه حدی قادر به تحقق این ادعاها گردد و مافوق انحصارات را هم با نقش درجه اول آنها در هدایت دولت آمریکا و حتا دورنمای جنگ جهانی جدید راه انداختن در این زمینه ها موثراقتند. به عنوان نمونه، در اروپا کشور انگلیس در جهانی سازی سرمایه نقش مهمی همراه با آمریکا از ابتدای دهه ی ۱۹۹۰ داشت، از قطب اتحادیه اروپا بیرون رفت که با گرایش به فعالیت مشترک با آمریکا مورد تشویق ترامپ قرارگرفت. یورو پول مشترک این اتحادیه اروپا نتوانست تمامی کشورهای عضو اتحادیه را گرد این پول متحد کند. در فرانسه نیز تلاش شدیدی به روی کار آمدن حزب فاشیستی با پرچم پاره پاره ملی گرائی صورت می گیرد. اما در پارلمان آلمان خانم سارا وگنکنخت رهبر فراکسیون حزب چپ آلمان خواستار انحلال ناتو به جای سیستم امنیت اروپا و با دربرگرفتن این امنیت از طریق جلب روسیه شد. در کشورهای اروپای شرقی پیوسته در اتحادیه اروپا تزلزلهایی در ادامه این پیوستنها به وجود آمده و غیره که مغایر تمرکز گرائی درحد قطب اروپا می باشد. رشد اقتصادی کشور چین که سطح تولیدات داخلی اش مرتبا درحال رشد بوده و در دهه ی آینده نسبت به تولید آمریکا نقش برتری خواهد یافت، آمریکا را به چالش کشیده است. بحران مالی و اقتصادی در کشورهای امپریالیستی کهنه کار سه گانه (آمریکا، اروپا و ژاپون) ادامه داشته و اوضاع نامطمئنی این کشورها را فراگرفته و تضادبین این کشورها همراه با رشد ناموزون کشورهای جدید امپریالیستی- در برابر یک قطبی شدن تحت سرکرده گی آمریکا - حدت می یابد.

بدین ترتیب، رهائی از بحران مالی و اقتصادی در شرایط کنونی و ناتوانی در برانگیختن جنگ جهانی سوم دیگر به دلیل خطر از دست دادن حاکمیت ابرسرمایه های انحصاری، ویران سازی جهان، و مقاومتهای جهانی در برابر سرکرده گرائی آمریکا باعث شده تا «نظم نوین جهانی» دست باز نداشته و دوران افول این نظام خون و جنایت، فقر و فاقه، استثمار بی رحمانه کارگران و توده های عظیم جهان، به گرسنه گی و بی خانمانی کشاندن میلیاردها انسان با درآمد کمتر از ۲ دلار، طعمه دریاها نمودن پناهنده ها، ویران کردن کشورها (سومالی، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن، جنوب سودان و غیره) و کشاندن حتا کودکان به میدانهای استثمار در ابعاد صدها میلیونی و تحمیل آواره گی و بی کاری در ابعاد میلیاردی، به فحشا کشاندن زنان و... روز به روز در دریای خون و کشتار ساخته و پرداخته ی خود این نظم نوین جهانی، در تکامل نظام سرمایه داری به تلاطم جان دادن افتاده است. رجوع کنید به (۱)- به نقل از آینه روز سایت حزب رنجبران ایران}

اما نسبت به منافع کور طبقاتی توسل به «راه حل» وحشتناک رهائی از بحران مالی - اقتصادی نظام امپریالیستی به جنگ جهانی سوم و پیدا کردن توجیه ضرورت جنگ از نظر جلب افکار عمومی که می تواند با خطرات مهیبی همراه شود، نباید نادیده گرفت. در این مورد رشد تضاد بین امپریالیستها و یا قطبهای امپریالیستی، می تواند به وقوع دو احتمال جبهه سازی منتهی شود:

نزدیکی اتحادیه اروپا به روسیه و از این طریق به بریکس و ایجاد اتحادی نیرومند در جهان ( ازقاره های اروپا تا آسیا بین آتلانتیک و اقیانوس آرام) و منزوی کردن آمریکا و انگلیس به دلیل هژمونی طلبی افسارگسیخته امپریالیسم آمریکا. احتمالا تلاش آمریکا در کشاندن ژاپون به سوی آمریکا- انگلیس و یا بی طرف نگهداشتن آن. درعین حال آمریکا تلاش

عربی درجهت آشتی کردن و یا کشاندن روسیه به سوی خود و یا بی طرف ساختن روسیه انجام می دهد که هیچ زمینه محتمل و متعهدانه ای در این مورد وجود ندارد. بدین ترتیب اتحاد امپریالیستهای اروپا و آسیا احتمال بیشتری دارد که می تواند به قدرت عظیمی در جهان امپریالیستی چه از نظر نظامی و چه نفوذ جهانی شکل داده و ابرقدرت وحشی و جهانخوار سرکرده طلب آمریکا را وادار به عقب نشینی در برافروختن جنگ جهانی سوم بنماید. اما این «راه حل» جنگی هم همانند راه حل پایان دادن به بحران مالی - اقتصادی به ناکجا آباد می رسد و نهایتاً غول نظام جهانی سرمایه داری فرتوت بالاخره در باتلاق جهانی ایجاد کرده اش تدریجاً بیشتر فرو خواهد رفت. اگر آمادگی کارگران و زحمت کشان در دست زدن به انقلاب جهانی کارگری وجود داشته باشد، نظام امپریالیستی از حرکت باز خواهد ماند. این پدیده ی ارتجاعی بدون سرنگون سازی به خودی خود نابود نشده و جان سخنانه برای حفظ حاکمیت اش تلاش خواهد کرد.

اما، اگر واقع بینانه به آماده گی طبقه کارگر در تحقق این انقلاب نگاه کنیم، فقدان سازمان یابی متحد و یک پارچه سندیکائی طبقه کارگر جهانی و نبود رهبری معتبر مبارزات موجود زیر پرچم انقلابی احزاب کمونیستی کارگران، در مقابل ناشی از سیاستهای تفرقه انداز امپریالیستی و ماکیاولیسم خرده بورژوائی در هم دستی با بورژوازی امپریالیستی، دامن زدن و شیوع فرقه گرائی مطرود و بیگانه نسبت به خواست کارگران در میان این مبارزات، و یا توسل به سوسیال دموکراسی توهم آفرین با استفاده از نام کارگری داشتن باعث شده است که هنوز پنجه های انقلاب سیاسی تحت رهبری کمونیستها، مصمانه عمیقاً در گلو ی نظام امپریالیستی در سطحی جهانی فرو نرود. هنوز طلیعه ی نور افشان جهان نو بدون وحدت کمونیستها، بدون انقلاب سوسیالیستی کارگری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا، بدون از بین بردن مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله و بدون از میان برداشتن مناسبات استثماراری و ستم جوامع کهنه طبقاتی، در نیرومند سازی این جهان سوسیالیستی آباد و آزاد و پیشرو در انتظار بشریت مبارز آگاه و آزادیخواه سر بر نیاورده است. اما با پیروزی چنین نظام شکوفا، اثری از جنگ و خون ریزی، فقر و فلاکت و بی خانمانی و بیکاری، کشاندن محیط زیست جهان به وضعیت مخرب غیرقابل سکونت شدن، دیگر طی هزاران سال مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و مبادله باقی نخواهند ماند. جهان نوین سوسیالیستی با شورش و شوق بشریت سازنده مترقی متعلق به اکثریت کارگران و زحمت کشان چون گلستان زیبا خواهد شکفت. طلیعه این آینده نجات بخش بشر باید این بار در ابعاد وسیعی در تغییر نظام کهنه ارتجاعی روشنائی بخش گردد. برای رسیدن به چنین آینده درخشان، ضروری است فرقه گرایان «بیگانه نسبت به موضع کارگران» به زباله دانی تاریخ جهان رهنمون شوند و انسانهای آگاه از مبارزه طبقاتی و وحدت جهانی طبقه کارگر و توده های زحمت کش پرچم «توده ها سازنده گان تاریخند» را هرچه بیشتر به اهتزاز در آورند و متحد شدن آنان زیر پرچم علمی و انقلابی کمونیستی معیار مبارز بودن را عملی سازند. در شرایط کنونی رشد فاشیسم عدم درک این واقعیت در ضرورت هرچه مبرم تر وحدت کمونیستها و طرد هرچه قاطع تر انتقادهای آبکی راست و چپ، توجیه جنبش کمونیستی در زیر سرکوبهای وحشیانه فاشیستی قابل پذیرش نخواهند بود.

ک. ابراهیم - ۲۸ ژانویه ۲۰۱۷

پس از اتمام این مقاله، یک هفته بعد، از جمله نظر زیر را برای اطلاع و قضاوت دقیقتر مسائل مورد نظر مقاله کنونی به نقل از آینه روز می آورم:

(۱) - نظم اقتصادی جهان در شرف تغییر است

رویکرد دونالد ترامپ، همان گونه که در مقدمه بدان اشاره شد، نظم موجود در مدیریت و هدایت اقتصاد جهانی را با چالشهای جدی روبرو می سازد. «سباستیان ژان»، اقتصاد دان و متخصص تجارت جهانی و مدیر مرکز مطالعات آینده نگری و اطلاعات فرانسه در این باره چنین می گوید: «احساس من این است که در حال گذار به یک شرایط تازه هستیم. این شرایط تازه، نه تنها به معنی پایان یافتن موازین و نهادهایی است که پس از جنگ دوم جهانی برای مدیریت روابط تجاری و اقتصادی در جهان ایجاد شده است، بلکه به منزله پایان گرفتن نظم است که از سالهای

۱۹۹۰ و با فروریختن دیوار برلین بر اقتصاد و تجارت جهانی حاکم شده بود. این دوران همچنین با تسلط امریکا بر روابط سیاسی بین‌المللی همراه بوده است. نباید فراموش کرد طی این مدت پیشرفت‌های زیادی در زمینه تکنولوژی، خصوصاً تکنولوژی انفورماتیک و ارتباطات در جهان انجام گرفته است. تاسیس و گسترش سازمان تجارت جهانی نیز از مختصات این دوران است. خلاصه کلام اینکه نظم جدیدی که در این دوران در جهان ایجاد شده بود، عمدتاً توسط امریکا سازماندهی و هدایت شده است. اما امروز ما شاهد آن هستیم که با ابتکار خود امریکا و دونالد ترامپ چینی این نظم گذشته به شدت ترک برداشته است. لذا برای مدیریت روابط اقتصادی بین‌المللی باید راه تازه‌ای طرح‌ریزی شود».

در همین راستا، «کریستیان هاربولو» مدیر مدرسه عالی جنگ اقتصادی در فرانسه اعتقاد دارد که رویکرد ترامپ زمینه ساز تغییر نظم اقتصادی کنونی در جهان است: «ما نگرش خود از جهان را بیش از آنچه باید، بر روی استمرار نظم جهانی گذشته متمرکز کرده بودیم. نظمی که خصوصاً در جهان غرب در چهارچوب یک قدرت مسلط و متحدان جانبی این قدرت تعریف شده بود. امروزه این نظم، معنای واقعی خود را از دست داده است. ما هم‌اکنون در یک جهان چند قطبی هستیم. در حال حاضر مشکل اصلی امریکا اینست که چه رفتاری با چین داشته باشد. چین نه تنها به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی نوظخته با رویکرد تهاجمی تجاری، بلکه به عنوان یک قدرت بزرگ جهانی برای امریکا مشکل عمده محسوب می‌شود. به سهولت می‌توان مشاهده کرد که دونالد ترامپ تلاش می‌کند وضع و «پارادایم» موجود را تغییر دهد. «ناسیونالیسم اقتصادی»، مانند آنچه دونالد ترامپ اعلام می‌کند مبتنی بر رویکرد تقویت بافت صنعتی و ایجاد اشتغال در خاک امریکا است. این رویکرد، همانطور که مشاهده می‌شود از سوی ترزا می‌نخست وزیر بریتانیا دنبال می‌شود. درآینده نیز برخی دیگر از کشورهای جهان این رویکرد را دنبال خواهند کرد. بنا براین می‌توان نتیجه گرفت که رویکردهای دوجانبه اقتصادی-تجاری به تدریج جایگزین رویکردهای اقتصادی-تجاری چند جانبه خواهد شد. این در حالی است که جهان مبدل به یک جهان چند قطبی شده است»....

### تردیدها درباره جنگ اقتصادی

به گزارش ساعت ۲۴، سباستیان ژان نیز درباره تردیدهای کنونی در خصوص بروز جنگ اقتصادی بین امریکا و چین عقیده دارد: «فکر می‌کنم که در حال حاضر تضاد و تقابل منافع در جهان نسبت به گذشته بسیار نگران‌کننده شده است. پیش از فروریختن دیوار برلین، توافق‌های تجاری ابزاری برای تحکیم روابط سیاسی بین کشورها بوده است. طرح مارشال در این راستا قرار می‌گیرد. پس از فروریختن دیوار برلین، شاهد یک چرخش در این زمینه در امریکا هستیم. بدین معنی که سیاست خارجی مبدل به ابزاری برای اهداف اقتصادی شد. در این راستا، بیل کلینتون رییس‌جمهوری وقت امریکا در سال‌های ۱۹۹۰ شورای ملی اقتصادی امریکا را به وجود آورد و در عمل، اقتصاد مبدل به یک هدف استراتژیک برای امریکا شد.

در شرایط کنونی ما در آستانه مرحله تازه‌ای قرار گرفته‌ایم. مرحله‌ای که در آن تجارت و اقتصاد بهانه نیرومندی برای تنش‌های سیاسی شده است. در نتیجه ما با رویکرد تازه‌ای روبرو هستیم و باید بیاموزیم که چگونه آن را مدیریت کنیم. درباره بروز جنگ اقتصادی، نمی‌توان با قاطعیت اعلام کرد که بروز چنین جنگی، حتمی است؛ اما باید گفت، نگرانی‌ها و تردیدهای بسیار زیادی در این باره وجود دارد.» در نتیجه می‌توان گفت که رویکرد دونالد ترامپ اقتصاد جهانی را با چالش‌های جدیدی روبرو خواهد ساخت. پیامدهای این چالش‌ها غیر قابل پیش‌بینی هستند. در صورت بروز جنگ اقتصادی میان قدرت‌های برتر اقتصادی جهان، تنش می‌تواند به زمینه‌های سیاسی و نظامی نیز گسترش یابد. آنچه مسلم است، سال‌های در پیش رو، سال‌های بسیار پرتنشی از نقطه نظر اقتصادی و سیاسی در جهان خواهد بود.

## برخورد عرفانی یا دیالکتیک ماتریالیستی؟

کم نیستند نیروهای چپی که خود را «کمونیست» می نامند ولی در بیان نظرات تئوریک - سیاسی - تشکیلاتی و سبک کاری در به پیش بردن مبارزه طبقاتی انقلابی طبقه کارگر به جای تحلیل دیالکتیک ماتریالیستی با نظرات عرفانی دمسازمی شوند! اینان اگر قبول داشته باشند که «بدون تئوری انقلابی، جنبش انقلابی به وجود نمی آید»، پس این تئوری انقلابی طبقه کارگر را که به طور فشرده در کمونیسم علمی تبلور یافته است و محصول مبارزات بیش از ۲۰۰ ساله طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه داران، در تحلیل جوامع بشری کنونی با چشم انداز ماتریالیسم تاریخی، آموختن از آزمونهای علمی در عرصه های اقتصادی، سیاسی و فلسفی سیر تحولی خود را پیدا کرده و می کند. لذا بدون محکم به دست گرفتن و شناخت علمی این تئوری و تلفیق آن با شرایط مشخص توسط تشکلهای کارگری کمونیستی، رشد مبارزه طبقاتی طبقه کارگر از مسیر درست پیشروی انقلابی منحرف شده و در بیراهه های غیر پرولتری، در غلتیده و به خیانت و نابود شدن در جدائی از مبارزه راستین پیروزمند خود گام می گذارند.

به این اعتبار و باتوجه به تجارب مثبت و منفی در برخورد به مبارزات تلفیق دهندگان تئوری علمی مبارزه طبقاتی طبقه کارگر به شرایط مشخص جنبش کارگری ایران، نوشته « تقدیم به شاگردان انقلابی شاهرخ زمانی » به جای طرح مسایل موجود به طور دقیق و روشن و رد انحرافات جدی در جنبش کنونی طبقه کارگر ایران با دوپهلوی گوئیها، موضع دقیق کمونیستی را از ابتدا مطرح نمی کنند، در هاله ای از اوهام ریشه ی انحرافات ایدئولوژیکی در این مبارزات را معین نمی سازند. بحثها در سطح مواضع سیاسی و یا تشکیلاتی این مبارزات در نشریه شماره ۱۰ تدارک حزب انقلابی طبقه کارگر عمق نیافته و نهایتا خوانندگان این نوشته را در سرگردانی باقی می گذارند که این انحرافات زائیده چه بینشهایی هستند و راه برون رفت چه می تواند باشد.

زنده یاد شاهرخ زمانی در سرتاسر نوشته هایش در برخورد به جنبش کارگری ایران تأکید را پیوسته روی دو سمت گیری طبقاتی تشکل یابی لازم و ملزوم یک دیگر - حزبی و اتحادیه ای - کارگران گذاشته و روی وحدت حزبی بر پایه اصول و برنامه و استراتژی و تاکتیک واحد مبتنی بر کمونیسم علمی، و در وحدت تشکلهای توده ای کارگری و امتناع از مقابل هم قرار دادن مبارزات بین تجمعهای سندیکائی، شوراهای، مجامع عمومی، تشکیل کمیته های کارخانه، با ماهیت کارگری، می گذاشت.

وی در گام اول علاوه بر ضرورت ایجاد حزب، ایجاد فدراسیون یا کنفدراسیون سندیکاهای کارگری، معلمان، بازنشسته گان، پرستاران، دانشجویان را مطرح نموده و به ویژه در ایجاد تشکل سراسری کارگری، همین امروز، از طریق ایجاد هیئتهای موسس فدراسیونها از طریق متشکل شدن تشکلهای موجود مانند کانونهای صنفی معلمان، سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای هفت تپه، سندیکای نقاشان، سندیکای خبازان و بنایان، کمیته ها و اتحادیه های کارگری و تشکلهای موجود در پتروشیمی ها و... به تجمع این تشکلهای اقدام نمائیم. این می تواند شروع تشکلهای رزمنده و بزرگ طبقاتی زحمت کشان باشد تا از طریق آنها در آینده نزدیک بتوانیم از پراکندگی نجات یافته مبارزات پراکنده را به سراسری و کوبنده تبدیل نمائیم. (صفحه ۲۹۷ برگزیده آثار شاهرخ زمانی)

در عین حال شاهرخ در امر وحدت یابی حزب، مبارزه علیه نظرات رویزیونیستی، اکونومیسم، رفرمیسم، اپورتونیسم، انحلال طلبی، فرقه گرایی و غیره یعنی روی وحدت اصولی انگشت گذاشت.

بدین ترتیب شاهرخ اشکالات و انحرافات افراد و تشکلهای چپ را مشخص ساخته و کلیه تشکلهای را که به این انحرافات آلوده باشند، متعلق به اردوگاههای غیر پرولتری دانسته و بدین ترتیب تکلیف کمونیستها در پیداکردن تشکلهای کمونیستی و سازماندهی تشکلهای توده ای کارگری را تا حدودی مشخص نموده است.



رفقای تهیه کننده مقاله در شماره ۱۰ در خطاب به مدافعان شاهرخ زمانی می نویسند: « وقتی می گوئیم شاهرخ معلم ما است، یعنی باید به کارهایی که او انجام می داد بیشتر عمل کنیم و کارهای معلم خود را الگو و متد حرکت‌های خود قرار بدهیم.» (صفحه ۳۰ نشریه ۱۰).

حال ببینیم این رفقا چگونه عمل می کنند. درنکته ۵ صفحه ۳۱ می نویسند: « از کجا با مشکلات و انحرافات را شروع کنیم؟ شاهرخ همیشه می گفت: « همه گرایش‌ها باید با حفظ استقلال خود درهمبستگی طبقاتی شرکت کنند و استقلال بقیه را برسمیت بشناسند.»

عام گوئی کردن درحد همه گرایش‌ها با حفظ استقلال خود درهمبستگی طبقاتی شرکت کنند ادعائی فراطبقاتی است و غیر کمونیستی و غیر کارگری، مگر اینکه مأخذ این نقل قول تمام و کمال آورده شود و نظر معلم تان را نقل کنید!!

کما این که گرایش‌ها «کارگر کارگری» گرایشی هستند و خود را کمونیست هم می نامند و خود را همبسته به طبقه کارگرنشان می دهند ولی درعمل با بورژوازی سازش می کنند. پس چنین ادعائی از نظرات شاهرخ بودن، نشانه بی توجهی نسبت به نظراو بوده و دقیقاً هم گفته نشده که چنین ادعائی را شاهرخ در کجا کرده و آیا نقل قول کاملی از گفته و نوشته های اوست یا برداشت شما که التقاط آفرین است؟

در همانجا اضافه می کنند: « او اعتقاد داشت در درون تشکلهای توده ای کارگران هیچ گرایشی باهیچ بهانه ای حق ندارد گرایش دیگری را حذف کند. بنابراین در درون تشکل کارگری همه گرایش‌ها از جمله رفرمیستها، رادیکالها، انواع چپها، آنارشیستها، حتی مذهبیها و... حق حضور و حق برابر دارند.» این مغایر با نقل قولی است که دربالا از شاهرخ آوردیم.

عجبا! بعد از این نقل قول از شاهرخ به درستی می نویسند: «اما متأسفانه اکنون برخی از فعالین کارگری و وابستگان به دوطیف (طیف دوم می خواهد همه را به رنگ خود درآورده و بدون هویت طبقاتی... دریک جمع بی نام و هویت پیش برود... که نیروهای شرمنده توده ای و اکثریتی هستند که با سبزه‌ها و... هم پیمان می باشند. طیف سوم رهبری فردی و چهره شده به جای رهبری سازمانی گذاشته را مجبور به پذیرش کند... هر دو ضد همبستگی طبقاتی عمل می کنند) می باشند» و دقت داشتن توسط فعالین جنبش انقلابی و کمونیستی نسبت به این دوطیف داده می شود.

(همانجا - ص ۳۱)

این نظرات مطرح شده در بین دو هلال ضد نقیض گوئی یکی به نعل یکی به میخ زدن با سطرهای بالائی نقل قول آورده شده از شاهرخ قرار داشته و خوانندگان را به کج فهمی می کشاند. اگر چند سطر قبل از آن به شاهرخ نسبت داده شده نشان می دهد شاهرخ هم دچار اغتشاش فکری بوده است. من با آوردن نظر شاهرخ دربالا، عکس این ادعا را نشان دادم. درعین حال گرایش‌ها کارگری درخط انحرافی در تمامی جهان نیز وجود داشته یا مستقیماً با سرهم بندی کردن اتحادیه های زرد کارگری، آشکارا درخدمت نظام سرمایه داری هستند و یا به صورت کمی پوشیده با افتادن به دنباله روی از احزاب سوسیال دموکرات به رفرمیسم و حمایت از کشورهای امپریالیستی کشانده شده اند. همان طور که درایران شاهد آشکار دوطیف زرد در جنبش کارگری از اینگونه در ایران نظیر خانه کارگرو شوراهای اسلامی هستیم. دراین صورت یا باید نظرات شاهرخ را تمام و کمال ذکر کنید تا شکی ایجاد نشود و یا نظرات خودتان را به نام شاهرخ اشاعه ندهید و کلاً این ادعا نشانی است از یک اشکال عدم دقت در تشخیص لبه تیز سازمانیابی مبارزه طبقاتی درمسیر درست انقلابی!!؟ لذا بدون تردید باید گرایش‌ها غیرپرولتری را در درون جنبش طبقه کارگر افشا نموده و مانع از به کج راه کشیدن این جنبش با کلی گوئی شد.

دراین مقاله می خوانیم: « ما امروز فدراسیون کارگری می گوئیم، اما هیچ شکلی از تشکل کارگری را رد نمی کنیم و هیچ کدام را درمقابل دیگری قرار نمی دهیم و... اما هم اکنون اعلام می داریم درآن زمان نیز(منظور تشکیل شوراها است- ن) از تمامی اشکال تشکل یابی دفاع می کنیم.» (صفحه ۳۰)

التقاط ادامه می یابد. شکلهای تشکل یابی کارگری مختلف مورد قبول کمونیستها مشخص اند و شاهرخ هم ذکر کرده است درایجاد فدراسیون کارگری که دربالا آمد. اما نویسندگان علاقه به ذکر آن شکلهای ندارند و به عام گوئی پرداخته

و شاهرخ را به تمامی اشکال شکل سازمانیابی کارگران اشاره کرده محتوای این سازمانها را که باید مورد نقد قرار گیرد نکرده و به تطهیر تمامی اشکال سازمانیابی می پردازند. کمونیستها از تمامی اشکال تشکل یابی کارگران دفاع نمی کنند چنان چه این تشکلهای به دفاع از منافع کارگران در کلیه عرصه ها چه مطالباتی و چه سیاسی نپردازند. بحث هم بر سر شکل سازمانیابی کارگران نباید جای محتوای مبارزاتی سازمان کارگری را بگیرد!!؟

آن جا هم که رفقای نویسنده مقاله در مورد نظریه بررسی انحرافات سیاسی موجود می پردازند، می نویسند: « مبارزه انحرافی و دعوی نیابتی را که از طرف دو انحراف از کمونیسم به شکل کمونیسم شرقی (در برخی گویشها چپ سنتی) و اوروکمونیسم (در برخی گویشهای چپ مدرن) در مقابل هم پیش می برند، با دامن زدن به دو دستگی در جنبش کارگری هر روز ضربات بیشتری به جنبش کمونیستی و جنبش کارگری می زنند...» (همانجا)

این رفقا با گرفتن برجسبهای عاریتی از شبه تروتسکیستها مقولات «چپ سنتی»، «کمونیسم شرقی». «ئوروکمونیسم» را وارد به جدال با انحرافات می کنند. اولاً کلمه چپ معنایی ما فوق طبقاتی دارد که به بخشی از هر تشکل سرمایه داری، یا خرده بورژوائی نیز اطلاق شده و در جنبش کمونیستی مثلاً با نام گذاریهای دیگر دگماتیسم، رویونیسم راست و چپ، اپورتونیسم راست و چپ، آنارشیزم و لیبرالیسم، سکتاریسم و غیره ماهیت چپ را روشن می کنند که در خارج از جنبش کمونیستی قرار دارند و نه در درون جنبش کمونیستی. ثانیاً چپ سنتی ربطی به کمونیسم ندارد، چون که کمونیسم سنت گرا نیست زیرا اعتقاد به حرکت دیالکتیکی تضادهای طبقاتی و دیگر مسایل اجتماعی داشته و لذا تحلیل مشخص از شرایط مشخص را دائماً مد نظر باید داشته باشد تا نماینده واقعی کمونیسم علمی باشند. پس چپ سنتی جایی در کمونیستها ندارد. سوماً کمونیسم شرقی و یا غربی ندارد. کمونیسم شرقی نیز یک کلمه ابداعی بی معنایی است که در درجه اول بجای معین کردن انحرافات تشکلهای چپ، کمونیستهای شرق به میان آورده می شود!! بدین ترتیب انحرافی بودن کمونیسم شرقی را جا می اندازند که نتیجه اش بدین کردن توده ها به کمونیسم در شرق است و پیامی در عمل دارند که به تبلیغ نه شرقی و نه غربی کمونیست بودن می انجامد! کمونیسم علم شرایط رهایی پرولتاریا است. اگر در شرق اتفاقی انحرافی حتا در درون کمونیستهای کشورهای شرق افتاده باشد مهر کمونیسم شرق نمی خورد و خود منحرفین آشکار می شود که ربطی هم به کمونیسم ندارد. باید بنا به ضرب المثل اصفهانیها «بچه را به اسم خانواده اش صدا می زنند» و یا «گنه کرد در بلخ آهنگری - به شوشتر زدند گردن مسگری». چنین برخوردی نوع رفتاری دادگاههای طبقات استثمارگر حاکم است! پس این نوع نام گذاشتنها ارزیابی نادرستی است.

بدین ترتیب با این نام گذاری و نقد کمونیسم شرقی، کمونیسم در شرق در انظار عمومی منحرف اعلام می شود هر چند که به نعل و به میخ زدن رفقای نویسنده قول می دهند « کمونیسم شرقی و اوروکمونیسم نیاز به بحث بیشتری دارد!». چرا مقولات اختراعی انحرافی را اول وارد می کنید تا بعداً اثبات کنید. در حالی که انحرافات اوروکمونیسم هم از گرایش راست و چپ سوسیال دموکراسی بیشتر نیست، کمونیست هم نیست و این اسم گذاری هم بنام کمونیستهای غربی بی مورد است و مستقیماً ماهیت غیر کمونیستی دارد. در شرق هم همانند غرب گرایش چپ و یا راست غیر کمونیستی متشکل یا منفرد زیاد هست. ولی چراغ سبز به رد «کمونیسم شرقی» دادن، به درد استفاده حاکمان سرمایه داری و جهان امپریالیستی از این گونه کلمات می خورد و نه در آموختن از دستاوردهای کمونیستهای شرق از جمله توسط جنبش آگاه کارگری در ایران!!؟

بدین ترتیب بحثی التقاطی و مشخص نکردن دقیق انحرافات در جنبش کارگری با نشان دادن انحرافات نظرات سازشکارانه غیر کمونیستی رسوخ یافته در جنبش کارگری به نام کمونیستها، به سود نظام سرمایه داری و گرایش خرده بورژوائی، تمام شده و بدین ترتیب رفقای نویسنده این تحلیل مبارزه ایدئولوژیک دقیق و روشنی در مقاله نشریه ۱۰ مورد نظر صورت نگرفته و روشننگر نظرات فعالان کارگری کمونیست نیز نخواهد بود که شاهرخ زمانی در آن چارچوب نظراتش را دقیقاً بیان داشته است. بدون چنین التزام دقیق به مبارزه ایدئولوژیک، بقای التقاط گری عارفانه در جنبش کارگری ادامه خواهد یافت.

# ماهیت انقلاب ۵۷ سوسیالیستی بود!!!

## هرچه مراسم قدس عظیم تر باشد مشتی که بر یوزره امپریالیسم و صهیونیسم فرود می آید قوی تر است

امام خمینی در نخستین سال پس از انقلاب تبیین ۲۰۰۰ خورشید بهار را روز جهانی قدس اعلام کردند. اعلام روز جهانی قدس توسط رهبر انقلاب اسلامی ایران نشانه آزادی مردم ما در سایه برای آزادی فلسطین، فلسطینی ها و سرنگونی رژیم جنایتگر و پانزدهمین صهیونیسم است. سپس با پیش از انقلاب معنای ملی از کشورهای ویران شده امپریالیسم جهانی، شبکه دولت صهیونیستی بود و رژیم شاه به همان میزان که از انقلاب ایران دشمنی داشت با انقلاب فلسطین و با خلق فلسطین نیز دشمن بود.

انقلاب ایران شور و هیاهو و پیروزی در دل های مردم صدها دفعه، اما بدون توجه به پیروزی انقلاب یمن که یکی از مهمترین شبکه های صهیونیسم به شبکه پیرومند انقلاب فلسطین بدل گشت.

انقلاب سوسیالیسم و مردم ایران که همواره خود را در کنار خلق فلسطین احساس کرده اند، امروز می توانند دست در دست برادران فلسطینی و سایر برادران عرب خود علیه امپریالیسم و صهیونیسم سازند کنند. روز قدس جهانی هستی خلق ما با خلق فلسطین و سایر خلق های سایر منطقه است.

سازمان دفاع ملی خلق ایران (دکترتوب) بنا به سیاست انقلابی خود در مراسم روز قدس شرکت می کند و همه مردم سازمان ایران را به شرکت هرچه معانتی بران روز قدس می خواند. هرچه مراسم قدس عظیم تر باشد، مشتکی که بر یوزره امپریالیسم و صهیونیسم فرود می آید، قوی تر است.

## انحراف از خط امام در کجاست؟

### از طلوع دوباره (مردم) یکسال گذشت

این روزها، انحراف از خط امام در کجاست؟ سوالی است که در ذهن ما می کشاند. در این روزها، انحراف از خط امام در کجاست؟ سوالی است که در ذهن ما می کشاند. در این روزها، انحراف از خط امام در کجاست؟ سوالی است که در ذهن ما می کشاند.

ما در این روزها، انحراف از خط امام در کجاست؟ سوالی است که در ذهن ما می کشاند. در این روزها، انحراف از خط امام در کجاست؟ سوالی است که در ذهن ما می کشاند.

ما در این روزها، انحراف از خط امام در کجاست؟ سوالی است که در ذهن ما می کشاند. در این روزها، انحراف از خط امام در کجاست؟ سوالی است که در ذهن ما می کشاند.

## محاکنه و اعدام مزدوران نشانه ای از قدرت انقلابی توده هاست

آغاز دوباره کار دادگاه های انقلاب قسمی حین برای جلوگیری از توطئه گری های امپریالیسم و عناصر وابسته به آنست، مرتجعین و سرسپردگان به امپریالیسم و رژیم منحنی سابق آنان که از صهیونیسم و توطئه های در راه مردم فرود گذار نکرده اند، آنانکه بی برنامه وطن را به تاراج بردند و حتی خلق زحمتکش را در بازار امپریالیست ها تاخت زدند، آنانکه در کسین انقلاب مردم و در سرفروخت مناسبی برای بیخون کشیدن انقلاب و خوش خدمتی به اربابان آمریکائی اند، هرچقدر طمانه تر و هرچه مزدور تر باید محاکمه و به سزای اعمال ننگین خود برسند آغاز محاکمات ضد انقلابیون، بدستور امام خمینی و ادامه آن طرح زخم زخمهای بازکارانه دهنو عسومی، بار دیگر قابلیت امام را در پشتیبانی اصولی از خواست بحق مردم و گروه های مبارزی که خواستار مجازات مزدوران بودند، نشان داد. اعدام انقلابی چنانکاران و سرسپردگان به امپریالیسم از تجدید سازمان این عناصر ضد مردمی جلوگیری کرده و عامل مهمی در راه تحکیم حفظ دستاوردهای انقلاب است.

ما من پشتیبانی کامل از اعدام همه ی وابستگان به امپریالیسم و رژیم فاسد سابق که حق مسلم خلق مستنک و زجر دیده میهن ما است، اعتقاد داریم که برای آگاهی مردم از جنایات این عناصر باید آنان در دادگاه های خلقی محاکمه گردند، تا مردم از اعمال خائنانه این مزدوران دقیقاً مطلع شوند.

محاکمه و اعدام مزدوران، نشانه ای از قدرت انقلابی توده هاست

ماهیت انقلاب سوسیالیستی خواهد بود، و ماهیت ضد امپریالیستی که بخش از ماهیت سوسیالیستی است تنها از زاویه مبارزه طبقاتی کارگری یعنی مخالفت با مالکیت خصوصی، مخالفت با نظام مزدوری و ... می تواند واقعیت داشته باشد که در این صورت مبارزه با کل سرمایه داری مساوی با مبارزه علیه امپریالیست ها خواهد بود و هر وقت بخش های ریشه ای و اصلی و یا بخش های مختلف ماهیت انقلاب سوسیالیستی را محدود کرده تنها یکی از آنها را برجسته کنیم ان انقلاب صد در صد شکست خواهد خورد، که در انقلاب ۵۷ همین اتفاق رخ داد.

مثلاً «ماهیت کارگری و سوسیالیستی ان محدود و محدودتر شد، ماهیت آزادیخواهانه و برابری طلبانه میان زن و مرد و تضاد کار و سرمایه، ماهیت خواست استفاده برابر از خدمات اجتماعی، میان ملیت ها تعیین حق سرنوشت ملل، همه سرکوب و کنار زده شدند، همه این سرکوب ها که مجموع ماهیت انقلابی را به بهانه ی حفظ ماهیت ضد امپریالیستی (تحت تاثیر نگاه تک بعدی رویونیستی) آن به دهشتناک ترین و خونین ترین شکل جاری شده و توسط نیروهای مختلف سرمایه داری و هم پیمانانش ارتجاع مذهبی و رویونیست ها و اپورتونیست های ضد امپریالیست عملی شد. این طرز عمل و فکر (نگاه تک بعدی به ماهیت انقلاب ۵۷) ضد انقلابی بود. و چون نیروهای چپ و کمونیستی ان زمان توانایی و درک و تحلیل واقعی از انقلاب و شرایط موجود ان زمان نداشتند و تحت تاثیر سرکوب های گذشته امکان بررسی و تجزیه و تحلیل را کسب نکرده بودند و دهه های طولانی، تحت تاثیر انحرافات رویونیستی و سازش طبقاتی (زیست مسالمت آمیز و ...) بودند، و بخش بزرگی از آنها بیشتر از بقیه تحت تاثیر انحراف بندی انقلاب که تئوریزه کننده ارتجاع به عنوان انقلابی و اگراندیسمان کننده ماهیت ضد امپریالیستی که مطالبات دیگر را تحت پوشش قرار می داد. این چنین بود که رهبری بدست نیامده انقلاب را به ارتجاع و سرمایه داری واگذار کردند، و خود خدمت گذار آن شدند، این واگذاری که نتیجه درک انحرافی مرحله بندی و تقسیم پلکانی جهان که مخدوش کننده نبرد طبقاتی بود، به دوشکل برای بازیگران چپ و کمونیست رقم خورد، یک بخش انقلابی چپ ها و کمونیست ها در مقابل سرمایه داری و نماینده آن که در حال خزیدن به حکومت بود ایستاد و به شدت سرکوب شد، اما این ایستادن نیز در خوشبینانه ترین برداشت از نظر درک و آینده نگری، آگاهانه و از زاویه سوسیالیستی و کارگری نا توان و این نیز گرفتار همان انحراف بندی انقلاب بود، و تحلیل مارکسیستی مشخص از شرایط مشخص نداشتند، در واقع انقلابی گری این بخش بر پایه آرمانگرایی و فداکاری و شور انقلابی بود اما شعور انقلابی را هنوز کسب نکرده بودند. (تئوری تقسیم غیر طبقاتی جهان که خود انحراف دیگر را تئوریزه می کرد لزوم انحراف مرحله بندی انقلاب را که هر دو صد البته ضد تئوری های لنینیستی بودند، اما همه ی اپورتونیست ها همین مرحله بندی ها و تقسیم جهان را به نام لنینیسم قالب می کردند، قسمت دیگر که چپ و کمونیست بودن را به دروغ با خود یدک می کشید و مانند بخش قبلی انقلاب را مرحله بندی می کردند، به زائده ای از سرمایه داری و ارتجاع تبدیل شده به سرکوب بقیه پرداخت، در مجموع نمی توانستند درک کنند که بدون مبارزه با کل سرمایه داری، ضد امپریالیست بودن ممکن نیست، به جای اینکه انقلاب را به عنوان انقلاب سوسیالیستی و ضد کل سرمایه داری بیان و رهبری کنند، با بزرگ کردن اسمی و بادکنکی بخش ضد امپریالیستی آن بقیه مطالبات انقلاب را انکار کردند، و تحت ماهیت آریتی ضد امپریالیستی، انقلاب و رهبری آن را به نیروهای سرمایه داری، بورژوازی ملی، سرمایه داری ارتجاعی و نماینده مذهبی آن واگذار کردند، و خود، دنباله رو و بخشا» به مباشران سرمایه داری داخلی و نیرو های ارتجاعی تبدیل شدند، تا ان حدی که به شکل ماموران سرکوب انقلابیون عمل کردند، که هنوز این مباشران به طرز خطر ناک تئوریکی و سیاسی حضور دارند و با توجه به اینکه

به غلط به عنوان نیروهای پیش رو چپ و کمونیست شناخته می شدند، همه نیروهای کارگری و توده های انقلابی را به زائده ارتجاع و بخشی از سرمایه داری تبدیل کردند، این روند هنوز ادامه دارد، در واقع پیش کشیدن و یا قبول کردن ضد امپریالیستی بودن انقلاب از طرف مدعیان چپ و کمونیست نوعی ابزاری بود تا بتوانند طبقه کارگر و هم پیمانان انقلابیش را که رهبری انقلابی نداشتند به زیر سلطه بورژوازی ملی و خرده بورژوازی برده و یا نگذارند از زیر سلطه آنها خارج شوند (بخش بزرگی از این انحرافات نشأت گرفته از تئوری های رویزیونیستی حزب کمونیست شوروی و احزاب برادر بودند). با این طرز تفکر که ماهیت انقلاب ضد امپریالیستی است فرصت را از کارگران گرفتند و به جمهوری اسلامی تقدیم کردند، کمیت بالای از آنهاست که زیر علم ضد امپریالیستی سینه می زدند بر مبنای روند مسیر ذاتی چنین اندیشه ای بلا استثنا در صف جمهوری اسلامی قرار گرفته و به تقویت آن پرداختند که این وحشت ناکترین بخش شکست انقلاب بود، اما امروز ما نه تنها باید از این تئوری غلط باقی مانده از رویزیونیسم کمونیسم شرقی دوری کنیم بلکه با داشتن تحلیل دقیق توده ها را نسبت به آن آگاه نماییم. (به جرات می توان گفت کودتای ۲۸ مردا نشان داد که ضد امپریالیست بودن بدون ضدیت با کلیت سرمایه داری دیگر معنا ندارد، و یک بار دیگر نا پیگیر بودن نیروهای بورژوازی و خرده بورژوازی عملاً ثابت شد. لازم است بدانیم، بحث موضوع تئوری ضد امپریالیستی لنین را دنبال کردن از زاویه های غیر لنینیستی، انحراف از بحث واقعی مبارزه با امپریالیست ها خواهد بود، لنین بحث خود را در رابطه با امپریالیست با تز های آوریل که انقلاب سوسیالیستی است یعنی مبارزه با کلیت سرمایه داری تکمیل کرد با توجه به این موضوع ضد امپریالیست بودن بدون پذیرفتن اینکه انقلاب سوسیالیستی است اندیشه ضد لنینیستی است از این زاویه است، کلیه گرایشاتی که انقلاب را مرحله بندی می کردند و ماهیت انقلاب ایران را ضد امپریالیستی می نامیدند عملاً «ضد لنینیست بودند.» ما می دانیم هیچ کس در حال حاضر نمی تواند مخالف کل سرمایه داری نباشد و علیه کل سرمایه داری مبارزه نکند، در همان حال ادعا کند که ضد امپریالیست است، چون امپریالیست بخشی از سرمایه داری است کسانی می توانند واقعا «ضد امپریالیست باشند که اول حقیقتا» و در عمل ثابت کرده و ثابت کنند که مخالف کلیت سرمایه داری بوده و در حین مبارزه علیه آن هستند. کسانی که ضد امپریالیست بودن را مقدم بر مبارزه علیه کل سرمایه داری می دانند و مرحله بندی انقلاب و تقسیم جهان را به شکل غیر طبقاتی تبلیغ می کنند، بازی و مانور دادن در بین شکاف بخش ها و جناح های مختلف سرمایه داری را به عنوان استراتژی مبارزاتی خود انتخاب کردند، که در نهایت سر از سازش و خدمت گذاری به بخشی یا جناحی از سرمایه داری در خواهند آورد. نمونه های بسیاری در ایران و جهان می توان از این دست نام برد، البته از این نیروها هنوز هم به وفور یافت می شوند، که ضربات مهکلی به طبقه کارگر و انقلابات کارگری زدند.

بهرتر است از زاویه دیگر نیز به موضوع نگاه کنیم، بخشی های از خرده بورژواها و بخشی های از بورژوازی و کلا «ارتجاع هم می تواند، تا حدودی ضد امپریالیست باشند، اما هیچ کدام در هیچ نسبیتی خواهان حرکت رو به جلو (حرکت در جهت رشد سطوح انقلابی) نیستند، از این لحاظ همگی ضد کارگر و ضد انقلاب بودند، در انقلاب ۵۷ همین نیروها ضربات مهکلی زدند و ضد انقلاب ارتجاعی مذهبی را به بهانه اینکه ضد امپریالیست هست کمک کردند تا انقلاب را شکست بدهد. لازم به تکرار است که امپریالیست بخش کوچک و البته نوک حمله سرمایه داری مانند سر کوه یخی شناور است، که در واقع ۵ الی ده درصد کوه یخی را تشکیل می دهد. بنا براین نباید اجازه داد به بهانه مبارزه ضد امپریالیستی کلیت سرمایه داری از زیر ضرب فرار کند، که در این صورت بیشترین نیروهای اپورتونیست

با نقاب ماهیت ضد امپریالیستی در صف طبقه کارگر جاه گرفته کل مبارزه را مانند انقلاب ۵۷ به انحراف می برند.

تقریباً تمامی نیروهای که استراتژی مبارزات خود را تنها یا مقدم بر بقیه بر پایه ضد امپریالیستی گذاشته بودند همگی بلا استثنا به نوعی، هنوز نپیوسته، از طبقه کارگر کنده شده به زائده ی جناحی از سرمایه داری تبدیل شدند.

لازم به ذکر است که اگر ۷۰ سال قبل از این، زمانی می توانست بورژوازی ملی یا بخشی از سرمایه داری به عنوان شکلی از سرمایه داری مقابل شکل امپریالیستی آن وجود داشته باشد، دیگر امروز چنین موضوعی وجود ندارد. (البته در انقلاب اکتبر لنین با ارایه تز های آوریل اعلام کرد که بورژوازی های ملی حداقل در کشور های اروپایی و پیش رفته، انقلابی نیستند این موضوع با پیوست سوسیال دمکرات های اروپایی به بورژوازی اروپای که عامل مهم شکست انقلابات اروپا بود عملاً ثابت شد و هر چند در کشور های زیر سلطه و مثلاً «جهان سومی یا با هر نام دیگر می توانستند هنوز بورژوازی ملی نسبتاً پیشرو داشته باشند، که خواهان استقلال باشد، تا از دید گاه همکاری در این جهت و در جهت استقلال طلبانه تا حدودی انقلابی با کارگران همکاری کنند، اما پس از مدت کمی، نهضت های، در شیلی، در سالهای ۳۰ در ایران و انقلاب ویتنام و ... ثابت کردند که در کشور های زیر سلطه نیز بورژوازی ملی که انقلابی باشد وجود ندارند و تز های آوریل لنین در مورد این کشورها نیز زمینه صدق یافته است، اما رویزیونیست های حاکم شده در شوروی با بهانه قرار دادن موضوع ضد امپریالیستی و دیگر تئوری های انحرافی در واقع ضد تزهای آوریل لنین عمل کردند، که پیروان آنها به اشکال مختلف به طبقه کارگر ضربه زدند، عمل مصدق و پیروانش در مقابل کودتای ۲۸ مرداد و عملکرد حزب توده در آن تاریخ این موضوع را به روشنی و با شیپور فریاد زد.) اگر امروز ما برای مبارزه با امپریالیسم به همکاری تاکتیکی با بورژوازی ملی تکیه کنیم یا بخواهیم برای گسترش قدرت خود به آن بعنوان کمک در صف انقلابی علیه امپریالیست تکیه کنیم کاملاً ضد کارگری است. در هیچ جای دنیا دیگر حتی یک سرمایه دار یا یک بورژوا، یا یک خرده بورژوازی انقلاب وجود ندارد. که برای هم پیمانی با آن این تئوری را (تئوری های رویزیونیستی احزاب برادر و ... را بکار ببریم، بنابراین اگر بحث را در مبارزه با امپریالیسم بعنوان حرف اول پیش ببریم باید دید با تکیه، یا امکان دریافت کمک و قدرت و یا همکاری پا یا پای، یا زیر گروهی از آنها بودن، از جهت چه نوع چشم داشتی، از کدام جناح سرمایه داری، آنها (جناح های مختلف سرمایه داری) را از هم جدا می کنیم و می خواهیم بین شکاف ان جناح ها مانور مبارزاتی بدهیم، آیا در مقابل امپریالیست های که اکنون به دو بخش یا دو صف مقابل هم تقسیم شدند و بقیه کشورها و بورژوازی های کشور های مختلف نیز به زیر گروه های از آنها تقسیم شدند می خواهیم پشت یا در کنار کدام یا علیه کدام مبارزه کنیم؟ که مثلاً با توجه به این تصمیم می تواند موضوع ضد امپریالیست بودن یا نبودن ما معنا پیدا کند. ضد کدام صف امپریالیستی و در کنار کدام صف امپریالیستی؟ آیا، سرمایه داری بخش سومی هم دارد؟ که ما در صف آن، یا با دعوت از آن به صف خودمان، در مقابل دو صف امپریالیستی که اکنون در مقابل هم صف آرای کردند، قد علم کنیم؟ در حال که ما مجبوریم صف مستقلی داشته و در مقابل تمامی جناح ها و صف های امپریالیستی و کلیت سرمایه داری و در حین کلیت آن در مقابل بخش های امپریالیستی اش هم زمان بایستیم، و حتی اگر تاکتیکی هم بخواهیم در بین شکاف موجود بزنیم باز باید با تئوری و ماهیت مستقل این کار را انجام بدهیم، یعنی تزهای آوریل را باید پذیرفته و تکامل بخشیده بروز کرده اعلام کنیم که انقلاب آتی بدون هیچ چون و چرایی سوسیالیستی است، و لا غیر، در این صورت ضد امپریالیست بودن در دل مبارزات

سوسیالیستی هضم می شود، و دیگر نمی توان با قشر ها و لایه های مانند خمینی و رفسنجانی و امثال آنها یا با بخشی از جمهوری اسلامی، سبز ها و اصلاح طلبان درون و بیرون نظام و ... در یک صف ایستاد. و نمی توان ضد امپریالیست بودن را جدا و شاخص تر یا مقدم بر انقلاب سوسیالیستی نشان داد، یعنی نمی توان انقلاب را مرحله بندی کرد، یعنی نمی توان تئوری های رویزیونیستی بعد از لنین را دو باره زنده کرد. البته دل کندن ضد امپریالیست ها از تئوری های انحرافی فوق بسیار سخت است، چون موجودیت و هویت خود را روی « مبارزه ضد امپریالیستی و مرحله بندی انقلابات مقدم است بر مبارزه با کلیت سرمایه داری برای رسیدن بی واسطه به سوسیالیسم » تعریف کردند و حال اگر بخواهند دست از آن تئوری ها بردارند اول باید هویت خود را بر مبنای مبارزه برای سوسیالیسم مقدم بر هر موضوعی دیگر است، تعریف کنند، تا زیر پایشان خالی نگردد.

تنها برای اینکه به سمت دیگر انحراف در نه غلطیم، لازم است بدانیم مبارزه طبقه کارگر تنها با تکیه به نیرو طبقاتی خود و رهبری مستقیم و مستقل هم پیمانانش در شکل ضدیت با کلیت سرمایه داری داخلی و جهانی و پذیرفتن اینکه بخش امپریالیستی سرمایه داری اکنون رهبری کل سرمایه داری را از سرمایه داری جهانی گرفته تا کل سرمایه داری های داخلی همه کشور ها را به عهده دارد و مبارزه با امپریالیست ها جدا از مبارزه با کلیت و همه جناح های سرمایه داری جهانی و داخلی نیست، تنها شاخصه وجود امپریالیستی در این مبارزه نسبت به بقیه بخش های سرمایه داری، بودن آن ( شکل امپریالیستی سرمایه داری) در صف مقدم به عنوان رهبری دشمنان کارگران است، نباید اجازه بدهیم اختلافات و رقابت های درونی جناح های سرمایه داری در اشکال مختلف ما را شقه شقه کرده بین صفوف خود به زائده بخش های مختلف خود تبدیل کند، همه می دانیم برای مبارزه با دشمن (کلیت سرمایه داری) نمیشود، رهبری (بخش امپریالیستی سرمایه داری) آن را از بدنه اش (جناح های مختلف سرمایه داری) جدا کرده و به جناحی از بدنه آن وابسته شده آنگاه ادعای مبارزه با رهبری آن و جناح دیگرش را داشت. در این صورت ما استقلال صفوف کارگری خود را از دست می دهیم و به زائده یکی از جناح های سرمایه داری تبدیل می شویم.

مانند این است که جمهوری اسلامی را به دو جناح تقسیم و فکر می کنیم یکی نیست به دیگر ممکن است به سود طبقه کارگر باشد، (وقتی تاریخ ۷۰ سال گذشته ایران و جهان را با توجه به موضوع ضد امپریالیستی بررسی می کنیم و با نتیجه بدست آمده برخورد های میان دو جناح داخلی جمهوری اسلامی مقایسه می کنیم متوجه می شویم تقسیم کل سرمایه داری به دو جناح، سرمایه داری و سرمایه داری امپریالیستی ماکت کوچک شده اش همان تقسیم جمهوری اسلامی به دو جناح روبروی هم است که باعث شده هر کدام از طیف های اپوزیسیون به زائده یکی از جناح ها جمهوری اسلامی و یا یکی از جناح های سرمایه داری جهانی تبدیل شوند) کلیت جمهوری اسلامی دشمن است حال باید همین سیاست را در مقابل تمامی جناح های سرمایه داری از جمله سرمایه داری امپریالیستی و کلیت سرمایه داری داخلی و جهانی نیز بکار ببریم.

برخی از مواردی که باعث می شوند بگوئیم فضای انقلاب ۵۷ کارگری و سوسیالیستی بود عبارتند از:

- ۱ - آن فضا باعث شده بود شوراهای کارگری ساخته شوند، که حتی در مدیریت موسسات اقتصادی اجتماعی و سیاسی دخالت می کردند و حتی جمهوری اسلامی مجبور شده بود شوراهای را در محلات بپذیرد، برای ضد امپریالیست بودن هیچ نیازی به شوراهای وجود ندارد.

- ۲ - فضای فوق باعث می شد همه نیروها مجبور شوند برای جای پا، یافتن در انقلاب به تعریف و تمجید از کارگران به عنوان تعیین تکلیف کننده در انقلاب بپردازند که از جمله، خمینی می گفت

«انقلاب ما مرهون کار و کارگر است» ، « خداوند هم کارگر است» ، « پیامبر دست کار گر را بوسیده است» و... تمامی مدیران جدید تلاش می کردند خود را از خانواده های کارگری و با تیپ و شکل و شمایل کارگری نشان بدهند، مصادره ها نیز شکل طبقه پایین را داشت و برای ضد امپریالیست بودن نیاز به چنین مواردی نبود.

۳- بسیاری از زمین ها ، خانه ها و کارخانه ها توسط خود مردم و کارگران مصادره و کنترل شدند، وسعت بسیار زیادی از این زمین های مصادره شده در جهت استفاده مردم (سوسیالیستی) مانند ساختن مدرسه ، درمانگاه و کتابخانه و زمین بازی و بایشگاههای زیاد و ایجا پارک های زیاد و ... همه به شکل خود جوش بر مبنای خواست توده ها (یعنی بر مبنای وجود فضای سوسیالیستی - کارگری) قرار گرفتند. در این مورد من رفقای را می شناسم که در مصادره های مردمی گسترده که بعد از شکست انقلاب به دست حکومت ضد انقلابی افتاد در منطقه وسیعی از تهران که شامل نعمت آباد ، شهرک ولیعصر ، فلاح ، وصفنار، تولیدارو، یافت آباد و شادآباد، دولت خان ، زهتابی ، شهر شریعتی ، عبدال آباد ، خزانه فلاح و بخش های از جاده ساوه بین جوانانی بودند که این کارها را برنامه ریزیس و اجرایی می کردند.) اگر ماهیت انقلاب ضد امپریالیستی بود هر گز چنین مواردی مقبولیت عمومی کسب نمی کرد.

۴- بیشترین شعارها کارگری بود، و می دانیم حتی استقلال و آزادی بخشی و در درون شعار های کارگری هستند. که بسیاری از این دست شعارها مطالبات بورژوا دمکراتیکی هستند که روی زمین مانده اند و دیگر بورژوازی برای کسب آنها مبارزه نمی کند بنا براین اینها نیز به عهده طبقه کارگر گذاشته شده است. این نیز ثابت می کند که انقلاب ۵۷ بسیار فراتر از بحث ضد امپریالیستی بود.

۵- حتی خمینی تحت فشار فضای کارگری و سوسیالیستی عمل مصادره گری ( که نقطه مقابل اسلام و مالکیت خصوصی است) مجبور شده بود بگوید ما مالکان و سرمایه داران بزرگ را پای میز محاکمه خواهیم کشید. که برای ماهیت ضد امپریالیستی چنین موردی لازم نیست.

۶- می دانیم که شوراهای کارگری در دوره مبارزه تنها نیروی بود که تیر خلاص به حکومت قبلی زد و بعد از انقلاب حتی در مدیریت ، کنترل کارخانه و کنترل تولید دخالت مستقیم را شروع کردند، و شورا های دهقانی کارها و مبارزات بزرگی را ایجاد کردند که این موارد هیچ ربطی به ضد امپریالیست بودن ندارد.

۷- فضای سوسیالیستی و کارگری در ایران آنقدر بالا بود که خمینی بر خلاف سالهای ۱۳۴۲ که مخالف سرسخت تقسیم زمین خانها بود در سال های ۵۷ مجبور به پذیرفتن مصادره شد.

۸- ساخته شدن انواع تعاونی های با وظایف و در ابعاد گوناگون که بخشی از اندیشه و اعمال سوسیالیستی هستند ( که اینها نیز بعد از شکست انقلاب از مسیر اولیه و اهداف سازندگانشان منحرف شدند) این موارد هم برای انقلابی با ماهیت ضد امپریالیستی لازم نیستند.

۹- مصادره زمین ها و خانه ها توسط مردم بی خانمان و قبول این گونه مصادره ها از طرف حکومت اسلامی که از روی اجبار قبول کردند تا اینکه در سالهای بعد از شکست انقلاب حکومت با آنها به شکل های گوناگون برخورد ضد انقلابی کرد ( در این رابطه نیز چون با برنامه ریزی متمرکز انجام نمی شدند چون رهبری انقلابی وجود نداشت خطاهای بسیاری نیز اتفاق می افتاد که باعث نمی شوند ماهیت کلی مصادره که سوسیالیستی بود زیر سوال برود.)

۱۰- نمونه بارز دیگر موضوع ترکمن صحرا بود که بقیه دیگر نقاط ایران هم فضای آماده برای این کار داشتند اما شکست ترکمان صحرا باعث فروکش شدن در نقاط دیگر گردید.



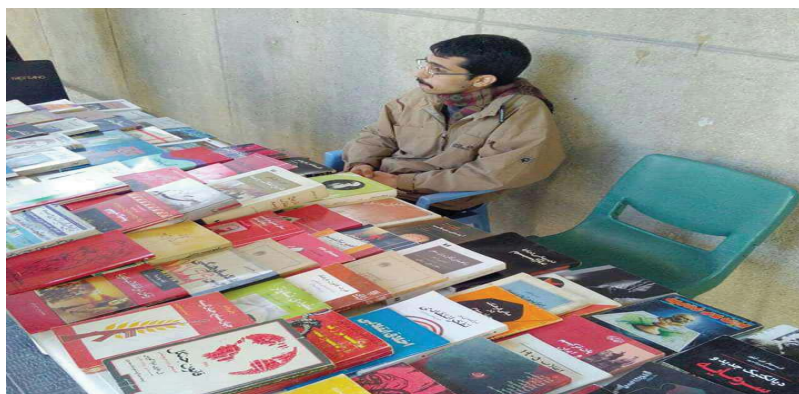
۱۱ - تقریباً «جمعیت غالبی از کارگران و توده ها و حتی بسیاری از نیروهای سرمایه داری و ارتجاع به شدت احساس می کردند انقلاب با سرعت به سمت سوسیالیستی در حرکت است و خمینی و دیگر نیروهای اطراف و سرمایه داری با تبلیغات گسترده تلاش می کردند اسلام را نوعی سوسیالیسم نشان بدهند تا مردم و کارگران راضی شوند که با قبول حکومت اسلامی هم سوسیالیسم را دریافت می کنند و هم دنیای دیگر را، این باور آنقدر قوی بود که ما وقتی از توده ای ها نقد می کردیم که چرا به جمهوری اسلامی کمک می کنید آنها مانند خود اسلامی ها از قوانین اسلامی به عنوان شکلی از سوسیالیسم تبلیغ می کردند و توده های کارگر و مردم را این گونه فریب می دادند و حتی می گفتند اگر ریش خمینی و یا عمامه رفسنجانی را بلند کنید داس و چکش را خواهید دید. منتها همان موقع مشکل ما این بود که نمی دانستیم که خود شوروی و اقمارش دیگر انقلابی نیستند و تمامی تئوریهایشان تنها در بعد ضد امپریالیستی و سازش طبقاتی خلاصه شده است.

۱۲ - خمینی و بسیاری از حکومتیان قبل از تصرف کل حکومت بارها تحت فشار فضای سوسیالیستی و کارگری انقلاب به خواسته های سوسیالیستی برای جذب توده ها اشارات مداوم کردند مثلاً «خمینی می گوید «برق، آب و گاز باید مجانی باشد...»، «به این قدر راضی نباشید...»، «خانه خرید همه را خانه دار خواهیم کرد...»، یا در زمان ریاست جمهوری بنی صدر حدود دویست هزار تومان وام خانه تصویب شده و بسیاری گرفتند برای دانستن قدرت دویست هزار تومان وام همینقدر کافی است بدانیم که کسی به نام ... در میدان انقلاب تهران کوچه رستم با گرفتن دویست هزار تومان وام توانست خانه ای سه طبقه به قیمت ۱۸۵ هزار تومان خرید و ۱۵ هزار تومان باقی را خرج دیگر خود کرد. برای ضد امپریالیست بودن این مورد هم نیاز نیست.

۱۳ - برای امکان پیش بردن حاکمیت ضد انقلاب و شکست دادن انقلاب اولین سرکوب علیه شوراهای کارگری و خارج کردن خانه کارگر از دست نیروهای چپ شروع شد، که اگر ماهیت ضد امپریالیستی داشت نیروهای کارگری و چپ نمی توانستند این همه قوی باشند که حکومت مجبور به سرکوب چنین گسترده علیه کارگران شود.

اگر تنها ماهیت ضد امپریالیست بودن را، به انقلاب ۵۷ بدهیم باید به خود بگوییم برای ضد امپریالیست بودن هیچ نیازی به موارد بالا نبود، اما می دانیم موارد بالا مهمترین قسمت های کارکردی انقلاب بودند که یک هزارم وجود آنها در ضد امپریالیستی بود، وجود نداشت، اینها و دهها مورد دیگر که می شود مثال آورد نشان می دهند و اثابت می کنند که ماهیت انقلاب ۵۷ کارگری و سوسیالیستی بود منتها متولی، رهبری و سازماندهی سیاسی متشکل و انقلابی در جهت ماهیت اصلی خود نداشت و آنهایی که ادعای چپ و کمونیست داشتند خودشان ماهیت کارگری و انقلابی و تحلیل درست از واقعیت های در حال جریان نداشتند، در نتیجه دشمن توانست بخش کوچکی از ماهیت موجود در کنار ماهیت ریشه ای انقلاب را به صورت جعلی به عنوان ماهیت اصلی به انقلاب تحمیل کرده انقلاب را منحرف و به شکست بکشاند و در واقع تنها ضد امپریالیستی نشان بدهند و ماهیت اصلی را از آن بزداوند. همان طوری که گفته شد بسیاری با دید انحرافی و مرحله بندی، به انقلاب ۵۷ نگاه می کردند که این تئوری های مرحله بندی انقلاب باعث می شد به جای سازماندهی برای پیش برد ماهیت اصلی انقلاب به تبعیت از بخش جعلی ماهیت ان پشت سر جمهوری اسلامی و یا حتی مقابل ان اما بدون سازماندهی سوسیالیستی - کارگری قرار بگیرند.

## خاطرات مستند!!!



## نه به کالایی و تجاری شدن آموزش!!!

یکم: محمد را از ۱۰ سال پیش و اواسط دوره‌ی کارشناسی می‌شناسم. اولین مواجهه‌ام در حیاط دانشگاه بود. تنها نشسته و کتاب «الهیات فرهنگ» را می‌خواند. غریب به نظر می‌آمد کسی در دانشگاه پیام نور، کتاب «پل تیلیش» را بخواند. آمارش را گرفتم. کسی چیزی نمی‌دانست. کم کم نزدیک شدم. ۴۰ ساله بود و بازمانده‌ی دهه‌ی شصت. همه‌ی داشته‌اش تنهایی و ۲ سال زندان در دهه‌ی شصت و ۱۴ سال محرومیت اجتماعی و حقوق قراردادی کارگری و تک اتاق اجاره‌ای و مجموعه‌ای از کتاب و رفاقت با پوینده بود. حرف‌ها و خاطراتش به چپ‌گرایی شیفته‌ترم می‌کرد. اولین باری که به خانه‌اش رفتم، باز مواجهه‌ام با کتاب بود. این بار مجموعه‌ای کمیاب.

دوم: ۳ سال پیش در ظهر گرم مرداد تبریز به عیادتش رفتم. حین کار دچار سوختگی شده بود. تنها در اتاقش موسیقی گوش می‌داد. اتاق کوچیکی در بالای مغازه‌ای که گرمای آفتاب از دو طرف مستقیم وسط اتاق بود. پنکه‌ی کوچکش جوابگوی خنک کردن اتاق نبود و جای سوختگی و دردی که داشت، امانش را بریده بود.

سوم: ۲ سال پیش که رفتم اتاقش، با محمدی مواجه شدم که در آستانه‌ی ۵۰ سالگی به خاطر اعتراض به کارفرما برای پس گرفتن حقوق معوق و تحصن جلوی استانداری، اخراج شده بود. نشستیم. یکهو دیدم جز چند جلد، باقی کتاب‌هایش نیست. گفتم چه کارشان کرده‌ای؟ گفت برای اجاره‌ی اتاقم فروختم! این چندمین بار بود که کتابخانه‌اش را می‌فروخت. چند دقیقه سکوت بود و بهت و اندوه. محمد، نمونه‌ی عینی رنج طبقاتی و رنج مبارزاتی‌ست.

چهارم: براساس اصل ۴۳ قانون اساسی بهداشت و درمان و آموزش و پرورش باید برای عموم مردم رایگان باشد. روزی قرار بود دلخوش به آن مقدار نباشیم که فقط اتوبوس مجانی می‌شود، قرار بود انسانیت را به ما بازگردانند و عدالت به حدی گسترده شود که بی دغدغه‌ی معیشت زمینی، در آسمان‌ها دنبال معنویات از دست رفته و انسانیت فراموش شده باشیم. حالا به جایی رسیده‌ایم که در نقطه‌ی صفر رهایی، دانشجویی برای پرداخت شهریه، کتاب‌هایش را می‌فروشد. قسمت طنز قصه اینجاست که علی مطهری، نماینده‌ی «لیست امید» گفته است، مصوبه‌ی اخیر مجلس برای افزایش سقف حقوق ماهانه‌ی مدیران به مبلغ ۲۴ میلیون تومان، در راستای جلوگیری از مهاجرت نخبگان بوده است. او نمی‌داند نخبگان اصلی کنار خیابان بساط کرده‌اند و هستی‌شان را به حراج گذاشته‌اند. او نمی‌داند «خیابان» چیست. او نمی‌داند ۲۴ میلیون یعنی ۳۰ برابر حقوق کارگر، یعنی دو سال و نیم دستمزد ماهانه‌ی کارگر! یعنی یک ماه حقوق کارگر برابر با یک روز حقوق مدیر است. آری، دلخوش به این مقدار نیستیم و نخواهیم بود.

پ.ن: عکس دانشجوی دانشگاه تهران که برای پرداخت هزینه‌ی سنوات، کتاب‌هایش را می‌فروشد.

## «من از خیاطی بدم میاد من از عید نوروز متنفرم»



حدود ۲۳ روز مانده به عید نوروز و من همچنان از عید نوروز متنفرم. من از ۹ سالگی در زیر زمین های نمناک تولید خیاطی شروع به کارگری کردم. از رباط کریم گرفته تا سلطان آباد و پاسگاه نعمت آباد و شوش مولوی گرفته تا آن بالا شهر تهران. از همان ابتدای کودکی از شب های عید متنفر بودم و هستم. چرا که نزدیک شب عید که می شد صاحب کارها مهربان می شدند مهر و محبت شان را توی استکان های چای همراه با تریاک می ریختند و به ما هدیه می دادند، تا ما شب ها تا صبح پشت چرخ خیاطی بیدار بمانیم و انرژی داشته باشیم تا پا هایمان را روی پدال چرخ فشار بدهیم.

در همین شب های عید بیشترین سوزن ها در انگشت های کارگران فرو می رفت. در همین شب های عید رقابت برای بیشتر کار کردن قیچی می شد و کارگران شکم های یک دیگر را می دریدند. در همین شب های عید گزینه جنسی کارگران بزرگ سال از کودکان کار سواری گرفت!، اما کسی صدای کودکان کار را نمی شنید! صاحب کار مهربان هم نبود، چون او در منزل گرم کنار زن زیبایش دراز کشیده بود.

در همین شب های عید برشکار خیاطی از شدت خستگی ناشی از کار زیاد انگشت هایش را پشت میز برش می برید و صاحب کار مهربان غم پارچه های به خون کشیده اش را می خورد و تنها چیزی که هیچ اهمیتی برایش نداشت انگشت های بریده شدی برشکار بود! در همین شب های عید، چیزهایی است که آدم نمی تواند به زبان بیاورد حتی!.

اما ما کارگران می دانستیم که صاحب کار مهربان، بی شرفی بیش نیست همین که شب عید تمام شود او تک تک ما را اخراج می کند. اما باز با وجود تمام اینها روزی شانزده ساعت پشت چرخ کار می کردیم و به فکر چشم درد، سر درد... و قوز کمرمان هم نبودیم چرا که مسئله نان بود، خانواده بود، اجاره خانه بود... بعد از پایان سه ماه شب کاری (شانزده ساعت) جان کندن پشت چرخ و دوختن و ای دوختن همان صاحب کار بی شرفی که تلاش می کرد خودش را مهربان نشان بدهد، حال ماشین حساب به دست شده و حتی پول چای و تریاک را از جیب خود کارگران می گرفت. حالا تویی و پول چندین ماه اجاره پرداخت نشده و صاحبخانه خشمگین که چندین ماه تو را تحمل کرده است تویی

و خرید مواد غذایی! حال تویی و خرید میوه و آجیل برای مهمان هایی که عید دیدنی می آیند! از خانه که بیرون میزنی به مغازه آجیل فروشی نگاه می کنی به قیمت ها خیره می شوی، دیگر لازم نیست وارد مغازه شوی از همان بیرون تضاد در آمد و هزینه مغزت را منفجر می کنی. وقتی دست خالی به خانه باز می گردی و خانواده به دستان خالی ات نگاه می کنند این غرور توست که می شکنی کودک کارگر چیزی که تورا در همان لحظه نابود می کند این است که با خواهرت برای خرید لباس عیدی بزنی بیرون و خواهرات با همان لهجه مادری بگویند: اُ بیادر جان برمه یک ماتو خریده مه تانی؟

و تو بگویی: بلی

به سمت مغازه ی شیک ماتو فروشی بروی و خواهرات همان ماتوویی را انتخاب کند که شب عید انگشت ات بخاطر دوختن اش زیر سوزن رفته بود.

از آقای فروشنده بپرسی این ماتو چند است؟

و آقای فروشنده با آن لباس های شیکی که برتن دارد خیلی شیک توی چشمانت نگاه کند و دروغ بگوید: این ماتو ترک، تازه از ترکیه وارد کردیم! البته قابل شما را هم ندارد صد و پنجاه هزار تومان! و تو آن قدر در درونت از خشم بسوزی که صورتت سرخ شود!، خواهرت از تغییر چهره و رفتار ات متوجه بشود که تو توانایی خرید آن را نداری و برای اینکه پیش او خرد نشوی به دروغ به تو می گویند: بیا در مه اصلا از ای ماتو خوش نداروم.

و از مغازه بزنی بیرون و تمام جان کندن هایت پشت آن چرخ خیاطی لعنتی را به یاد بیاوری و به این فکر کنی که مزده تو و دیگر کارگران از دوختن این ماتو فقط پنج هزار تومان بوده است!، و حال همان ماتو صد و پنجاه هزار تومان فروخته می شود و تو حتی توان خرید ماتوویی که با خلاقیت و نیروی کار خودت آن را درست کردی را نداری! آن روز از شدت خشم در خودم سوختم، به خودم و تمام همکار هایم فکر می کردم و این جمله را تا خود شب

در ذهنم تکرار می کردم «من از خیاطی بدم میاد

من از شب عید متنفرم»

شهرام عباسی



## ما مرزنشینان بیکار داغ دیده ایم!!!



خانواده‌های کولبرهای کشته شده در بهمن سردشت از وضع زندگی عزیزانشان می‌گویند

ما مرزنشینان بیکار داغ دیده ایم

الناز محمدی «بهمن» در بهمن آنها را کشت و نامشان را با مرز گره زد؛ با کوهستان‌های پربرف کردستان و تنگدستی. حالا چهار روز از ۱۰ بهمن می‌گذرد؛ از شبی که «شیرزاد» و «آکام» و «علی» و «هیوا» به کوه زدند تا مثل بیشتر مردان آشنا و فامیل از مرز عراق جنس بگذارند روی کول هایشان و به شهر بیاورند و البته کوه آنها را پس نداد و مرگ نصیبشان کرد؛ مرگی سرد و یخ زده با آواری از بهمن بی رحم در ۱۰ بهمن ماه.

کولبران کرد را حالا کیست که نشناسد؟ مرزنشینان بی کار غم‌زده که در چند روز گذشته، بیشتر از همیشه نامشان بر سر زبانها افتاده و تصویرشان در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود؛ «بسرین» هم از همین شبکه‌ها بود که فهمید «شیرزاد» در برف گیر افتاده و جانش را به برف داده است؛ «بسرین»، همسر «شیرزاد عبداللهی» یکی از ۴ کولبری بود که آن شب در بهمن کوه‌های سردشت گیر کرد و مرد. حالا «بسرین احمدی»، همسر ۲۴ ساله «شیرزاد» ۲۷ ساله با صدایی که اندوه، بزرگترین قسمت صدایش است، از حال و روزش می‌گوید؛ از «باران»، دختر دو ساله شان که بیمار است و «شیرزاد» برای پیدا کردن پول فیزیوتراپی او، برای سومین بار بود که به دل کوه زد و درست در روز تولد «باران» کشته شد. «سه سال و نیم پیش با شیرزاد ازدواج کردم. او درست روز تولد دو سالگی باران کشته شد. من از طریق روزنامه سردشت در تلگرام باخبر شدم که کولبرها زیر برف رفته‌اند و بعدش با فامیلان رفتیم سمت کوهستان و آنها پیدایش کردند.»

او از دخترش می‌گوید و روزهای سخت سه سال و نیم گذشته: «مغز دخترم تبیل است، هنوز حرف نمی‌زند و نمی‌تواند راه برود. ما باید هفته‌ای سه بار او را به فیزیوتراپی می‌بردیم. شیرزاد کارگر فصلی بود ولی چون در زمستان کار نیست و دیگر نمی‌توانستیم هزینه فیزیوتراپی او و کرایه خانه مان را بدهیم، او برای کولبری رفت. ما ماهی ۳۰۰ هزار تومان اجاره می‌دهیم. بیمه سلامت همگانی هستیم ولی هزینه درمان دخترم را بیمه نمی‌دهد.» «بسرین» می‌گوید که بارها به «شیرزاد» گفته به کولبری نرود اما او گفته چاره‌ای نیست: «مجبورم، چکار کنم. پس هزینه باران را چه کسی بدهد؟» همسر «شیرزاد» هنوز نمی‌داند که در سه باری که او به کولبری رفت، پولی هم گیرش آمد یا نه: «او فقط سه بار به کولبری رفت و خبردار هم نشدم که بار به او دادند یا نه. می‌دانستم که برای هر باری به آنها ۸۰ هزار تومان پول می‌دهند. ۸۰ درصد مردم سردشت بیکارند و شیرزاد هم یکی از آنها بود.»

«احسان عبداللہی»، پسرعموی «شیرزاد» ہم حالا چندروزی است ہمراہ با بقیہ فامیل، در سوگ مرد ۲۷ سالہ و زحمتکش خانوادہ عبداللہی است. او ۲۲ سالہ است و کولبر نیست اما کولبرہا را خوب می‌شناسد: «شیرزاد تابستان و بہار تا موقعی کہ باران نمی‌بارید، کارگری می‌کرد. یکی دو سال بود کہ استادبنا بود. زمستانہا کار نمی‌کرد چون کار بنایی نبود، زن و بچہ داشت و مجبور بود کہ کار کند. شبی کہ در بہمن گرفتار شدند، خیلی ہا جلو بودند و توانستند فرار کنند، بہ روستای بیوران رفتہ و گفتہ بودند کہ چند نفر گرفتار شدہ اند و ہرکس می‌تواند برود کمک، آنہا ہم رفتند و کمکشان کردند.» او دربارہ وضع مالی خانوادہ «شیرزاد» می‌گوید: «آنہا خانوادہ فقیری ہستند. بچہ او ناتوانی جسمی دارد. بدنش شل است و نمی‌تواند بنشیند. باید ہفتہ ای یک بار او را فیزیوتراپی ببرند و ہر دفعہ حداقل ۸۰ ہزار تومان باید خرج بچہ شان می‌کردند کند. من کولبری نمی‌کنم. تعداد کولبرہا در سردشت زیاد است؛ اینطور نیست کہ بگوییم ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر کولبری می‌کنند، من فکر می‌کنم بالای ہزار نفر از اہالی سردشت و روستاہای اطرافش کولبری می‌کنند. سن کولبرہا از ۱۴ و ۱۵ سالگی شروع می‌شود تا ۴۰ و ۵۰ سال.» بہ گفتہ او: «بہ ہرحال ہزینہ‌ہا زیاد است. در شہر ما کار خیلی سخت گیر می‌آید، حالا وقتی زن و بچہ ہم داشتہ باشی، مشکل چندبرابر می‌شود. در شہرہای مرزی کارخانہ و ... وجود ندارد و مردم مجبورند یا کولبری کنند یا با الاغ و قاطر از مرزہا بار بیاورند و آنہا کہ پول الاغ و قاطر را ندارند، بار را روی کولہ‌ایشان می‌گذارند و از مرز بہ داخل می‌آورند. از ۲۰ تا ۱۰۰ کیلو بار می‌آورند. برای ہر بار، کیلویی ۴ تا ۵ ہزار تومان پول می‌گیرند. مسیرہا کلا کوهستانی است و نزدیک بہ ۱۵-۲۰ کیلومتر می‌شود و مجبورند در این مسیر و برای اینکہ مامورہای مرزبانی آنہا را نبینند، در شب حرکت کنند و گاہی کل مسیر را بدونند. آن شب ہم برف سنگینی آمدہ بود اما بہ ہمین دلیل شب رفتند کہ بار بیاورند.» «احسان» از افراد فامیلش می‌گوید کہ تعداد کولبرہا در آن زیاد است: «آنہا از کردستان عراق بارہا را می‌آورند. دو ساعت راہ است تا مرز عراق. از افراد فامیل ما خیلی زیادند کسانی کہ کولبری می‌کنند.»

«علی محمدنژاد»؛ کولبر دانش آموز «علی» ۱۸ سالہ بود؛ سال آخر دبیرستان، دانش‌آموز مدرسہ شاہد در رشتہ تجربی؛ او اولین بار بود کہ بہ کولبری رفتہ بود تا شہریہ ۸۰۰ ہزار تومانی مدرسہ اش را در بیاورد و برای آخرین بار در کولہای سردشت نفس کشید و دیگر بزرگشت. حالا «حمزہ محمدنژاد»، پدر ۴۱ سالہ او با غمی مانند ہمہ پسر از دست دادہ‌ہا، آن ہم پسر بزرگ، از «علی» و روزگار بیکاری و تنگدستی: «او اولین بار بود کہ برای کولبری رفتہ بود. علی کولبر نبود و بہ دلیل اینکہ ہزینہ ہای مدرسہ را در بیاورد و مشکلات دیگر با دوستانش برای کولبری رفتہ بود. من یک ہفتہ ای بود کہ برای کارگری بہ ارومیہ رفتہ بودم. آن روز بچہ ہای مدرسہ بہ او گفتہ بودند کہ برای تہیہ شہریہ مدرسہ ات بیا با ما کولبری کن، گفتہ بودند کہ ہر شب ۱۰۰ ہزار تومان گیرمان می‌آید و تو ہم بیا تا شہریہ ات جور شود.»

شہریہ مدرسہ اش چقدر بود؟ والا برای امسال گفتہ بودند ۸۰۰ ہزار تومان. ما ہم نداشتیم، واقعاً نداشتیم. ما مرزنشینیم، ہیچ کار و کاسبی نداریم؛ یا باید برویم دنبال قاچاق یا دزدی یا کارہای خلاف. ما ہیچ کاری نداریم. البتہ نہ من نہ پدرم و نہ اجدادم ہیچ کدام دنبال کار خلاف نبودیم، علی ہم نبود. ہمیشہ رفتیم یک لقمہ نان حلال پیدا کردیم و خوردیم. علی ہم بہ این دلیل کہ ہمکلاسی‌ہایش گفتہ بودند بیا برای ہزینہ ہایت کولبری، کن این کار را کرد. او می‌دانست کہ من ندارم، با خودش گفتہ دو سہ شب می‌روم و شہریہ ام را جور می‌کنم.

قبل از این شہریہ مدرسہ اش را چطور می‌دادید؟ سہ سال بود کہ مدرسہ شہریہ ای از ما نمی‌گرفت. دانش‌آموزان و معلمان کمک می‌کردند و برای سالہای گذشتہ سالانہ ۶۰۰ ہزار تومان برای شہریہ پرداخت کردہ بودند ولی امسال سومین سال بود و دیگر خودش مجبور بود کہ پرداخت کند. «محمد علی نژاد» بیکار است و ۴ بچہ دارد کہ یکی شان حالا دیگر نیست. علی اولین بچہ او بود و رضا، دینا و دارا بہ دنیا آمدند. «من آن شب در مہاباد بودم زنگ زدند گفتند در سردشت بہمن آمدہ و علی ہم با بقیہ رفتہ است، بعدش شب رفتم بیمارستان و او را تحویل گرفتم. در روستای دیران سردشت او را خاک کردیم. علی آن شب نتوانستہ بودہ کہ باری را بردارد، چون تیراندازی شدہ و آنہا ترسیدند و برگشتند و بعدش دچار بہمن شدند. یک ہفتہ بود کہ در مہاباد کارگری می‌کردم، ساختمانی، باغداری و

... من از مسئولان می خواهم که کاری برای مرزنشینان کنند که بچه هایشان بدبخت و سرگردان نشوند و دل پدر و مادرشان را نسوزانند و داغ به دل آنها نگذارند. ما می خواهیم شرایط شغلی اینجا طوری شود که دانش آموزی برای تأمین شهریه مدرسه اش کشته نشود.»

«آکام»؛ گچ کار کولبر پدر «محمد حمزه زاده» ۴۵ ساله است، محمدی که آکام صدایش می کردند و بزرگ شده روستای خانقاه مهاباد است. صدای پدر از پشت تلفن می لرزد وقتی اسم پسر بزرگش را می برد. پسر ۲۱ ساله اش که تنها چهار ماه مانده بود تا دیپلمش را بگیرد: «کار اصلی آکام، گچ کاری بود، ۵ ماه پیش او و همسرش، از ما جدا شدند و رفتند سردشت. تا قبلش با ما زندگی می کردند. آکام برای کار به سردشت رفت، آنها دو سال پیش ازدواج کرده بودند. همسرش ۱۸ سال بیشتر ندارد، همسرش رفته سردشت برای عزاداری و حالا قرار است برگردد پیش ما، جایی ندارد که برود.» تنها دو ماه از زمانیکه «آکام» کولبری را شروع کرده بود می گذشت که زیر بهمن ماند و جان داد: «آکام مثل بقیه گچ کارها، زمستان بیکار می شود، حالا هم که جدا شده بود، اجاره خانه اش مانده بود و خرج خانه نداشت. به من گفت می خواهد برود کولبری، من قبول نکردم، هزار بار بهش گفتم نرو، در روستای ما اصلا کسی کولبری نمی کند، این کار جوانان در شهرهای مرزی است، اما آخرش رفت. اول قرار بود برای گچ کاری برود عراق. اما بعدش کولبر شد، دو ماه بیشتر کولبری نکرد که این اتفاق افتاد. در این دو ماه، شاید ۱۰ دفعه، بار آورده بود. تلویزیون، جاروبرقی و ... می آورد، کیلویی ۵ هزار تومان. اگر بار ۶۰ کیلویی می آورد می شد ۳۰۰ هزار تومان. او برای همین ۲۵۰، ۳۰۰ هزار تومان جانش را از دست داد.» آکام برای آنهایی کارگری می کرد که خودشان جنس را تا لب مرز می آوردند و لب مرز می دادند به کولبرانی مثل آکام تا تحویل بگیرند و بیاورند ایران.

حمزه زاده، می گوید: «آکام دنبال یک لقمه نان بود، از سر ناچاری کولبر شده بود.» خانواده «آکام» حالا عزادارند و مادرش، زن ۳۵ ساله ای که از تاریخ زایمانش گذشته و هنوز نتوانسته فرزندش را به دنیا آورد، حال خرابی دارد: «آن روز که مامور خبر مرگ پسر را آورد، می خواستیم همسرم را برای زایمان به بیمارستان ارومیه ببریم، آنقدر حالش بد شد که نتوانست زایمان کند، فشارش پایین بود. دکتر به او دارو داد تا چند روز بچه را نگه دارد بعد زایمان کند.» صبح بود که به پدر و مادر «آکام» خبر بهمن گیر شدنش را دادند. آنها ۱۳۰ کیلومتر را با استرس طی کردند: «صبح رفتیم و فهمیدیم که واقعا جانش را از دست داده. جنازه را بردیم بیمارستان سردشت. به ما گفتند همان شب جانش را از دست داده، کولبرها را یا بهمن می کشد یا ماموران مرزی.» پدر آکام درد دلش زیاد است: «اینجا مثل تهران نیست که وقتی حادثه ای اتفاق بیفتد، آتش نشانی بیاید و هلال احمر. مردم روستا رفته بودند کمکشان، خدا خیرشان دهد. بعدش امدادگران هلال احمر رسیدند.» پدر آکام، شغلش آزاد است، می رود شهر و کار می کند: «روستای ما اصلا کولبر ندارد، کولبری مال روستاهای لب مرز است، ما ۱۳۰ کیلومتر با مرز فاصله داریم و فقط از روستای ما، آکام قربانی شد. اینجا جوانان بیکارند.» همین جاست که گلایه اش زیاد می شود: «جنگ که باشد مال ماست، بدبختی مال ماست، بیکاری مال ماست، در منطقه ای با این وسعت، تا صد کیلومترش، یک کارخانه هم پیدا نمی شود. برای این جوانان باید چه کار کرد؟ جوان بدبخت یا باید برود بار آزاد بیاورد و زیر بهمن و به دست مامور مرزبانی کشته شود یا بیکار بماند. آدم هایی در این منطقه زندگی می کنند که زیر خط فقر هستند.»

رحیم شیرینی، دهیار روستای خانقاه مهاباد است، او وضعیت خانواده حمزه زاده را به خوبی می شناسد: «خانواده آکام وضع مالی خوبی نداشتند. آکام هم از سر نداری کولبر شده بود. خیلی از جوانان این روستاها، بیکار هستند، الان روستای ما ۶، ۵ هزار نفر جمعیت دارد. روستای ما در حاشیه است. بیشتر این جوان ها، لیسانس و فوق لیسانس هستند اما کار ندارند. همین هم شده تا خیلی از آنها به مواد مخدر و مشروبات الکلی رو آورند. اوضاع خانواده ها خیلی خوب نیست.» او می گوید: «خیلی ها برای کارگری به عراق می روند، می روند آنجا کارگری می کنند، کاشی کاری و گچ بری می کنند. یک عده ای هم می شوند کولبری.» حالا چند روزی است که روستای خانقاه، رنگ عزا به تن کرده. همه از روستاهای اطراف برای دلداری خانواده حمزه زاده می آیند و دست خالی بر می گردند.

## جای خالی پدر!!!



شکیلا محمدی / دانش آموز مریوانی

دل نوشته ی دختر یک کارگر

همه افراد خانواده دور هم جمع شده اند ولی در قلبت احساس ناراحتی می کنی آن ناراحتی جای خالی پدرت است که رفت و دیگر برنگشت.

بند لباست را محکم و محکم تر میکنی که اندامت را زیباتر نشان دهد، بند لباست روی شانه هایت نقش میندودولی زخم بند کولی که پدرت بر دوش کشیده است از آن زیاد تر است ولی آن را به تو نشان نمی دهد که تو ناراحت نشوی. جلوی تلویزیون نشسته ای و به آهنگ شاد گوش میدهی ولی آهنگ شاد پدرت شلیک گلوله هایی است که به طرفش پرتاب میشود. از آزدن حیوانات لذت میبری ولی پدرت برای نجات جان اسبی که بار زندگی ونان او را بر دوش میکشد جان خودش را از دست داد.

عجیب مانده ای ولی از این عجیب تر نمیتواند باشد که پدرت دیشب پاروی مین گذاشت و یکی از پاهایش را ازدست داد. از صدای گرگ و سگ ها ترسیده ای و محکم دستان مادرت را گرفته ای ولی پدرت میان ان همه گرگ و سگ گرسنه بازهم به راهش ادامه میدهد.

اینجاست مرزپاوه ونوسود، اینجا چشمان مردی را میبینم که حتی ثانیه هارا میشمارد تا زود تر به خانه برسد با صدای شلیک گلوله راننده ترسید وفرمان ماشین از دستش رها شد وچشمان منتظرش برای همیشه بسته شد.

اینجا دستان پیر وناتوان پدر پیرت را میبینم، اینجا پدرم را میبینم که شب وروز را به هم گره زده است و برای خانواده اش زحمت میکشد. اینجا پدرم را میبینم که دو شبانه روز بدون آب وغذا در کمین افتاد و نتوانست حتی در جایش هم تکان بخورد. بازهم آنجا را تحت سلطه خود در آورده اند ومردمان پاک وبی گناه ومعصوم را میکشند.

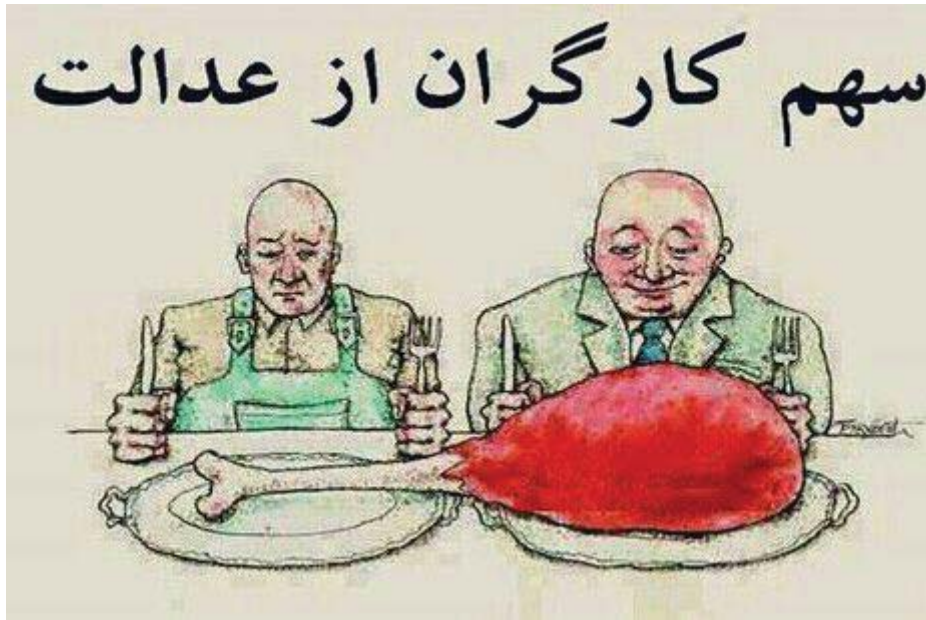
در اتاق گرم نشسته ای وبه بیرون مینگری چه سوز سردی لحظه ای نمیتوان پنجره را بگشایی چون چنان آن سوز بی رحم است که تازیانه بر دوش به کمین نشسته. آری لحظه ای آنسوتررا بین آنجا که سرما به استخوانهای پدرت رسیده، آری پدرت مرد تنومندی که در میان سوز وسرمامنتظر است که راه را برایش بگشایند. با دستهای یخ بسته اش کولی از رنج ومشقت بر شانه هایش تا سفره مارا به نانی خشک بیاراید. آری دستان پینه بسته پدری که زانوهایش نیز پر از زخمهایی است که روزگار در میان افتادن هایش به او داد تا با هرافتادن او ایستادن روبه ما آموخت تا پیش هیچکس پشت خم نکنیم.

آری پدر پیری که زانوهایش زیر کوله بارش می لرزید، پشت خمیده اش با بار سنگین دو چندان خمیده تر شده بود طوری که ریش سفیدش به زمین می خورد انگار که در مقابل سختیهای زندگی به سجده در آمده بود.

آری سوز سرما آتش و گرما انگار اینان جهنمیان بهشتی اند بهشتیانی سرزمین



## «پول حلال»



انشای یک دانش آموز

### در مورد «پول حلال»

نان حلال خیلی خیلی خوب است. من نان حلال را خیلی دوست دارم. ما باید همیشه دنبال نان حلال باشیم، مثل آقا تقی.

آقا تقی یک ماست‌بندی دارد. او همیشه پول آب مغازه را سر وقت می‌دهد تا آبی که در شیرها می‌ریزد، حلال باشد. آقا تقی می‌گوید: آدم باید یک لقمه نان حلال به زن و بچه‌اش بدهد تا فردا که سرش را گذاشت روی زمین و عمرش تمام شد، پشت سرش بد و بیراه نباشد.

دایی من هم کارمند یک شرکت است. او می‌گوید: تا مطمئن نشوم که ارباب رجوع از ته دل راضی شده، از او رشوه نمی‌گیرم. آدم باید دنبال نان حلال باشد.

دایی‌ام می‌گوید: من ارباب رجوع را مجبور می‌کنم قسم بخورد که راضی است و بعد رشوه می‌گیرم! داییم می‌گوید: تا پول آدم حلال نباشد، برکت نمی‌کند.

پول حرام بی‌برکت است.

ولی پدرم یک کارگر است و من فکر می‌کنم پولش حرام است؛ چون هیچ‌وقت برکت ندارد و همیشه وسط برج کم می‌آورد. تازه یارانه‌ها را خرج می‌کند و پول آب و برق و گاز را نداریم که بدهیم. ماه قبل، برق ما را قطع کردند، چون پولش را نداده بودیم دیشب می‌خواستیم به پدرم بگوییم:

کاش دنبال یک لقمه نان حلال بودی!!!!

## نامشان کولبر است!!!

## شعر

چنین واژه ای در هیچ دایره‌المعارفی  
و فرهنگ لغتی ثبت نیست  
برای همین  
نامش قاچاق چی و خائن شد...!!!!  
درآمدشان نه با تولید خالص محاسبه میشود  
و نه با ناخالص...  
جان به دست ممکن است  
با یک گلوله ی داغ تمام مال و سرمایه اشان فنا شود  
و جسدشان را  
چند روز بعد زیر آوار برف و بهمن پیدا کرد  
و آنگاه با چند میلیون تومان میتوان  
چند میلیون تومان باید بدهی تا  
آنها از بیمارستان تحویل گرفت.  
کولبران؛  
پول زیادی گیرشان نمی آید  
حرف دلش این است:  
میتسم بیکار شوم، فقر خُردم میکند ؛  
میدانی؟  
میخواهم پسرم درس بخواند!  
هرچه بر سر من آید مهم نیست...  
فرقی ندارد کجا باشد...  
مرز باشد،  
راه صعب العبور باشد،  
تفنگ ها در کمین باشند  
و بار طاقت فرسا باشد  
آنجا کار میکنم!  
آری کار میکنم بجای اسب هایشان کار میکنم،  
مانند آنها  
گاهی سخت تر  
گاهی سردتر !  
گاهی خودشان هم از ماهیت کوله بارهایشان اطلاع ندارند  
این یعنی نمیدانند چه سودی نسیب دو طرف سودا میشود.  
مادری میگفت :  
پسرش را مرده زیر بار،  
لوازم خانگی  
و تلویزیون های چند اینچی پیدا کرده بود!  
اگر میخواهی حالشان را بفهمی باید یک روز جای آنها بود !  
نوشته «دلشاد خضری»

دو قطعه شعر از:

### حمید درویشی

نه دولت عدل در عمل کاری کرد

آنسو از فقر کسی جان میداد

نه دولت تدبیر تو را یاری کرد

شیخ ما درس از ایمان میداد

نازم به غرور و غیرت مردی که

هیچ کس گرسنه در شهر نبود

با دستفروشی آبرو داری کرد

گشت ارشاد اگر نان میداد



ای درد بی پایان ما

ای

داغ لعنت خورده ها

در اتحاد و رزم ما

پایان فقر و رنج ما

(ر.باران)

در نقشه می توان  
ارومیه را ؛ به رنگ سیستان کشید  
یا تهران را  
به رنگ دیوارهای خرمشهر  
مشهد را ، باید تار کشید  
تاری که دلش  
برای صدای خودش تنگ شده است  
خزر را ؛ باید به رنگ لیوان چای کشید  
چایی که در آن  
یک میلیون سیگار را خاموش کرده اند  
در نقشه می توان  
مرزها را به رنگ گاو خونی کشید  
که هر غروب ، پرنده های مهاجر  
در آن سگته می کنند.



این شعر برای اولین بار بمناسبت یازده اردیبهشت ۱۳۹۰ روز جهانی کارگر به کارگران مبارز و زندانی تقدیم شد امسال باتغییرات تازه آن را روان و سلیس تر نموده و مجدداً به مناسبت روز جهانی کارگر ۱۳۹۶ منتشر می شود. امیدوارم مورد قبول و لطف رفقای کارگر و مبارز واقع شود.

## اول مه، روز، رزم است.

اول مه روز رزم است، دل به دریا می زنیم  
دست زجان شسته، قدم بر خیابان می گذاریم  
بهر آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم  
خیابان زیرپای ماست، طرح تسخیر جهان می زنیم  
گردش چرخ صنعت مدیون کار ماست      حیات و ممات، از همت ما، پابرجاست  
بازو در بازو دولت را سرنگون می کنیم      آتش بر انبان کارفرمای ستمگر می زنیم  
بهر نان و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم  
شب را تارو مار، روز را، رنگ شفق می زنیم  
رفیقان دررزم با سرمایه قهرمانی می کنند      دسته جمعی بر قلب پلیس، خونخوار می زنیم  
پرچمها در احتزاز، پا بر زمین می زنیم      سرود آزادی به لب، بر سر کارفرما می زنیم  
بهر نان و آزادی، بر صف دشمن میزنیم  
همراه ستاره و خورشید، روز را رقم می زنیم  
خالق مائیم، روح بر تن هستی می زنیم      چرخ گردون با دست و فکرما، بی وقفه می گردد  
مهربرانچه هست و خواهد بود، می زنیم      علیه این همه گرسنگی و ستم فریاد می زنیم  
بهر آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم  
در شهرو کشور، دست به اعتصاب سیاسی می زنیم  
آنکه رعد آسا، هوا را شکافته، می پرد      روی ریل و آسفالت، به سرعت می دود  
آنکه در دریا، سرتاسر گیتی می رود      عمر ماست، که در خط تولید نقش می زنیم  
بهر نان و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم  
با علم رهایی، دست به تسخیر قدرت می زنیم  
آنچه پشت ویتترین، برقش چشم را می زند      زیبایی شهرها خیره می کند هر بیننده ای را  
آنچه رنگین می کند، سفره، هر خانه ای را      حاصل کارماست، برسفره خالی زول می زنیم  
بهر نان و آزادی، بر صف دشمن میزنیم  
شهر و کشور را، در پناه کارخانه سکه می زنیم  
چو کودکان کار و خیابان گرسنه و مریض اند      دختران و پسران زیر شکنجه و در زنجیرند

می جنگیم، دژخیم، به جنگ تا به جنگیم با رفیقان، چو طوفان بر زمینت می زنیم  
 بهر آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم  
 با جسارت پرچم سرخ بر پیشانی خدایان می زنیم  
 باتسخیر جهان، سکه ی دولت خود می زنیم بهرنان و آزادی افق بر کف اقبال می زنیم  
 تخت ومنبر، شاه وملا بر زمین می زنیم با سوسیالیسم، آتش در جان دشمن می زنیم  
 بهر نان و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم  
 در ره سوسیالیسم، طعنه بر مرغ آتش می زنیم  
 جهان گر نباشد، دلخواه ما، اعتصاب کرده پتک برسر، مشت بردهان دشمن می زنیم  
 پرچم سرخ انقلاب، بر گنبد مینا می زنیم بر گردش سرمایه، طرح دگر می زنیم  
 بهر نان و آزادی، بر صف دشمن میزنیم  
 درهسته ها، دست به ایجاد حزب می زنیم  
 روز آزادی غبار رزم، زتن خواهیم شست در بزم، بوسه بر رخ یاران، سلاسل می زنیم  
 از چشمه سوسیالیسم، نوش خواهیم کرد بهر آن روز، دمامم، دست به قیام می زنیم  
 بهر آزادی و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم  
 با حزب و شورا، تن به دریای انقلاب می زنیم  
 اکنون طنین صدای پای انقلاب می شنویم گر صف به صف، بازو به بازو، به رزمیم  
 روزی، چو شاهرخ بر قلب دشمن می زنیم فردا، نان خود آسوده در، قاتوق می زنیم  
 بهر نان و سوسیالیسم، بر صف دشمن میزنیم  
 سرودخوان، دست به انقلاب اکتبر، دگر می زنیم

م. اخگر - ۱۳۹۶/۱/۸



## در ستایش کمونیزم

در ستایش کمونیزم

معقول است،

فهمیدنی و آسان

درکش توانی کرد. به صلاح توست

جویای آن شو!

ابلهان ابلهانه اش مینامند،

و پلیدان، پلید!

علیه پلیدی ها و بلاهت هاست.

استثمارگران جنایتش مینامند

اما، ما میدانیم

که پایان جنایت هاست.

نه حماقت،

که پایان حماقتهاست.

نه معما،

که گشایش است و آسودگی

آسودگی ای که

دشوار متحقق می شود.

تو که استثمارگر نیستی

درکش توانی کرد.

برتولت برشت